



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

احکام خلوت و آثار آن در فقه اسلامی

رساله ماستری

محصل : حبیب الله "بهیج"

استاد رهنما: پوهنمل وزیر محمد "سعیدی"

سال ۱۳۹۸ هـ ۱۴۴۱ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

احکام خلوت و آثار آن در فقه اسلامی

رساله ماستری

محصل: حبیب الله " بهیج "

استاد رهنما: پوهنمل وزیر محمد " سعیدی "

سال ۱۳۹۸ هـ ۱۴۴۱ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

توفیق الله متعال نصیب من گردید، تا این رساله علمی را به وجه احسن به اتمام رسانیدم، و بجا میدانم این رساله را به عنوان تحفه به روح مقدس سالار انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که ما را از تاریکی شرک به روشنایی ایمان کشاند، تقدیم نمایم، و نیز به جامیدانم این تحفه گرانبها را از حیث اینکه یکی از احکام دین مبین اسلام را به برگرفته است به ارواح طیبه اصحاب و یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم، تابعین کرام، مجتهدین عظام و علماء عزیز، که همه برای انتشار و پخش دین مبین اسلام از خود ایثار گری و جان نثاری به خرچ دادند تقدیم نمایم، و هم چنان قابل ذکر است که این اثر علمی را به عنوان تحفه و حسنه به روح مبارک پدر بزرگوارم که در واقع یکی از حامیان اصلی تحصیل و دانش در دیار مان محسوب میگردد، بخصوص حامی اصلی من در طول حیات به ویژه در طول شانزده سال که من مشغول فراگیری علوم بودم با تمام معنی از من حمایت و پشتیبانی کرد تقدیم نمایم، امیدوارم که تا قیام قیامت هر که از این رساله استفاده مطلوب میکنند ثوابش به آن مردی خیر اندیش موصلت نماید، و نیز برای مادر عزیز و مهربانم که دعا گوی همیشه گی من بوده و در مسیر تشویق و رساندن بنده به هدف مطلوب، رنج ها و تکالیف فراوان را متحمل گردیده ضمن اینکه از ایشان معذرت خواسته سپاس گذاری میکنم، این رساله را به عنوان تحفه محضر گرامی شان تقدیم مینمایم، و نیز برای برادران، همه بستگان و فامیل عزیزم که مرا در راه تحصیل مادی و معنوی همکاری و تشویق نمودند سپاس نموده این رساله را حضورشان به حیث تحفه تقدیم نمایم، و در پایان با سپاس فراوان از اساتید و جامعه علمی افغانستان و شهدای راه تحصیل و دانش مخصوصا استاد شهید دکتور عبدالباقی امین، استاد شهید دکتور محمد ایاز نیازی و بقیه اندیشمندان که نتوانستم از ایشان ذکر نام کنم، این رساله را به گونه تحفه و هدیه تقدیم شان مینمایم.

تشکر و تقدیر

(بَلِ اللّٰهُ فَاَعْبُدْ وَكُنْ مَعَ الشّٰكِرِيْنَ) (۱)

با تمسک به این آیت مبارکه قرآن کریم لازم میدانم، تا استادان و برادران که در امر تحریر و تهیه این رساله همکاری نمودند تشکری و سپاس گذاری نمایم .

به این ملحوظ نخست از همه مناسب میدانم، تا از دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخصوص وزارت محترم تحصیلات عالی کشور تشکری و قدر دانی نمایم ، که زمینه را برای فرا گیری علوم و تحصیل فراهم نمود و ما توانستم با استفاده از آن تا این مرحله به تکمیل تحصیل نایل آیم ، و نیز تشکر میکنم از اداره محترم پوهنتون سلام به ویژه اداره بورد ماستری پوهنهی شرعیات، که در تنظیم امور متعلق به مرحله ماستری همکاری نموده زمینه تحصیل را تسهیل بخشیدند.

و خاصتاً از استاد مشفق و رهنمایی عزیزم فضیلت مآب محترم استاد وزیر محمد «سعیدی» که در چگونگی تحریر و گردآوری این رساله زحمت کشیده و در تصحیح کلمات و جملات آن تلاش بی درنگ نمودن، و ما هم با استفاده از رهنمای ها و نصایح سودمندشان کوشیدیم تا این رساله به توفیق الله متعال به اتمام رسید ، از ایشان قلباً سپاس گذاری و قدر دانی نموده تشکر میکنیم، و نیز از همه اساتید که طی سه سال با ما همکاری وهم و نوایی داشتن ابراز قدر دانی و سپاس گذاری مینمایم .
در پایان از الله ذوالجلال برای خویش و همه مسلمانان توفیق بیشتر تمنی مینمایم .

جزاهم الله أحسن الجزاء

خلاصه (چکیده)

این رساله که حاوی مقدمه و سه فصل و نتیجه گیری است موارد ذیل را مورد بحث قرار داده است

۱ - مقدمه که شامل اهمیت موضوع ، سوالات اصلی و فرعی ، مراجع قبلی ، و منهج بحث ، و اسباب اختیار موضوع ، تذکر رفته است .

۲ - فصل اول که در آن مباحث ، مفهوم خلوت ، انواع و موانع بحث صورت گرفته است، مبحث اول آن شامل مطالب مفهوم خلوت از حیث لغت و اصطلاح فقهاء ، بحث شده است .

مبحث دوم آن بحث خلوت با مخطوبه که شامل مطالب تعریف خطبه از حیث لغت و اصطلاح فقهاء، و هم چنین مناقشه تعریف ها و تعریف مختار از آن نیز اخذ شده ، حکم خلوت با مخطوبه فروعاً اباحت و حرمت مستدل با آیات قرآن کریم و احادیث ، و نیز ضررهای که متوجه مخطوبه میگردد باروی کرد نظریات علماء بحث شده است .

مبحث سوم آن مشتمل انواع خلوت که شامل مطالب خلوت صحیحه ، خلوت فاسده ، چگونگی ثبوت خلوت ، و خلوت بوسیله آلات الکترونیکی میباشد که با دلایل مقنع تحقیق صورت گرفته است .

مبحث چهارم آن موانع خلوت را مورد بحث قرار داده که مشتمل مطالب موانع متعلق به مردان و زنان و مفهوم انواع موانع از حیث لغت و اصطلاح با ارایه اقوال فقهاء تحت غور قرار گرفته است

۳ - فصل دوم آن مشتمل خلوت با اجنبی بوده که مشتمل مباحث ذیل میباشد .

مبحث اول آن که شامل مقصود از اجنبی بوده مطالب چون تعریف اجنبی از حیث لغت و اصطلاح ، تعریف محارم و انواع آن ، حکم خلوت با اجانب با فروع آن ، که با استدلال و دلایل مستند مورد بحث قرار گرفته است .

مبحث دوم آن شامل خلوت با اجنبی از جهت عذر بوده ، که شامل مطالب خلوت با اجنبی از جهت عذر ، تعلیم ، علاج ، سفر ، کار ، بوده که با استدلال از آیات قرآن کریم ، احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم ، و دیدگاه های فقهاء مورد بحث قرار گرفته است .

۴ - فصل سوم آن شامل آثار مرتب بر خلوت بوده که مبحث اول آن مطالب تعریف مهر از حیث لغت و اصطلاح فقهاء ، و آثار مرتبه خلوت بر مهر را با تبانی نظریات فقهاء مورد بحث قرار داده است .

مبحث دوم آن شامل اثر خلوت بر عدت بوده، که مطالب تعریف عدت از حیث لغت و اصطلاح فقهاء، انواع عدت، و اثر خلوت بر عدت را با استدلال دلایل قوی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

مبحث سوم آن اثر خلوت صحیحه بر نسب را شامل بوده که مطالب تعریف نسب از حیث لغت و اصطلاح و اثر خلوت صحیحه بر نسب را با دلایل مورد بحث قرار داده است.

مبحث چهارم آن اثر خلوت صحیحه بر طلاق رجعی را مورد بحث قرار داده که مشتمل مطالب تعریف طلاق رجعی از حیث لغت و اصطلاح، انواع رجعت، و اثر خلوت صحیحه بر طلاق رجعی بوده و با دلایل تمام مورد بحث قرار داده است.

مبحث پنجم آن که اثر خلوت صحیحه بر نفقه را شامل بوده و مطالب چون تعریف نفقه از حیث لغت و اصطلاح، و اثر خلوت بر نفقه را با ارایه دیدگاه فقهاء مورد بحث قرار داده است.

مبحث ششم آن اثر خلوت صحیحه بر مصاهرت را تحت غور قرار داده که مشتمل مطالب تعریف ربیبه از حیث لغت و اصطلاح و نیز اثر خلوت صحیحه بر تحریم ربیبه را میباشد.

مبحث هفتم آن اثر خلوت صحیحه را بر احصان شامل بوده که مطالب تعریف احصان از حیث لغت و اصطلاح، و اثر خلوت صحیحه را با دلایل مقنع تحت بحث قرار داده است.

مبحث هشتم آن خلوت صحیحه با چهارم که پنجم حرام میسازد با دلایل قوی مورد بحث قرار داده است.

مبحث نهم آن اثر خلوت بر تحلیل را تحت بحث قرار داده که شامل مطالب مفهوم تحلیل از حیث لغت و اصطلاح، حکم تحلیل، و اثر خلوت صحیحه را بر تحلیل با استناد آیات قرآن کریم، احادیث، و اقوال فقهاء مورد بحث قرار داده است.

در آخر نتیجه گیری که حاوی نکات مهم بر خواسته از محتوای موضوع بوده، در این رساله تذکر رفته است.

و نیز از مصادر و منابع که از آن در گردآوری این رساله استفاده شده یاد آوری شده.

و هم چنان فهرست آیات قرآن کریم، احادیث گرانبهای رسول الله صلی الله علیه وسلم، و نیز فهرست اعلام در این رساله تذکر رفته است.

فهرست عناوین

| صفحات | عناوین |
|---------------|--|
| أ..... | خلاصه (چکیده)..... |
| ب..... | اهداء..... |
| ج..... | <u>تشکر و تقدیر</u> |
| ه..... | فهرست موضوعات..... |
| 1..... | مقدمه..... |
| 8..... | فصل اول: مفهوم خلوت، انواع و موانع آن |
| 8..... | مبحث اول مفهوم خلوت..... |
| 9..... | مطلب اول: مفهوم خلوت در لغت و اصطلاح..... |
| 13..... | مبحث دوم: خلوت با مخطوبه..... |
| 13..... | مطلب اول: تعریف خطبه (خواستگاری)..... |
| 16..... | مطلب دوم: حکم خلوت با خانم که از وی خواستگاری شده است..... |
| 23..... | مطلب سوم: ضررهای که بر خلوت با مخطوبه مرتب میگردد..... |
| 26..... | مبحث سوم: انواع خلوت..... |
| 23..... | مطلب اول: خلوت صحیحه..... |
| 28..... | مطلب دوم: خلوت فاسده..... |
| 26..... | مطلب سوم: چگونگی ثبوت خلوت..... |
| 29..... | مطلب چهارم: خلوت بوسیله آلات الکترونیکی..... |
| 37..... | مبحث چهارم: موانع خلوت..... |
| 37..... | مطلب اول: موانع متعلق به مردان..... |

35.....مطلب دوم: موانع متعلق به زنان

42..... فصل دوم: خلوت با اجنبی

42.....مبحث اول: مقصود از اجنبی

42.....مطلب اول: تعریف اجنبی

42.....مطلب دوم: تعریف محارم

52.....مطلب سوم: حکم خلوت با اجنبی

88.....مبحث دوم: خلوت با اجنبی از جهت عذر

88.....مطلب اول: خلوت با اجنبی از جهت نماز

91.....مطلب دوم: خلوت با زنان اجنبی از جهت تعلیم

94.....مطلب سوم: خلوت مردان با زنان اجنبی به خاطر علاج

98.....مطلب چهارم: خلوت با زنان اجنبی به خاطر سفر

108.....مطلب پنجم: خلوت با زنان اجنبی به خاطر کار

115..... فصل سوم: آثار مرتبه بر خلوت

115.....مبحث اول: اثر خلوت صحیحه بر مهر

115.....مطلب اول: تعریف مهر در لغت و اصطلاح

115.....مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر مهر

122.....مبحث دوم: اثر خلوت بر عدت

122.....مطلب اول: تعریف عدت

123.....مطلب دوم: انواع عدت

126.....مطلب سوم: اثر خلوت بر عدت

131.....مبحث سوم: اثر خلوت صحیحه بر نسب

131.....مطلب اول: تعریف نسب

131.....مطلب دوم: اثر خلوت بر نسب

| | |
|-----|--|
| 135 | مبحث چهارم : اثر خلوت صحیحہ بر طلاق رجعی..... |
| 135 | مطلب اول: تعریف رجعت..... |
| 136 | مطلب دوم: انواع رجعت |
| 139 | مبحث پنجم: اثر خلوت صحیحہ بر نفقہ |
| 139 | مطلب اول: تعریف نفقہ..... |
| 139 | مطلب دوم: اثر خلوت صحیحہ بر نفقہ..... |
| 142 | مبحث ششم: اثر خلوت صحیحہ بر تحریم مصاہرت و ربیبہ..... |
| 142 | مطلب اول: تعریف ربیبہ |
| 143 | مطلب دوم: اثر خلوت صحیحہ بر تحریم ربیبہ..... |
| 145 | مبحث ہفتم |
| 145 | مطلب اول: تعریف احصان..... |
| 146 | مطلب دوم: اثر خلوت صحیحہ بر احصان..... |
| 149 | مبحث ہشتم : خلوت صحیحہ با خانم چہارم پنجم را حرام میسازد |
| 153 | مبحث نهم : اثر خلوت صحیحہ بر تحلیل |
| 153 | مطلب اول: مفہوم تحلیل |
| 153 | مطلب دوم: حکم تحلیل..... |
| 154 | مطلب سوم: اثر خلوت صحیحہ بر تحلیل |
| 157 | نتیجہ گیری : |
| 161 | پیشنہادات : |
| 162 | فہرست آیات قرآن کریم:..... |
| 166 | فہرست احادیث نبوی صلی اللہ علیہ وسلم: |
| 169 | فہرست إعلام: |
| 172 | فہرست مصادر و مراجع:..... |
| 197 | : Summary of Research |

مقدمه

الحمد لله الذي أنزل كتابه، فجعله معجزة النبي الأعظم، والحجة الدائمة على الخلق، ونيراساً إلى يوم الدين، والصلاة والسلام على سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم، الداعي إلى سبيل ربه بالحكمة والموعظة الحسنة، أرسله الله للعالمين، فأصلح به العباد والبلاد، وعلى آله وأصحابه ومن اتبعه بإحسان إلى يوم الدين.

أما بعد!

بدون شک که شریعت اسلام شامل همه امور زندگی بشر در هر زمان و مکان بوده، که در آن به همه پرسش ها و نیازمندی های انسانی و بشری پاسخ درست ارایه شده است چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ) (۱)

بنابراین یکی از نیازمندی های را که شریعت اسلام آنرا مداوا و معالجه میکند احکام خلوت و آثار آن میباشد و این حکم ارتباط محکم و وثیق با یکی از مقاصد خمسسه اسلام دارد و آن عبارت از حفظ نسل میباشد و نیز دانستن احکام خلوت و آثار آن برای هر مرد و زن مسلمان ضروری بوده تا مسلمانان از آن دوری نموده در فحشا واقع نگردد .

و ما در زمانه قرار داریم که خلوت مردان با زنان عام گردیده و میان خلوت حلال و حرام تفکیک نمی شود و برما لازم است تا بدانیم کدام خلوت جایز و کدام خلوت حرام و ناجایز است و نیز باید بدانیم که بسبب خلوت کدام آثار مرتب و در کدام خلوت ترتب احکام ثابت میگردد، چون بر مسلمانان دانستن آموزه های دینی لازم است تا از آن اطاعت نماید و هم چنان باید بداند که کیفیت خلوت زنان با مردان در سفر، نزد داکتر، با همکار، با درپور، و غیره چگونه بوده باشد که این ضرورت پیداگردید و ما در نوشتن این موضوع به زبان دری مبادرت ورزیدیم تا باشد گوشه از مشکلات امت اسلامی را به آن حل کرده باشیم .

اهمیت تحقیق :

بدون شک که احکام خلوت و آثار آن به مردان و زنان تعلق دارد که اهمیت آن به امور ذیل تحقق میابد :

۱ - در این عصر نوین خلوت مردان با زنان یک عموم بلوی است که دانستن احکام آن از ضروریات اجتماع بحساب میاید

۲ - یکی از واقعیت های عینی جامعه خلوت میان زنان و مردان میباشد باید مسئله تحلیل و تحریم آن واضح گردد

۳ - بایست مسلمانان احکام خلوت و آثار آن را به منهج اسلام بدانند

۴ - هر گاه خلوت و آثار آن از جمله احکام شرعی بوده باشد دانستن آن نیز بر همه مسلمانان لازمی و ضروری پنداشته میشود

۵ - بدون شک در این ایام خلوت زنان و مردان از طریق وسایل و آلات الکترونیکی بوسیله موبایل، کامپیوتر، انترنیت و غیره آلات جدید صورت میگرد و خطرهای را متوجه مسلمانان میگرداند بناءً لازم است به دانستن احکام و موارد متعلق به آن تا باشد از شیوع خطرهای ناشی از خلوت جلوگیری به عمل آید.

اهداف تحقیق :

تحقیق این رساله به منظوری اهداف چندی صورت گرفته است

۱ - تفکیک میان خلوت مباح و حرام ، که در تبانی بر آن افکار عامه روشن گردد

۲ - جلوگیری از مخالفت های بی مورد که باعث مشکلات میگردد

۳ - آشنایی با اضرار متوجه ، ناشی از خلوت

۴ - دانستن آثار که از اثر خلوت به وجود میاید

۵ - دانستن خلوت های مؤثر و غیر مؤثر و تفکیک میان هر دو

۶ - بیان تصویر درست از خلوت ها

مشکلات بحث :

از آن جای که افغانستان یکی از کشورهای فقیر و عقیب مانده در جهان کنونی بوده، که مشکلات زیادی پیش روی مردم مان وجود دارد، مخصوصاً اهل علم، و طلبه علوم مشکلات زیادی را متحمل میشود، چون بی توجهی حکومت در قبال اهل و هم چنان تنگدستی و فقر نیز از مشکلاتی میباشد که کتاب نویسان به آن مواجه میشوند.

من نیز در تحقیق این رساله به مشکلات زیادی مواجه شدم، و با تلاش بی درنگ و زحمات بی نهایت موفق شدم تا این رساله را، با جمع آوری از کتب و رسایل به اکمال برسانم.

و عمده ترین مشکلات که به آن مواجه شدم قرار ذیل است:

۱ - نبود امکانات کافی در پیش برد تحقیق علمی

۲ - نبود منابع و مآخذ تحقیقی که جوابگوی همه نیاز مندی های رساله تحقیقی بوده باشد

۳ - بی امنیتی های متواتر که باعث توقف اثری تحقیقی بنده گردید.

سوال ها اصلی:

۱ نظریه اسلام در مورد اینکه زنان با مردان به گونه های مختلف خلوت میکنند چیست؟

۲ آیا همه اختلاط مردان با زنان در همه حالات ممنوع بوده و یا خیر؟

۳ آیا خلوت به وسیله آلات الکترونیکی جواز دارد یا خیر؟

۴ چی آثاری از خلوت بوجود میاید؟

سوالهای فرعی:

۱ آیا خلوت با محرّمات ابدی و موقتی به حکم واحد میباشد؟

۲ آیا مردان و زنان با هم به خاطر کار خلوت کرده میتواند یا خیر؟

۳ آثار منفی خلوت در جامعه اسلامی چیست؟

مرور بر کتاب های سابقه:

در این مورد با توجه به زحمت فقهای امت اسلامی، تعدادی زیادی از فقهاء تحریرات داشته است، یا به شکل موضوعی و یا هم به شکل ضمنی چیزی در این باره از فقهاء سلف به ما رسیده است اما از علماء متأخرین نیز عده در این باره کتابهای نوشته است از جمله "احکام خلوت فی الفقه الاسلامی"

تالیف سمر محمد ابو یحیی رساله ماستری در پوهنتون اردن سال ۱۹۹۵ م - و نیز "الخلوت و اثرها فی الفقه الاسلامی" تالیف فاتن محمد عبدالله رساله ماستری در پوهنتون ریاض پوهنحی شرعیات سال ۱۴۱۴ هـ - و هم چنان "الخلوت و آثارها المترتبه علیها" تالیف دکتور ناصر محمد نشوی در پوهنتون سکندریه سال ۲۰۰۴ م - که همه به زبان عربی بوده و ضرورت بود تا در این باره کتاب به زبان فارسی تحریر گردد تا مشکلات آنان که به زبان عربی بلدیت ندارد نیز حل گردد و به توفیق پروردگار عالم این رساله را در مقارنه باقوانین افغانستان به رشته تحریر در آوردم تا باشد گوشه از مشکلات مردم مانرا حل نماید .

منهج بحث :

در این رساله با توجه به اسلوب نویشتاری از دو منهج استفاده نموده ام :

۱ - منهج تحلیلی

۲ - منهج موضوعی

در این رساله در مواردی فرعی از خلال اقوال فقهاء و ائمه دین و هم چنان از نحوه استدلالات شان نیز استفاده اعظمی نموده ام و به قدر توان بشری میان گفته ها و اقوال موازنه نموده و قول راجح را نیز تعیین نموده ام

و باید گفت که در استفاده از اقوال فقهاء به فقهاء معتبر اعتماد شده و برآرای راجح عمل شده است و به منابع قدیمه و جدیده مراجعه شده است و نیز در کاربرد اصطلاحات و مطالب به معانی لغوی و اصطلاحی پرداخته ام

در این رساله آراء و نظریات را با ذکر نام مؤلف و منابع و شماره صفحه نقل و تشریح نموده ام .

خلاصه بحث را نیز نوشته و هر آیت را با نام سوره و شماره آن ذکر نموده ام .

خطه بحث:

اهداء

تشکر و تقدیر

خلاصه (چکیده)

مقدمه

فصل اول: مفهوم خلوت، انواع و موانع آن

مبحث اول مفهوم خلوت

مطلب اول: مفهوم خلوت در لغت و اصطلاح

مبحث دوم: خلوت با مخاطوبه

مطلب اول: تعریف خطبه (خواستگاری)

مطلب دوم: حکم خلوت با خانم که از وی خواستگاری شده است

مطلب سوم: ضررهایکه بر خلوت با مخاطوبه مرتب میگردد

مبحث سوم: انواع خلوت

مطلب اول: خلوت صحیحه

مطلب دوم: خلوت فاسده

مطلب سوم: چگونگی ثبوت خلوت

مطلب چهارم: خلوت بوسیله آلات الکترونیکی

مبحث چهارم: موانع خلوت

مطلب اول: موانع متعلق به مردان

مطلب دوم: موانع متعلق به زنان

فصل دوم: خلوت با اجنبی

مبحث اول: مقصود از اجنبی

مطلب اول: تعریف اجنبی

مطلب دوم: تعریف محارم

مطلب سوم: حکم خلوت با اجنبی

مبحث دوم: خلوت با اجنبی از جهت عذر

مطلب اول: خلوت با اجنبی از جهت نماز

مطلب دوم: خلوت با زنان اجنبی از جهت تعلیم

مطلب سوم: خلوت مردان با زنان اجنبی به خاطر علاج

مطلب چهارم: خلوت با زنان اجنبی به خاطر سفر

مطلب پنجم: خلوت با زنان اجنبی به خاطر کار

فصل سوم: آثار مرتبه بر خلوت

مبحث اول: اثر خلوت صحیحه بر مهر

مطلب اول: تعریف مهر در لغت و اصطلاح

مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر مهر

مبحث دوم: اثر خلوت بر عدت

مطلب اول: تعریف عدت

مطلب دوم: انواع عدت

مطلب سوم: اثر خلوت بر عدت

مبحث سوم: اثر خلوت صحیحه بر نسب

مطلب اول: تعریف نسب

مطلب دوم: اثر خلوت بر نسب

مبحث چهارم: اثر خلوت صحیحه بر طلاق رجعی

مطلب اول: تعریف رجعت

مطلب دوم: انواع رجعت

مبحث پنجم: اثر خلوت صحیحه بر نفقه

مطلب اول: تعریف نفقه

مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر نفقه

مبحث ششم: اثر خلوت صحیحه بر تحریم مصاهرت و ربیبه

مطلب اول: تعریف ربیبه

مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر تحریم ربیبه

مبحث هفتم: اثر خلوت صحیحه بر احصان

مطلب اول: تعریف احصان

مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر احصان

مبحث هشتم: خلوت صحیحه باخانم چهارم پنجم را حرام میسازد

مبحث نهم: اثر خلوت صحیحه بر تحلیل

مطلب اول: مفهوم تحلیل

مطلب دوم: حکم تحلیل

مطلب سوم: اثر خلوت صحیحه بر تحلیل

نتیجه گیری:

پیشنهادات:

فهرست آیات قرآن کریم:

فهرست احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم:

فهرست اعلام:

فهرست مصادر و مراجع:

ومن الله التوفیق

فصل اول مفهوم خلوت انواع و موانع آن

این فصل مشتمل بر چهار مبحث میباشد

مبحث اول مفهوم خلوت

مبحث دوم خلوت با مخاطوبه

مبحث سوم انواع خلوت

مبحث چهارم موانع خلوت

فصل اول

مفهوم خلوت، انواع و موانع آن

مبحث اول مفهوم خلوت

مطلب اول: مفهوم خلوت در لغت و اصطلاح

۱ - خلوت در لغت به معانی زیادی آمده است که به معانی مشهور آن میپردازیم .

آ: خالی بودن : که به فتح خاء ماخوذ از خلا ، خلواً ، و خلاءً ، که مفهوم آن خالی بودن است . و عربها در استعمالات شأن میگویند: خلا المكان والثناء وقتی که خالی از هر چیزی باشد و همچنان میگویند : خلا الفلان من العیب ، وقتی که از عیب خالی بوده باشد و نیز میگویند: قدخلت الدار، و وجدت الفلان مخلیةً ، وقتی که شخص خالی از هر چیزی باشد^۱ و نیز میگویند : خلا الفلان بزوجه وقتی که کسی باخانم خود تنها بوده باشد و میگویند : " اذا خلت المرأة من مانع النکاح فهي خلیة " وقتی که خانم از موانع نکاح خالی شد همان خالی از موانع است^۲ .

و هم چنان میگویند : " اخلی الفلان " وقتی که مردی در مکان خالی قرار بگیرد که هیچ مزاحیم نباشد^۳ .

و نیز میگویند : " خلا الفلان بصاحبه " وقتی که مردی با رفیق خود تنها بوده باشد^۴ .

چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ) (5)

ترجمه : هرگاه منافقین با دیگر منافقین تنها میشدند میگویند که ما با شما هستیم . که درین جا نیز خلوت به معنی شدن با کسی آمده است .

هم چنان ابن منظور^۱، علامه ازهری^۲، کلمه الخال را به مرد که بدون خانم و خانم بدون شوهر ترجمه کرده است^۳ .

(1) لسان العرب تألیف محمد ابن مکرم مشهور به ابن منظور طبع دوم چاپ بیروت نشر دار صادر ۱ جلد ۱۴ | ص ۲۳۷ |

(2) مصباح المنیر تألیف احمد بن محمد المقرئ ۱ بیروت ۱ مکتبه علمیه ج ۱ | ص ۱۸۱ |

(3) معجم الوسیط تألیف احمد حسن مشهور به زیات نشر دار الدعوة ج ۱ | ص ۲۵۴ |

(4) لسان العرب ج ۱ | ص ۱۱۴ | او تهذیب اللغة تألیف ابومنصور محمد بن احمد الازهری چاپ بیروت/ نشر دار الاحیاء التراث العربی

ج ۱ | ص ۲۳۵ |

(5) سوره بقره آیه ۱۴۱ |

ب: ستر: خلوت به معنی ستر آمده است چنانچه میگویند خل و جهک، وقتی که به کسی بگوید خود را از دیگران پنهان کن.^(۴)

ج: انفراد: چنانچه در محاورات آمده است، خلوت به او معه، و یا هم میگویند اخلیت به، وقتی که با کسی تنها بوده باشد.^(۵)

د: اقتصار: چنان که میگویند: خلا علی البعض الطعام، وقتی که غذا بر کسی خاص داده شود. بناءً از همه این تعریف ها بوضاحت تمام معلوم میگردد که معنی خلوت در لغت خارج از معنی اول نبوده بلکه همه استعمال ها همان معنی اول افاده میکند و دانسته میشود که معنی خلوت خالی بودن، انفراد، و اقتصار میان دو جنس مختلف میباشد یعنی اینکه خلوت وقتی ثابت میگردد که دو شخص مختلف الجنس باهم در یک مکان بدون مزاحیم و پوشیده از انظار مردم قرار بگیرد.

۲ - مفهوم خلوت در اصطلاح: مفهوم خلوت در اصطلاح فقهاء و آراء آنها به چند نوع آمده است که هرفقیه از خود تعریف مشخص دارد، که من تعریفات هر واحد را به شکل مفصل ذیلا بیان میدارم که از آن نظریات هر کدام تبارز میکند.

1 - فقهاء حنفی: فقهاء احناف خلوت را چنین تعریف نموده است (الخلوة هی اجتماع الزوجین فی مکان ما مع انتفاء الموانع الشرعیة والطبیعیة والحسیة)^۶ یعنی اینکه خلوت عبارت از یکجاشدن زن و شوهر است در یک محل که موانع شرعی، حسی، و طبیعی وجود نداشته باشد. به اساس این تعریف گفته میتوانیم که فقهاء حنفی خلوت را مشروط به نبود موانع ساخته است.

2 - فقهاء مالکی: فقهاء مالکی در تعریف خلوت چنین میگویند: (الخلوة هی اجتماع الزوجین فی مکان ترخی فیہ الستور ان وجدت والا فیکفی اغلاق الموصول لهما بحیث لا یصل الیهما احد)^(۷) یعنی

(1) ابو الفضل محمد بن مکرم بن علی جمال الدین بن منظور انصاری رویفعی افریقایی یکی از فقهاء اسلامی و مورخ بزرگ و لغت دان معروف میباشد که در سال ۱۲۳۳ متولد و در سال ۱۳۱۱ هجری در قاهره وفات نموده است.

(2) ابو منصور محمد بن احمد بن ازهری هروی از علمای ادب عرب و زبان شناس قرن چهارم هجری است که متوفی سال ۳۷۰ هجری میباشد

(3) لسان العرب ج ۱۱۴ ص ۲۳۷ تهذیب اللغة ج ۱ ص ۱۷۱ / ۱۲۳۲

(4) لسان العرب / ج ۱۴ / ۲۳۸ /

(5) مرجع سابق

(6) حاشیه رد المحتار علی بر المختار تألیف علاء الدین محمد امین مشهور به ابن عابدین الشامی چاپ بیروت نشر دارالمعرفه ج ۱ ص ۱۳ ص ۱۱۴ و المبسوط تألیف شمس الدین سرخسی چاپ بیروت نشر دارالمعرفه ج ۱ ص ۱۵۰ / ۱۱۵۰

(7) مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل تألیف محمد عبدالرحمن الحطاب چاپ بیروت نشر دار الفکر ج ۱ ص ۱۴۱ / ۱۱۴۱

اینکه خلوت عبارت از یکجاشدن زن وشوهر است در جای که اگر پرده موجود باشد پرده ها پایین شده باشد و اگر موجود نباشد کفایت میکند بند کردن راه های که بسوی آنها وصل میگردد بقسم که هیچ کس بآنها وصل شده نتواند .

بناءً از نظر فقهاء مالکی نیز خلوت زمان ثابت میگردد که همه راه های منتهی به آنها مسدود بوده و هر دو خود را از مزاحمت دیگران راحت احساس کند ، گرچند فقهاء مالکی از مشروطیت موانع به صراحت سخن نگفته اما از ذکر پرده در تعریف اشارتاً دانسته میشود که فقهاء مالکی نیز به انتفاء موانع قول دارند و نیز دانسته میشود که میان فقهاء حنفی و مالکی ها تقارب دیدگاه وجود دارد چون هر دو فریق به انتفاء موانع قول دارند گرچند که احناف به صراحت و مالکی ها اشارتاً به آن پرداخته است که از کلمات (ارحاء الستور) و (اغلاق موصل) دانسته میشود که برای امتناع موانع است .

۳- فقهاء شافعی: فقهاء شافعی نیز از خود در خصوص خلوت تعریف نموده اند که میگویند (الخلوۃ هی ان یجتمع الزوجان فی مکان تغلق ابوابه وترخی الستوره)^۱ یعنی خلوت عبارت از آن است که زن وشوهر در محل جمع شود ، که دروازه اش قفل و پرده اش پایین شده باشد درین جا میان تعریف شافعی ها و مذاهب فوق هیچ تفاوت دیدگاهی وجود ندارد

چون هر دو فریق به یک اصل اتفاق نظر دارند اگرچند تعبیرها فرق میکند اما در واقع یک موضوع را که راحت بودن زن وشوهر است در مکان که همه راه های موصل به آنها مسدود بوده باشد که کسی نتواند به آنها داخل گردد به بحث گرفته است .

4 - حنبلی ها : تعریف خلوت از نظر حنبلی ها چنین است (الخلوۃ هی انفراد الرجل بزوجه بعد ابرام العقد الصحیح)^۲ اینکه زن وشوهر بعد از عقد نکاح صحیح تنها بوده باشد .

ازین تعریف چنین برمیآید که فقهاء حنبلی نسبت به هر سه مذهب فوق در تعریف خلوت تعمیم نموده و خلوت را بدون قیود مندرجه در تعریف فقهای ثلاثه ثابت میدانند یعنی اینکه به مجرد که مرد باخانم خود تنها گردد ، به هر کیفیت باشد ، خلوت ثابت گردیده احکام مرتب میگردد . بناءً میان فقهاء

(1) مغنی المحتاج تالیف محمد خطیب الشربینی چاپ بیروت : دارالفکر ج ۱ ص ۱۳ | ۲۲۵ | الحاوی الکبیر تالیف علی بن محمد الماوردی بیروت طبع اول چاپ بیروت نشر دارالکتب علمیه ج ۱ ص ۱۱۰ | ۲۸۴ |
 (2) مغنی المحتاج تالیف محمد خطیب الشربینی چاپ بیروت ج ۱ ص ۱۳ | ۲۲۵ | الحاوی الکبیر تالیف علی بن محمد الماوردی بیروت ج ۱ ص ۱۰ | ۲۸۴ |

حنبلی و جمهور فقهاء تفاوت دیدگاه وجود دارد چون جمهور در تعریف خلوت قیود را ذکر نموده است که حنبلی ها به آن نپرداخته است .

5 - علماء معاصرین : بعد از اینکه تعریف واقوال فقهاء را قبلاً ذکر نمودم لازم میدانم تا اقوال فقهاء معاصر را نیز ذکر کنم، تا باشد در قبال موضوع مطروحه وضاحت بیشتر و سهم درست گرفته باشم . پس در اینجا تعریف را ذکر میکنم که عده زیادی از فقهاء معاصربه آن قول کرده اند و میگویند : (الخلوة الصحيحة هي ان يجتمع الزوجان بعد عقد الصحيح في مكان يتمكنان فيه من التمتع الكامل بحيث يأمنان دخول احد عليهما وليس باحدهما مانع الطبعي او الحسي او الشرعي يمنع من الاستمتاع) (۱) خلوت صحیح همان است که زن و شوهر بعد از عقد صحیح در جایکه قدرت دارند از یک دیگر لذت ببرند بگونه که در امن باشد از دخول دیگران بر بالای آنها و در هیچ کدام شان موانع طبعی یا حسی و یا هم شرعی وجود نداشته باشد که از نفع بردن منع کند . از این تعریف چنین برمیآید که معاصرین از فقهاء در تعریف خلوت با فقهاء احناف هم نظر بوده که هم گون با احناف قیود و شرایط را ملحوظ میدانند .

ترجیح : بعد از تقدیم نظریات واقوال فقهاء متقدم و معاصر لازم میدانم تا قول راجح را با ذکر نکات و دلایل ترجیح خدمت خوانندگان عزیز نیز تقدیم نمایم .

من از میان اقوال فقهاء در خصوص تعریف خلوت در متابعت فقهاء معاصر قول احناف را ترجیح میدهم چون در این تعریف قیودات ذکر گردیده که بر مفهوم خلوت قوت بیشتر میبخشد .

چنانچه در تعریف از امتناع موانع تذکر گرفته است که مفهوم خلوت را صحت میدهد و نیز در تعریف خلوت را میان زن و شوهر قرار داده است که از آن حالات که خلوت تحقق نمیآید احتراز میشود مانند اینکه اگر کسی در حج باشد و یا شخص سوم وجود داشته باشد و یا هم خلوت میان دواجنبی صورت بگیرد که احکام از آن ثابت نگردیده و آثار نیز بر آن مرتب نمیگردد .

(1) فقه الاسلامی وادلتہ تالیف علامه وهبة الرحیلی ج ۱ ص ۱۷۱ و عقدا الرواج و آثاره تالیف محمد ابوزهره ۱ ص ۲۵۱ الاحوال الشخصية تالیف محمد محی الدین ۱ ص ۱۴۳

به این ملحوظ می‌گوییم که تعریف احناف در خصوص خلوت که فقهای معاصر نیز به آن قول کرده است راجح می‌باشد .

قوانین افغانستان:

در قانون مدنی افغانستان نیز اصطلاح خلوت بکار رفته است ، ولی تعریف واضح از خلوت ارایه نشده است ، بطور مثال که در مواد قانون مدنی افغانستان آمده است .

ماده 91 : در مورد لزوم کل مهر خلوت صحیح حکم دخول را در نکاح صحیح دارد ، گرچه زوج عین باشد هم چنان در مورد اثبات نسب ، نفقه ، حرمت نکاح خواهر زوجه ، حکم خلوت صحیح عینا حکم دخول در نکاح صحیح را دارا می‌باشد .

ماده 98 : کل مهر باوطی ، خلوت صحیح ، یا وفات یکی از زوجین گرچه قبل از دخول یا خلوت صحیح صورت گرفته باشد لازم می‌گردد .

ماده 105 : هر گاه تفریق قبل از دخول یا خلوت صحیح واقع گردد ، در صورت تسمیه ، زوجه نصف مهر مسمی را مستحق میشود .

شرح : هر گاه در مواد قانون مدنی افغانستان نظر میکنیم ، دیده میشود که قانون مدنی افغانستان اصطلاح خلوت را به کار برده است ، اما تعریف واضح در زمینه دیده نمیشود، که مراد اصطلاح مذکور در مدونه تقنین را دانسته شود ، اما قرآین وجود دارد که مراد این اصطلاح همان تعریف است که فقهاء احناف به آن پرداخته است ، چون اکثریت مردم افغانستان پیرو مذهب احناف بوده و نیز بسیاری از احکام قضایی افغانستان و جزایهای حدود و قصاص مطابق به فقه احناف تطبیق می‌گردد .

مبحث دوم : خلوت با مخاطوبه

مطلب اول : تعریف خطبه (خواستگاری)

۱ - تعریف خطبه در لغت : خطبه که به کسر خاء آمده است در اصل واژه عربی بوده که به معنی دعوت ، طلب نمودن ، تقاضاء نمودن برای ازدواج ، زن خواستگاری شده ، میباشد مثلا که عربها میگویند : الخطب ؛ برای خانم که خواستگاری شده است ۱ وهم چنان . میگویند: الخطب: برای مردی که از خانم خواستگاری کرده است. (۲)

هم چنان میگویند: اختطب القوم فلانا : وقتی که مردم کسی را برای ازدواج اقارب شان دعوت کند ۳ ونیز میگویند: اختطب المرأة : وقتی که خانم را خواستگاری کند ویا کسی را برای ازدواج خانم بخواهد (۴)

در جاهلیت روش خواستگاری مردم چنان بود که مردان هرگاه اراده خواستگاری رامیکردند ، در بلندی بالا میشد و فریاد سرمیداد و میگفت: خطب ! یعنی تقاضایی نکاح را دارد و کسی که میخواست در جواب میگفت : نکح ! یعنی با تو نکاح کردم ۵ اما بعد از ظهور دین مقدس اسلام این روش تغیر خورد و طریقه معقول و پسندیده که مردم را عزت میبخشد اختیار گردید که در ضمن ارایه آرای فقهاء ، مفهوم خطبه در اصطلاح واضح میگردد .

۲- تعریف خطبه اصطلاحا : خطبه در اصطلاح فقهاء به چند نوع و تراکیب تعریف شده است که

آنرا از نظر هر مذهب ذیلا بیان میدارم

أ - فقهاء احناف میگویند: الخطبة بكسر الخاء طلب الزواج (۶) - یعنی خطبه در اصطلاح بمعنی

طلب ازدواج میباشد

(۱) معجم الوسیط تألیف حامد عبدالقادر ابراهیم احمد حسن زیات اج ۱۱ ص ۲۴۳ | لسان العرب اج ۱۱ ص ۱۳۶۰

(۲) العین تألیف خلیل بن احمد الفراهیدی دارالمکتبه هلال اج ۱۴ ص ۱۲۲۲

(۳) العین اج ۱۴ ص ۱۲۲۲

(۴) المعجم الوسیط اج ۱۱ ص ۲۴۳

(۵) العین اج ۱۴ ص ۱۲۲۲

(۶) حاشیه ابن عابدین اج ۳ ص ۱۸

ب - فقهاء مالکی میگویند: الخطبة هي التماس النكاح (۱) - یعنی خطبه عبارت از خواهش برای نکاح میباشد وبعبارت دیگر: الخطبة: هي التماس التزويج (۲) یعنی که خطبه عبارت از خواهش برای ازدواج میباشد و نیز میگویند: الخطبة هي استدعاء النكاح ويجرى من المحاوره (۳) یعنی که خطبه عبارت است از درخواست نکاح و این درخواست باگفت و گوی ثابت میگردد .

ج - شافعی ها میگویند : الخطبة هي التماس الخاطب النكاح من جهة المخطوبة (۴) - یعنی که خطبه عبارت است از خواهش خواستگار از خانم خواستگاری شده که با او نکاح کند . و یا به عبارت دیگر میگویند : الخطبة هي طلب التزويج (۵) - یعنی که خطبه عبارت از خواستن برای ازدواج میباشد .

د - حنبلی ها میگویند : الخطبة هي التماس الخاطب النكاح من جانب المخطوبة (۶) - یعنی که خطبه عبارت از خواهش خواستگار است از خانم خواستگار شده که با وی نکاح کند .

این بود دیدگاه های فقهای چهارگانه که در مورد تعریف خطبه در اصطلاح فقهاء کرام ارایه شد اما از خلال تعریف ها به وضاحت میابیم که خطبه در اصطلاح فقهاء محض وعده به نکاح میباشد ، اما هر گاه طرفین به اتفاق برسند و یک دیگر را بپذیرند به آن عقد، گفته میشود .

۳- مناقشه تعریف ها :

اگر نظر دقیق به تعریف های متذکره نمایم ، میابیم که فقهاء احناف و مالکی رحمهم الله از خطبه تعریف جامع را ارایه نموده اند چون تعریف ایشان شامل خطبه مردان ، زنان ، وکیل و ولی خانم ها میگردد و اما این تعریف مانع نبوده زیرا در این تعریف خطبه مشروع و غیر مشروع نیز شامل میباشد ، چنانچه به این مطلب شیخ نایف محمود الرجوب (۷) اشاره کرده است . (۸)

-
- (1) فواکه الدوانی تألیف احمد بن غنیم بن سالم النفراوی چاپ بیروت : دارالفکر اج ۱۲ ص ۱۱۰ حاشیه دسوقی اج ۱۲ ص ۱۲۱۶ منح الجلیل شرح مختصر الخلیل تألیف محمد عبدالرحمن الحطاب ، بیروت ، دارالفکر اج ۱۳ ص ۱۲۵۷ شرح الکبیر اج ۱۲ ص ۱۲۱۶
 - (2) فواکه الدوانی اج ۱۲ ص ۱۱۱
 - (3) مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل اج ۱۳ ص ۱۴۰۷
 - (4) اعانة الطالبین اج ۱۳ ص ۲۶۵ فاتح الوهاب اج ۱۲ ص ۱۵۶ حواشی شروانی علی تحفة المحتاج بشرح منهاج ابیروت اج ۱۷ ص ۲۰۹
 - (5) مغنی المحتاج اج ۱۳ ص ۱۳۵ حاشیه الجمل علی شرح منهج اج ۱۴ ص ۱۱۲۸
 - (6) المجموع للنووی ابوزکریایحی بن شرف النووی مشهور به امام نووی اج ۱۷ ص ۱۲۵۶
 - (7) الاقناع تألیف الحجاوی اج ۱۲ ص ۱۷۶
 - (7) نایف محمود الرجوب محصل در پوهنتون اردن که در سال ۱۴۲۹ هجری مطابق ۲۰۰۸ میلادی که رساله ماستری را مسمی به احکام الخلوت فی الفقه الاسلامی دفاع و نشر کرده است .
 - (8) احکام الخطبة فی الفقه الاسلامی رساله ماستری ص ۱۵۳

اما تعریف خطبه که از دیدی شافعی ها و حنبلی ها ارایه گردیده تعریف غیر جامع و غیر شامل میباشد، زیرا آنها تعریف را مقصور بر خطبه مردان کرده اند که خطبه زنان، ولی و وکیل را شامل نمی شود، شاید دلیل قصرشان این باشد که غالباً خواستگاری از جانب مردان تحقق میابد اما خواستگاری از جانب زنان و وکیل زنان به ندرت متحقق میگردد چنانچه نایف محمود الرجوب به این مطلب پرداخته است. (۱)

وهم چنان این تعریف نیز خطبه مشروعه و غیر مشروعه را که مورد قبول باشد یا نباشد شامل میگردد .
 ۴- تعریف مختار : از میان تعریف های ذکر شده باید اذعان نمود که احناف و مالکی ها تعریف بهتری را ارایه نموده است اما باید گفت که در این تعریف لازمی است که قید جدید را نیز اضافه نمود که او قید { علی وجه تصح به شرعا } میباشد که میتوان تعریف را چنین ارایه نمود : الخطبة هی التماس النکاح علی وجه تصح به شرعا . یعنی که خواستگاری عبارت از خواهش برای نکاح است بطریقه که از نظر شریعت درست بوده باشد .

و تعریف دیگری را نیز فقهاء ذکر نموده است که میگویند : الخطبة هی طلب الرجل و اظهار رغبتة فی الزواج من امرأة معينة خالية من الموانع الشرعية ۲۰ - یعنی که خطبه عبارت است از خواستن مردان و نمایان کردن علاقه اش در ازدواج برای خانم مشخص که از همه ممانعت های شرعی خالی بوده باشد .

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز به امور خواستگاری پرداخته است که آنرا به نامزدی نیز تعبیر کرده است ، چنانچه در مواد قانون آمده است .

ماده 64 : نامزدی عبارت از وعده به نکاح است ، هر یک از طرفین میتوانند از آن منصرف شوند.

ماده 63 : خواستگاری زن در عدت طلاق رجعی یا باین به عبارت صریح و کنایه و در عدت وفات به عبارت صریح جواز ندارد .

(1) احکام الخطبة فی الفقه الاسلامی | رساله ماستری | ص ۱۵۳
 (2) نظام الاسرة فی الاسلام تألیف دکتور محمد عقله | ج ۱ | ص ۱۱۱ | کفایة الاخیار فی حل غایة الاختصار تألیف تقی الدین ابوبکر بن محمد الحسینی الحصنی | ج ۱ | ص ۳۶۰ | نهاية المحتاج الی شرح المنهاج تألیف شمس الدین محمد بن ابی العباس احمد بن حمزه شهاب الدین الرملی نشر دار الفکر بیروت | ج ۱۶ | ص ۲۰۱

بنا برین قانون مدنی افغانستان نیز مطابق به اقوال فقهاء خواستگاری را تعریف نموده است و در موارد هم احکام را در خصوص خواستگاری ارایه نموده است

در این مورد قاعده فقهی نیز موجود است که بیان میدارد، از چپ کسی میتوان خواستگاری نمود که فقهاء میفرمایند: کل امرأة لایجوز الزواج منها علی سبیل التأیید او التوقیت فانه لایجوز خطبتها بحال^۱.

یعنی هر خانم را که ازدواج با او بطور همیشه گی و یا هم بطور مؤقتی جایز نباشد بدون شک خواستگاری نیز به هیچ حالت از او جایز نمیباشد.

و هم چنان قانون مدنی افغانستان در این مورد پرداخته است:

ماده 62: نامزدی با کسی جواز دارد که در قید نکاح و عدت غیر نباشد.

بناءً قانون مدنی افغانستان موافق قاعده فقهی حکم صادر نموده است و در اینجا گفته میتوانیم که این ماده قانون مدنی افغانستان از اقوال فقهاء سرچشمه گرفته است.

مطلب دوم: حکم خلوت باخانم که از وی خواستگاری شده است

باتوجه به امور خواستگاری و اتمام مراسم خواستگاری که از قبیل لباس پوشاندن، تقدیم تحفه ها برای خانم خواستگاری شده است، اما این خانم برای خواستگار هنوز هم اجنبی میباشد، و حکم خلوت با آن مانند خلوت با زنان اجنبی دیگر میباشد که خلوت نمودن با آن جایز نبوده، ولو که تصمیم بر این داشته باشند که یک دیگر را ببینند، پس خلاصه باید گفت که حکم خلوت با مخطوبه {خانم خواستگاری شده} حرام بوده که فقهاء بر آن اتفاق نموده است و هیچ اختلاف میان شان وجود ندارد ولو که خواستگاری به سالها طول بکشد.

و دلایل که بر تحریم این خلوت (خلوت با مخطوبه) دلالت میکنند نفس همان دلایل است که دلالت بر حرمت خلوت با زنان اجنبی میکنند که در بحث خلوت با اجنبی به آن میپردازیم.

(1) الواضح فی شرح قانون الاحوال الشخصیه الاردنی تألیف د. عمر سلیمان اشقر | عمان | ص ۱۳۰ |

هم چنان از مواد قانون مدنی افغانستان اشارتا دانسته میشود ، که خلوت نمودن با نامزد برای نکاح جایز نبوده ، همانطوری که در ماده قانون به آن پرداخته شده مبنی بر اینکه خواستگاری و یا نامزدی صرف وعده به نکاح است نه عقد نکاح .

بنابراین گفته میتوانیم که قانون مدنی افغانستان خلوت نمودن مردان را با نامزدشان حرام دانسته است ، اگر چند عدم جواز را به صراحت دیده نمیشود اما مفهوم ماده قانون نامزدی را عقد ندانسته است ، بلکه موافق با فقهاء، وعده به نکاح قلم داد نموده است .

و در مورد خطبه دو فرع دیگری نیز تعلق میگیرد ، که لازم میدانم به آن بپردازم .

فرع اول : امور که برای خواستگار و خانم خواستگاری شده مباح میباشد

بعداز اینکه دانستیم خطبه عبارت از محض وعده به عقد ازدواج بوده و نیز دانستیم که جانبین {خاطب و مخطوبه} برای یک دیگر اجنبی بوده، و نیز این را دانستیم که خلوت با خانم خواستگاری شده حرام بوده ، باید بدانیم که شریعت اسلام چند مورد را برای آنها مباح قرار داده است ، که ذیلا بیان میداریم .
 ا - نظر کردن مکرر هر واحد از جانبین بسوی یک دیگر بدون خلوت و شهوت بعد از خواستگاری اما بجزء بطرف روی و کف دست به دیگراندام یک دیگر نبینند ، تا اینکه قلب مرد به دیدن خانم و بالعکس برای ازدواج مطمئن گردد . (۱)

در مورد حق نظر کردن مردان بسوی زنان باید گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مغیره ابن شعبه رضی الله عنه که او خانم را خواستگاری کرده بود میفرماید : {أنظرت الیهما؟ قال : لا ! قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : انظرا لیهما فانه اجدر ان یؤدما بینکما } (۲)

یعنی آیا بسوی او دیدی؟ مغیره گفت نخیر یا رسول الله ! رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش گفت : بسوی او ببین ، زیرا بهتر است که میان شما باعث محبت بیشتر گردد . بنابراین مردان حق دارند که در حین خطبه بسوی مخطوبه خویش نظر کنند ، چنانچه فقهاء مذهب امام احمد رحمه الله میگویند : نظر کردن بسوی مخطوبه با اجازه او ، و نیز بدون اجازه او جایز میباشد ، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه

(1) مغنی المحتاج ج ۳ ص ۱۲۸ | الروض المربع تالیف بهوتی ج ۱۳ ص ۱۶۲ | شرح المنتهی الارادات ج ۱۲ ص ۱۶۲۴

(2) سنن النسائی ج ۱ ص ۶۹ | شماره ۳۲۳۴ | البانی گفته است که حدیث صحیح است

وسلم اجازه نظر کردن را خالی از هر قیدی داده است که تقییدی آن به حدیث که حضرت جابررضی الله عنه روایت میکند جایز نیست که او میفرماید: { خطبت امرأة فکنت أتخباً لها حتی رأیت منها مداعانی الی نکاحها فتزوجتها }

یعنی که خواستگاری کردم خانم را، و من خود رابه او پنهان می‌کردم تا اینکه دیدم از او چیزی را که مرا به ازدواجش تشویق میکرد پس با او ازدواج کردم و از این حدیث چنان دانسته شود که بدون اجازه خانم او را دیدن حرام باشد و به اجازه اش مقید نماییم^۱ - وهم چنان میگویند: هر گاه نظر کردن همراه با خلوت بوده باشد و یا هم با برانگیختن شهوت همراه بوده باشد، جایز نیست^۲.

اما قول راجح به نزد شافعی ها و حنبلی ها در مورد نظر کردن بسوی زنان اجنبی اینست که مطلق نظر کردن بسوی زنان اجنبی حرام میباشد مگر در حالت ضرورت مانند نظرخواستگار و داکتر که مباح میباشد اما مشروط بر اینکه بدون شهوت بوده باشد ولی نظر کردن از غیر ضرورت بر محل فتنه هرگز جایز نمی باشد.^(۳)

اما در مورد حق زنان در دیدن خواستگارش فقهاء میگویند: که حق زنان در این مورد مانند حق مردان میباشد چنانچه از امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که میفرماید: { لا تزوجوا بناتکم من الرجل الدمیم فانه یعجبهن منهم مایعجبهن منهن }^(۴)

یعنی که دختران تان را به مردان بد صورت به ازداج ندهید زیرا آنها را خوش میاید به مردان مانند که زنان به مردان خوش میاید. بناءً از این دانسته میشود که باید زنان خواستگارهای خویش را ببند تا باتمایل و رغبت خویش تن به ازدواج دهند.

چنانچه فقهاء حنبلی میگویند: که زنان باید بسوی مردی که از وی خواستگاری کرده است نظر کنند زیرا زنان تعجب میکنند به مردان مانند که مردان به زنان تعجب میکنند.^(۵)

(1) الکافی فی فقه ابن حنبل تألیف موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد ابن قدامه المقدسی نشر دارالکتب العلمیه ج۱۳ ص ۱۵

(2) شرح منتهی الارادات ج۱۲ ص ۱۶۲۴ مطالب اولی النهی ج۱۵ ص ۱۱۲

(3) مجموع الفتاوی ابن تیمیه ج۱۱۵ ص ۴۱۹

(4) مغنی المحتاج ج۱۳ ص ۱۱۲۸

(5) کشف القناع ج۱۵ ص ۱۱۸ مطالب اولی النهی ج۱۵ ص ۱۶۶

فقهاء مذهب امام مالک رحمه الله میگویند: برای زنان نیز مانند مردان مستحب است که نظر کنند بسوی روی و هردوکف دستان مردی که از وی خواستگاری کرده است. (۱) - وهم چنان میگویند: که مردان جز به طرف دستان و روی خانم خواستگاری شده به دیگراندام او اجازه دیدن ندارند، زیرا الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) (۲)

ترجمه: زنان ظاهر نکنند محل زینت شان را مگر آنجاهای که از محل زینت ظاهر میباشد. و نیز مالکی ها میگویند: که خانم خواستگاری شده نیز بطرف مرد نیند مگر آنجای که عادتاً ظاهر میباشد از قبیل روی، دستان، گردن، و سر. (۳)

در این مورد بعضی از حنابله و ظاهری ها میگویند: نظر کردن خاطبین بیشتر از روی، دستان نیز جواز دارد. (۴). اما این گفته ها همه در مخالفت جمهور فقهاء که قایل به اقتصار نظر خاطبین بسوی دستان، و روی میباشد قرار دارد، که نظریه جمهور عاقلانه، نزدیک به صواب و حفظ کننده تر بر آبروی مردم است، خصوصاً در این زمانه که فساد گسترش یافته و فتنه ها کلان تر گشته است. الله اعلم.

اما قانون مدنی افغانستان در مورد حق نظر کردن خاطبین چیزی تصریح نکرده است، شاید این سکوت به معنی احترام گذاشتن به نظریات فقهی بوده باشد که همه از آن آگاهی دارد اما در کل یک نقیصه در تقنین و تدوین آن بحساب میرود.

۲- ملاقات و سخن گفتن: یکی از امور مباحه در خطبه برای خاطبین ملاقات و سخن گفتن خاطبین است، مشروط بر این که یکی از محارم دختر با ایشان بوده باشد و نیز سخنان شان در حیطة حدود و تعالیم شریعت اسلام بوده باشد. (۵)

اما برای پسر جایز نیست که با دختر بطرف بازارها و تفریح گاه ها بیرون شود، به محض اینکه استدلال کند که از او خواستگاری کرده است چنانچه این مطلب را علامه زیدان (۱) تفصیلاً بحث

(1) بلغة السالک لاقرب المسالک تالیف شیخ احمد صاوی نشر دارالکتب العلمیه ج ۱۲ ص ۲۱۷

(2) سوره نور آیت ۳۱

(3) المفصل فی احکام المرأة والبیة المسلم

(4) مغنی ج ۱۳ ص ۵۵۴ المحلی ج ۱۱ ص ۲۱۹

(5) نظام الاسرة فی الاسلام ج ۱۱ ص ۲۱۶

نموده است. (۲) - زیرا اینها باهم دیگر اجنبی میباشد، چون که خطبه محض وعده به نکاح میباشد نه عقد نکاح و اگر یکی از آنها انصراف کنند از خطبه، بدون شک تاثیر منفی و شک ایجاد میکند در میان مردم که چپ باعث شد تا از هم دیگر جدا شدن، بناء خارج شان بسوی چکر، تفریح و غیره بدون محارم دختر جایز نمی باشد.

۳- مزین کردن دختر و پسر:

لازم است که دختر و پسر خود را در حین خطبه مزین و آراسته بسازد، و منظور این نیست که بی باکانه بیرون بروند و مسافرت کنند بلکه هر دو خود را با پوشیدن لباس ها و اصلاح قامت شان آراسته بسازند تا ترغیب بیشتر بسوی نکاح گردد، چنانچه فقهاء میگویند: که تزین خانم ها و پیش کردن شان بسوی خواستگاری کاری نیک است، تا اینکه مردان به ازدواج شان تشویق گردند، چنانچه به این مطلب احناف پرداخته اند و میگویند: آراسته ساختن دخترها به کالا های زینتی و دیگر اشیای زینتی بخاطر تشویق مردان بنکاح سنت میباشد. (۳)

عده از فقهاء میگویند: هر گاه آراسته کردن زنان برای خواستگاریها سنت باشد هیچ مانع وجود ندارد که تزین مردان نیز سنت میباشد چنانچه علامه ابن قطان^۴ میگوید: هرگاه مردی خانم را خواستگاری کند آیا برای او جایز است که برای آن خانم زیبای خود را نمایان کند یعنی آن محل از زیبای اش که در صورت عدم خواستگاری نمایان کردنش جایز نبود که بطور مثال برای خانم لباس، دندان ها، چشم های سرمه شده، راه گشتن، جاهای حناء، زانوهای خویش را نشان دهد؟ و یا جایز نیست مگر آن جاهای که برای هر خانم جایز است، اما ظاهر قضیه این است که جواز دارد که محاسن خویش را برای خانم خواستگار شده نمایان کند، چون برای منع او اجماع امت ثابت نیست، اما اگر خواستگاری نکرده باشد و صرف بخاطر غلبه نفس برای زنان خود را نشان میدهد جواز ندارد، زیرا این

(1) دكتور عبدالکریم زیدان دبیر کل سابق اخوان المسلمین عراق و یکی از مولفان بزرگ معاصر در فقه و اصول فقه اسلامی که در سال

۱۴۳۵ هجری مطابق به ۲۰۱۴ میلادی در شهر صنعاء یمن به عمر ۹۷ سالگی وفات کرده است

(2) المفصل فی احکام المرأة تألیف دكتور عبدالکریم زیدان نشر موسسه الرساله ج۱ ص ۱۶ ص ۱۷۲

(3) حاشیه ابن عابدین ج۱ ص ۱۹ بحر الرایق ج۱ ص ۱۳ ص ۱۸۷

(4) علی بن محمد بن عبدالملک ابوالحسن المکناسی معروف به بن قطان از فقهای مالکی و از حفاظ حدیث میباشد

پیش کردن ها بخاطر جلب فتنه و تعریض بر فتنه میباشد و اگر قضیه جواز را برای خانم های خواستگاری شده دانسته نمی شد ممکن نبود که من نیز در این مورد به یقین، جواز را قول نمی کردم .^(۱)

فرع دوم : هم بستری با مخطوبه (خانم خواستگاری شده)

شکی نیست که هرگاه دختر خواستگاری شده و پسرخواستگار در علایق شان التزام به امتناع اشیایی حرام شده و از اشیایی مباح استفاده نمایند هیچ گاهی شیطان آنها را وسواس کرده نمیتواند، اما هرگاه که از حدود اباحت تجاوز کردن و برقیام محظورات مانند اختلاط های بی مورد، سفر نمودن، خلوت و غیره مبادرت ورزیدن بدون شک که شیطان آنها را بسوی وقوع در مهلکه و شهوت رانی ها قدم بقدم میکشاند که سرانجام در زنا واقع میگردد و هرگاه به زنا واقع گردیدند، خواستگاری ها از اقامه حدود بر اینها مانع شده نمیتواند، زیرا اینها باهم اجنبی هستند و برایشان احکام اجنبی قابل تطبیق میباشد چون اینها به عمل زنا واقع گردیدند .

باید تصریح کرد که خطبه دفع حد را نمیتواند و نیز اولاد که از اثر این مجامعت بوجود آمده است ولد الزنا محسوب میگردد، که نسب او از این مرد ثابت نمی شود زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : الولد للفراش وللعاهر الحجر ؛^۲ یعنی که فرزند از صاحب فراش است و برای متجاوز سنگ میباشد . باید واضح نمود که فراش در نکاح ثابت میگردد و خطبه وعده به نکاح میباشد نه نکاح، و اینکه عمل مجامعت صورت گرفته در غیر ملک نکاح، زنا محسوب گردیده موجب حد میباشد .

و نیز این هم بستری مهر، و نسب را ثابت نمی گرداند و بر بالای هر دو حد زنا واجب میباشد^۳

زیرا الله تبارک و تعالی میفرماید:

(الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ) (۴)

(۱) مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل تألیف شمس الدین ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالرحمن الطرابلسی نشر قاهره اج ۱۳ ص ۱۴۰۵

(۲) صحیح البخاری کتاب الحدود باب لایرجم المجنون والمجنونة اج ۱۶ ص ۱۲۴۹۹ شماره ۱۶۴۳۲

(۳) مغنی تألیف موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه مقدسی مشهور به ابن قدامه نشر دار عالم الکتب ریاض اج ۱۷ ص ۱۹۱

(۴) سوره نور آیت ۲

ترجمه : زنان زنا کار و مردان زنا کار را هرواحد ایشان را صدصد تازیانه بزنید و بر ایشان در تطبیق احکام دین خدا جل جلاله مهربانی نکنید، پس بر هر کس که در حین خطبه قبل از نکاح مجامعت میکند حد جاری می‌گردد

هم چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : (خذوا عنی خذوا عنی قد جعل الله لهن سبیلا، البکر بالبکر جلد مائة ونفی السنة والثیب بالثیب جلد مائة والرجم) (۱)

یعنی از من احکام دین تان را بگیرید، از من احکام دین تان را بگیرید بدون شک الله سبحانه و تعالی برای زنان در تطبیق احکام طریقه های را گذاشته است که خانم مجرد با مرد مجرد هرگاه مرتکب جرم زنا گردد صد صد دره بزنید و یک سال از قلمرو حکومت اسلامی بیرون کنید ، و خانم متأهل با مرد متأهل هرگاه مرتکب زنا گردید صد صد دره بزنید و سنگسار کنید .

بنابراین بر هر دو (دختر و پسر) لازم است که در ارتباطات شان حدود شرعی را در نظر بگیرند و نیز بر فامیل و خانواده ایشان لازم است که بر دخترشان اجازه ندهند و نیز بر خواستگار و فامیل آن لازم است که بخود اجازه ندهد که از مباحات تجاوز نموده باعث ارتکاب جرایم شوند ، که در انجام باعث بدنامی ها و ضررهای احتمالی به خود و خانواده شان گردند .

قانون جزای افغانستان :

قانون جزای افغانستان در مورد تعریف زنا چنین صراحت دارد :

ماده 643 : فقره (1) زنا عبارت از مقاربت جنسی زن و مرد است که بین آنها رابطه زوجیت موجود نباشد .

از این ماده قانون احکام را استخراج کرده میتوانیم که خلوت مردان با نامزاد شان حرام باشد و نیز گفته میتوانیم که مقاربت وهم بستری با نامزاد حرام و زنا محسوب می‌گردد و نیز اولادی که از این مقاربت به وجود می‌آید ولد الزنا قلم گردد ، زیرا نامزادی از نظری فقهاء وهم قانون مدنی و قانون جزای افغانستان محض وعده به نکاح بوده که به آن عقد گفته نمیتوانیم .

مطلب سوم : ضررهاییکه بر خلوت با مخطوبه مرتب می‌گردد

(1) صحیح المسلم کتاب الحدود باب حد الزنا | ج ۳ | ص ۳۱۶ | شماره ۱۶۹۰

در اینجامقصود از ضررها آثار شرعی از قبیل حقوق و واجبات مرتب بر خلوت با مخطوبه نیست بلکه مقصود از آن ضررهای که از اثر خلوت با مخطوبه بوجود میاید میباشد که آنرا ذیلا بیان میداریم .

۱ - ترسیدن از وقوع در زناء :

چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : (ایاک والخلوة بالنساء والذی نفسی بیده ماخلا رجلا بامرأة الا دخل الشیطان بینهما) (۱) - یعنی که بترس از خلوت با زنان قسم بذات که زندگی محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست ، هرگز خلوت نمیکند مردی باخانم مگر که شیطان درمیان هردو مداخله میکند .

چنانچه علامه ابن تیمیه رحمه الله (۲) میگوید : خلوت بامخطوبه محل گمان فتنه و وقوع در فتنه و سبب ارتکاب زناء حقیقی میباشد (۳) - بنابراین در خلوت بامخطوبه خوف وجود دارد که در زناء واقع گردد .

و نیز علماء میگویند : که در صورت خلوت خاطب و مخطوبه، شیطان بخاطر وقوع در گناه و سواس میکند و نیز شهوت هر واحد را تحریک میکند، تا اینکه در زناء واقع کند . (۴)

۲ - خطر تهمت حتما پیدا میگردد :

علماء میگویند : خلوت خاطب و مخطوبه برای دختران ضررها و بد گمانی ها را پیش میآورد و گاه کار های در اثنای خطبه واقع میگردد که عاقبت نیک ندارد و گاهی هم دختران فرصت ازدواج را با دیگران از دست میدهد چون خلوتش با این مرد باعث میشود که اگر این خواستگاری به شکست رو برو شود ، دیگران او را به عیب گرفته ازدواجش را تنگ میدانند (۵) - بنابراین خلوت باعث ایجاد دشواری ها در حین خطبه میگردد از این جهت خلوت را بامخطوبه علماء حرام میدانند .

۳ - متهم شدن فامیل به سهل انگاری در امور ناموس داری :

(1) مجمع الزوائد ومنبع الفوائد تالیف علی بن ابی بکر الهیثمی ابیروت ج ۱ ص ۱۴۱ ص ۱۳۲۶

(2) ابو العباس احمد بن عبدالحلیم الحرانی ابن تیمیه

(3) کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه ج ۱ ص ۱۲۳ ص ۱۱۸۶

(4) تحفة الاحوذی ج ۱ ص ۱۶ ص ۱۳۲۰

(5) نظام الاسرة فی الاسلام ج ۱ ص ۱۱ ص ۱۲۱۷

علماء میگویند: مردان اگرچند که بد کار هم باشد متأثر میشود از زنان که خود را در نفس خود قوی احساس میکند و هم چنان باز کردن مخطوبه دروازه را بر روی خواستگارها از جهت رفت و آمد، و تعامل خانواده ایشان در گذاشتن دخترشان با پسر در خلوت نمودن و سفر کردن، بدون محافظت برایشان، در نفس مردان چنان واقع میکند که گویا این خانواده مردم بی باک هستن که بنام شرف و عزت چیزی را نمیشناسند و اینها در امر ازدواج دخترشان او را به هلاکت میرسانند که در هر صورت باعث تقلیل رغبت مردان میگردد. (۱)

۴ - آینده تلخ از فریب و جعل در هنگام خواستگاری :

علماء میگویند: که خلوت هرگز باعث رسیدن به اهداف تعیین شده خطبه نمیشود که هر واحد یک دیگر را بشناسد، زیرا در این حالت هر دو خود را برخلاف حقیقت ذات خویش معرفی میکنند که بعد از ازدواج ظاهر میگردد، و نیز در این حالت خویشتن را به عادت تعریف میکنند که در واقع او از همه آن عادات به دور میباشد. (۲)

بنابراین از جهت بروز این اضرار، نیز فقهاء کرام خلوت را با مخطوبه حرام قرار داده است، پس با ابتنا بر اقوال فقهاء گفته میتوانیم، که همه خلوت های معمول در این عصر، که پسران با مخطوبه های خویش بدون رعایه ضوابط شرعی به تفریح گاه ها میروند، به محض اینکه از یک دیگر خواستگاری کرده اند، حرام میباشد.

قوانین افغانستان :

اما در قوانین افغانستان مبنی بر اضرار نهفته در خلوت با مخطوبه چیزی صراحت نیافته است، که در تبنانی به آن در محاکم بر علیه اشخاص متصف به این اوصاف اقامه دعوی صورت بگیرد.

(1) نظام الاسرة فی الاسلام | ج ۱ | ص ۱۱۷ | ۱۲۱۷

(2) الخلوت و آثار المترتبة علیها فی شریعت الاسلامی | تالیف علامه نشوی | ص ۱۵۹

مبحث سوم: انواع خلوت

مطلب اول: خلوت صحیحه

تعریف خلوت صحیحه: فقهاء خلوت صحیحه را چنین تعریف میکنند: كل خلوة اجتمع فيها الزوجان بعد عقد زواج صحیح فی مکان یا ممان فیہ من اطلاع الناس علیهما کدار و بیوت مغلق الباب مع عدم وجود مانع حسی او طبعی او شرعی یمنع من الاستمتاع. (۱)

یعنی خلوت صحیحه عبارت از هر خلوت که در آن زن و شوهر بعد از عقد ازدواج، در مکان یک جا گردد که از خبر بودن مردم، در امن بوده باشد، مانند حویلی، و یا هم خانه که دروازه آن قفل شده باشد و موانع حسی، طبعی، و شرعی نیز وجود نداشته باشد که از لذت بردن و استفاده کردن منع کند میباشد.

بناءً از خلال این تعریف چنین دانسته میشود که فقهاء برای صحت خلوت صحیحه ضوابط را نیز گذاشته است، که تا از خلوت فاسده جلوگیری گردد که ذیلاً بیان میداریم ضوابط خلوت صحیحه:

۱ - یکجا شدن مرد با خانم اش: عبارت از خلوت مردان بر خانم نکاحی اش میباشد. (۲)

۲ - اینکه اجتماع شان در مکان پوشیده باشد: زیرا خلفائی راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین فیصله کردن به اینکه هرگاه پرده های خانه پایین شد و دروازه قفل گردید برای زن مهر و عدت لازم میگردد. (۳)

واز دیدی فقهاء مکان پوشیده به جای اطلاق میگردد که از اطلاع مردم در امن بوده باشد (بدون اجازه به آنها وصل شدن ممکن نباشد) مانند حویلی و آنچه که مشابه به حویلی بوده باشد از این لحاظ

(1) التعريفات تالیف علامه جرجانی ج ۱۱ ص ۱۳۶ دستور العلماء او جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون تالیف قاضی عبدالنبی احمد نکرى ابیروت تحقیق حسن هانی فصص ج ۱۲ ص ۱۶۴ قواعد الفقه تالیف برکتی ج ۱۱ ص ۱۲۸۱ تفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب ابیروت ج ۱۶ ص ۱۱۲۰

(2) قواعد الفقه تالیف برکتی ج ۱۱ ص ۲۸۱ مختصر اختلاف العلماء تالیف احمد بن محمد بن سلامه الطحاوی ابیروت تحقیق د. عبدالله نذیر احمد ج ۱۲ ص ۱۳۴۹ احکام القرآن تالیف علامه جصاص ج ۲ ص ۱۱۴۹ روح المعانی تالیف علامه آلوسی ج ۱ ص ۱۴۱ ۱۲۴۴ تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان تالیف نظلم الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی ابیروت تحقیق شیخ زکریا عمیران ج ۲ ص ۱۳۷۸

(3) البدایع الصنائع ج ۱۲ ص ۱۲۹۲ تفسیر بحر المحیط تالیف ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی ابیروت تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض و نیز شریک تحقیق د. زکریا عبدالمجید توقیود ج ۱۲ ص ۱۲۴۴

است که خلوت در مسجد و راه های عامه واقع نمی گردد هم چنان بر صحراها که اطراف آن دیوار نشده باشد، نیز خلوت ثابت نمی گردد. (۱)

۳ - موانع حسی که از مجامعت منع میکند مانند مریضی به یکی از زوجین که از مقاربت منع کند مانند رتق و قرن^۲ وجود نداشته باشد. (۳)

۴ - موانع طبعی که از خلوت صحیحه منع میکنند مانند وجود شخص سوم ممیز میان ایشان، مرد باشد و یازن وجود نداشته باشد. (۴)

۵ - موانع شرعی که مجامعت شرعا جواز منع میکند مثل اینکه یکی ایشان روزه دار باشد و یا هم احرام را برای حج فرضی پوشیده باشد، وجود نداشته باشد. °

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز در مورد خلوت صحیحه صراحت داشته است ، که در مواد قانون چنین آمده است :

ماده ۹۸ : کل مهر با وطی ، خلوت صحیحه ، یا وفات یکی از زوجین گرچه قبل از دخول یا خلوت صحیحه صورت گرفته باشد لازم میگردد .

ماده ۱۰۵ : هر گاه تفریق قبل از دخول یا خلوت صحیحه واقع گردد ، در صورت تسمیه ، زوجه نصف مهر مسمی و در غیر آن نصف مهر مثل را مستحق میگردد .

ماده ۱۰۶ : هر گاه تفریق قبل از دخول یا خلوت صحیحه از طرف زوجه صورت گیرد ، مهر وی کاملا ساقط میگردد .

در این جا وقتی که میبیم به وضاحت دیده میشود که قانون مدنی افغانستان از خلوت صحیحه حرف زده است ، اما از چگونگی ثبوت خلوت صحیحه و تعریف خلوت صحیحه یاد آوری نکرده است ،

(1) المبسوط لسخسی تالیف محمد بن احمد بن ابی سهل نشر دار المعرفه بیروت اج ۱۵/ص ۱۱۴۸ شرح فتح القدر اج ۱۳/ص ۱۳۳۲ بدایع الصنائع اج ۱۲/ص ۲۹۳ فتاوی هندیه اج ۱/ص ۳۰۶.

(2) معنی لغات : رتق به معنی خانم که مهبل او چسبیده باشد که امکان مجامعت را نداشته باشد ۲ قرن آماسیدگی مهبل و اطراف آن که امکان جماع را نداشته باشد . لسان العرب اج ۱۰/ص ۱۱۴ مصباح المنیر تالیف اج ۱۲/ص ۴۱۸

(3) مبسوط سرخسی اج ۱۵/ص ۱۱۴۸ بدایع الصنائع اج ۱۲/ص ۲۹۲ العنایه شرح البدایه تالیف البایرتی اج ۱۴/ص ۱۴۸۹ حاشیه ابن عابدین اج ۱۳/ص ۱۱۳۲

(4) مبسوط سرخسی اج ۱۵/ص ۱۴۸ شرح مختصر خلیل اج ۱۴/ص ۱۱۳۷ العنایه شرح بدایه اج ۱۴/ص ۱۴۸۹

(5) هندیه اج ۱/ص ۳۰۶ بدایع الصنائع اج ۱۲/ص ۱۲۹۳

شاید هدف اش همان خلوت صحیحه باشد که فقهاء به آن پرداخته است ، چون قراین و شواهد به آن گواه میباشد .

مطلب دوم: خلوت فاسده

تعریف خلوت فاسده : خلوت فاسده عبارت از هرخلوت که درآن موانع حسی مانند وجود مرض که مجامعت را منع میکند مثل رتق و قرن و یا موانع شرعی مثل اینکه چیزی وجود داشته باشد که مجامعت شرعا جواز نداشته باشد و یا یکی از ایشان روزه دار باشد و یا هم احرام را برای حج فرضی پوشیده باشد ، و یا هم موانع طبیعی مثل وجود شخص سوم ولو که در خواب یا نابینا با ایشان بوده باشد و یا اینکه امکان خلوت وجود نداشته باشد مثل اینکه در اماکن عامه مثل پوهنتون ها ، شفاخانه ها ، مساجد و غیره جاهای که رفت و آمد مردم عادتاً بیشتر بوده باشد ، موجود باشد میباشد .^(۱)

پس هر گاه ضوابط مذکوره درخلوت صحیحه حاصل نشد ، و موانع حسی ، طبیعی و شرعی در صحت خلوت عارض شد خلوت فاسده شمرده میشود که موانع متعلق به شوهر و زنان را درمبحث دیگری ان شاء الله ببحث خواهیم گرفت .

قانون مدنی افغانستان :

در مورد خلوت فاسده در قانون مدنی افغانستان هیچ واژه به کار نرفته است ، اما از بکار خلوت صحیحه و مفهوم مخالف آن چنین برداشت میشود که قانون مدنی افغانستان نیز به خلوت فاسده باور مند میباشد .

مطلب سوم : چگونگی ثبوت خلوت

از خلال تعریف فقهاء درمورد خلوت روشن گردید که خلوت نمی باشد مگر درمکان که از اطلاع مردم درامن بوده باشد مانند اینکه درحویلی و یا هم خانه که دروازه های آن قفل شده باشد و یا هم خلوت درمکان پوشیده باشد ، زیرا خلفائی راشدین فیصله کردند براینکه هرگاه پرده ها پایین و دروازه ها قفل باشد برای زن مهر و عدت لازم میباشد^(۲) - زیرا واضح است که پرده ها پایین و دروازه ها قفل

(۱) مبسوط سرخسی ج۱ ص ۱۶ | ۱۲۶ تحفة الفقهاء ج۲ ص ۱۲۴۴ حاشیه ابن عابدین ج۳ ص ۱۲۲ | ۱۱۳۲ بحر الرایق ج۳ ص ۱۶۶ (فتاوی هندیه ج۱ ص ۱۳۰۶ بدایع الصنائع ج۲ ص ۱۲۹۳ | ۱۲۹۳)
(۲) بدایع الصنائع ج۲ ص ۱۲۹۲ قواعد الفقه ج۱ ص ۱۱ | ۱۲۸۱ تفسیر الکبیر ج۱ ص ۱۶ | ۱۲۰

نمی شود مگر به خاطر مقاربت، چون حالت دلالت بر این میکند چنانچه فقهاء به این تصریح نموده است.^(۱)

اما خلوت گاهی در خانه ها قفل شده، دفترها، مراکز تجارتي که دروازه اش قفل شده باشد، شفاخانه ها که دروازه آن قفل باشد که مریض تنها با داکتر بوده باشد، خانه که با آله های الکترونیکی وصل و تصویری خلوت شود، و مثل آن راه ها که غیر مسدود بوده باشد، دشت های که دور از انظار مردم بوده باشد، جاهای تاریک که داخل آنرا دیده نمیشود، موترهای شیشه سیاه که از بیرون داخل آنرا دیده نشود، عمله های دانش آموزان که راننده بایک از آنها تنها بوده باشد، صورت میگرد، چون این اماکن از اطلاع مردم در امن میباشد، یا به این ملحوظ که دروازه آن قفل شده است، مانند دفترها، شفاخانه ها، و خانه ها، و یاهم از جهت دور بودن مسافه از انظار مردم، مانند صحرا، و غیره و یاهم از جهت تاریکی مانند شب، شیشه فلمی موترها و یاهم پوشاندن شیشه های موتر با پرده ها و غیره که همه این ها اسباب است که زوجین از اطلاع دیگران در امن میمانند.

اما پیروان مذهب امام شافعی رحمه الله در خلوت که حرام میباشد یکی بودن محل زندگی را در مسکن ها داده است که یکی از خانه دیگری بگذرد و یاهم دروازه یکی داخل دیگری بوده باشد^(۲) اما وقتی خلوت در مکان باشد که از اطلاع مردم در امن نبوده باشد، و امکان دیده شدن آنها موجود باشد این خلوت حرام نمیباشد و لاکن این عمل شان از اینکه در نفوس مردم شک ایجاد میکند حرام میباشد، چنانچه که یکی از زن و مرد مورد تهمت قرار بگیرد، اما اگر مورد تهمت نباشد این خلوت بحرام توصیف کرده نمیشود همانطوری که در صحیحین از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که خانم از انصار بسوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و رسول الله صلی الله علیه وسلم با او خلوت نمود و گفت: **والله انکن لاحب الناس الیّ**؛^(۳) یعنی قسم است به پروردگار که شما زنان بهترین مردم بسوی من هستید. چون در این جا مورد تهمت هیچ یک از ایشان نبود، رسول الله صلی الله علیه وسلم با آن خانم در انظار مردم خلوت نمود.

(۱) شرح صحیح البخاری تألیف ابن بطال ج ۱۷ ص ۱۵۲۲ غداء الالباب شرح منظومة الآداب تألیف سفارینی ج ۲ ص ۱۱۷
 (۲) مغنی المحتاج ج ۱ ص ۱۴۰۷ روضة الطالبین ج ۱ ص ۱۸۱ الوسیط تألیف علامه غزالی ج ۱ ص ۱۱۵۶ حاشیه عمیره تألیف علامه عمیره ج ۱ ص ۱۴۱
 (۳) صحیح البخاری کتاب النکاح باب ما يجوز ان یخلو بالمرأة عند الناس ج ۱ ص ۱۲۰۰۶ شماره ۱۴۹۳۶

وعلامه ابن حجر رحمه الله^(۱) در تعلیق این حدیث مینویسد که منظور از خلوت اینست که مرد بازن چنان خلوت نکند که از مردم پنهان بوده باشد ولی بطور خلوت کند که اگر سخنان برای گفتن باشد که خانم از گفتن آن در نزد مردم حیاء کند، (که مبادا مردم سخن شان را بشنوند) مثل اینکه خلوت در راه های عامه باشد و یا هم راه های که از مرور مردم غالباً خالی نباشد. و باز میگوید: که نباید براین حدیث اعتراض وارد کرد، به عمل حضرت انس رضی الله عنه (که باخانم خلوت نمود بگونه که از چشمان همراهان اش پنهان شده بود) بلکه با آن خانم بگونه خلوت نمود، که کسی که با ایشان بود از شکوه ها و آنچه میان هردو گفته شده بود، اطلاع پیدا نکرد و سخن هردو را نشنید، و از همین خاطر است که از حضرت انس رضی الله عنه آخرین سخن را که شنیده بود نقل نموده است، و از آنچه که در میان ایشان گذشته بود چیزی نگفته است، زیرا او سخنان ایشان را نشنیده بود. (۲)

و از این حدیث چنان دانسته میشود که هر گاه مردی صالح باخانم در راه های عامه در انظار مردم خلوت نماید مشکل شرعی ندارد و لازم نیست برکسانی دیگری که آنها را میبیند تامادام که از آنها اعمال شک آمیز صادر نشود بر آنها ایراد کند.

چنانچه علامه ماوردی (۳) میگوید: هر گاه کسی ایستادن مردی را باخانم در راه عام دید که تاحال از ایشان علامه های شک ظاهر نگردیده باشد، نباید بر آنها اعتراض توهین آمیز نمود، و اگر ایستادن ایشان در راه های خالی از رفت و آمد مردم باشد پس خالی بودن مکان شک ایجاد میکند پس باید به آنها اعتراض نمود، و اما عجله به تهدید نکند چون امکان وجود دارد که باهم محرم بوده باشد، چون اگر محارم باشند نگهداری آنها از محل شک لازم است و اگر اجنبی باشند باید از الله جل جلاله از خلوت کشینده بسوی گناه ترسانده شود. (۴)

و هم چنان میگوید: که خلوت در مساجد، راه های عامه، و همواری ها یکه در اطراف آن دیوار نباشد ثابت نمیگردد. ° - زیرا مردم در مساجد بخاطر نماز جمع میشوند که اینها از داخل شدن مردم

(1) ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد کنانی معروف به ابن حجر عسقلانی که یکی از بزرگترین علمای فقه و حدیث میباشد که از او آثار و تالیفات زیاد به جا مانده است از جمله فتح الباری شرح صحیح البخاری، الاصابه و غیره

(2) فتح الباری ج ۱ ص ۲۱۳۳

(3) ابو الحسن علی بن محمد ماوردی متولد ۳۶۴ هجری قمری و متوفی ۴۵۰ هجری و از فقهای اهل سنت در بغداد میزیست

(4) سیر الاعلام النبلا تالیف محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز مشهور به شمس الدین ذهبی نشر قاهره ج ۱ ص ۱۱۹

(5) الاحکام السلطانیة والولایات الدینیة تالیف علامه ماوردی ابیروت ج ۱ ص ۲۸۱

در امن نمیباشند وهم چنان مجامعت در مسجد حرام میباشد چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ) (۱)

ترجمه : و مجامعت نکنید بازنان در حالیکه شما در مساجد معتکف باشید .

وهم چنان فقهاء میگویند : که راه ها محل رفت و آمد مردم میباشد که عادتاً از وجود مردم خالی نمیشد و رفت و آمد مردم انقباض را به وجود آورده از مجامعت منع میکند . (۲)

و در مورد زمین های هموار که بدون پرده ها بوده باشد میگویند : که انسانها در مثل این مکان به حالت انقباض رو برو گردیده از مجامعت باز میماند به این احتمال که شخص سوم بیاید و یا هم کسی بسوی شان ببیند . (۳)

از این همه اقوال و دلایل به وضاحت معلوم میگردد که خلوت صحیحه وقتی ثابت میگردد که در مکان امن و از اطلاع مردم محفوظ بوده باشد .

قوانین افغانستان :

در قوانین افغانستان در رابطه به چگونگی ثبوت خلوت صحیحه هیچ مورد را نیافتیم که از آن نوعیت ثبوت خلوت صحیحه را توضیح دهم ، جز اینکه در چند موارد قانون مدنی افغانستان از خلوت صحیحه نام برده است

مطلب چهارم: خلوت بوسیله آلات الکترونیکی

شکی نیست که یکی از نوآوری های جدید عصر معلومات و خدمات انترنتی میباشد که کاربرد مهم در امور زندگی مردم دارد ، که وسایل تماس و اتصال طریقه های مختلف را به خود گرفته است که در گذشته ها وجود نداشت ، مانند مکالمه های صوتی و تصویری مردان با زنان و غیره از طریق رخنانه های موسوم به فیس بوک ، واتساپ ، انستاگرام و غیره آلات الکترونیکی که وسیله وصل میان مردم گردیده است .

(1) سوره بقره آیت ۱۸۷

(2) بدایع الصنائع ج ۲ ص ۲۹۳ فتاوی هندیه ج ۱ ص ۱۱ ص ۳۰۵ تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۱۴۳

(3) مرجع قبلی

واز جانب دیگر اسلام عزیز همواره حرص شدید بر پاک کاری و سلامت جامعه از همه اسباب فساد و وسیله های فتنه دارد، خصوصا در مورد حفظ آبروی انسانها که اهتمام بیشتر نموده است، اما هیچ طریقه وجود ندارد که از این فساد جلوگیری کند و یا هم تضمین کند و هیچ مسلکی وجود ندارد که با او معارضه کند مگر اینکه اسلام عزیز به منع خلوت میان مردان با زنان و صحبت های بی مورد با آنها، دستور داده است.

چنانچه علماء صحبت مردان را با زنان و یا هم ارسال پیام را از طریق اینترنت (مسنجر، وایبر، آیمو، ...) جایز ندانسته، و آنچه از توجیهاات شریعت اسلام ظاهر میگردد ولو که از همه سخنان مخالف حیا خالی باشد جواز ندارد، همان طور که در بریقه محمودیه آمده است: سخن گفتن با دختران جوان بدون حاجت جایز نبوده، زیرا این عمل باعث فتنه میگردد، و اگر بخاطر حاجت مانند شهادت دادن، خرید و فروخت، و تبلیغ باشد جواز دارد، حتی جواب عطسه و جواب سلام خانم جوان را بصدای بلند داده نشود بلکه در نفس خویش جوابش را گفته شود و بالعکس دختران نیز جواب مردان جوان را به صدای بلند ندهند.^۱ - پس از این دانسته میشود که مکالمه ها، و پیام های مردان و زنان با هم از طریق وسایل اینترنتی و هم چنان مشارکت شان در مجمع های گفتگو از طریق اینترنت جواز ندارد چون ارتباط زنان با مردان جایز نیست و خلوت های الکترونیکی گاه گاهی باعث خلوت حقیقی میگردد.

به این لحاظ است که علماء میگویند: برای زنان مسلمان جایز نیست که با پسران جوان غیر محارم شان ارتباط جهت دوستی با سخن گفتن و گفتگو برقرار کند ولو که از طریق شبکه های اینترنتی باشد چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِهِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ)^(۲)

ترجمه: و هرگاه از زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم چیزی میخواستین از آنها از پشت پرده ها بخواهید که این کار پاکیزه تر بر قلب شما و قلب های آنها میباشد. و این حکم اگرچند که مخصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم نازل شده است اما معنی آن عام میباشد که شامل همه زنان میگردد.^۳

(1) بریقه محمودیه تألیف ابو سعید محمد بن محمد خادمی نشر دارالکتب علمیه ج ۱۵ ص ۱۱۹۲

(2) سوره احزاب آیت ۵۴

(3) اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن تألیف علامه شینقیطی ج ۱۶ ص ۱۲۴۲

وجه دلالت این آیت ، برتحریم خلوت مردان و زنان از طریق وسایل الکترونیکی ، اینست که این خلوت اگر چند که خلوت حقیقی نیست که مردان و زنان به هم دیگر برسند ، اما بوسیله آلات الکترونیکی یک دیگر را میبندد و به حد لذت و شهوت میرسند ، که سبب شهوت رانی ها و ضایع نمودن تخمه انسان میگردد ، و نیز وسیله وصل و خلوت حقیقی میگردد .

و علامه قرطبی رح (۱) در ذیل این آیت مبارکه میگوید : قول الله سبحانه و تعالی ؛ *وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا*؛ افاده این را میکند که اصل در سخن گفتن میان مردان و زنان که از محارم شان نباشد به اندازه حاجت است و معنی متاع اسباب خانه میباشد که برای همه میسر نیست و این اشیاء عادتاً برای فقراء مساعد نیست که به دروازه همسایه ها میروند و به عاریت از ایشان میخواهند .^۲ - بنابراین صحبت نمودن زنان و مردان بیشتر از حاجت از هر طریق که باشد جایز نمی باشد ، چنانچه علامه شعراوی (۳) میگوید : صحبت نمودن از طریق آلات انترنیتی میان زن و مرد مانند که مردان باهم صحبت میکنند و یا هم که زنان باهم صحبت میکنند ، جز متابعت شیطان چیزی دیگری نیست ، که شیطان در ابتدا به صحبت کردن تشویق میکند و بعد انتقال بسوی شناخت یک دیگر میدهد و بعد ارتباط میدهد و بعد ارتباط قلبی ایجاد میکند و بعد به مرحله میرساند که آینده آنرا نمی توان توصیف نمود . (۴)

و علامه ابن قیم رحمه الله (۵) میگوید : به یقین گفته نمیتوانیم که این چنین ارتباطات (از طریق وسایل الکترونیکی) کشنده بسوی وقوع در زنا میباشد اما گفته میتوانیم که این نوع ارتباط محل گمان در چیزی میباشد که باعث نارضایتی الله سبحانه و تعالی میباشد . (۶)

و علامه ابن حزم میگوید : که زنان و مردان از حیث فطرت به یکدیگر تمایل دارند ، زیرا الله تبارک و تعالی در ترکیب ایشان این غریزه را جابجا کرده است ، چنانچه برای خانم نیکویی از خانواده بزرگ

(۱) ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر قرطبی معروف به قرطبی یکی از علمای بزرگ در رشته تفسیر میباشد که از او آثار زیاد مثل تفسیر قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن و غیره به جا مانده است و در سال ۶۷۱ هـ وفات نموده است

(۲) تفسیر قرطبی ج ۱۱۴ ص ۱۲۲۷ تفسیر نسفی ج ۱۳ ص ۱۳۱۳

(۳) شیخ محمد شعراوی از علماء بزرگ مصر بوده که جهت وحدت مسلمان ها تلاش زیاد کرده و هواره مخالف اندیشه های افراطی مانند تکفیری بوده

(۴) تفسیر شعراوی ج ۱۱۴ ص ۱۱۴۹۹

(۵) محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریش زرعی دمشقی که از فقهاء مذهب حنبلی بوده که معروف به ابن قیم جوزی میباشد
(۶) اعلام الموقعین عن رب العلمین تحقیق طه عبدالرؤف سعد ابیروت ج ۱۳ ص ۱۴۷ - ۱۷۱ جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حدیثا من جوامع الکلم تحقیق شعیب الاناوط ابیروت ج ۱ ص ۱۷۴

عرب گفته شد: چي باعث شد که به زنا واقع گردیدی ؟ خانم در جواب گفت : نزدیکی بالشت و کثرت اختلاط و مخالطه باعث وقوع درزنا گردید .^(۱)

پس صحبت زنان بامردان از طریق وسایل انترنیتی گاهی از همین قبیل میباشد چون مکالمه صوتی و پیام رسانی میان مردان و زنان گرچند از اشیایی مباحه بوده ، ولی گاهی وسیله بسوی وقوع دررسمان شیطان میگردد .

و در این نوع از خلوت را بعضی از مفاهیم خلوت حقیقی حرام وجود دارد ، بگونه که هر دو(مرد و زن) در پهلوی کامپیوتر و یا تلفون مینشند و هر چه که بخواهند مینویسند و یا هم میگویند از غیر اینکه هر واحد یک دیگر را درک کند اگرچند که خلوت حسی و حقیقی نباشد اما از حیث معنی این خلوت شمرده میشود ، و هرگاه که زنان و مردان از طریق وسایل الکترونیکی خلوت کنند و این خلوت معنوی اثری بردلهای بعض میگذارد که رفته رفته باعث خلوت حسی گردیده و سرانجام باعث بدبختی میگردد .

اما مکالمه که بخاطر اثبات مصلحت دنیایی بوده باشد ، مثل اینکه مردی باخانم نیک سرشت صحبت کند و یا هم خانم بامردی از جهت استفسار مصالح خود صحبت کند و در مورد یک مسئله شرعی فتوی بخواهد ، که در این هیچ مشکل وجود ندارد اما باید سخن بگویند که مطلوب حق بوده باشد و خارج از مقصود و کلمات غیرمناسب و پیام های نامطلوب ارایه نگردهد .

چنانچه علامه قرضاوی رحمه از علماء معاصر میگوید : که انترنیت و وسایل متعلق به آن مانند فیس بوک ، مسنجر و غیره گاه گاه سبب تحصیل خیر میگردد مثل اینکه تبادل نظر در علوم نافع ، دعوت بسوی الله جل جلاله ، و آگاهی از امور مسلمین صورت بگیرد و گاه گاه سبب فساد میگردد مانند اینکه وسیله ارتباط میان زنان و مردان قرار بگیرد .^(۲)

(1) طوق الحمامة فی الالفه والالاف ابیروت | تحقیق د. احسان عباس | ج ۱ | ص ۱۲۷۵

(2) <http://www.haridy.cam\ib\showthread.php?t=18600>

وهم چنان از شیخ ابن جبرین از علماء سعودی پرسیده شد: که حکم مراسله (پیام کان) میان پسران و دختران از طریق وسایل الکترونیکی که به یقین بدانی خالی از فسق، عشق، و مهرورزی بوده باشد چیست؟

او در جواب گفت: برهیچ انسانی جایز نیست که باخانم اجنبی مراسله (پیام کان) داشته باشد، چون این عمل احتمال فتنه را لازم دارد، و در پیامک و ارتباط پسران با دختران فتنه و خطر بزرگی نهفته است که واجب است انسان از آن دوری اختیار کند، اگرچند که سائل بگوید که این مکالمه خالی از محبت و عشق میباشد. (۱)

بناء خلوت از طریق آلات انترنیتی نیز باعث ایجاد فتنه و وقوع در هلاکت میگردد، بایست از آن جلوگیری نمود، چنانچه شیخ سلمان عوده از علمای معاصر میگوید: که مکالمه میان زن و مرد از طریق وسایل الکترونیکی، هرگاه از جهت ضرورت و یا حاجت شرعی بوده باشد جایز است، اما اگر بخاطر شناخت باشد شرعا جایز نیست و نیز هرگاه حاجت و ضرورت مجبور بسوی مکالمه نمود، ضروریست که همه ضوابط و قواعد شرعی را مراعات نمایند. (۲)

که بعضی از قواعد مهم روابط میان مردان و زنان بوسیله آلات الکترونیکی، قرار ذیل است.
 أ - نفرستادن عکس ها به هر حالت که باشد: زیرا در فرستادن تصویر هیچ حاجت نبوده چون یکی از راه های مداخله شیطان همین است، زیرا تصویر باعث تزیین باطل و برانگیختن شهوت است.

ب - اکتفاء به نوشتن و کتابت شود و اگر ضرورت بسوی مکالمه پیدا گردید باید در آن دستور رب العالمین را فراموش نکنند که الله سبحانه و تعالی میفرماید: (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا) (۳)

ترجمه: پس صدایتان را ای زنان در وقت صحبت پایین و پخش نکنید که امید میبرد آنان که در دل های شان مرض است و بگویید سخن نیکو.

(1) فتاوی المرأة المسلمة تالیف علامه ابن باز ۱/ص ۱۹۶

(2) .(التواصل بین الجنسین عبر الانترنیت للشیخ سلمان العوده...: www.sayadia.cam/vb/showthread.php%3f1 ضوابط

(3)سوره احزاب آیت ۳۲

خلاصه : از همه اقوال علماء و فقهاء کرام ، خلاصه اش چنین دانسته میشود ، که صحبت و مکالمه مردان با زنان از طریق آلات الکترونیکی تا مادام که ضرورت کشنده بسوی او نباشد جایز نیست ، چون بسیاری از مکالمه ها که از طریق وسایل مدرن مانند موبایل ، کمپیوتر و اینترنت ، صورت میگرد خطر آن در جامعه اسلامی کمتر از صحبت های حضوری نیست ، زیرا از این طریق فحشهای زیاد را مرتکب ، آبرو های زیادی میرزاند و جنایات زیادی واقع میگردد که ابتداء آن از طریق تلفون و اینترنت صورت میگرد ، بنابراین خلوت نمودن با زنان اجنبی از طریق وسایل الکترونیکی به هر نوع که باشد بدون ضرورت جایز نیست .

قوانین افغانستان :

در قوانین افغانستان هیچ مورد را نیافتم که در آن از خلوت مردان با زنان بوسیله آلات الکترونیکی حرف زده باشد ، و یا هم احکام تعزیری بر آن مرتب گردیده باشد .

مبحث چهارم: موانع خلوت

تعریف موانع: موانع جمع مانع مؤنث مانع میباشد که در لغت به معنی ضد اعطاء و به معنی قطع آمده است (۱)

تعریف موانع در اصطلاح: عبارت از اوصاف میباشد که وجود آن باعث زوال حکم، و نبود آن وجود حکم را لازم نمی گرداند.

و از خلال تعریف فقهاء در مورد خلوت صحیح و فاسد به وضاحت دانسته میشود که صحت خلوت صحیح در نبود موانع حسی، شرعی و طبعی تحقق میابد، (که قبلاً در مورد موانع سه گانه وضاحت ارائه نمودیم) اما آنچه که از آن به عنوان مانع در اینجا قصد بحث داریم، مانع حسی میباشد (که فقهاء نیز در بحث های شان به این نوع از موانع بیشتر پرداخته اند) که او نتیجه عیب های میباشد که مانع مقاربت جنسی میگردد که بعضی از آن تعلق به مردان دارد و دیگری متعلق به زنان و بعضی هم مشترک میان میان هر دو میباشد، چنانچه عده از علماء به آن اشاره کرده است. (۲)

که لازم است در ابتدا مفهوم عیب را واضح سازیم:

معنی عیب لغتاً: عیب لغتاً بمعنی سستی بدن آمده است. (۳)

معنی عیب در اصطلاح شرع: عبارت از چیزی است که مانع مقاربت جنسی میگردد. (۴)

ویاهم عیب: عبارت از آنچه که باعث نفرت از مقاربت جنسی میگردد و باعث شکست برانگیختن آرزوی شهوت میشود میباشد. (۵)

از جمله این موانع و عیوب که تعلق به مردان و زنان دارد قرار ذیل میباشد:

مطلب اول: موانع متعلق به مردان

موانع که تعلق به مردان میگردد ذیلاً بیان میگردد.

(۱) مختار الصحاح کلمه مانع صفحه ۲۹۹

(۲) المغنی اج ۱۷ ص ۱۱۴۱ الحاوی الکبیر اج ۱۹ ص ۱۱۰۶ حاشیه الجمل اج ۱۴ ص ۱۲۱۲ الشرح الکبیر اج ۱۷ ص ۱۵۶۷ الوسیط اج ۱۵ ص ۱۱۵۹

(۳) لسان العرب اج ۱ ص ۶۳۴ اتاج العروس اج ۱ ص ۸۱۳

(۴) الام اج ۱ ص ۱۸۴ المدونة الکبری تالیف امام مالک اج ۴ ص ۱۲۱۲

(۵) الموسوعة الفقهیه الكويتیه تالیف وزارت اوقاف کویت اج ۱ ص ۱۳۱ ص ۱۸۲

۱ - جب :

مفهوم جب (اخته) لغتا: عبارت است از قطع، و محبوب عبارت از مرد اخته شده است که آلت مردی و خصیه او وصل شده باشد (۱)

مفهوم جب اصطلاحاً: فقهاء احناف و مالکی جب را چنین تعریف نموده است که میگویند: محبوب عبارت از کسی است که آلت مردی و خصیه او یکی شده باشد که گرفته شده از جب بمعنی قطع است. (۲)

و فقهاء شافعی و حنبلی میگویند: که محبوب عبارت از مردی میباشد که تمام آلت مردی او قطع شده باشد و یاهم برای او چیزی از آلت مردی باقی نمانده باشد که مقاربت جنسی ممکن باشد. (۳)

۲ - العنه

مفهوم عنه لغتا: عبارت از مردی است که با زنان مقاربت جنسی نتواند و نیز به زن که به مردان اشتیاق نداشته باشد گفته میشود، و وجه تسمیه آن به عنین به این خاطر است که او آلت تناسلی خویش را به هر طرف زنان میگرداند اما انتشار نمیشود و قصد نمیکند. (۴)

مفهوم عنه اصطلاحاً: اما عنه در اصطلاح فقهاء احناف، شافعی ها، و حنابله، عبارت از عنین است و عنین عبارت از عاجز بودن از دخول میباشد، که عنین مأخوذ از عن بمعنی پهن و هموار میباشد، زیرا هر گاه که او اراده دخول را کند آلت تناسلی او پهن میشود. (۵)

اما در نزد مذهب امام مالک رحمه الله عنین عبارت از کسی است که قدرت مقاربت جنسی را بخاطر خورد بودن آلت تناسلی اش ندارد. (۶)

- (1) لسان العرب اج ۱۱ ص ۱۲۴۹ تاج العروص اج ۱۲ ص ۱۱۷ مختار الصحاح اج ۱۱ ص ۱۳۹
- (2) مبسوط سرخسی اج ۹ ص ۱۵۰ العنایه شرح بدایه اج ۴ ص ۱۴۹۱ بحر الرایق اج ۴ ص ۱۳۳ الذخیره اج ۱۴ ص ۱۴۲۸ التاج والاکلیل (لختصر الخلیل تالیف محمد بن یوف بن ابی قاسم ابو عبدالله العبدری ابیروت اج ۳ ص ۱۴۹ جامع الامهات تالیف ابن حاجب اج ۱۱ ص ۱۷۱)
- (3) الحاوی الکبیر اج ۱۹ ص ۱۳۷۱ المهدب تالیف علامه شیرازی اج ۱۲ ص ۴۹ روضة الطالبین اج ۱۷ ص ۱۱۵۹ مغنی اج ۱۷ ص ۱۱۴۱ المبدع اج ۱۷ ص ۱۱۰۱
- (4) لسان العرب اج ۱۱ ص ۱۲۹۱ تاج العروس اج ۳۵ ص ۱۴۱۴ المعجم الوسیط اج ۱۲ ص ۱۶۳۲
- (5) عنایه شرح هدایه اج ۱۶ ص ۱۸۱ تبیین الحقائق اج ۳ ص ۱۲۱ بحر الرایق اج ۱۴ ص ۱۱۳۳ مجمع الانهر فی شرح ملتقى الابجر اج ۱۲ ص ۱۱۳۷ حاشیه ابن عابدین اج ۳ ص ۱۴۹۴ الحاوی الکبیر اج ۱۹ ص ۱۳۶۸۱ حاشیه الجمل علی شرح المنهج اج ۱۴ ص ۱۲۱۴ مغنی اج ۱۷ ص ۱۱۵۲ شرح الکبیر اج ۱۷ ص ۱۵۶۹ شرح زرکشی علی مختصر الخرقی تالیف شمس الدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله زرکشی تحقیق عبدالمنعم خلیل (ابراهیم ابیروت اج ۱۲ ص ۱۴۱۲ المبدع اج ۱۷ ص ۱۱۰۲ الانصاف اج ۱۸ ص ۱۱۸۶ مطالب اولی النهی اج ۱۵ ص ۱۱۴۲)
- (6) مدونة الكبرى اج ۴ ص ۱۲۱۳ الذخیره اج ۱۴ ص ۱۴۲۹ شرح مختصر الخلیل اج ۱۸ ص ۱۳۷ منح الجلیل اج ۱۳ ص ۱۳۹۲

مطلب دوم: موانع متعلق به زنان

موانع که به زنان تعلق می‌گردد قرار ذیل می‌باشد .

اول: رتق

مفهوم رتق لغتا: رتق از حیث لغت مصدر این قول عربهاست که می‌گویند: رتقت المرأة رتقا ای التصق فرجها او التصق ختانها . یعنی مهبل آن خانم چسپیده است یا ختنه آن چسپیده است . تا وقت که این چسپیده گی درخانم موجود باشد مقاربت با او امکان پذیر نمی باشد . ونیز رتق بمعنی انضمام یعنی مهبل زن پیوست ویکجاشده باشد که از شدت پیوست آلت تناسلی مردان امکان دخول را در آن ندارد .^(۱)

مفهوم رتق اصطلاحا: رتق در اصطلاح فقهاء احناف ،مالکی ها ، شافعی ها ، وحنبلی ها عبارت است از اینکه می‌گویند: ان المرأة الرتقاء هی بینة الرتق لایستطاع جماعها لانسداد ذالک الموضع وهو کون الفرج مسدودا لا مسلک للذکر فیه .^(۲)

که خانم رتقاء بکسی اطلاق می‌گردد که رتق آن روشن و واضح بوده باشد ،وامکان مقاربت جنسی با او نباشد از جهت اینکه محل مقاربت آن بند بوده که او عبارت از مهبل زن می‌باشد و برای آلت مردان راه دخول در آن نمی باشد .

دوم: قرن

مفهوم قرن لغتا: قرن از حیث لغت بمعنی ورم وپندیدگی می‌باشد که بمحل جماع زن به وجود آمده باعث تنگی مهبل می‌گردد که از داخل شدن چیزی در مهبل جلوگیری مینماید .^(۳)

مفهوم قرن در اصطلاح: قرن در اصطلاح فقهاء احناف ،مالکی ها ، شافعی ها ، وحنبلی ها عبارت است از اینکه می‌گویند: ان المرأة القرناء هی من نبت فی فرجها غده اولحم او عظم زایده فسدده وهی علی شکل قرن فیمنع من دخول الذکر فیه .^(۱)

(1) لسان العرب اج ۱۰ ص ۱۱۴ المعجم الوسیط اج ۱ ص ۱۳۲۷ تاج العروس اج ۵ ص ۱۳۳۲ تهذیب اللغة اج ۹ ص ۱۶۱
 (2) عنایه شرح هدایه اج ۶ ص ۱۹۰ بحر الرایق اج ۳ ص ۱۱۶۳ مجمع الانهر فی شرح ملتقى الابحر اج ۱ ص ۱۵۱۴ حاشیه ابن عابدین اج ۳ ص ۱۴۳۲ مدونه الكبرى اج ۱ ص ۱۱۰ ص ۱۳۴۵ تهذیب المدونه اج ۳ ص ۱۹۹ شرح الكبير اج ۲ ص ۱۲۷۸ الحاوی (الكبير اج ۱ ص ۱۴۴۱ روضة الطالبین اج ۱ ص ۱۷۷ کفاية الاخبار اج ۱ ص ۱۳۶۶ اصنی المطالب فی شرح روض الطالب اج ۱ ص ۱۱۷۶ الاقناع اج ۲ ص ۱۴۲۰ المدبع اج ۱ ص ۱۱۰۶ المغنی اج ۱ ص ۱۱۴۱ الشرح الكبير اج ۱ ص ۱۵۶۷
 (3) مصباح المنیر اج ۲ ص ۱۴۱۸

یعنی زن قرناء به خانم گفته میشود که در مهبل او غده، گوشت، ویا هم استخوان زیاده پیدا شده که مهبل را فاسد ساخته و او بشکل شاخ میباشد و از داخل شدن آلت تناسلی مردان مانع میگردد. این بود خلاصه از موانع که بطور خاص تعلق به مردان یا به زنان دارد اما موانع خلوت که مشترک میان زنان و مردان میباشد عبارت از نرسیدن به بلوغ یا صغیر میباشد که بحث آن را در باب خلوت با صغیره بیان مینمایم.

اقوال فقهاء در مورد موانع خلوت، متعلق به مردان و زنان

۱ - علماء حنفی: خلوت صحیحه عبارت از آن است که مرد وزن در جای یکجا گردد که در آنجا موانع حسی، طبعی، شرعی که از مقاربت جنسی منع کند وجود نداشته باشد، که از جمله موانع صحت خلوت اینست که زنان رتقاء، قرناء، عفلاء، و شعراء^۲ بوده باشد. (۳).

در این جا وقتی که در تعریف احناف میبینیم، دیده میشود که احناف موانع خلوت را عدم امکان مقاربت جنسی قرار داده است، که هر گاه از این موانع چیزی موجود باشد خلوت بفساد سوق میابد و آثار بر آن مرتب نمیگردد.

چنانچه علامه ابن عابدین^(۴) میگوید: که علماء حنفی خلوت صحیحه را وقتی در مقام وطی (هم بستری) قرار داده است که امکان اش از جانب مرد بوده باشد و این امکان از طرف خانم نیز موجود باشد، اما دوست نداشتن مرد مانع از جانب او است، مانند عنین. (۵).

یعنی هر گاه امکان وطی موجود باشد آن خلوت صحیحه شمرده میشود اما ناتوانی مرد مانند اینکه مرد عنین بوده باشد مانع خلوت میگردد.

(1) شرح فتح القدير اج ۴/ص ۱۳۰۴ تبیین الحقایق اج ۳/ص ۱۲۵ عنایه شرح بدایه اج ۶/ص ۱۹۰ الکافی تالیف ابن عبدالبراج ۱۱/ص ۱۲۵۸ منح الجلیل اج ۳/ص ۱۳۸۲ المهذب اج ۲/ص ۱۴۸ مغنی المحتاج اج ۳/ص ۱۲۰۲ نهایة المحتاج اج ۶/ص ۱۳۰۹ شرح منتهی الارادات اج ۲/ص ۱۶۷۸ مطالب اولی النهی اج ۱۵/ص ۱۱۴۷

(2) شعراء: عبارت از زن است که در تحت شکم آن موی زیاد بوده باشد: لسان العرب اج ۱۴/ص ۱۴۱۱ و عفلاء: گوشت زیادی است که در مهبل زن پیدا میگردد که مانع جماع میگردد که مانند شاخ میباشد. لسان العرب اج ۱۱/ص ۱۴۵۷

(3) فتاوی هندیه اج ۱۱/ص ۱۳۰۵

(4) محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز عابدین دمشقی در سال ۱۱۹۸ هجری در دمشق به دنیا آمده است و یکی از علمای معروف احناف میباشد که در سال ۱۲۵۲ هجری در دمشق وفات نموده است

(5) حاشیه ابن عابدین اج ۳/ص ۱۱۲۲

وهم چنان علامه ابن نجیم در بحر الرایق میگوید: احناف در موانع خلوت صحیحه اعتبار مرض را کرده است که هیچ تفاوت میان مرض مردان و زنان قایل نشده است که مرض مانع حسی می باشد و مطلق مرض مانع خلوت می گردد، و از جمله این موانع رتق، قرن، عفل، شعر و غیره می باشد که در داخل مهبل زنان پیدا می گردد و باعث منع همبستری می گردد. (۱)

که از همین قبیل محبوب و عنین و خصی می باشد.

وهم چنان ابن نجیم (۲) میگوید: که احناف خلوت بدون مانع را در ثبوت احکام و آثار مانند همبستری اعتبار داده است (هرگاه خلوت صورت گیرد گویا که وطی صورت گرفته باشد پس خلوت صحیحه همان است که در آن قدرت همبستری به نهایت توان زن وجود داشته باشد. (۳)

بنابراین از نظر احناف در هر خلوت صحیحه که در آن امکان هم بستری موجود باشد و هیچ موانع در آن دیده نشود ولو که هم بستری نکرده باشد در حکم آن است که هم بستری کرده باشد.

۲ - فقهاء مالکی: فقهاء مالکی نیز خلوت صحیحه را مقام مجامعت یا هم بستری قرار داده است، زیرا میگویند که خلوت محل گمان مجامعت می باشد.

و اما خلوت محبوب (۴) را اعتبار نداده است، چنانچه علامه قرافی^۵ میگوید: که هرگاه خصی و یا هم محبوب انزال شود بر خانم او عدت لازم می باشد زیرا خلوت متحقق گردیده است. (۶)

و علامه ابن قدامه رحمه الله میگوید: اگر مجبوت در خلوت و یا هم مجامعت انزال نکرده به آن عدت لازم نمی گردد. (۷)

وهم چنان فقهاء مالکی خلوت محبوب را در واجب نگرداندن عدت مانند خلوت طفل اعتبار کرده است.^۸ و نیز میگویند که هرگاه خلوت با محبوب صورت بگیرد ولی مجامعت به خاطر موانع مانند

(1) بحر الرایق شرح کنز الدقایق ج ۳ ص ۱۱۶۲

(2) زین الدین بن ابراهیم بن محمد معروف به بن نجیم مصری متوفی ۹۷۰ هجری شارح کنز الدقایق

(3) بحر الرایق ج ۳ ص ۱۱۶۷

(4) حاشیه دسوقی ج ۱۲ ص ۱۴۶۸

(5) قرافی: ابو العباس شهاب الدین احمد بن ادريس بن عبدالرحمن مالکی مصری مشهور به قرافی است در سنه ۶۲۶ هجری متولد شده و در سنه ۶۸۴ هجری وفات نموده است.

(6) بلغة السالک لاقرب المسالک تألیف شیخ احمد بن محمد صاوی مالکی متوفی ۱۲۹۱ هجری چاپ دارالمعرفه ج ۱۲ ص ۱۴۴۰

(7) شرح الکبیر تألیف سید احمد ابوالبرکات در دیر تحقیق محمد علیش چال دارالکتب علمیه بیروت ج ۱ ص ۱۴۶۸

(8) حاشیه عدوی ج ۲ ص ۱۱۵۳ شرح مختصر خلیل ج ۴ ص ۱۱۳۶

احرام و مریضی صورت نگیرد، نصف مهر بر محبوب لازم می‌گردد.^(۱) و این در حالت می‌باشد که مانع از جانب خانم بوده و هر گاه مانع از جانب شوهر بوده باشد مهر پوره لازم می‌گردد.^(۲) در اینجا مالکی‌ها نیز خلوت صحیحه را در مقام وطی قرار میدهند اما در ترتب احکام جهت قایل میشوند که هر گاه موانع از جانب شوهر باشد تمام مهر و هر گاه مانع از جانب خانم باشد نصف مهر لازم می‌گردد و هم چنان در محبوب انزال را موثر در تحقق حکم گردانده اند.

۳ - فقهاء شافعی‌ها: اکثریت فقهاء شافعی نظر کردن مردان خصی را بسوی زنان مانند نظر مردان بسوی محارم اعتبار داده اند و این آیت مبارکه را به آن حمل میکنند که الله سبحانه و تعالی میفرماید (أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ)

ترجمه: و یا هم مردان خصی که نیاز و تمایل به زنان ندارد.

آنها در تفسیر غیر اولی الاربة میگویند که مرد خصی را عقلش غافل است که پروا و اشتیاق مقاربت جنسی را ندارند.^(۳)

اما در مورد اندازه نمودن مهر و ثبوت مهر در خلوت شرط میگذارند که موانع حسی مانند قرن، جب، عنه و غیره قطعاً وجود نداشته باشد.^(۴) - و نیز میگویند وقتی که روزه و احرام مانع بوده باشد تسلیم شدن تمام نمیشود زیرا که جب و عنه در منع ابلغ است و مانع تسلیم، که واجب کننده اكمال مهر بسبب خلوت به نزد شافعی‌ها می‌گردد نمیشود.^(۵) - اما شافعی‌ها در مورد خلوت مردان خصی با زنان میگویند که خلوت ایشان جواز دارد مشروط بر اینکه مسلمان بوده باشد و اگر کافر بوده باشد خلوت جواز ندارد و نیز نظر کردن مردان خصی را بسوی زنان نیز مقید نموده به اینکه در مرد خصی هیچ تمایل و اشتیاق بسوی زنان باقی نمانده باشد و نیز در نظر کردن شان شرط می‌باشد که مرد خصی مسلمان بوده، و نیز میگویند که خلوت و سفر نیز به نظر ملحق می‌باشد.^(۶)

(۱) ذخیره اج ۱۴ ص ۱ ۳۷۶

(۲) استذکار تالیف ابن عبدالبر اج ۱۵ ص ۱۴۳۶

(۳) کفایة الاختیار فی حل غایة الاختصار تالیف نقی الدین ابوبکر بن محمد حسینی تحقیق علی عبدالحمید بلطجی و محمد وهبی سلیمان طبع اول چاپ دارالخیر دمشق اج ۱۱ ص ۱۴۲۶

(۴) روضة الطالبین و عمدة المفتین تالیف یحیی بن شرف نووی چاپ مکتبه اسلامی بیروت طبع اول تحقیق شیخ علی محمد عوض اج ۱۸ ص ۱۳۹۵

(۵) الحاوی الکبیر تالیف علی بن محمد بن حبیب ماوردی چاپ بیروت طبع اول اج ۱۹ ص ۱۵۴۳

(۶) حاشیه جمل تالیف ذکریا بن محمد انصاری چاپ دارالفکر بیروت اج ۱۴ ص ۱۲۳ | انهایة المحتاج اج ۱۶ ص ۱۱۹۰

۴ - حنابله : فقهاء مذهب امام احمد رح نظر کردن خصی و محبوب را مانند مردان سالم اعتبار داده است که آنرا حرام دانسته است ، از این لحاظ خلوت مردان را با زنان رتقاء مباح نمی دانند زیرا میگویند : که اعضای بدن گرچند که غیرفعال بوده باشد ، شهوت مردان از قلب شان دور نمیشود و نیز از استفاده مانند بوسه کردن و غیره در امن نمیماند .^(۱)

این بود خلاصه بحث در ارتباط موانع خلوت و احکام آن که با ذکر اقوال و نظریات فقهاء خدمت خوانندگان گرامی پیش کش نمودم .

قوانین افغانستان :

تا حد توان کوشیدم تا پیرامون موانع خلوت صحیحه در مدونه قانون مدنی و جزایی افغانستان ، نکات را دریابم و درمقارنه با اقوال فقهاء اسلام به بحث بگیرم اما در قوانین افغانستان در خصوص این موضوع مواد را نیافتم که از موانع خلوت بحث صورت گرفته باشد ، تنها در یک ماده قانون مدنی افغانستان ، کلمه عنین به کار رفته است که میگوید :

ماده ۹۱ : در مورد لزوم کل مهر ، خلوت صحیحه حکم دخول را در نکاح صحیح دارد ، گرچه زوج عنین باشد .

از این ماده قانون چنین برداشت میشود که خلوت نمودن معیوب مانند عنین با زنان در قانون مدنی افغانستان موثر در اثبات احکام بوده ، که سبب اكمال مهر میگردد ، و نیز چنین دانسته میشود که خلوت افراد معیوب در قانون مدنی افغانستان مباح نبوده است .

(۱) مطالب اولی النهی تالیف مصطفی سیوطی رحیبانی اج ۱۵/ص ۱۱۸ کشاف القناع عن متن الاقناع تالیف منصور بن یونس بن ادريس بهوتی چاپ دارالفکر بیروت اج ۱۵/ص ۱۱۳

فصل دوم خلوت با اجنبی

این فصل دارای دو مبحث بوده

مبحث اول مقصود از اجنبی

مبحث دوم خلوت با اجنبی از جهت عذر میباشد .

فصل دوم

خلوت با اجنبی

مبحث اول: مقصود از اجنبی

مطلب اول: تعریف اجنبی

۱ - تعریف اجنبی در لغت: اجنبی لغتا از این مقوله عربها مأخوذ میباشد که میگویند: "جَنَبُ الشَّيْءِ" وقتی که از چیزی دور میشدند و نیز میگویند "اجنب" وقتی که کسی دور از قرابت باشد و جمع آن اجانب میاید. و اجنبی به کسی گفته میشود که شناسنامه دولتی نگرفته باشد. (۱) و نیز کلمه اجنبی و جنب و رَجُلُ جَانِبٍ برای اشخاص اطلاق میگردد که بیرون از شهر قرار داشته باشد. (۲)

باتوجه به این معانی و استعمالات معلوم میگردد که مقصود از اجنبی برای یک مرد که اراده ازدواج را دارد همان است که باوی قرابت نداشته باشد چون مفهوم لازمی استعمالات مذکوره به وضاحت به آن میپردازد که اجنبی به کسی اطلاق میگردد که قرابت نداشته باشد تا صحت ازدواج و خلوت با او تحقق پیدا کند.

۲ - تعریف اجنبی در اصطلاح: دکتر عبدالکریم زیدان (۳) در کتاب خود بنام المفصل در مورد تعریف اجنبی میاورد که میگوید: « المرأة الاجنبية هي المرأة التي تحل للرجل ان يتزوج حالا او مستقبلا بعد زوال المانع المؤقت » (۴) یعنی اینکه خانم اجنبی بکسی گفته میشود که برای مرد حلال باشد که ازدواج کند با او در حال و یادر آینده بعد از دور شدن موانع مؤقتی « بنا برین زن اجنبی بکسی اطلاق میگردد که از جمله محارم که نکاح بآنها حرام میباشد نباشد تا نکاح و خلوت تحقق و آثار آن مرتب گردد درینجا این ضرورت پیدا میگردد که تا پیرامون محارم و محرمات بحث و توضیح داده شود تا تفکیک میان اجنبی و محرم ثابت گردد.

(۱) لسان العرب ج ۱ ص ۲۷۶ | معجم الوسيط ج ۱ ص ۱۱ | معجم المقایس اللغة ج ۱ ص ۱۱ | مختار الصحاح ج ۱ ص ۴۷۱

(۲) لسان العرب ج ۱ ص ۲۷۷ | تاج العروس ج ۱ ص ۱۲ | معجم الوسيط ج ۱ ص ۱۱ | ۱۳۸

(۳) دکتر عبدالکریم زیدان متولد ۱۹۱۷ میلادی در مرکز بغداد بوده که تالیفات زیادی در نظریات فقهی دارد و در سال ۲۰۱۴ در شهر صنعاء وفات نموده است

(۴) المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم | بیروت ج ۱ ص ۱۳ | ۱۱۸۲

مطلب دوم: تعریف محارم

۱- تعریف محارم در لغت:

محارم جمع است و مفرد آن محرمة میاید و مشتق از حُرْمَت بضم حاء و راء است که عبارت از هر شخص و یا شی که حرام است ریزاندن آبرو و احترام او واجب باشد، چنانچه عرب ها میگویند "رحم محرم" برای کسی گفته میشود که ازدواج با او حرام میباشد به این اساس محرم کسی است که صاحب قرابت باشد که ازدواج کردن با او حرام بوده باشد مانند پدر، برادر، فرزند، کاکا، که نکاح شان باشخص حرام میباشد. (۱)

۲- تعریف محارم در شرع:

محارم را از نظر شریعت علماء چنین تعریف نموده است که از جمله علامه نووی "رحمه الله" چنین تعریف میکند (النساء اللاتی یحرم الزواج بهن حرمة مؤبده بنسب او رضاع او تحريم المصاهرة بسبب مباح) (۲): یعنی اینکه محارم در شریعت عبارت از زنان هستن که نکاح کردن با آنها حرام میباشد به حرام بودن دایمی بسبب نسب یا شیرخوارگی و یا هم نکاح شان بسبب خسرو دامادی بوسیله امر مباح حرام میباشد.

پس از این تعریف چنین دانسته میشود که نکاح با زنان گاهی به حرمت همیشگی و گاهی به حرمت موقتی میباشد و برای هر کدام اسباب نیز میباشد که بتوفیق پروردگار هر واحد را مفصلاً بیان میداریم.

قوانین افغانستان:

قانون مدنی افغانستان نیز در نکاح، محارم را به دو نوع تقسیم نموده است که میگوید:

ماده 77: برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن شرایط آتی لازم است:

فقره (3) عدم موجودیت حرمت دایمی و یا مؤقت بین ناکح و منکوحه.

(1) لسان العرب اج ۱۲ ص ۱۱۲ مختار الصحاح اج ۱۱ ص ۱۵۶ العین تالیف خلیل بن احمد الفراهیدی اج ۱۳ ص ۱۲۲۲
 (2) ابوزکریا یحیی بن شرف نووی متولد سنه ۶۳۱ هجری و متوفی سنه ۶۷۶ هجری مشهور به امام نووی عالم، مجتهد، و از محدثین برجسته مذهب امام شافعی میباشد
 (3) المجموع تالیف امام نووی اج ۱۵ ص ۱۱۶

اول محرمات ابدی :

این نوع از محرمات بالنظر بسوی اسبابش به چند نوع تقسیم میگردد که عبارت اند از- ۱- محرمات بقربت ۲- محرمات بمصاهرت ۳- محرمات بشیرخوارگی که هر واحدرا بشکل مفصل بیان میداریم (۱).

أ - محرمات بقربت : این نوع از محرمات که هفت فرد میباشد عبارت از ۱- مادرها ۲- دخترها ۳- خواهرها ۴- عمه ها ۵- خاله ها ۶- دختران برادر ۷- دخترهای خواهر میباشد (۲).

ودلیل بر حرمت اینها فرموده الله سبحانه تعالی است که میفرماید : (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ الْخِ) (۳)

ترجمه: حرام شده است بالای شما مادراتان ودختران تان وخواهران تان وعمه هایتان وخاله هایتان ودختران برادرانتان ودختران خواهران تان .

در این آیه مبارکه بصراحت حرام بودن نکاح این هفت کس را دانسته میشود که نمی توان بآنها ازدواج نمود .

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز در این مورد پرداخته است که میگوید :

ماده ۸۱ : ازدواج شخص با اصول و فروع خود، و فروع پدر و مادر و طبقه اول فروع اجداد بطوری ابدی حرام میباشد .

ب - محرمات بمصاهرت "خسرودامادی" :

قسم دوم از محرمات ابدی محرمات است که بوسیله خسرودامادی "المصاهرة" محرم میگردد که بسبب نکاح دختر شخص با کسی و یا هم بسبب نکاح خواهر کسی بادیگری ثابت میگردد .

(۱) المفصل فی احکام المرأة والبیة المسلم اج ۱ ص ۱۶ | تحفة الفقهاء تالیف سمرقندی اج ۱۲ ص ۱۲۱ | بدایع والصنایع تالیف کاسانی ج ۲ ص ۱۲۵۶
(۲) المغنی اج ۱ ص ۱۷ | ص ۱۸۴
(۳) سوره نساء آیت ۲۳

یعنی از جمله اسباب محرمات ابدی شوهر دختر و یاهم شوهر خواهر میباشد چون مفهوم لغوی صهر به شوهر دختر و یاهم شوهر خواهر دلالت میکند و شریعت اسلام نیز بهمان مفهوم لغوی صهر تقریر کرده است و احکام را نیز در قبالش آورده است .

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز با این نظریه توافق دارد که میگوید :

ماده 82 : ازدواج شخص با زوجه اصول و زوجه فروع خودش به طور دائم حرام میباشد ، هم چنان ازدواج شخص با اصول زوجه اش مطلقا و با فروع زوجه اش در صورت دخول به طور دائم حرام میباشد .

که این نوع از محرمات به افراد ذیل اطلاق میگردد .

1 - مادر زن 2 - دختر زن 3 - زن پسر 4 - زن پدر .^(۱)

یعنی که این گروه از زنان از جمله محرمات ابدی بوده و نکاح با آنها حرام میباشد .

دلیل :

قرآن کریم : الله سبحانه و تعالی میفرماید :

(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ الْأَيِّ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ الْأَيِّ دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَاءِ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا)^(۲)

ترجمه : حرام شده است بالای شما مادرانتان و دختران تان و خواهران تان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادرانتان و دختران خواهران تان و آن مادران که شما را شیر داده است و خواهران تان که رضاعی هستن و مادران زنان تان و دختران که در خانه های شما است از زنان تان که به آنها دخول کردین و اگر به آنها دخول نکردین هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شماست

(1) مبسوط سرخسی ج ۳ ص ۱۲۸۷ الحاوی الکبیر تحقیق شیخ علی محمد معوض | بیروت | ج ۹ ص ۱۰۰ الفواکه الدوانی
تالیف احمد بن غنیم بن سالم الفراوی | بیروت | ج ۲ ص ۱۷۱ تحفة الفقهاء | ج ۲ ص ۱۲۲ |
(2) سوره نساء آیت ۲۳

واینکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه قبل از آمدن نهی گذشته است که شمامیان دو خواهر جمع میکردین بدون شک که خداوند بخشاینده مهربان است .

در این آیت مبارکه الله سبحانه و تعالی بصراحت بحرمت مادرزنان و دخترزنان و نیز بر حرمت مادران و زنان پسران تصریح کرده است که سبب همه این تحریم ها نکاح میباشد چون نکاح شخص باعث حرمت مادران و دختران زن برای مرد میگردد و نیز نکاح پسر باعث حرمت زن پسر برای پدر و نکاح پدر باعث حرمت مادران برای پسران میگردد از این رو شریعت اسلام نیز نکاح را سبب حرمت این گروه گردانیده است و این گروه را از جمله محرمات ابدی قرار داده که نکاح با آنها حرام میباشد .

ج : محرمات بسبب شیرخوارگی " رضاعت " : طایفه دیگری از محرمات که سبب حرمت نکاح آنها شیرخوارگی میباشد افراد ذیل میباشد 1- مادران شیرده 2- خواهران که با او از یک مادر شیر خورده است .^۱

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز از محرمات به سبب شیرخوارگی سخن گفته است ، که در آن چنین آمده است :

ماده 84 : حرمت رضاعی به استثنای حالات ذیل مانند حرمت نسبی است :

- 1- خواهر پسر رضاعی .
- 2- مادر خواهر یا برادر رضاعی .
- 3- مادر کلان پسر یا دختر رضاعی .
- 4- خواهر برادر رضاعی .

از متن این ماده قانون به وضاحت دانسته میشود که محرمات بسبب شیرخوارگی به استثنای فقرات فوق محارم ابدی بوده ، نمی توان با ایشان ازدواج نمود .

دلایل حرمت :

(1) مبسوط سرخسی | ج ۳ | ص ۲۸۸ | تحفة الفقهاء | ج ۲۱ | ص ۱۲۴ | فواکه الدوانی | ج ۲ | ص ۱۱۷ |

۱ - قرآن کریم : الله سبحانه وتعالى میفرماید : (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَاءِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا) (۱)

ترجمه: حرام شده است بالای شما مادرانتان و دختران تان و خواهران تان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادرانتان و دختران خواهران تان و آن مادران که شما را شیر داده است و خواهران تان که رضاعی هستند و مادران زنان تان و دختران که در خانه های شما است از زنان تان که به آنها دخول کردین و اگر به آنها دخول نکردین هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شماست و اینکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه قبل از آمدن نهی ، گذشته است که شما میان دو خواهر جمع میکردین بدون شک که خداوند بخشاینده مهربان است . (۲)

در این آیت مبارکه الله سبحانه وتعالى بطور صریح نکاح مادران شیردهنده را برای مسلمانان حرام قرار داده است و شیرخوارگی یکی از اسباب حرمت نکاح میباشد .

ب - سنت : امام مسلم رحمه الله در صحیح خود میاورد که (ان النبی صلی الله علیه وسلم قال ان الله یحرم من الرضاعة ما یحرم من الولادة) ^۳ بدون شک الله سبحانه وتعالى حرام میگرداند بسبب رضاعت آنچه را که حرام میگرداند بسبب ولادت .

از این حدیث مبارکه بوضوح معلوم میگردد که یکی اسباب حرمت ابدی شیرخوارگی بوده بنابراین مادران که شیر میدهند و خواهران که با او شیر میخورد برای شخص که شیر خورده است حرام بوده و از جمله محرمات او بحساب میرود .

دوم محرمات مؤقتی :

۱ - **تعریف محرمات مؤقتی** : محرمات مؤقتی را علماء ، از جمله علامه زیدان چنین تعریف نموده

است (المحرمات المؤقتة هي من یحرم نکاحهن لوصف المعین اولحالة خاصة او لسبب معین) (۴)

(۱) سوره نساء آیت ۲۳

(۲) سوره نساء آیت ۲۳

(۳) مسلم کتاب الرضاع باب ما یحرم من الرضاع ج ۱ ص ۱۲۱ ص ۱۱۰۷

(۴) المفصل فی احکام المرأة اوبیت المسلم ۱۶ ص ۱۲۷۸

یعنی اینکه محرمات موقتی عبارت از زنان است که حرام میباشد نکاح شان به خاطر یک صفت معین و یا حالت مخصوص و یا هم بسبب معینی. پس از این معلوم میگردد که نکاح بعضی از کسان بطور مؤقتی بسبب موانع موجود حرام بوده و اما در صورت زوال موانع و رفع قیود حکم حرمت نیز زایل گردیده به حالت اصلی خویش که "الاصل فی الاشیاء الاباحه" است برمیگردد.

2 - انواع محرمات مؤقتی : این نوع از محرمات به انواع ذیل تقسیم میگردد که هر واحد را مفصلاً بیان میداریم .

أ - جمع کردن دو خواهر در نکاح شخص واحد : نکاح دو خواهر برای یک شخص که هر دورا در

نکاح خود در آورد حرام میباشد دلیل بر آن فرموده الله سبحانه و تعالی است که میفرماید :

(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ الْأَتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ الْأَتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَاءِ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا) (1)

ترجمه: حرام شده است بالای شما مادرانتان و دختران تان و خواهران تان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادرانتان و دختران خواهران تان و آن مادران که شما را شیر داده است و خواهران تان که رضاعی هستن و مادران زنان تان و دختران که در خانه های شما است از زنان تان که به آنها دخول کردین و اگر به آنها دخول نکردین هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شماست و اینکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه قبل از آمدن نهی گذشته است که شما میان دو خواهر جمع میکردین و یا هم یکی از آنها وفات کرده باشد بدون شک که خداوند بخشاینده مهربان است.

از این آیت مبارکه بوضاحت دانسته میشود که نکاح دو خواهر برای یک شخص که هم زمان بوده باشد حرام میباشد و این را دانسته میشود که این حرمت مؤقتی بوده چون در آخر آیت کریمه "الا ما قدسلف" آمده است که دلالت به نفی تحریم میکند چون آداب استثناء خواص اش همین است که منفی قبل خویش را به بعد خود مثبت و مثبت را منفی میگرداند چنانچه این قاعده نزد احناف و بسیاری

(1) سوره نساء آیت ۲۳

از علماء قبول شده است چون در این جا قبل از استثناء تحریم بوده و بعد از او تحلیل تعلق میگرد . بنابراین جمع کردن دو خواهر در نکاح حرام بوده اما این حرمت مؤقتی بوده و در صورت رفع موانع حلال میگردد .

2 - نکاح با زن دیگران و با زن که در عدت باشد :

نکاح با زن که در نکاح دیگر کسی قرار دارد و هم چنان نکاح با زن که در عدت طلاق قرار دارد حرام می باشد .

دلیل : الله سبحانه و تعالی در ذیل اینکه محرمات را بیان میدارد میگوید : (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ) (۱) ترجمه : و نیز حرام میباشد برای شما زنان شوهر دار . زیرا بحکم قاعده معروف که معطوف در حکم معطوف علیه میباشد ، چون قبلا در معطوف علیه محرمات مورد بحث بود و بحث شده بود و حکم اش نیز بیان گردید که حرمت است و در معطوف نیز همان حکم تثبیت میگردد که حرمت نکاح با زنان شوهر دار میباشد .

زیرا اگر ازدواج با زنان دیگران جایز باشد اهداف موضوعه از جانب شریعت اسلام ، فلسفه و حکمت ازدواج از بین میرود چون ازدواج یک زن با چند مرد باعث اختلاط نسل و اختلافات اجتماعی گردیده سبب تشنج و درگیری ها میگردد . زیرا الله سبحانه و تعالی غریزه را در وجود هر مرد از انسان ها حتی در حیوانات گذاشته است که نمی گذارد خانم اش در وجود او با دیگران استمتاع جنسی کند . بنا برین نکاح با زنان شوهر دار که عملا در قید نکاح دیگران بوده باشد حرام میباشد .

و در ارتباط به حرمت نکاح زنان که در عدت است باید استدلال و بیان دلیل کرد . در این مورد الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَلَاتَعْرِزُواْ عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ) (۲) ترجمه : و قصد نکاح زنان معتمده را نکنید تا اینکه بگذراند آنچه که بر او از عدت طلاق فرض گردانیده شده است .

(1) سوره نساء آیت ۲۴
(2) سوره بقره آیت 235

زیرا در حالت عدت نکاح زن با شوهر اول اگر طلاق رجعی باشد باتمام معنی وجود دارد چون شوهر میتواند به مجرد رجوع با او، شوهر گردد و نیز در صورت که طلاق باین باشد نکاح شوهر اول با او من وجه باقیست چون بعضی از آثار نکاح باقیست مثل سکنی و طعام و غیره چون شوهر اول میتواند با تجدید نکاح خانم را در ملکیت خود بیاورد (۱)

و این نیز باید واضح گردد که نهی وارده در قرآن کریم نسبت به اجنبی‌ها میباید اما شوهر که طلاق داده است میتواند در حین عدت با او عقد نکاح کند. بنابراین گفته میتوانیم که حرمت نکاح با زن کسی دیگر وهم چنان با خانم که در عدت طلاق قرار گرفته باشد حرام میباشد اما این حرمت مؤقتی بوده که بعد از زوال مانع حلال میگردد یعنی اینکه هرگاه خانم از قید نکاح بسبب طلاق و نیز از عدت طلاق بگذرد دیگران میتوانند با او ازدواج نمایند.

3 - نکاح بازن که مشرک باشد :

فقهاء کرام اتفاق دارند بر اینکه با زنان مشرک که ایمان به ادیان سماوی، رسولان، و کتابها الهی ندارند به اینکه عبادت غیر الله رامیکنند مانند آتش پرستان، بت، پرستان، گاو پرستان و غیره نکاح کردن جواز ندارد.

دلایل -

أ- الله سبحانه وتعالى میفرماید: (وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ) (۲) ترجمه: نکاح نکنید با زنان مشرک تا اینکه ایمان بیاورند. از این آیت مبارکه دانسته میشود که الله سبحانه وتعالی نکاح کردن مسلمانان را با زنان مشرک حرام قرار داده است و این را نیز دانسته میشود که این حرمت مؤقتی بوده در صورت که آنها ایمان بیاورند و مسلمان شوند نکاح کردن با آنها حلال میگردد چون در آیت کریمه " حتی یومن " ذکر گردیده است که دلالت میکند بر اینکه هرگاه زنان غیر مسلم، مسلمان گردند نکاح کردن با آنها حلال میباشد.

(1) بدایع و الصنائع ج ۲۱ ص ۲۶۸ | عمدة القاری ج ۱۲ ص ۱۰۰ | افواکه الدوانی ج ۲۱ ص ۱۲۷
(2) سوره بقره آیت ۲۲

ب - رسول الله صلى الله عليه وسلم برای اصحاب خویش در مورد مجوسی ها میفرماید : (سنوا بهم سنة اهل الكتاب غيرنا كحى نسائهم ولا آكلى ذبائهم)^(۱)

ترجمه : بامجوس رویه کنید که با اهل کتاب میکنند مگر اینکه با زنان شان نکاح نکنید و آنچه را که از حیوانات میکشند نخورید .

بناءً از این حدیث مبارکه نیز دانسته میشود که نکاح کردن با زنان مشرک حرام بوده اما این حرام مؤقتی بوده و در صورت که ایمان بیاورند جایز میباشد .

در این جا این ضرورت پیش میاید که کلمه مشرک را تعریف شود دانسته شود که مشرک بر چی کسی اطلاق میگردد .

تعریف مشرک : تعریف مشرک بنا بر آنچه که علامه بدرالدین عینی^(۲) ، شمس الأیمة^(۳) سرخسی و غیره میگویند عبارت است از (المشركة من لا تؤمن بكتاب الله من الكتب التي انزلها الله تعالى ولا برسوله من الرسل الذين ارسلهم الله بهداية عباده الى الصراط المستقيم)^(۴)

یعنی اینکه زن مشرک بکسی گفته میشود که به کتاب از کتاب های الهی که نازل نموده و به رسول از رسول های خداوند جل جلاله که فرستاده برای هدایت بندگانش ایمان نداشته باشد .

4 - نکاح بازن که بطلاق سه گانه طلاق شده است :

شریعت اسلام نهایت جفتیت میان مرد و زن را بطلاق سه گانه قرار داده است به این معنی که هرگاه مردی خانم خویش را به سه طلاق ، طلاق نماید نمیتواند با او دوباره نکاح کند تا آنکه آن زن با شوهر دیگری نکاح نکند و هرگاه بامردی دیگری ازدواج کرد و از او طلاق دریافت نمود میتواند با شوهر اول خویش ازدواج نماید^(۵)

(1) سنن الکبری : تالیف احمد بن حسین بن علی بن موسی خراسانی معروف به بیهقی متوفی ۴۵۸ نشر دارالکتب علمیه بیروت اج ۱۹ ص ۱۱۹۲

(2) ابو محمد محمود بن احمد بن موسی بن احمد بن حسین بن یوسف بن محمود عینی حنفی متولد ۷۶۲ هجری قمری شارح صحیح البخاری و متوفی ۸۵۵ هجری قمری میباشد

(3) شمس الأیمة سرخسی محمد بن احمد سرخسی از دانشمندان بلند رتبه سده چهارم هجری قمری بوده و از بزرگترین فقهاء احناف میباشد که در سال ۴۹۰ هجری وفات یافته است .

(4) عمدة القاری ج ۱ ص ۱۲ | مبسوط ج ۳ ص ۱۲۸۹ | بدایع الصنائع ج ۱ ص ۲۷۰ | افواکه الدوانی ج ۲ ص ۱۱۹

(5) الفواکه الدوانی ج ۱ ص ۱۲ | المدونة الکبری تالیف امام مالک ج ۱ ص ۱۴ | مبسوط ج ۶ ص ۹۵۱ | بدایع الصنائع ج ۳ ص ۱۸۷

چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) (۱) درین آیت مبارکه الله سبحانه و تعالی بعد از اینکه مراحل طلاق رایان میکند که بعد از وقوع دو طلاق اگر انسانی در طلاق سوم واقع میگردد میگوید: که دیگر این خانم برای او حلال نیست تا اینکه خانم با مردی دیگر ازدواج کند و بعد از اینکه با شوهر دوم ازدواج کرد و طلاق دریافت نمود میتواند با شوهری اولی اش ازدواج نماید. بناءً از این آیت مبارکه دانسته میشود که الله سبحانه و تعالی نکاح کردن با خانم شخص که از جانب اوسه طلاق دریافت نموده است برای همان شخص حرام میباشد و اما این حرمت مؤقتی بوده یعنی که اگر زن شوهری دیگر کند که از جانبش طلاق دریافت نموده و یاهم شوهر دومی بمیرد میتواند با شوهر اولی اش ازدواج نماید.

قانون مدنی افغانستان:

قانون مدنی افغانستان نیز در مورد محرمت مؤقتی سخن گفته است که از آن انواع محرمت مؤقتی را دانسته میشود:

ماده 85: در حالات ذیل حرمت موقت موجود میگردد:

1- جمع در نکاح بین دو زنی که هر گاه یکی آنها مرد فرض کرده شود، حرمت ازدواج بین شان به وجود میاید.

2- مطلقه ثلاثه تا زمانی که با شخص دیگری ازدواج نماید.

3- منکوحه و معتده غیر.

4- زنی که لعان شده باشد تا وقتی که شوهر خود را تکذیب نماید.

5- زنی که اهل کتاب نباشد.

در اینجا وقتی که مبینیم قانون مدنی افغانستان همسو با نظریات فقهاء محرمت مؤقتی را تقسیم نموده است، تنها در یک مورد که آنهم مسأله لعان زن میباشد که شوهرش تکذیب کند زیاد شده است اما در کل گفته میتوانیم که قانون مدنی افغانستان در این بحث موافق نظریات فقهاء تدوین یافته است.

تنبيه:

(1) سوره بقره آیت ۲۳۰۱

ا - حکم خلوت بامحرمات مؤقتی :

آنچه که من از خلال مطالعه کتاب ها و اقوال علماء در مورد حکم خلوت بامحرمات مؤقتی یافته ام چنین برمیآید که خلوت نمودن بامحرمات مؤقتی مانند . خواهر زن ، عمه زن ، خاله زن و غیره جایز نبوده و نمیتواند کسی بامحرمات مؤقتی خویش خلوت گزیند^۱ . چون این احتمال وجود دارد که موانع که سبب حرمت گردیده در حالت خلوت آنها زایل گردد و هرگاه موانع زایل گردد حرمت نیز زایل میگردد که از محارم حساب نمیگردد مانند اینکه کسی باخواهر زن خود در جای خلوت کند و در آن حالت خانم اش وفات کند که آن وقت حرمت خواهر زنش رفع گردیده و میتواند با او نکاح کند .

به این اساس حکم خلوت با محارم مؤقتی از نظر فقهاء حرام بوده اما قوانین افغانستان در این مورد اظهار نظر نکرده است ، شاید این همه سکوت ارج گذاری به دیدگاه های فقهاء بوده باشد که موقنین افغانستان به آن جسارت نکرده باشد .

ب - حکم خلوت بامحارم دایمی :

از خلال مطالعه کتاب و آثار فقهاء کرام معلوم میگردد که خلوت نمودن بامحارم ابدی جایز بوده اما مشروط به اینکه از فتنه در امن بوده باشد^۲ چنانچه علامه کاسانی (۳) در کتاب خویش به این موضوع تصریح کرده میگوید : " واین کانت المرأة ذات رحم محرم منه فلا بأس بالخلوة والافضل ان لا يفعل " (۴) . یعنی اینکه اگر در حالت خلوت خانم از جمله محرمات باشد هیچ مشکل ندارد خلوت نمودن با او ولی بهتر است که خلوت نکنند . بنابراین خلوت نمودن بامحارم ابدی جایز بوده مشروط به اینکه از فتنه در امن بوده باشد .

مطلب سوم : حکم خلوت با اجنبی

حکم خلوت باخانم اجنبی به فروع ذیل تقسیم میگردد :

اول: خلوت با زن اجنبی جوان

(1) بدایع الصنائع اج ۱۵ ص ۱۱۹۱ نهاییه المحتاج تالیف شمس الدین محمد الرملی اج ۱۶ ص ۱۹۴ بیروت
 (2) کفایت الاخیار فی حل غایت الاختصار تالیف تقی الدین ابوبکر بن محمد الحسینی دمشق | تحقیق علی عبدالحمید بلطجیو محمد وهبی سلیمان اج ۱ ص ۳۵۲ موسوعه الفقهیه الكويتیه اج ۱۱۹ ص ۲۶۹ فتح الباری اج ۱ ص ۱۴۵۲ مبسوط سرخسی اج ۱۴ ص ۱۱۱
 بدایع الصنائع اج ۱۵ ص ۱۱۲۰
 (3) علاء الدین ابو بکر بن مسعود کاسانی حنفی متوفی ۵۸۷ هجری میباشد که از او تالیفات زیادی به جا مانده است
 (4) بدایع الصنائع آدرس قبلی

۱- مقصود از جوان: علماء در مورد اینکه مقصود از جوان چی کسی را اراده شده است گفته اند که مقصود از جوان همان است که زن به بلوغ رسیده، به سن یأس و پیری نرسیده، عادت ماهوارگی داشته، شهوتش قطع نشده، و جذابیتش برای مردان باقی بوده باشد، میباشد.^۱

قانون مدنی افغانستان:

قانون مدنی افغانستان در مغایرت با نظریات فقهاء، سن تکلیف را تعیین میکند که در آن چنین آمده است:

ماده 70: اهلیت ازدواج وقتی کامل میگردد، که ذکور سن هجژده و اناث سن شانزده را سالگی را تکمیل کرده باشد.

ماده 71: فقره 1 - هرگاه دختر سن مندرج ماده (70) این قانون را تکمیل نکرده باشد، عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می تواند.

فقره (2) عقد نکاح صغیره کمتر از (15) سال به هیچ وجه جواز ندارد.

از این مواد قانون چنین دانسته میشود که سن تکلیف برای مردان هجده سالگی و برای زنان شانزده سالگی بوده باشد، در حالیکه نظریه فقهاء اسلام کاملاً مغایر با این اصل بوده، زیرا شریعت اسلام معیار تکلیف را بلاغت شخص تعیین نموده است.

ب - حکم خلوت بازن اجنبی جوان: همه فقهاء اتفاق دارند به اینکه خلوت نمودن باخانم اجنبی جوان حرام بوده است زیرا خلوت با زنان اجنبی جوان وسیله شروفته میباشد بنابر قاعده معروف که هر شی وسیله بسویی فساد گردد نامشروع میباشد و هم چنان برمسلمانان بندکردن و برداشتن اسباب و وسایل فساد واجب میباشد^۲ بناءً خلوت نمودن بازنان اجنبی جوان حرام میباشد که البته این تحریم در غیر ضرورت است اما در حالت ضرورت خلوت نمودن بازنان جوان اجنبی جایز میباشد مثل اینکه خانمی در سفر ازقافله بازماند و همراهان برود چنانچه که این چنین اتفاق در حادثه افک افتاد که ام

(1) تفسیر خازن تالیف علاءالدین علی بن محمد البنان ج ۱ ص ۱۷۱، ۱۱۱۰ اللباب فی علوم الکتاب تالیف ابن عادل حفص عمر بن علی بیروت ج ۱ ص ۱۹، ۱۶۴

(2) تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق تالیف فخرالدین عثمان بن علی الزلیعی قاهره ج ۱ ص ۵۱۲، الفروع و تصحیح الفروع تالیف ابن مفلح محمد المقدسی ابو عبدالله بیروت تحقیق ابوالزهراء حازم القاصی ج ۱ ص ۹، نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار شرح منهی الاخبار بیروت ج ۱ ص ۶، ۱۲۴۰ بحر الرائق تالیف ابن نجیم بیروت ج ۱ ص ۱۲، ۱۳۳۹

المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها از قافله بجامانده بود که باصفوان بن معطل تنها ماند که قریب بود واقعه بزرگ رخ دهد اما فضل الله جل جلاله نصیب مادرمان و مسلمانان گردید و براءت عایشه صدیقه رضی الله عنها نازل، و تشویش رسول الله صلی الله علیه وسلم و مسلمین رفع گردید. و یاهم مثل اینکه خانم جوان مریض بدون محرم و یاشوهرش بخاطر علاج به نزد داکتر برود و خلوت کند. پس بنابر قاعده معروف فقهی که ضرورت اشیایی ممنوعه را مباح میگرداند.

ج - دلایل :

۱ - قرآن کریم - که الله سبحانه و تعالی میفرماید: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (۱)

ترجمه: بگو برای مردان مسلمان که چشمانشان را پایین اندازند و فرج های شان را نگهدارند که این برای شان پاکیزه تر است، بدون شک الله خیر دار است بهر کاری که شما انجام می دهید.

(وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) (۲)

ترجمه: و بگو برای زنان مسلمانان که چشم های شان را از نامحرمان پایین اندازند و شرمگاه های شان را حفظ کند و جاهای زینت را برهنه نکنند مگر آنجاهای که برای ضرورت ظاهر کرده میشود.

وجه دلالت: درین دوآیت قرآن کریم وقتی میبینیم که الله تبارک و تعالی بر مردان و زنان مسلمان اجازه نداده است که حتی بسویی نامحرمان نظر کنند چون نظر کردن بسویی نامحرمان امکان وقوع زنا را دارد و حرام است پس از باب اولی حرام میباشد که مردان با زنان اجنبی جوان خلوت کند زیرا در صورت خلوت نمودن، احتمال وقوع درزنا و فتنه بیشتر دیده میشود.

۲ - سنت: حرام بودن خلوت مردان با زنان اجنبی جوان از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز ثابت میباشد.

(1) سوره نور آیت ۳۱

(2) سوره نور آیت ۳۱

چنانچه امام بخاری رحمه الله بنقل از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما میاورد: (عن ابن عباس رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وسلم قال لا یخلون رجل بامرأة الا ومع ذی محرم فقام رجل فقال: یا رسول الله امرأتی خرجت حاجهً واکتتبت فی غزوه کذا وکذا قال: ارجع فحج مع امرأتک) (۱)

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت میکند رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگز خلوت نکنند مردی با خانم مگر اینکه همراهی او محرم او بوده باشد پس مردی برخاست و گفت ای رسول خدا! خانم برای حج خارج شده است و من وظیفه کتابت را کردم در فلان و فلان غزوه پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: برگرد و حج کن همراهی خانمت.

وهم چنان علامه ابن حبان در صحیح خود میاورد که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (لا یخلون رجل بامرأة ولا تسافرا الا ومعها ذو محرم) (۲)

ترجمه: هرگز خلوت نکنند مردی با خانم و نیز سفر نکنند خانم مگر اینکه همراهی او محرم او باشد. و هم چنین امام بیهقی در سنن خود درین رابطه میاورد که میگوید: (عن ابن عباس رضی الله عنهما قال سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول: لا یخلون رجل بامرأة ولا تسافر امرأة الا ومعها ذو محرم) (۳)

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: شنیده ام از رسول الله صلی الله علیه وسلم که میگفت: هرگز خلوت نکنند مردی با زنی و نیز مسافرت نکنند خانم مگر اینکه همراهی محرم اش باشد. بناءً از این احادیث بوضاحت دانسته میشود که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خلوت نمودن را با زنان اجنبی حرام قرار داده است و برهیچ کس جایز نیست که با زنان اجنبی بدون محرم خلوت کند به این لحاظ علامه ابن حجر عسقلانی با تعلیق بر این حدیث در کتابش میگوید " ولا یدخل علیها الا ومعها ذو محرم وهو اجماع " ۴ که داخل شدن نیز بر زنان اجنبی بدون وجود محرم

(1) بخاری کتاب نکاح ج ۱ ص ۱۵ | ۲۰۰۵ | شماره ۱۴۹۳۵

(2) صحیح ابن حبان ج ۱ ص ۱۶ | ۴۴۱ | شماره ۱۲۷۳۱

(3) سنن بیهقی الکبری ج ۱ ص ۱۳ | ۱۳۹ | شماره ۱۵۱۹۷

(4) فتح الباری ج ۲ ص ۱۷۷

اش حرام میباشد که این اجماع امت است . و نیز از این احادیث حرمت سفرزنان را به وضاحت دانسته میشود .

3 - اثر :

هم چنان حرمت خلوت مردان با زنان اجنبی از آثار واقوال تابعین کرام نیز دانسته میشود، تاریخ بغداد به نقل از میمون بن مهران میاورد که میگوید : (عن میمون بن مهران قال : اوصانی عمر بن عبدالعزیز فقال : یامیمون ! لاتخلو بأمرأة ، لاتحل لك وان اقرأتها القرآن ولاتتبع السلطان وان رأیت انک تأمره بمعروف او تنهاه عن منکر ولاتجالس ذاهوی فیلقی فی نفسک شیء یسخط الله علیک) (۱)

ترجمه : از میمون ابن مهران روایت است که گفت : وصیت کرد مرا عمر ابن عبد العزیز و گفت : ای میمون ! هرگز باخانم خلوت مکن که حلال نیست برایت اگرچند که او را قرآن تعلیم کنی و نیز در پی امیران مرو اگرچند که فکر کنی که او را امر بعروف ونهی از منکر میکنی و نیز با هوس پرستان هم نشینی مکن که در ذهنت چیزی را میاندازد که الله جل جلاله عذابت میکند .

بنا برین از آثار پیش تازان اسلام نیز دانسته میشود که خلوت نمودن بازنان اجنبی حرام بوده وسیله ایست بسوی فتنه و موجب عذاب الهی میگردد .

- اجماع امت :

علامه ابن منذر (۲) در مورد خلوت مردان بازنان اجنبی میگوید که " انعقد الاجماع عل تحريم الخلوۃ بالمرأة الاجنبیة الشابة بغير ضرورة او حاجة " یعنی اینکه همه علماء براین اتفاق دارند که خلوت نمودن بازنان اجنبی جوان در غیر ضرورت و حاجت حرام میباشد .

5 - عقل :

فقهاء در ارتباط به حرمت خلوت زنان جوان اجنبی دیدگاه را مبتنی بعقل نیز بیان نموده و آنرا وسیله گناه و ذریعه فساد عنوان نموده است چنانچه علامه ابن تیمیه وعده زیادی از علماء دراین مورد دیدگاه صریحی داشته که موضوع را به شکل درست توضیح میدهند ودلائل را مبتنی برعقل برحرمت خلوت

(1) تاریخ بغداد تألیف احمد بن علی ابوبکر الخطیب البغدادی بیروت | ج ۱۳ | ص ۱۷۳ | شماره ۱۷۱۵۰
 (2) حافظ ابو بکر بن ابراهیم بن منذر بن جارود نیشاپوری که یکی از دانشمندان مذهب امام شافعی بوده واز او اثرهای زیادی به جامانده است که در سال ۲۴۱ هجری تولد ودر سال ۳۱۸ هجری وفات نموده است .
 (3) الاجماع تألیف ابن منذر

بازنان جوان اجنبی ابراز مینمایند که میگویند: " ان الخلوۃ بالمرأه الاجنبیۃ الشابهۃ تحرم لانها مظنة الفتنة وتهيج الشهوة ورفع الحياء والوسوسة والوقوع في المعصية وارتكاب الزنا الحقيقي والاصل ان كل ماكان سببا للفتنة لايجوز " (۱)

که خلوت با زنان اجنبی جوان حرام میباشد زیرا محل گمان فتنه، برانگیختن شهوت، ازبین بردن حياء، وسواس، وقوع در گناه، و ارتکاب زناواقعی، میگردد وقاعده مقبول در مسایل فقهی اینست که هر چیزی که سبب فتنه گردد جایز نیست. بنابراین خلوت نمودن را علماء عقلا نیز حرام میدانند.

خلاصه: همه علماء اتفاق دارند به این که خلوت نمودن با زنان اجنبی جوان و نیز مسافرت ایشان بدون محارم حرام بوده زیرا شیطان برای اینکه انسان در گناه واقع گردد وسواس میکند چنانچه جابر ابن سمره رضی الله عنه میگوید: (خطب عمر بن الخطاب رضی الله عنه فی الناس بالجایبه فقال: ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قام فی مقامی فقال: لا یخلون رجل بأمرأه فان ثالثها الشیطان) (۲)

یعنی که عمر ابن خطاب رضی الله عنه در جابیه برای مردم خطبه ایراد کرد و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم در جای من در اینجا بلند شد و گفت: که خلوت نکند مردی باخانمی زیرا سومی اش شیطان میباشد.

چنانچه عده از علماء در ذیل این میگویند که منظورش اینست که شیطان در حالت خلوت با آنها میباشد وشهوت شان را بر میانگیزد تا اینکه در زنا واقع کند (۳)
والله اعلم.

دوم: خلوت با دختر صغیر

تعریف صغیر:

(1) کتب ورسائل وفتاوی الشیخ الاسلام ابن تیمیه -تحقیق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی ج ۱ ص ۲۳ | ج ۱ ص ۱۸۶ | فیض القدیر تألیف: المنای ج ۳ ص ۱۷۸ | تحفة الاحوذی شرح ترمذی تألیف محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم ابوالعلی المبارکفوری بیروت | ج ۴ ص ۲۸۲

(2) مسند شهاب تألیف القضاعی ج ۱ ص ۹۰ | باب لا یخلون الرجل بامرأة | شماره ۹۴۶ - جایبه نام حوضی است در مدینه منوره که برای شتران آماده شده است.

(3) تحفة الاحوذی ج ۶ ص ۳۲۰ | فیض القدیر ج ۱ ص ۱۳ | ج ۱ ص ۱۷۸

۱ - لغتا: صغیر در لغت از صِغَر اشتقاق شده است و صغیر بمعنی ضد کبر آمده است و عربها در استعمالات شان میگویند "ارض مصغرة" به زمین که گیاه آن نرسیده و دراز نشده باشد و هم چنین "فلان صغرة ولد ابویه" بکسی میگویند که او خوردترین فرزند پدر و مادر خود باشد^۱ - که معنی لازمی آن همان است که بفارسی به آن کوچک میگویند.

ب - اصطلاحاً: فقهاء در مورد تعریف اصطلاحی دختر صغیره به اینکه دختر صغیره مشتتهات «که به لذت جنسی بداند» و غیر مشتتهات «به لذت جنسی نداند» باشد فرق قایل شدن که این فرق گذاشتن برمیگردد به تعیین حد شهوت که ضرورت ایجاب میکند تا دیدگاه فقهاء را در مورد تعیین عمر دختر صغیره مشتتهات و غیر مشتتهاد بیان نمایم، تا به ابتداء بر آن دختر صغیره تعریف شده احکام نیز واضح گردد.

ج - تعریف مشتتهات: از نظر فقهاء مشتتهات به خانم گفته میشود که علاقه مندی مردان به او پیدا شده باشد که او هم در عمری نه سالگی یا هم بیشتر از او امکان پذیر است.^(۲)
و یا به عبارت دیگر که دختر صغیره مشتتهات همان است که امکان نفع بردن جنسی ممکن باشد و او در عمر نه سالگی امکان پذیر است.^(۳)

تعریف غیر مشتتهات: اما در مورد دختر صغیره غیر مشتتهات فقهاء میگویند که دختر صغیره غیر مشتتهات همان است که به سن حیض نرسیده باشد ولی قول مختار همان است که به سن نه سالگی نرسیده باشد.^(۴)

یعنی اینکه دختر صغیره غیر مشتتهات همان است که هنوز عادت قاعده گی و ماهوارگی را تجربه نکرده باشد و به سن نه سالگی نرسیده باشد.

قانون مدنی افغانستان:

(1) لسان العرب ج ۴۱ ص ۴۵۸ - مختار الصحاح ج ۱ ص ۱۵۲ | تهذیب اللغة ج ۸ ص ۱۶۰
(2) قواعد الفقهیه تألیف محمد عمیم الاحسان المجیدی ج ۱ ص ۴۸۸
(3) مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهی تألیف مصطفی السیوطی الرحیبانی ج ۱۵ ص ۴۷۳ | کشف القناع عن متن الاقناع تألیف منصور بن یونس البهوتی ج ۱۵ ص ۱۸۶
(4) بحر الرایق ج ۱۴ ص ۱۴۱ | حاشیه ابن عابدین ج ۱۳ ص ۵۰۷

قانون مدنی افغانستان در مورد تعریف صغیر و مشتتهات چیزی تصریح نکرده است ، تنها در چند مورد احکام را در خصوص صغیر و مراهق ذکر نموده است ، چنانچه در آن آمده است :

ماده 203 : هرگاه مراهقه و آیسه عدت شان را به حساب ماه آغاز کرده و قبل از تکمیل سه ماه حیض شوند ، عدت شان سه حیض کامل می باشد .

ماده 277 : هرگاه صغیر به سن (16) سالگی رسیده باشد ولی میتواند به اجازه محکمه با صلاحیت مبلغی را برای تجارت بدسترس وی بگذارد .

شاید منظوری شان از مراهقه و صغیر همان اصطلاح باشد که فقهاء به آن پرداخته است، و عدم تصریح شان به تعریف مشتتهات و صغیر احترام به آراء فقهاء بوده باشد .

اما قانون جزای افغانستان در مورد تعیین سن طفل چنین نگاشته است :

ماده 95 : طفل به شخصی اطلاق میگردد که هجده سال را تکمیل نکرده باشد .

این ماده قانون جزای افغانستان در مخالفت صریح با اقوال فقهاء قرار گرفته است ، چون فقهاء اسلام سن مشتتهات را نه سالگی و غیر مشتتهات کمتر از نه سال تعیین نموده اند ، و نیز قانون جزای افغانستان در زمینه میگوید :

ماده 96 : طفلی که 12 سال را تکمیل نکرده باشد ، مسؤلیت جزایی نداشته و دعوی جزایی علیه وی اقامه نمی شود .

در این جا وقتی که میبیم کود جزایی افغانستان در مخالفت با اقوال فقهاء قانون گذاشته است که لازم به بازنگری را دارد .

د - اقوال فقهاء در مورد تعیین حد شهوت :

۱ - علماء حنفی : فقهاء احناف در مورد تعیین حد شهوت اختلاف نظر دارند که عده از ایشان هفت سالگی را و عده ایشان نه سالگی را حد شهوت تعیین نموده است اما قول صحیح و مختار در نزد احناف

حد شهوت همان است که دختر باعتبار اندام کلان، رغبت مردان را به خود جلب کند و قابلیت نفع بردن عمل جنسی را داشته باشد.^(۱)

۲ - علماء مالکی: فقهاء مالکی حد شهوت را برای دختران مقید کرده اند که میگویند: حد شهوت همان است که در دختران قاعده گی رونما گردد و این قاعدگی در دختران نه ساله امکان دارد اما در دختران کم تر از نه سال امکان ندارد^۲ - درین جا وقتی بدقت به نظریه فقهای مالکی میبینیم بدرستی میابیم که میان مالکی ها و حنفی ها تقارب دیدگاه وجود داشته چون هر دو به یک نظر متفق اند که حد شهوت همان است که دختر به سن نه سالگی رسیده باشد و امکان استمتاع به آن موجود باشد چون هر گاه به تجربه قاعدگی دست یابد امکان استمتاع از آن نیز موجود میگردد پس میان احناف و مالکی ها اتحاد نظر موجود میباشد.

۳ - علماء شافعی: فقهای شوافع در باب تعیین حد شهوت اعتبار طبایع سالم را کرده اند و میگویند: که حد اشتها در نزد اهل طبع سلیم سن نه سالگی میباشد.^۳ از این قول شافعی ها نیز دانسته میشود که اصحاب شافعی رحمه الله نیز با حنفی ها و مالکی ها اتفاق نظر دارند و همه اتفاق دارند که حد شهوت در دختران همان است که مقاربت جنسی با آنها امکان داشته باشد.

۴ - علماء حنبلی: فقهای مذهب حنبلی در رابطه به تعیین حد شهوت با اندک مغایرت با فقهای ثلاثه دیدگاهی را ارایه میکند که میگویند: حد شهوت در دختران صغیره همان وقت است که بردختر واجب است نفس خود را بشوهرش تسلیم کند و همچنان امکان مقاربت جنسی با دختر بوده باشد مثل دختران نه ساله.^۴ در تعریف حنبلی ها دومورد قابل بحث است یکی اینکه خانم قابلیت تسلیم نمودن نفس را برای شوهر که اگر صاحب شوهر بوده باشد داشته باشد در این جا غرض شان از این بحث همان مقاربت جنسی است یعنی اینکه خانم توان مقاربت جنسی را داشته باشد و یا هم همان

(۱) العنایة شرح هدایه ج ۱۲ ص ۷۷۱ تبیین الحقایق شرح کنز الدقایق ج ۲ ص ۱۰۷۱ بحر الرایق ج ۳ ص ۱۱۲۸ شرح فتح القدیر ج ۳ ص ۱۲۲۲ مجمع الانهر شرح ملتقى الأبحر تاف عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان ۱۱ ص ۴۸۲
 (۲) حاشیه دسوقی علی شرح الکبیر تألیف محمد عرفه دسوقی ج ۱ ص ۱۲ ص ۱۴۷۶ الاستذکار تألیف ابن البر ج ۱ ص ۱۵ ص ۴۰۵ شرح الکبیر تألیف سیدی ابوالبرکات الدبر ج ۲ ص ۴۶۸ منج الجلیل تألیف علامه علیش ج ۱ ص ۱۴ ص ۲۹۵
 (۳) نهایة المحتاج ج ۱ ص ۱۶ ص ۱۸۹ حاشیه اعانة الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین تألیف ابی بکر ابن سید محمد شطا الدمیاطی بیروت ج ۱ ص ۱۳ ص ۲۶۲
 (۴) المبدع تألیف ابن مفلح ج ۱ ص ۱۷ ص ۶۱ شرح منتهی الارادات المسمی بدقایق اولی النهی شرح المنتهی تألیف منصور بن یونس بن ادرس بیروت ج ۱ ص ۱۳ ص ۴۰۱ کشف القناع تألیف بهوتی ج ۱ ص ۱۵ ص ۱۸۶ مطالب اولی النهی ج ۱ ص ۱۵ ص ۲۵۵ منار السبیل تألیف ابراهیم بن محمد سالم اریاض تحقیق عصام قلجی ج ۲ ص ۱۹۴ شرح الکبیر تألیف ابن قدامه ج ۱ ص ۱۸ ص ۱۲۷

توانای فکری را داشته باشد که بداند فلان کس شوهرش شده است که با او انس گرفته عاطفه نشان دهد. دوم اینکه دختر صغیره قوت فزیکیش بقدر رسیده باشد که امکان نفع بری جنسی از آن ممکن باشد. باتوجه بمحتوای قول حنبلی ها گفته میتوانیم که حنبلی ها نیز در مورد تعیین حد شهوت برای دختر صغیره با جمهورائیمه موافق اند چون اگر مراد از تسلیم نمودن نفس همان توان مقاربت جنسی و توان فزیکیش را بگیریم هیچ اختلاف نظری میان حنبلی ها و جمهور دیده نمیشود.

تنبه: اگر بخواهیم مقارنه میان اقوال فقهاء چهارگانه نمایم درمیابیم که باتوجه به مقبولیت اقوال همه فقهاء، حنفی ها نظریه جالب را ارایه نموده است زیرا حنفی ها به جوانب آن تماس گرفته است چون حد شهوت تنها متعلق بزنان نبوده بلکه جانب دیگرش به جنس مخالفش تعلق میگرد زیرا که قدرت استمتاع به رغبت مردان برمیگردد برای اینکه قدرت استمتاع از برانگیختن شهوت مردان دانسته میشود که احناف به آن اشاره کرده است. بنابراین من چنین دریافتم که احناف به مورد مهم اشاره کرده است که حد شهوت وقتی تبارز میکند که باعث برانگیختن شهوت مردان گردد. اما متأسفانه در قوانین افغانستان در مورد تعیین حد شهوت هیچ مذاکره را نیافتم که آنرا با نظریات فقهاء به مقایسه بگیریم.

حکم خلوت بادختر صغیره: همه فقهاء براین اتفاق دارند که خلوت نمودن مردان بادختر صغیره که به حد شهوت نرسیده باشد جایز است چون فقهاء قیاس کردن خلوت کردن بادختر صغیره را به نظر کردن، لمس کردن، بوسه کردن، نماز خواندن مقابل دختر صغیره که نماز را فاسد نمیکند، وغسل دادن دختر صغیره. یعنی اینکه فقهاء میگویند: چنانچه که نظر کردن بسوی دختر صغیره، بوسه کردن، لمس کردن، بوسه کردن، و دیگر موارد فوق حرام نمیباشد همچنان خلوت نمودن نیز بادختران صغیره حرام نبوده، جایز میباشد.

اما فقهاء در مورد خلوت با دختران صغیره که به حد شهوت، که علماء آنرا نه سالگی تعیین نموده، رسیده باشند میگویند که خلوت با ایشان حرام میباشد چون دختران در این عمر کشنده بسوی فتنه میباشند و حکم خلوت با این نوع از دختران در تحریم به حکم خلوت با زنان جوان میباشد که فقهاء در مورد تحریم خلوت با زنان جوان اجنبی استدلال کرده اند که قبلاً بطور مفصل ذکر نموده ام،

در این جا نیز دلایل را ذکر میکنم که دلالت میکند باینکه حکم خلوت با دختران صغیره که به حد شهوت رسیده باشد مانند حکم خلوت با زنان جوان میباشد .

أ - قرآن کریم - الله سبحانه وتعالى میفرماید: (وَاللَّائِي يَئُسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَاءِكُمْ إِنْ أُرْتَبُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا) (۱)

ترجمه : زنان که ناامید شدن از عادت ماهوارگی از زنان شما اگر شک کردید در خون که از آنها میاید که آیا حیض است و یا استحاضه و یا اینکه شک کردید در اینکه عدت آنها چی مدت میباشد پس عدت آنها سه ماه میباشد به عوض سه قرء و نیز آن دختران که از خوردی حیض نمیبیند عدت شان سه ماه میباشد و زنان حامله را عدت شان وضع حمل شان است و هر که از خدا ترسید الله در کارهای او آسانی میاورد .

عده از مفسرین در ذیل این آیت مبارکه به صراحت میگویند: عدت دختران که به سن ماهوارگی نرسیده باشد مانند عدت زنان نا امید از حیض میباشد که از پیری زیاد از حیض مانده است .^۲
از این تفسیر مفسرین چنین دانسته میشود که میان زنان آیه و دختران صغیره مشتبهات بنحو همگونی موجود است بنا بر این چنانچه که آنها در عدت یک حکم را دارند در خلوت نیز در یک حکم میباشد پس چنانچه خلوت نمودن مردان با زنان اجنبی آیه حرام بوده با دختران صغیره اجنبی که به حد شهوت رسیده باشند نیز حرام میباشد .

۲ - سنت - « عن عائشة رضي الله عنها ان النبي صلى الله عليه وسلم تزوجها وهي بنت ست سنين وبنی بها وهي بنت تسع سنين » (۳)

ترجمه: از ام المؤمنین عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا روایت است که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم با او ازدواج نمود در حال که او دختر شش ساله بود و با او شب گذراند در حال که او دختر نه ساله بود.

(1) سوره طلاق آیت ۴

(2) ابن کثیر ج ۱ ص ۱۴ | الجامع لاحکام القرآن تالیف ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی | قاهره ج ۱ ص ۱۸ | ۱۶۴ |
جامع البیان (عن تاویل الأبی القرآن بیروت ج ۱ ص ۲۸ | ۱۴۲ |

(3) صحیح البخاری کتاب النکاح باب تزویج الاب بنته ج ۱ ص ۱۳ | ۱۴۱۵ | شماره ۳۶۸۲ |

از این حدیث دانسته میشود که دختران به سن نه سالگی بحد شهوت میرسند چون این را از زفاف پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم باعایشه صدیقه بوضاحت دانسته میشود. بناء خلوت نمودن بادختران که به حد شهوت رسیده اند حرام میباشد زیرا احتمال فتنه و وقوع زنا در آن حتمی میباشد چون باساس تجارب زمانی دختران به سن نه سالگی به حد شهوت میرسند.

هم چنان حدیث دیگری نیز از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده که میفرماید: « اذا بلغت الجارية تسع سنین فهی امرأه »^(۱)

ترجمه: هرگاه دختری به نه سالگی رسید او خانم است. یعنی که دختران در سن نه سالگی همه احکام یک خانم بر او مرتب میگردد بناء یکی از احکام که بر زنان مرتب میگردد حرمت خلوت با مردان اجنبی میباشد. از این رو خلوت با دختران که بسن نه سالگی رسیده باشد حرام میباشد.

۳ - آثار - حرمت خلوت دختران که بحد شهوت رسیده باشد از اقوال و آثار فقهاء نیز ثابت میباشد چنانچه از امام شافعی رحمه الله روایت است: « عن الشافعی رحمه الله قال رأیت بصنعاء جدۀ بنت احدی وعشرین وحاضت ابنۀ تسع وولدت ابنۀ عشر »^(۲)

یعنی از امام شافعی رحمه الله روایت است که میگوید: مادر کلان را در صنعاء دیدم که دختر بیست و یک ساله بود، حیض دیده بود در نه سالگی وولادت کرده بود به ده سالگی « بناءً از این فرموده امام شافعی رحمه الله بوضاحت دانسته میشود که دختران به سن نه سالگی حیض میبینند و بحد شهوت میرسند و هرگاه دختری حیض ببیند از حالت صغری بیرون شده احکام زنان بر او مرتب میگردد. فلهذا خلوت نمودن بادختران که به حد شهوت رسیده اند حرام میباشد.

وهم چنان از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: « قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا جاء علی الجارية تسع السنین فهی امرأه »^(۳)

(1) صحیح البخاری باب نکاح الرجل ولده الصغار | ج ۱ | ص ۱۵ | ۱۹۷۳ | شماره ۱۴۸۴۱
 (2) سنن بیهقی الکبری باب السن التي وجدت المرأة حاضت فيها | ج ۱ | ص ۱۱ | ۳۱۹ | شماره ۱۱۴۲۵
 (3) اخبار اصبهانی تألیف ابونعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق الاصبهانی | ج ۱ | ص ۱۸ | ۳۲۱

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هرگاه دختران به سن نه سالگی رسید آنها زنان اند. از این فرموده رسول الله نیز بصراحت دانسته میشود که دختران به سن نه سالگی به حد شهوت میرسند بناء احکام زنان بر او تطبیق گردیده و خلوت نمودن بآنها حرام میباشد زیرا باعث فتنه میگردد.

۴ - معقول: علماء از دید عقل نیز میگویند: خلوت نمودن بادختران که بسن نه سالگی برسد و بِنفع و ضرر خود بداند حرام میباشد زیرا احتمال وقوع فتنه و ایجاد فساد در آنها موجود میباشد چنانچه علامه مبارکفوری میگوید: «ان الجاربة اذا بلغت تسع سنين فهي في حكم المرأة البالغة لانه يحصل لها حينئذ ما تعرف به نفعها وضررها من الشعور والتميز»^(۱)

یعنی اینکه هرگاه دختران به سن نه سالگی برسد در آنها شناخت نفع و ضرر پیدامیگردد و آنها در حکم زنان جوان میباشد به این ملحوظ دختران که به حد شهوت رسیده باشند احکام زنان بالغ بر آنها تطبیق میگردد و خلوت نمودن بآنها حرام میباشد.

سوم: خلوت باعجوزه " پیره زن "

تعریف عجوزه:

أ - لغتا: عجوزه در لغت که بضم عین و جیم آمده است که مأخوذ از عجز است بمعنی ضعف میباشد چنانچه عربها در محاورات شان میگویند "عجزت المرأة"^(۲). هنگامی که زنان به نهایت پیری و کهن سالی برسند، پس معنی لازمی عجوزه همان کهن سالی میباشد.

ب - اصطلاحاً: عجوزه در اصطلاح به زنان گفته میشود که عاجز شده اند و یا هم به زنان گفته میشود که از حیض مانده است چنانچه علامه آلوسی در کتاب (روح المعانی) خود به آن پرداخته است که میگوید: - امرأة قاعدة - به زنان گفته میشود که از حیض باز مانده است و اینکه عجوزه را به این نام، نامگذاری نموده اند به این خاطر است که آنها از کهن سالی بیشتر مینشینند، از نفع بردن جنسی بازمانده اند، و طمع شوهران نیز از آنها قطع شده است.^(۳) یعنی اینکه عجوزه به زنان گفته میشود

(1) تحفة الاحوذی ج ۱۴ ص ۲۰۸۱

(2) لسان العرب ج ۵ ص ۳۷۲ / مختار الصحاح ج ۱ ص ۱۷۴ / المعجم الوسيط ج ۲ ص ۵۸۵ / معجم البلدان / تالیف یاقوت بن عبدالله ابو عبدالله الحموی / بیروت ج ۴ ص ۸۷ /

(3) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی تالیف علامه ابی الفضل شهاب الدین سید محمود البغدادی / بیروت ج ۸ ص ۲۱۶ / المغنی ج ۲ ص ۷۸ / المبدع ج ۳ ص ۱۰۰ /

که از حیض بازمانده و تمایل جنسی به آنها کم شده و از پیری و ناتوانی بیشتر مینشینند . چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً الْخ) (۱) در این آیت مبارکه از زنان عجوزه به قواعد تعبیر شده است و نیز به مفهوم آن اشاره شده است که آنها امید نکاح را ندارند و در ذیل آیت کریمه به نفی حرج آنها بحث شده که دانسته میشود آنها از تمایل جنسی مانده است و نیز رغبت مردان از آنها چیده شده و قابلیت ارضایی شهوت را ندارند، در کل از این آیت کریمه فهمیده میشود که عجوزه به زنان اطلاق میگردد که عمرش بلند رفته، بحد که آرمانها از او قطع شده و نیز اراده نکاح در او وجود ندارد، حیض و ولادت از او قطع گردیده است .

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان در این مورد نیز صراحت ندارد که از آن حد آیسه (پیره زن) را دانسته شود تنها در موارد به احکام آیسه پرداخته است .

ماده 203 : هرگاه مرهقه و آیسه عدت شان را به حساب ماه آغاز کرده و قبل از تکمیل سه ماه حیض شوند ، عدت شان سه حیض کامل می باشد .

ب : حکم خلوت باعجوزه " پیره زن "

فقهاء در مورد خلوت باخانم عجوزه اختلاف نظر دارند که این اختلاف به دو قسم نفی و اثبات تقسیم میگردد ، که اقوال فقهاء را ذیلا بیان میداریم .

۱ - علماء حنفی : علماء حنفی و در یک قول مالکی ها به این نظر هستند که خلوت نمودن با زنان کهن سال جایز بوده ممانعت شرعی ندارد چنانچه علامه ابن عابدین شامی به آن پرداخته است که میگوید : (اما العجوز اللتی لاتشتهی یخلو بها الرجل اذ امن علیه و علیها والا لا . العجوز الشوهاء والشیخ الذی لایجامع مثله بمنزلة المحارم) (۲) یعنی پیره زنان که از اشتها مانده اند خلوت نمودن با آنها در صورت مطمئن بودن از فتنه بر هر دو جایز بوده و اگر از فتنه در امن نبود جایز نیست و زنان کهن سال

(1) سوره نور آیت ۶۰ /

(2) حاشیه ابن عابدین ج ۱ ص ۱۶ | ۱۳۶۸۱

ومردان کهن سال که از مقاربت جنسی مانده اند مانند محارم اند و اعتبار اینکه به منزله محارم اند اینست که نسبت به سوی دیگر اجانب به منزله محارم است و یا اینکه بودن مرد کهن سال با خانم کهن سال به منزله محارم است. بنابراین احناف به این نظراند که خلوت نمودن باییره زنان اجنبی جواز دارد اما مشروط بر اینکه از فتنه در امن بوده باشد.

۲ - علماء مالکی: مالکی ها در یک قول میگویند که خلوت نمودن با زنان جوان حرام میباشد اما خلوت نمودن بازنان کهن سال، ولو که مردان جوان باشد جایز میباشد و نیز میگویند که خلوت نمودن مرد کهن سال با زنان جوان و یا هم زنان پیر جایز میباشد^(۱)

و در یک قول دیگر مالکی ها که حنبلی ها و شافعی نیز با آنها موافقت کرده اند میگویند: که خلوت نمودن مردان اجنبی بازنان اجنبی کهن سال بدون ضرورت حرام میباشد اما در حالت ضرورت جایز میباشد که استدلال میکنند به حدیث که بحرمت خلوت زنان اجنبی مطلقاً قول میکنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (لا یخلون رجل بامرأة الا کان ثالثهما الشیطان)^۲ ترجمه: هرگز خلوت نمیکند مردان با زنان مگر که سومی شان شیطان میباشد.

با استدلال از این حدیث مالکی ها میگویند که خلوت نمودن بازنان مطلقاً حرام میباشد برابر است که زنان جوان باشد یا هم پیر.

۳ - علماء شافعی: شافعی ها نیز خلوت نمودن را بازنان مطلقاً حرام میدانند و هیچ فرقی میان کهن سال و جوان قایل نیستند و میگویند: « ان التحريم منوط بالانوثة ولا يعتبر جمال المرأة لان الطبع یمیل الیها »^(۳) که حرام بودن تعلق به انوئت دارد زیبای زنان اعتبار ندارد زیرا طبع انسانها بسوی زنان بدون اعتبار جوانی و کهن سالی تمایل دارد، به این لحاظ خلوت نمودن بازنان مطلقاً حرام میباشد، و نیز میگویند که شریعت هیچ فرقی میان جوانی و کهن سالی قایل نشده است، چون در هر حالت احتمال فتنه و فساد در خلوت بازنان موجود میباشد.

(۱) حاشیه العدوی علی شرح کفایة الطالب الریانی تألیف علی العبدی العدوی المالکی ابیروت ۱ تحقیق یوسف الشیخ محمد البقاعی ج ۱ ص ۱۵۹۸ | موهب الجلیل ج ۱ ص ۵۲۶ |
 (۲) سنن ترمذی ج ۱ ص ۴ | شماره حدیث ۲۱۶۵ | البانی: صحیح
 (۳) فواکه الدوانی ج ۱ ص ۱۲ | جامع الامهات تألیف ابن حاجب ج ۱ ص ۱۱ | موهب الجلیل ج ۱ ص ۲ | ص ۵۲۶ | القوانین الفقہیہ ج ۱ ص ۲۹۵

۴ - علماء حنبلی : حنبلی ها در این باب نیز دیدگاه را ارایه نموده است که میگویند : « تکره الخلوت بالعجوز وذلک ان تحریم الخلوت لغير المحرم » (۱) یعنی که خلوت نمودن با پیره زنان مکروه میباشد این ثابت میباشد زیرا حرام بودن خلوت با زنان از اینست که باغیر محرم است . از قول حنابلہ چنین برداشت میشود که خلوت نمودن با زنان مطلقاً حرام میباشد هیچ فرقی میان جوان و پیر قایل نشده اند و نیز از این قول شان دانسته میشود که دختران که بسن هفت سالگی رسیده باشند و بحد شهوت رسیده باشد نیز خلوت نمودن با آنها حرام میباشد اما دختران که به سن هفت سالگی نرسیده باشد و نیز بحد شهوت نرسیده باشند خلوت با آنها جایز میباشد . بناء خلوت نمودن با زنان عجزه از دید حنبلی ها نیز مکروه میباشد .

پس در مورد خلوت نمودن با عجزه ها (پیره زنان) از فقهاء دو نظریه ثابت و نقل گردیده است که یکی ثبوتی و دیگری سلبی میباشد و ضرور است که دلایل و استدلال هر واحد را خدمت خوانندگان گرامی بعرض برسانم .

۱ - فریق اول - آنهایکه میگویند خلوت نمودن با پیره زنان جایز بوده مانند امام ابوحنیفه و بعضی از مالکی ها به این آیه مبارکه استدلال میکنند.

اَللّٰهُ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰی مِیْفَرْمٰیذُ : (وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِی لَا یَرْجُوْنَ نِکَاحًا فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُنَاحٌ اَنْ یَّضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِیْنَةٍ وَاَنْ یَسْتَغْفِنَ خَیْرًا لَّهُنَّ وَاَللّٰهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ) (۲)

ترجمه: و زنان که از کهن سالی امید نکاح را ندارد هیچ گناه برایشان نیست اینکه بگذارند کالاهایشان را بدون اینکه ظاهر کننده زینت باشند و اگر طلب عفت کنند بهتر است برایشان و خداوند جل جلاله شنوا و دانا است .

وجه دلالت : از این آیه مبارکه به وضاحت دانسته میشود که الله سبحانه و تعالی برای زنان عجزه تخفیف در باب لباس وضع نموده است چنانچه علامه ابوبکر جصاص عنوان نموده است که میگوید : الله تبارک و تعالی بر پیره زنان در خصوص لباس شان تخفیف وضع نموده است مشروط بر اینکه بازینت

(1) الفروع تالیف ابن مفلح / ج ۵ ص ۱۱۳ | الاتصاف | ج ۸ ص ۳۱۱ | شرح منتهی الارادات | ج ۲ ص ۶۲۷ |
 (2) سوره نور آیت ۶۰

و آرایش بیرون نشوند چنان که زنان امروزی بیرون میشوند و نیز میگویند که علت این تخفیف در زنان عجزه عدم فتنه میباشد بخلاف زنان جوان که در آنها فتنه حتمی بوده است^۱ بنا بر این خلوت نمودن با زنان کهن سال جایز بوده چون فتنه و امکان وقوع در فتنه از آنها ممکن نبوده مشروط بر اینکه آراسته با آرایش وزینت نباشد چون اگر با آرایش وزینت آراسته باشد احکام خانم جوان بر او تطبیق میگردد که حرمت خلوت است .

ب - و نیز با استدلال عقلی میگویند : شریعت اسلام خلوت نمودن با زنان را بخاطر اجتناب از وقوع فتنه وزنا و نیز از جهت اجتناب وقوع در مقدمات زناحرام قرار داده است و این احتمال در زنان کهن سال ممکن نیست بناء خلوت نمودن با زنان کهن سال جایز میباشد و بارعایت شروط شرعی ، مردان میتواند با آنها خلوت گیرند^۲ . به این اساس خلوت نمودن با کهن سالان جایز میباشد .

۲ - فریق دوم - آنانکه بحرمت خلوت با زنان کهن سال قول نموده اند به عموم نصوص از قرآن کریم و سنت و نیز به عقل استدلال میکنند که میگویند همه نصوص وارده در خصوص تحریم خلوت با زنان اجنبی مطلق است که هیچ فرقی میان زنان جوان و پیر قایل نشده است .

أ- قرآن کریم الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَإِذَا سَأَلْتُمُهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) (۳)

ترجمه : هرگاه که شما چیزی را از زنان میخواستین آنرا از پشت پرده ها بخواهید که این کار پاکیزه تر بر قلبهای شما و قلب های آنها میباشد .

وجه دلالت : در این آیت مبارکه که الله سبحانه و تعالی بر مردان دستور میدهد که هر گاه از زنان چیزی میخواهید باید از عقب پرده بخواهید تا از اختلاط که کشنده بسوی فحشا و فساد است جلوگیری بعمل آید، این حکم دلالت منطوق آیت مبارکه میباشد ، اما مفهوم آیت دلالت دارد بر اینکه بر هیچ مردی جایز نیست که با زنان اجنبی خلوت کند ، زیرا احتمال فساد در خلوت بیشتر از مخالفت است

(1) احکام القرآن تألیف احمد بن علی الرازی الجصاص | بیروت | تحقیق محمد قملوی | ج ۱ | ص ۱۹۶ |

(2) حاشیه ابن عابدین | ج ۱ | ص ۳۶۸ |

(3) سوره احزاب آیت ۵۴

و در این آیت مبارکه فرقی میان جوان و پیر قایل نشده است بناءً خلوت نمودن با زنان عجزه نیز حرام میباشد. (۱)

بنا بر این آنچه را علامه جصاص وعده دیگری از علماء در مورد خلوت با زنان عنوان کرده است چنین برمیآید که الله سبحانه و تعالی از جهت حکمت ها اختلاط مردان را با زنان حرام قرار داده است که اوعبارت از نگهداری مردم از وقوع درزنا، و ایجاد فتنه میباشد، بناءً خلوت نمودن با زنان چی جوان باشد و یا هم پیر احتمال وقوع در زنا و ایجاد فتنه را دارد، چون هر انسان باجنس مخالف حساس میباشد و امکان وقوع فتنه در هر زن ممکن است. بناءً از دید این گروه از فقهاء خلوت نمودن با زنان مطلقاً حرام میباشد. وهم چنان علامه قرطبی رحمه الله تحت این آیت مبارکه مینویسد: این آیت مبارکه گرچند که در خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نازل شده است ولی مفهوم آن عام میباشد همانطوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم و ازواجش را مورد خطاب قرار میدهد همچنان همه مسلمانان را مورد خطاب قرار میدهد، زیرا ما مأمور به اتباع و اقتداء از رسول الله صلی الله علیه وسلم هستیم (۲) پس هر گاه مسلمانان در خواستن حواجی خود با زنان اجنبی اختلاط کرده نمیتواند و اختلاط شان حرام میباشد بلکه نیاز خود را از پشت پرده ها باید بخواهند، چون اختلاط کشنده به فساد میباشد، که در این امر هیچ فرقی میان پیره زن و جوان وجود ندارد هم چنان خلوت نمودن مردان با زنان اجنبی نیز حرام میباشد و نیز هیچ فرقی میان جوان بودن و پیره زن بودن وجود ندارد.

ب - سنت - عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت میکند و میگوید: (عن ابن عباس قال سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول: لا یخلون رجل بامرأة ولا تسافر امرأة الا ومعها ذو محرم) (۳)
که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هرگز خلوت نکند مردی با خانم و نیز مسافرت نکند خانم مگر که همرایش محرم اش باشد.

(1) احکام القرآن تألیف ابوبکر محمد بن عبدالله ابن العربی تحقیق محمد عبدالقادر عطا لبنان ج ۱ ص ۱۳ | ۶۱۶ احکام القرآن ج ۱ ص ۱۵
ص ۲۴۵ فتح القدیر ج ۱ ص ۱۴ | ۲۹۸
(2) جامع الاحکام القرآن تألیف ابو عبدالله القرطبی ج ۱ ص ۱۴ | ۲۲۷
(3) صحیح البخاری کتاب الوصایا باب من اکتتب فی حبش ج ۱ ص ۱۳ | ۱۰۴۹

که عده از علماء در ذیل این حدیث میگویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مردان را امر نموده است که از خلوت با زنان اجنبی اجتناب نماید مگر که همراهی او محرم او باشد ولی این منع عام میباشد که شامل زنان جوان و کهن سال نیز میگردد.^۱ بناءً خلوت نمودن با زنان کهن سال حرام میباشد.

و نیز استدلال میکنند این فریق از فقهاء بر حدیث که رسول الله میفرماید: (لا تسافر المرأة ثلاثة ايام الا ومعها محرم او زوج) (۲) یعنی مسافرت نکند خانم سه شبانه روز مگر که همراهی او محرم و یا شوهرش بوده باشد. هرگاه مسافرت زنان که خلوت را لازم دارد حرام باشد خلوت نمودن با آنها نیز حرام میباشد. چنانچه علامه کاسانی با استدلال از این حدیث میگوید: که زنان جوان بوده باشند و یا هم پیر، بدون محارم شان سفر نکنند، چون حدیث روایت شده هیچ فرقی را میان جوان و پیر قایل نشده است. و میگویند که زنان در سفر بیشتر نیازمند میباشند به تهیه سواری و در بالا شدن و پایین شدن زیرا زنان از آماده کردن آنها عاجز اند و پیره زنان از همه بیشتر به کمک نیاز دارد و نیز خوف فتنه و امنیت بر آنها برده میشود چون وقتی مردان در وقت بالا شدن و پایین شدن بر زنان بدون محرم اطلاع یابند ضرری متوجه او میشود از این رو لازم است که با او محرم او باشد تا او را از شر دیگران در امن نگهدارد. (۳) بناءً آنچه را که علامه کاسانی میگوید چنین معلوم میگردد که او در این جا علت حرمت را نیازمندی های زنان میدانند و میگویند که زنان جوان از جهت اینکه ضررها و نیازمندی های بر آنها متوجه است شریعت اسلام مسافرت ایشان را بدون محارم حرام قرار داده است و این ضرورت بر زنان کهن سال بیشتر است نسبت به زنان جوان، بناءً چنان که سفر و خلوت زنان جوان حرام بوده، سفر و خلوت زنان کهن سال نیز حرام میباشد.

ترجیح: من از آنچه نظریات و استدلال هر دو فریق را ذکر نمودم از خلال این اقوال چنین میابم که قول فریق دوم که بر حرمت خلوت با زنان عجزه قول کرده اند ارجحیت دارد.

زیرا دلایل شان قویتر از استدلال فریق اول است چون زنان محل شهوت است گر چند عجزه هم باشد خصوصاً در این عصر که ما حیات داریم که مروت از میان مردم چیده شده و دعوت بسوی رذایل

(1) فواکه الدوانی ج ۱ ص ۱۲ | ۳۳۷ | الحاوی للکبیر تألیف علی بن محمد بن حبیب البصری الشافعی الماوردی | بیروت | تحقیق شیخ علی

بن محمد معوض شیخ عادل احمد عبدالموجود ج ۱ ص ۱۶ | ۲۱۴ |

(2) صحیح المسلم کتاب الحج باب سفر المرأة مع محرم ج ۱ ص ۱۲ | ۹۷۸ | شماره ۱۳۴۱

(3) البدایع والصنایع ج ۱ ص ۱۲ | ۱۲۴ |

بیشتر و شهوت پرستی بحدی شده که مردم میان پیر و جوان فرق نمی گذارند و نیز پیره زنان زینت و آرایش شان را بیشتر از جوانان میکنند که چنان عشق پیری در این ماتم سرا جنبیده است که سر به شیدای زده است . از اینرو من قول فریق دوم را ترجیح داده و خلوت زنان کهن سال را با مردان اجنبی حرام میدانم .

اما قوانین افغانستان در مورد احکام خلوت با پیره زنان چیزی تصریح نکرده است که از آن حرمت و حلیت را دانسته شود .

سوم: خلوت با زنان متعدد

فقهاء در مورد خلوت مردان با زنان متعدد که با ایشان محارم شان نباشد اختلاف نظر دارند و در این مورد فقهاء به دو گروه تقسیم میشوند که نظریات هرواحد را ذیلابیان میداریم .

۱ - امام ابوحنیفه و پیروانش و نیز امام احمد رحمه الله میگویند: خلوت نمودن با زنان متعددی که محارم شان با ایشان نباشد حرام میباشد . چنانچه امام محمد رحمه الله در مبسوط ، علامه شامی در رد المحتار ، ابن نجیم در فتح القدیر به این مطلب پرداخته است که میگویند : امامت مردان زنان را که همایشان مردان از محارم شان نباشد مکروه میباشد و اگر همایشان محارم مانند شوهرشان باشد مکروه نیست . و علت مکروه تحریمی خلوت مردان با زنان بوده ولو که زنان بیشتری وجود داشته باشد . این افاده این رامیکند که خلوت در حالت امامت با وجود که زنان بیشتری وجود داشته باشد نیز از بین نرفته مکروه میباشد که رجوع این کراهیت به تحریم است .^(۱) این خلاصه قول فقهاء احناف میباشد که ذکر نمودم و از آن چنین دانسته میشود ، که وقتی خلوت نمودن با زنان متعدد در نماز مکروه تحریمی بوده باشد در غیر نماز بطریق اولی حرام میباشد ولو که زنان متعدد باشد پس به وضاحت دانسته میشود ، که خلوت نمودن مردان با زنان متعدد به نزد احناف حرام میباشد . وهم چنین عده از پیروان مذهب امام احمد رحمه الله نیز به این قول موافق میباشد ، چنانچه عده از علماء در کتاب شان به آن پرداخته میگویند : خلوت نمودن مردان با زنان ولو که متعدد باشد حرام میباشد .^(۲)

(۱) حاشیه ابن عابدین اج ۱۶ ص ۳۶۸ | مبسوط امام محمد تحقیق ابو الوفا الافغانی اج ۱۱ ص ۱۶۵ | بحر الرایق اج ۱۱ ص ۳۷۳ |
 (۲) شرح المنتهی تالیف بهوتی اج ۲ ص ۶۲۷ | کشف القناع تالیف بهوتی اج ۵ ص ۱۶ | الروض المربع شرح زاد المستقنع اج ۱۳ ص ۱۶۴ | مطالب اولی النهی اج ۱۵ ص ۱۲۲

۲ - پیروان مذهب امام مالک و امام شافعی رحمه الله بجواز خلوت مردان با زنان که عددشان بیشتر باشد قول کرده اند . چنانچه مالکی ها به آن قول کرده میگویند : خلوت یک مرد بایک زن جواز ندارد اما خلوت یک مرد با زنان متعدد و نیز خلوت یک زن با چند مرد جایز میباشد مگر اینکه همراهی ایشان جوانی باشد زیرا همراهی یک جوان دوشیطان و همراهی یک زن یک شیطان میباشد .^۱ بناءً از این بوضاحت دانسته میشود که خلوت مرد با زنان متعدد جایز بوده ممنوعیت شرعی ندارد .

و هم چنان پیروان امام شافعی رحمه الله ، به این نظر موافقت کرده اند چنانچه میگویند : که خلوت مرد با زنان متعدد جایز بوده، زیرا زنان از یک دیگر حیاء میکنند و قدرت تسلیم نمودن نفس خویش را بر کسی در حضور زنان دیگر ندارند چون حیاء زنان از مردان بیشتر است و این را مشروط میسازند به اینکه زنان باید ثقة بوده باشد اما در صورت وجود زنان غیر ثقة خلوت نمودن با زنان متعدد نیز حرام میباشد .^(۲)

بناءً از خلال گفته های اصحاب شافعی رحمه الله چنین برمیآید که خلوت نمودن مرد با زنان که تعدادشان زیاد باشد به طور مشروط جایز است به اینکه هرگاه زنان متعدد ثقة باشد که از وقوع هر نوع فساد در امن بوده باشد جایز است اما در صورت که زنان غیر ثقة باشند و احتمال فتنه و فساد محتمل باشد حرام میباشد .

دلایل :

دلایل فریق اول : این فریق که بحرمت خلوت مردان با زنان ولو که متعدد هم باشد قول دارند استدلال میکنند به عموم ادله که از خلوت مردان با زنان منع میکند از جمله حدیث را که ابن عباس رضی الله عنه روایت میکند استدلال دارند که میگوید : (عن ابن عباس قال سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول : لا یخلون رجل بامرأة ولا تسافر امرأة الا ومعها ذو محرم)^(۳) که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هرگز خلوت نکنند مردی با خانم و نیز مسافرت نکنند خانم مگر که همراهش محرم او باشد . و نیز به حدیث دیگری که میفرماید : (عن ابن عباس رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وسلم قال

(1) حاشیه عدوی ج ۱ ص ۱۲ | ۵۹۸

(2) مغنی المحتاج / ج ۱۳ ص ۱۱۳۳ حاشیه بحیرمی ج ۱ ص ۱۳۸۶ اسنی المطالب ج ۱ ص ۱۴۴۸ المجموع ج ۱ ص ۱۵۶۱

(3) صحیح البخاری کتاب الوصایا باب من اکتتب فی حبش ج ۱ ص ۱۳ | ۱۱۰۴۹

لا یخلون رجل بامرأة الا ومع ذی محرم فقام رجل فقال : یارسول الله امرأتی خرجت حاجه واکتبت فی غزوة کذا وکذا قال : ارجع فحج مع امرأتک (۱)

ترجمه: عبدالله بن عباس رضی الله عنهما از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت میکند، که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگز خلوت نکند مردی باخانم مگر اینکه همراهی او محرم او بوده باشد، پس مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! خانم برای حج خارج شده است و من وظیفه کتابت را در فلان و فلان غزوه دارم، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: برگرد و حج کن همراهی خانم.

از این احادیث نیز تحریم خلوت مردان را با زنان دانسته میشود بدون اینکه فرقی میان قلت و کثرت وجود داشته باشد، چون وقتی خلوت مرد بایک زن حرام بوده باشد، با زنان متعدد نیز حرام میباشد، ولو که زنان متعدد نیز باشد، زیرا هر احتمال ممکن است، حد اقل فتنه نظر موجود است، که آن خود حرام میباشد.

چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (۲)

ترجمه: بگو برای مردان مسلمان که چشمانشان را پایین اندازند و فرج های شان را نگهدارند، که این برای شان پاکیزه تر است، بدون شک الله خیر دار است بهر کاری که شما انجام میدهید.

(وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) (۳)

ترجمه: و بگو برای زنان مسلمانان که چشم های شان را از نامحرمان پایین اندازند و شرمگاهای شان را حفظ کند و جاهای زینت را برهنه نکنند مگر آنچه‌های که برای ضرورت ظاهر کرده میشود. که الله سبحانه و تعالی در این آیات مبارکه نظر کردن را بسوی نامحرم بوضاحت حرام قرار داده است.

دلایل فریق دوم:

آنانیکه خلوت نمودن را با زنان متعدد جایز میدانند به دلایل ذیل استدلال میکنند.

(۱) بخاری کتاب الحج باب حج النساء اج ۱۵ | ص ۲۰۰۵ | شماره ۱۴۹۳۴

(۲) سوره نور آیت ۳۰

(۳) سوره نور آیت ۳۱

۱ - اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى مِيفِرْمَايِد (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ الْإِسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (1)

ترجمه: بر گردن مردم که توانای راه را دارد بخاطر الله جل جلاله حج مکه مکرمه فرض میباشد، وکسی که کفر میورزد بدون شک که الله جل جلاله به مخلوقات نیازی ندارد .

این فریق از فقهاء از ظاهر این آیت استدلال میکنند ، که در این آیت کلمه الناس آمده است که شامل مردان و زنان میباشد ، چون کلمه الناس عام میباشد، پس هر که توان و قدرت رفتن حج را داشته باشد ، مرد باشد و یا زن بر او حج واجب میباشد ، والله سبحانه و تعالی میان مردان و زنان فرق قایل نشده است ، بنابراین هر گاه خلوت زنان با افراد زیاد برای حج بوده باشد جایز میباشد، و میگویند که خلوت زنان با افراد زیادی وقتی در حج جواز داشته باشد در غیر حج نیز جواز دارد .

۲ - و نیز استدلال میکنند به حدیث که عدی ابن حاتم روایت میکند که میگوید: (قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لترین الظغينة ترتحل من الحيرة حتى تطوف بالكعبة لا تخاف الا الله)^۲ که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود زمان خواهد آمد که مبینی تو زنان کجاوه سوار را که از حیره سفر میکنند تا اینکه طواف میکند کعبه را و نمی ترسد مگر از الله . این گروه از فقهاء با استدلال از این حدیث مبارکه میگویند که این حدیث به منطوق خویش دلالت میکند به اینکه خارج شدن زنان بامردان اجنبی بدون محارم بخاطر ادایی فریضه حج جایز بوده و بمفهومش دلالت میکند، به اینکه خارج شدن زنان بدون محارم در وجود افراد زیاد در غیر حج نیز جایز میباشد

که از این دلایل جواز خلوت زنان را بامردان ، در وجود افراد بیشتر دانسته میشود .

مناقشه: علامه کاسانی ، شیخ نظام ، علامه زیلعی (۳) ، در کتاب هایشان بر رد استدلال و حکم فریق دوم ایرادات را وارد کرده اند که میگویند: آیه کریمه در وجوب حج شامل زنان نمیباشد زیرا زنان بدون محارم توان حج را ندارند چون زنان در سفر بیشتر نیازمند میباشند ، از اینکه بر آنها سواری تیار شود و در بالا و پایین شدن ضرورت بکمک دیگران دارد، که بدون محارم امکان پذیر نمیباشد ، و از

(1) سوره العمران آیت ۹۷

(2) صحیح البخاری کتاب المناقب باب علامات النبوة (ج ۱۳ | ص ۱۳۱۶ | شماره ۱۳۴۰۰)

(3) عثمان بن علی زیلعی حنفی مولف تبیین الحقائق بر شرح کنز الدقائق متفی ۷۴۳ هجری میباشد که از او آثار زیادی به جامانده است

اینکه بدون محرم توانای حج راندارند آیت مبارکه نیز شامل آنها نمیگردد و خلوت با زنان ولو که تعدادشان بیشتر نیز باشد حرام میباشد.^(۱) وهم چنان بر دلیل دوم شان نیز مناقشه کرده میگویند: که حدیث عدی ابن حاتم دلالت بر جواز سفر زنان بدون محارم شان بامردان اجنبی نمیکند، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر جواز سفر زنان در این حدیث حکم نکرده است بلکه این حدیث محض اخبار است بر اینکه چنین واقعه در آینده رخ خواهد داد و از اخبار واقعه جواز سفر لازم نیامد چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم از دجالها و کذابها خبر میدهد^(۲)

بنا برین از این حدیث نمیتوان بر جواز سفر زنان بدون محارم استدلال نمود. پس خلوت نمودن با زنان ولو که تعدادشان بیشتر باشد حرام میباشد.

ترجیح: بعد از اینکه دلایل هر دو فریق را ذکر نمودم میخواهم میان اقوال هر دو فریق مراجعه نمایم تا قول راجح را خدمت خوانندگان عزیز بعرض برسانم.

از خلال نظریات و دلایل طرفین دریافتم که قول فریق دوم قوی و راجح بوده، که خلوت نمودن با زنان ولو که تعدادشان بیشتر باشد بدون ضرورت حرام میباشد اما در صورت نیازمندی و ضرورت مانند حلقات تدریس، علاج، وغیره خلوت نمودن با زنان جایز میباشد.

چهارم: خلوت یک زن با مردان زیاد

فقهاء در مورد خلوت یک زن با مردان متعدد اختلاف نظر دارند که در اینجا نیز فقهاء به دو فریق تقسیم میشوند.

۱ - فریق اول: این گروه از فقهاء که پیروان مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله میباشد قایل به جواز خلوت زنان بامردان که تعدادشان زیاد باشد قول نموده است که میگویند حرمت وارده در مورد خلوت زنان بامردان در وجود محارم شان منتفی میگردد چنانچه ابن عابدین شامی وابن نجیم در کتاب شان به این مطلب پرداخته است که میگویند: «یکره ان یؤم النساء فی بیت لیس معهن رجل ولا محرم مثل زوجته وامته و اخته فان کانت واحده معهن فلا وکذا فی امهن فی مسجد لا یکره»^(۳)

(۱) بدایع الصنائع ج ۱ ص ۱۲۳ | تبیین الحقائق ج ۱ ص ۱۲ | فتاوی هندیه ج ۱ ص ۱۵ | ص ۳۲۸

(۲) المغنی ج ۱ ص ۱۳ | المجموع ج ۱ ص ۱۸۱ | ص ۲۴۴

(۳) حاشیه ابن عابدین ج ۱ ص ۱۶ | بحر الرائق ج ۱ ص ۱۱ | ص ۳۷۳

یعنی اینکه مکروه است که مردی امامت کند زنان را در خانه که همرايش مردان و محارمش مانند زن و خواهرش و غیره نباشد و اگر یکی از آنها بوده باشد پس مکروه نیست و هم چنین در امامت زنان در مسجد مکروه نیست. بنابراین حنفی ها میگویند: زمانی که خلوت نمودن زنان بامردان زیاد در نماز مکروه و حرام نباشد در غیر نماز نیز حرام نبوده جایز است زیرا وجود محارم و یاهم مردان دیگر حرمت خلوت وارده را منتفی میسازد. از اینرو خلوت نمودن زن بامردان زیاد جایز میباشد.

و هم چنین استدلال میکنند به حدیث که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: « لا یدخلن رجل بعد یومی هذا علی مغیبة الا ومعہ رجل او اثنان »^(۱) - که هرگز داخل نشود مرد بعد از این روز برخانم که شوهرش نیست مگر که همرايش مردی یا دومرد بوده باشد. بنابراین حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم خلوت نمودن یک زن را همراهی دو و یاهم زیاده از دو مرد جایز دانسته است.

چنانچه امام نووی رحمه الله میگوید: « ثم ان ظاهر هذا الحدیث جوز الخلوۃ الرجلین او الثلاثه بالاجنبیۃ والمشهور عند اصحابنا تحریمه فیتأول الحدیث علی الجماعۃ یبعد وقوع المواطاة منهم علی الفاحشه لصلاحهم او مروتهم او غیر ذلك »^(۲)

که ظاهر این حدیث جواز داده است خلوت دو مرد و یاهم زیاده از دومرد را همراهی یک زن اجنبی اما مشهور در نزد اصحاب ما تحریم خلوت یک زن بامردان میباشد پس این حدیث را تاویل برجماعه از مردان میکنیم که از جهت پاک دامنی، صالح بودن، و مروت ایشان وقوع آنها در فحشا بعید میباشد. بناء از این نیز به وضاحت دانسته میشود که خلوت یک زن بامردان زیاد حرام نبوده جایز میباشد.

۲ - فریق دوم: این گروه از فقهاء که پیروان امام مالک، امام شافعی، و امام احمد ابن حنبل رحمهم الله میباشد میگویند که خلوت نمودن یک زن بامردان بیشتر از یک حرام میباشد چنانچه میگوید: « تحرم خلوۃ الرجلین بامرأة ان كان فیها الشاب »^(۳) که حرام است خلوت نمودن دو مرد بایک زن که در میان شان جوان وجود داشته باشد.

(1) شرح نووی علی صحیح المسلم ج ۱۱۴ ص ۱۵۵ سنن نسائی ج ۱۵ ص ۱۳۸۶ شماره ۱۹۲۱۷ - مغیبة: خانم که شوهرش غایب باشد

(2) شرح الصحیح المسلم ج ۱۱۴ ص ۱۱۵۵

(3) حاشیه عدوی ج ۲ ص ۱۵۹۸ مواهب الجلیل ج ۲ ص ۱۵۹۷ الفواکه الدوانی ج ۱۲ ص ۳۱۳

وهم چنان شافعی ها نیز بحرمت خلوت یک زن با مردان زیادی قایل است چنانچه میگویند : که خلوت نمودن یک زن با چند مرد حرام میباشد ولو که وقوع در فحشا از آنها بعید بوده باشد زیرا حیاء زن از زن بیشتر است نسبت به حیاء مرد از مرد . (۱).

بناء خلوت یک زن با مردان زیادی حرام میباشد .

وهم چنان فقهای مذهب امام احمد رحمه الله به این موضوع تماس گرفته میگویند : «تحریم الخلوۃ عدد من الرجال بالاجنبیۃ لیس فیهم محرم» (۲) که خلوت تعداد از مردان با خانم اجنبی که همرايش محرمش نباشد حرام میباشد . بناء مذاهب ثلاثه خلوت نمودن یک زن را با چند مرد حرام میدانند که بدلائل ذیل استدلال میکنند .

دلایل گروه دوم : این گروه از فقهاء در موردت تحریم خلوت یک زن با چندین مرد بعموم دلایل وارده در قرآن و سنت که در مورد نهی از خلوت زنان آمده است استدلال میکنند چنانچه علامه شربینی (۳) میگوید : « یحرم خلوۃ رجلین او رجال بامرأه لان استحیاء المرأة من المرأة اکثر استحیاء الرجل من الرجل » (۴) - که حرام است خلوت دو مرد و یا چند مرد بایک خانم زیرا حیاء زنان از زنان بیشتر است از حیاء مردان از مردان . بناء خلوت یک زن با چند مرد حرام میباشد .

ترجیح : بعد از نقل اقوال و دلایل هر دو فریق علماء ، من به این نتیجه رسیدم که فریق دوم یعنی جمهور فقهاء، قول و استدلال شان ارجحیت دارد که خلوت نمودن یک زن با چندین مرد نیز حرام میباشد چون عموم ادله که در خصوص منع خلوت زنان با مردان آمده خلوت زنان را حرام میداند و نیز تا اینکه اسباب و ذریعه فساد بند گردد قول و استدلال فریق دوم ارجحیت دارد بناء خلوت یک زن با مردان زیادی حرام میباشد .

پنجم: خلوت زن با اقارب شوهر "الحمو"

(1) مغنی المحتاج ج ۱۳ ص ۳۰۷ | نهاية المحتاج ج ۱ ص ۱۲۵۱ | روضة الطالبین ج ۱ ص ۱۸ | حواشی شروانی ج ۱ ص ۱۸ | ۲۶۹
 (2) شرح المنتهی ج ۱ ص ۶۲۷ | مطالب اولی النهی ج ۱ ص ۱۲۲
 (3) محمد بن احمد شربینی معروف به خطیب شربینی متولد ۹۷۷ هجری قمری از اهل قاهره میباشد که ملقب به شمس الدین از فقهای شافعیه میباشد ۱۱ و در سال ۱۰۱۴ هجری قمری در مکه وفات میکند .
 (4) مغنی المحتاج ج ۱ ص ۱۳۳ | روضة الطالبین ج ۱ ص ۱۸ | ۴۱۸

در خلوت با اقارب شوهر و یا خانم کلمه "الحمو" استعمال شده است پس ضرورت است تا مفهوم این واژه بدرستی تشریح گردد تا فرق میان اقارب محرم و غیر محرم شود بناء میپردازیم به تفسیر مفهوم کلمه حمو و احکام وارده در خصوص این واژه .

اول مفهوم حمو:

۱ - مفهوم حمو لغتا: حمو لغتا از حمأ مأخوذ است که مفهوم آن از مقوله های عربها که میگویند: حمو المرأة، حموها، و حماها، وقتی که از پدر شوهر زن یاد کنند و یا از برادر شوهر زن یاد کنند اما وقتی که از مادر شوهر زن یاد کنند میگویند: حماتها یعنی مادر شوهر زن و هرگاه از پدر زن، برادر، و کاکای زن یاد کنند میگویند: حمو الرجل. و بعضی ها گفته اند که احماء بکسی گفته میشود که از جانب زن خویش میشود و اختان بکسی اطلاق میگردد که از جانب مرد قریب باشد و صهر بکسی گفته میشود از جانب هر دو خویش گردد. (۱)

۲ - مفهوم حمو اصطلاحاً: حمو در اصطلاح به اقارب گفته میشود که از جانب شوهر باشد اما به خانم شوهر محرم نباشد مثل برادر، کاکا، ماما، و فرزندانشان. (۲)

پس از خلال هر دو تعریف ظاهر میگردد که تعریف لغوی وسیعتر و شامل تر بوده به اینکه شامل پدر شوهر پدر کلان شوهر نیز میگردد با وجود اینکه پدر و پدر کلان از جمله محارم ابدی بوده و تعریف اصطلاحی شامل اقارب میگردد که از جمله محارم نبوده مانند برادر، کاکا، ماما، و غیره
دوم حکم خلوت با حمو:

فقهاء در مورد حکم خلوت با حمو اختلاف نظر ندارند، به اینکه خلوت با اقارب که از جانب شوهر، و یا هم از جانب خانم باشد حرام میباشد، و ذیلاً دلایل را ذکر میکنم که این حرمت را تایید میکند

۱ - الله سبحانه و تعالی میفرماید: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكِي لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (۱)

(۱) لسان العرب اج ۱۴ | ص ۱۹۷ | تاج العروس | ج ۳۷ | ص ۴۷۴ | العین تالیف فراهیدی | ج ۳ | ص ۱۳۱۱ | معجم الوسیط اج ۱۱ | ص ۲۰۱ | مختار الصحاح اج ۱۱ | ص ۱۶۶
(۲) اعتلال القلوب تالیف الخرائطی | ج ۱ | ص ۲۶۰ | العین | ج ۳ | ص ۳۱۱ | مختصر الفتاوی مصریه لابن تیمیه تحقیق محمد حامد الفقی | ج ۱۱ | ص ۱۳۲

ترجمه : بگو برای مردان مسلمان که چشمانشان را پایین اندازند و فرج های شان را نگهدارند که این برای شان پاکیزه تر است ، بدون شک الله خبر دار است بهر کاری که شما انجام می دهید .
در این آیت بر وجوب پایین انداختن چشم ها از نامحرم ها پرداخته شده است ، و مفهوم آیت دلالت میکند بر تحریم خلوت با آنها اما در آیت مبارکه هیچ فرقی میان اقاریب شوهر و یاهم خانم قایل نشده است چون شامل همه نامحرمان بوده ، پس دانسته میشود که خلوت با اقاریب (محرم نباشد) که از هر جانب باشد حرام میباشد .

۲ - رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : « عن عقبه بن عامر ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ایاکم والدخول علی النساء فقال الرجل من الانصار یارسول الله صلی الله علیه وسلم افرأیت الحموی؟ قال الحموی الموت » (۲)

از عقبه ابن عامر رضی الله عنه روایت است که بدون شک رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود از داخل شدن بر زنان پرهیز نمایید پس مردی از انصار گفت : ای فرستاده خدا جل جلاله ! خبر دهید از حموی رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت : حموی مرگ است .

وجه دلالت : امام بغوی رحمه الله در شرح این حدیث میگوید : که منظور از حموی در این حدیث برادر شوهر است و نیز میگوید که تقدیر این عبارت این چنین است که " لقاء الحموی مثل الموت " یعنی که روبرو شدن با برادر شوهر مانند مرگ است و باز میگوید که خلوت نمودن با برادر شوهر بدتر از خلوت با دیگران است (۳)

زیرا خوف فتنه و امکان فساد در آن بیشتر از دیگران است چون برادر آسانتر به خانم برادر وصل شده میتواند بخلاف دیگران که به خانم اجنبی وصلتش مشکل میباشد .

امام نووی و نیز علامه ابن حجر عسقلانی رحمهما الله در شرح این حدیث میگوید : که مراد از حموی در اینجا اقارب زوج میباشد «بغیر از پدر و فرزندان شوهر که از جمله محارم خانم بوده که خلوت با آنها

(1) سوره نور آیت ۳۰

(2) صحیح البخاری کتاب الحج باب لا یخلو الرجل بامرأة ا ج ۱۵ ص ۲۰۰۵ شماره ۴۹۳۴

(3) شرح السنه تالیف حسین بن مسعود البغوی ۱ بیروت ۱ تحقیق محمد زهیر الشاویش ۱ ج ۱۹ ص ۲۶ ۱ غذاء الالباب شرح منظومه الآداب تالیف السفارینی ا ج ۱۲ ص ۳۱۴

جایز بوده و توصیف بمرگ نمیشود» اما آنهایی را که توصیف به مرگ شده کسانی میباشد که از جمله محارم نبوده مانند برادر شوهر، کاکا، ماما، و فرزندانشان ولی عادت مردم بنا بر مساهلت است که با زنان برادران شان خلوت میکنند که این به مثابه موت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن موت خوانده است و نیز در باب نهی و منع اولی میباشد نسبت به اجنبی. (۱)

پس به اساس فرموده های شارحین این حدیث خلوت نمودن زنان را با اقارب شوهرشان حرام قرار میدهد که محارم شان نباشد و هم چنین احادیث دیگری نیز وجود دارد که خلوت زنان را با اقارب شوهرشان حرام قرار داده است چنانچه عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت میکند و میفرماید: (عن ابن عباس قال سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یقول: لا یخلون رجل بامرأة ولا تسافر امرأة الا ومعها ذو محرم)^۲ که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هرگز خلوت نکند مردی با خانم و نیز مسافرت نکند خانم مگر که همایش محرم او باشد. و هم چنین رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید (لا تدخلوا علی المغیبات فان الشیطان یجری من احدکم مجری الدم)^(۳) بر زنان که شوهرهایشان نیست داخل نشوید زیرا شیطان در جریان های خون شما در جریان است.

علامه بغوی و علامه مبارکفوری (۴) در شرح این حدیث میگویند: که این حدیث دلالت میکند بر اینکه داخل شدن بر زنان اجنبی که شوهرشان نیست حرام میباشد زیرا شیطان در بدن های انسان جریان دارد اما مردم نمیبند و وسواس شیطان فحشا را بر انسانها زینت میدهد و آنها را بروقوع زنا آماده میسازد بنابراین خلوت زنان با اقارب شوهرشان که محرم نمیباشد حرام میباشد. (۵)

خلاصه: بنا بر دلایل وارده از جانب شرع شریف و قوت این دلایل میتوان گفت که خلوت نمودن با اقارب شوهر که محارم نباشد بدون شروط و قیود حرام میباشد زیرا دلایل وارده همه و هم بر تحریم

(1) شرح نووی علی صحیح المسلم اج ۱۴ | ص ۱۵۴ | فتح الباری اج ۱۹ | ص ۱۳۳۲

(2) صحیح البخاری کتاب الوصایا باب من اکتتب فی جیش اج ۱۳ | ص ۱۱۰۴۹

(3) سنن ترمذی اج ۱۳ | ص ۴۷۵ | شماره ۱۱۱۷۲ | قال البانی حدیث صحیح

(4) ابو العلا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم مبارکفوری متوفی ۱۳۵۷ هجری بوده که از او آثاری زیاده باقی مانده از جمه تحفة الاحوازی بر شرح جامع ترمذی دارد.

(5) شرح السنه اج ۱۹ | ص ۲۸ | تحفة الاحوازی اج ۱۴ | ص ۲۸۲ | طرح التثریب شرح التقریب تألیف زین الدین ابوالفضل عبدالرحیم بن العراقی الحسینی | بیروت | طبع اول تحقیق عبدالقادر محمد علی اج ۱۷ | ص ۱۳۹ | فتح الباری اج ۱۹ | ص ۱۳۳۱

خلوت باغیر محرم صراحتاً دلالت میکند و نیز باید گفت که در خلوت با زنان نامحرم اگرچند که فتنه واقع نگردد ولی در نزد مردم بد بینی و شک نسبت به زنان و مردان مسلمان پیدا می‌گردد .

ششم: خلوت با خنثی

اول: تعریف خنثی

۱ - تعریف خنثی در لغت: خنثی از خنث مأخوذ است و به شخصی گفته میشود ، که نه مرد خالص باشد و نه هم زن خالص ، چنانچه عربها در محاوراتشان میگویند : رجل خنثی . برای کسی که نه مرد است و نه زن - جمع آن خنثائی میاید .^۱

ب - تعریف خنثی در اصطلاح : فقهاء خنثی را چنین تعریف نموده اند : « هو الذی له ذکر رجل و فرج امرأة و لیس یخلو مشتبہ الحال من ان یکون رجلا او امرأة »^۲ که میگویند : خنثی بکسی گفته میشود که برای او آلت تناسلی مردان و آلت تناسلی زنان بوده باشد و همیشه حالت شان اشتباهی میباشد که آیا مرد است یا زن ؟ . چون زنان و مردان را با آلت تناسلی شان تفکیک میشوند .

دوم : حکم خلوت با خنثی :

همه ایمنه دین و فقهاء اتفاق نظر دارند که خلوت نمودن با خنثی حرام میباشد چنانچه علماء حنفی میگویند: که خلوت نمودن با خنثی که همایشان محارم شان نباشد مکروه تحریمی میباشد.^۳ و هم چنان مالکی ها، شافعی ها، و حنابله نیز به این نظر موافق اند .^۴ - که اقوال هر مذهب را مفصلاً بیان میداریم .

۱ - فقهاء حنفی : حنفی ها میگویند که هرگاه خنثی با مردی خلوت نماید خنثی زن شمرده میشود و اگر خنثی با خانم خلوت کند در این صورت خنثی مرد شمرده میشود و در هر دو حالت خلوت مرد

(1) لسان العرب اج ۱۲ ص ۱۴۵ العین اج ۴ ص ۲۴۸ جمهرة اللغة تالیف بن درید محمد بن الحسن ابوبکر طبع اول از رمی منیر بعلبکی اج ۱۱ ص ۴۱۸ المحيط في اللغة تالیف اسماعیل ابن عباد ابن العباس بن احمد بن ادريس الطالقانی بیروت تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین اج ۱۴ ص ۳۲۵
(2) الحاوی للکبیر اج ۱۹ ص ۱۳۶۰ المغنی اج ۱۶ ص ۲۲۱ تحفة الفقهاء تالیف سمرقندی اج ۱۳ ص ۱۲۶۹
(3) المبسوط للسخسی اج ۱۳ ص ۱۰۸ متن بدایة المبتدی فی الفقه الامام ابی حنیفه تالیف برهان الدین علی بن ابی ابکر مرغینانی اج ۱۱ ص ۲۶۶ هدایه شرح بدایة المبتدی اج ۱۴ ص ۲۶۷
(4) حاشیه عدوی اج ۱۱ ص ۱۵۲۲ مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل اج ۱۲ ص ۵۲۶ نهایة المحتاج اج ۱۳ ص ۲۵۰ شرح جلال الدین المحلي علی منهاج الطالبین تالیف شهاب الدین احمد القلیوبی بیروت اج ۲ ص ۱۱۳ کشف القناع اج ۱۵ ص ۱۵ المبدع اج ۱۷ ص ۱۱۲ (الانصاف اج ۸ ص ۳۰

اجنبی بازن اجنبی صورت گرفته که خلوت زنان اجنبی بامردان اجنبی حرام میباشد بناء خلوت خنثی بامردان حرام میباشد.^(۱)

۲ - فقهاء مالکی: اصحاب مذهب امام مالک رحمه الله میگویند که خنثی مشکل مانند زنان اند و خلوت نمودن با آنها حرام میباشد و نیز نظر انداختن بسوی اندام او که غالباً دیده نمیتوانی عورت است، و نیز بر آنها محل گمان طمع موجود است، چنانچه که بر زنان محل طمع موجود میباشد و همچنان بر آنها محل گمان شهوت موجود است ولو که سال شان زیاد باشد.

و نیز میگویند: هر بزرگ سال و خورد سال از زنان که انسانهای بی خرد، کم آگاه از دین، بی مروت و بی حیا را که غلبه شهوت بر آنها موجود باشد، و طمع بنوع زن دارد، از فحشا دور نسازد، بر زنان که بآنها خلوت و یاهم سفر شوند، حرام میباشد، زیرا زنان محل شهوت اند، هم چنان خنثی نیز محل گمان شهوت است، و خلوت اش بامردان اجنبی حرام میباشد.^(۲) از اینرو از نظر مالکی ها خلوت با خنثی مشکل حرام میباشد.

۳ - فقهاء شافعی: پیروان مذهب امام شافعی رحمه الله نیز میگویند: که خلوت نمودن مردان و حتی زنان با خنثی حرام میباشد و میگویند که خنثی مانند زنان اند و خلوت نمودن با زنان اجنبی حرام میباشد.^(۳) که چنین میگویند «لا یحل لاجنبی ولا اجنبیة الخلوۃ به»^(۴) - که خلوت مردان و زنان با خنثی حرام میباشد.

۴ - فقهاء حنبلی - پیروان مذهب امام احمد رحمه الله نیز میگویند: نظر کردن بشهوت بسوی خنثی و نیز خلوت نمودن با خنثی حرام میباشد.^(۵)

پس از خلال دیدگاهها و نظریات ایمه به وضاحت معلوم میگردد، که خلوت نمودن با خنثی بدون هیچ اختلاف حرام میباشد.

(1) مبسوط سرخسی ج ۱۳ ص ۱۰۹ فتاوی هندیه ج ۱ ص ۱۶۱ ص ۴۳۸ تبیین الحقایق ج ۱ ص ۱۶ ص ۲۱۵

(2) حاشیه عدوی ج ۲ ص ۶۳۷ شرح مختصر الخلیل ج ۱ ص ۱۲ ص ۲۸۷

(3) نهایة المحتاج ج ۳ ص ۲۵۱ المجموع ج ۱ ص ۱۴ ص ۲۱۴

(4) نهایة المحتاج ج ۳ ص ۱۹۵ الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع ج ۱ ص ۱۲ ص ۴۰۷

(5) کشف القناع ج ۱ ص ۱۵ شرح منتهی الارادات ج ۲ ص ۶۲۷ المبدع ج ۱ ص ۱۷ ص ۱۱۲

۳ - دلایل : فقهاء در مورد اینکه خلوت باخشی حرام میباشد بعموم دلایل که از خلوت با زنان منع میکند استدلال میکنند که احادیث را ذیلا ذکر میکنم :

۱ - رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : (لا یخلون رجل بامرأة الا کان ثالثهما الشیطان) (۱) - که هیچ گاهی خلوت نمیکند مردی باخانم مگر که سوم اش شیطان میباشد .

ب - رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : (لا تسافر المرأة الا مع ذی محرم) (۲) که مسافرت نکند خانم مگر که همرايش محرم او باشد .

علامه ابن حجر عسقلانی تحت این حدیث میگوید: که این حدیث بر تحریم سفر زنان بامردان دلالت میکند که سفرزنان با مردان اجنبی حرام میباشد مگر که همراهش محارم او باشد . و نیز عده زیادی از علماء به این نظراند (۳) زیرا سفر زنان بدون محارم کشنده بسوی فتنه میباشد واینکه خنثی در حکم مانند زنان اند، سفر و خلوت آنها نیز بامردان اجنبی حرام میباشد .

خلاصه: هیچ اختلاف نظری میان فقهاء در مورد خلوت باخشی وجود ندارد مبنی براینکه خلوت با خنثی حرام میباشد مگر اینکه علامات در وی ظاهر گردد که جانب مردی خنثی را بیشتر بسازد اما در غیر آن خلوت باخشی حرام میباشد .

هفتم: خلوت با أمرد (پسر که تاحال ریش نکشیده است)

اول: تعریف أمرد

۱ - در لغت : أمرد در لغت بجوانی گفته میشود که به بلوغ رسیده باشد، اما هنوز ریش در چهره او ظاهر نشده باشد چنانچه ابن منظور و عده دیگری میگویند : الأمرد بمعنی التملیس یعنی مردی که پشت لبانش موی «بروت» کرده باشد اما هنوز ریش در چهره او ظاهر نشده و پوست بدنش نرم بوده باشد. (۴) - و نیز علامه سجستانی میگوید : «الأمرد هو الذی لا شعر علی وجهه» (۵) و هم چنان عده

(1) مسند شهاب اج ۱۲ ص ۱۹۰ باب لایخلون - شماره ۹۴۶ - البانی صحیح گفته است
 (2) صحیح البخاری کتاب الکسوف باب فی کم یقصر الصلاة اج ۱۱ ص ۳۶۸ شماره ۱۱۰۳۶
 (3) فتح الباری اج ۲ ص ۵۶۸ جواهر العقود تالیف شمس الدین سیوطی ابیروت اج ۱۲ ص ۱۶۴
 (4) لسان العرب اج ۳ ص ۴۱۰۱ تاج العروس اج ۱۹ ص ۱۶۶ معجم الوسیط اج ۱۲ ص ۱۸۶۱
 (5) غریب القرآن تالیف ابوبکر بن عزیز السجستانی دار القتیبه تحقیق محمد ادیب عبدالواحد جمران اج ۱ ص ۴۴۶

دیگری از لغت دانان میگویند: «الأمرد هو الحسن الذی یخاف علیه الفتنة» (۱) - که امرد بزبیا صورت گفته میشود که خوف فتنه بر او برده شود.

ب - و در اصطلاح: «الأمرد هو الشاب الذی لم یظهر شاربه ولم تنبت لحيته» (۲) - یعنی امرد در اصطلاح بجوانی گفته میشود بروت های او ظاهر نشده و ریشش نبرآمده باشد.

دوم: حکم خلوت با امرد: فقهاء در مورد خلوت با پسر که هنوز ریش نکشیده است اختلاف نموده است که بدو فریق ذیل تقسیم میشود.

۱ - فقهاء حنفی و مالکی: این فریق از فقهاء میگویند: که خلوت نمودن با پسران بدون ریش جواز دارد مشروط بر اینکه از شهوت و فتنه در امن بوده باشد و این یک نظر از شافعی ها نیز میباشد.

که احناف چنین میگویند: «پسر وقتی به بلوغ برسد و سفید چهره نباشد مانند مردان بوده و نیز خلوت نمودن با او مانند مردان میباشد و اگر سفید چهره باشد مانند زنان اند که حکم آن اینست که از سرتا به پا همه عورت و نظر کردن بشهوت بسوی او حرام میباشد اما نظر کردن که بشهوت نباشد جایز است از همین خاطر است که بحجاب امر نشده است» (۳)

و مالکی ها نیز میگویند: که خلوت نمودن با پسران بدون ریش جایز میباشد مشروط بر اینکه غلبه سلامت و امنیت از فتنه وجود داشته باشد. (۴)

و شافعی ها نیز به یک قول گفته اند که نظر کردن بدون شهوت بسوی پسران بدون ریش جواز دارد و در خلوت با پسران بدون ریش که بخاطر تعلیم باشد وجود محرم شرط نمیشود اما مروت و عدالت در انسان شرط میباشد. (۵) - بناء خلوت نمودن با پسران بدون ریش که از فتنه در امن بوده باشد و چهره زیبایی که محل وقوع در هلاکت میباشد نداشته باشد جواز دارد.

(1) مغنی المحتاج ج ۱۴ ص ۱۴۹ حاشیه شیخ سلیمان الجمل علی شرح المنهج تألیف زکریا بن محمد ابیروت ج ۱ ص ۱۵ ص ۱۱۳۳

(2) الاقناع ج ۱۲ ص ۴۰۷ حاشیه ابن عابدین ج ۱۱ ص ۴۰۷

(3) فتاوی هندیه ج ۱۵ ص ۳۳۰ حاشیه ابن عابدین ج ۱۱ ص ۴۰۷

(4) بلغة السالک لاقریب المسالک تألیف احمد صاوی ابیروت تحقیق محمد عبدالسلام شاهین ج ۱۱ ص ۱۱۹۴ مواهب الجلیل ج ۱ ص ۱۳۱

۴۰۵ الفواکه الدوانی ج ۲ ص ۱۲۷۶

(5) حاشیه قلیوبی ج ۱ ص ۱۲۱۳ روضة الطالبین ج ۱۷ ص ۲۴۱ اسنی المطالب ج ۱۳ ص ۱۱۲ کفایة الاخیار ج ۱ ص ۳۵۳

ب - فقهاء شافعی و حنبلی : این فریق از فقهاء میگویند که خلوت نمودن با پسران بدون ریش مطلقاً حرام میباشد زیرا پسران بدون ریش صفات زنان را دارد چون صفایی چهره ، و نرمی بدن شان شباهت به زنان دارد بنابراین میگویند که خلوت نمودن با آنها حرام میباشد .

چنانچه شافعی ها میگویند که خلوت نمودن با پسران بدون ریش در خانه ، دکان ، حمام و غیره با قیاس بر زنان حرام میباشد .^۱ - بنابر قول صحیح شافعی ها خلوت نمودن با پسران بدون ریش مطلقاً حرام است برابر است که احتمال فتنه وجود داشته باشد و یا هم نداشته باشد .

حنبلی ها نیز به این قول اند که خلوت نمودن با پسران بدون ریش ولو که مصلحت تعلیم و تادیب نیز وجود داشته باشد حرام میباشد .

چنانچه میگویند : هرگاه در شخصی دانسته شد که با پسران بدون ریش محبت و نیز معاشرت میکند خلوت او با پسران بدون ریش ولو به خاطر تعلیم باشد حرام میباشد .^(۲)

پس از این قول حنابله به وضاحت دانسته میشود که خلوت نمودن با پسران بدون ریش ولو که از فتنه در امن بوده باشد حرام میباشد .

سوم : دلایل

۱ - دلیل فریق اول : آنهاى که به جواز خلوت با پسران برهنه روی قول دارند استدلال میکنند به اینکه شریعت اسلام برای پسران برهنه روی دستور حجاب نداده است و این دلالت میکند به اینکه خلوت با آنها جواز دارد مشروط بر اینکه از فتنه در امن بوده باشد .^(۳)

و هم چنین میگویند که از عصر صحابه کرام تا حال مردم را به پائین انداختن چشم ها از پسران برهنه روی امر نشده است این خود دلالت میکند بر اینکه خلوت نمودن با پسران برهنه روی ممانعت شرعی نداشته است .^۴ - بناء خلوت نمودن از نظر این فریق از فقهاء مشروع بوده مشروط بر اینکه از وقوع فتنه در امن بوده باشد .

(1) تحفة الحبيب علي شرح الخطيب اج ۱۴ ص ۱۱۵ روضة الطالبين اج ۹ ص ۱۰۳۱ المجموع اج ۱۴ ص ۴۲۱ اعانة الطالبين اج ۱۳ ص ۲۶۳

(2) الفروع اج ۱۵ ص ۱۱۴ الانصاف اج ۱۸ ص ۳۲ المبدع اج ۱۷ ص ۱۲ شرح منتهی الارادات اج ۱۲ ص ۶۲۷
(3) فتاوی هندیه اج ۵ ص ۳۳۰ الوسيط في المذهب تأليف محمد بن محمد بن محمد الغزالي تحقيق احمد محمود ابراهيم ومحمد محمد تامر اج ۵ ص ۳۷ اقايره

(4) حاشیه الجمل علي شرح منهج اج ۴ ص ۱۲۴ مغني المحتاج اج ۱۳ ص ۱۳۱ نهاية المحتاج اج ۱۶ ص ۱۱۹۲

ب - دلیل فریق دوم : این فریق از فقهاء که بحرمت خلوت باپسران برهنه روی قایل اند بدلائل ذیل استدلال میکند .

۱ - رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : (لایخلون رجل بامرأة الا كان ثالثهما الشيطان) (۱) - که هیچ گاهی خلوت نمیکند مردی باخانم مگر که سوم اش شیطان میباشد .

وبعضی از علماء در تحت این حدیث میگویند که این حدیث مردان را از خلوت نمودن منع میکند زیرا شیطان به تزیین افعال قبیحه و حرام وسواس میکند و در پسران برهنه روی وسواس شیطان بیشتر از زنان است چون حسن پسران بسوی فتنه کشنده تر و بزرگتر است زیرا امکان وقوع در فتنه و قبیح در پسران نسبت به زنان بیشتر و آسانتر است پس حرمت نیز مناسب تر و زجر از مخالطت و نظر کردن نیز لازم تر است . (۲)

۲ - ونیز میگویند: که همه علماء سلف از مجالست بچه های برهنه رو منع نموده است مانند سفیان ثوری رحمه الله که او ریاست علم و صلاح را دارد امر کرده بخروج پسر برهنه روی که در حمام بالایش داخل شده بود و گفت : « اخرجوه فانی اری مع کل امرأة شیطانا ومع کل أمرء سبعة عشر شیطانا » (۳) یعنی خارج کنید آنها زیرا من همراه باهر زن یک شیطان میبینم و باهر پسر برهنه رو هفده شیطان میبینم .

وهم چنان حسن بن زکوان میگوید : بااولاد اغنیاء هم نشینی نکنید، زیرا آنها حسن و زیبایی مانند عذاری (دختر باکره) دارند و آنها شدید تراند در وقوع فتنه نسبت به زنان . (۴)

بناء این فریق از فقهاء به تحریم خلوت با پسران برهنه رو قول کرده اند که نمیتوان با آنها خلوت نمود .

ترجیح : بعد از اینکه نظریات و اقوال فقهاء را از هر دو فریق ذکر نمودم ضرور میدانم تا قول را که ارجحیت میدهم خدمت دوستان بعرض برسانم . من که نظریات هر دو فریق را مطالعه کردم به ذهنم

(1) مسند شهاب اج ۱۲ ص ۱۹۰ باب لایخلون - شماره ۹۴۶ - البانی صحیح گفته است
 (2) تحفة الحبيب علي شرح الخطيب اج ۱۴ ص ۱۱۵ الزواجر عن اقتراف الكبائر تالیف ابن حجرهیثمی تحقیق مطمئن الباز اج ۲ ص ۱۵۳۸
 (3) مشاهیر الامصار تالیف البستی اج ۱۱ ص ۱۶۷ اعانة الطالبین اج ۳ ص ۲۶۳ الزواجر اج ۱۲ ص ۱۵۳۸
 (4) الزواجر اج ۱۲ ص ۱۵۳۸

این میرسد که دلایل و استدلال فریق دوم که برتحریم خلوت با پسران خوب صورت قول کرده اند قویتر بوده راجح میباشد زیرا در مخالطت با آنها راه بسوی فحشا باز میگردد، چنانچه اکابر تابعین از مخالطت با آنها فرار نموده اند زیرا لواطت را گناه بزرگتر از زنا میدانستن از این رو خلوت با پسران زیباروی را حرام میباشد.

اما در پاسخ به استدلال فریق اول که گفتند: (أمر در بحجاب امر نشده اند) بخاطر مشقت بر آنها است، و نیز در جواب آنها که گفتند (از عصر صحابه تا حال از مخالطت با مرد، مردان را منع نشده اند) بخاطر بود که در آن زمان از فتنه در امن بودند، و گاه فتنه پسران از فتنه موجود در زنان بزرگتر و بیشتر است، چون لواطت گناهش بزرگتر از زناست، بناءً قول فریق دوم ارجحیت دارد، که خلوت نمودن با پسران زیباروی حرام میباشد، تا اغلاق باب فتنه و سد وسیله فساد گردد.

هشتم: خلوت با اعمی (نابینا)

اول: تعریف اعمی

۱- لغتاً: اعمی در لغت بمعنی «ذهاب البصر کله» از بین رفتن تمامی بینایی میباشد.

وعمی، یعمی، اعمی وقتی گفته میشود که بینایی هر دو چشم کاملاً از بین برود و قادر بدیدن هیچ چیز نباشد.

چنانچه علامه لیث میگوید: اعمی بر کسی گفته میشود که بینایی هر دو چشم او از بین رفته باشد، نه بر کسی که تنها یک چشم اش نابینا باشد بلکه هر که هر دو چشم خود را از دست داده باشد به او اعمی اطلاق میگردد.^(۱)

ب - اصطلاحاً: در اصطلاح فقهاء تعریف دقیق وجود ندارد که اعمی را تعریف نموده باشد ولی مفهوم اعمی مشهور است که بر نابینا گفته میشود اما آنچه را علامه ابن عابدین و ابن تیمیه میگوید

(۱) لسان العرب ج ۱۵ | ص ۹۵ | تاج العروس ج ۳۹ | ص ۱۰۷ | تهذیب اللغة ج ۳ | ص ۱۵۵ | العین ج ۱۲ | ص ۲۶۶

همان معنی عام و مشهور است که میگویند: اعمی بکسی که هردو چشمانش را از دست داده باشد اطلاق میگردد.^(۱)

دوم: حکم خلوت با اعمی

امام غزالی رحمه الله میگوید: که خلوت در عموماً ناروا بوده برابر است که بینا باشد یا نابینا اما مردم بداخل شدن بر نابیناها از روی شفقت تساهل میکنند و این سهل انگاری مردم در شریعت اسلام تثبیت نگردیده و راضی هم نبوده است و حکم خلوت با نابیناها مانند بیناها میباشد چون فتنه در نابیناها نیز محتمل است همانطوریکه با بیناها محتمل است.^(۲)

و نیز ثابت است که حضرت ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها از نابیناها حجاب کرده است و کسی بر او گفته است که نابینا شما را نمیبند آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودن که او مرا نمیبیند اما من او را میبینم چنانچه علامه قرافی به این مطلب پرداخته است بناء خلوت نمودن با نابیناها حرام میباشد.^(۳)

درین جا این ضرورت پیدا میگردد تا اقوال فقهاء را در این مورد بیان نمایم تا موضوع بشکل همه جانبه واضح گردد.

۱ - حنفی ها: احناف میگویند که حجاب نمودن از نابیناها واجب میباشد و بناء آن بر احتیاط است و اباحت در آن جا ندارد که زنان بسوی نابیناها نظر نمایند^(۴) و استدلال میکنند به حدیث که عبدالله ابن ام مکتوم روایت میکند که او طلب اجازه کرد از رسول الله صلی الله علیه وسلم و نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم ام سلمه و میمونه رضی الله عنهما بودند و رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ام سلمه و میمونه گفت: «احتجبا منه» که حجاب کنید از عبدالله. و آنها بر رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتن

(۱) حاشیه ابن عابدین ج ۱۱ ص ۱۳۳۶ و کتب و رسائل و فتاوی این تیمیه تحقیق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم العاسمی النجدی ج ۱ ص ۱۳۳۶

(۲) احیاء علوم الدین ج ۱۳ ص ۱۰۲

(۳) الذخیره تالیف قرافی ج ۱۳ ص ۱۳۱۷

(۴) مبسوط سرخسی ج ۱۱ ص ۱۱۵۴ بدایع الصنائع ج ۱۵ ص ۱۲۲-۱۲۳

که عبدالله نابینا است ما را نمیبیند؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت آیاشما هم نمیبینید و شما هم نابینا هستید؟^(۱) - بنابراین خلوت نمودن بانابیناها از نظر احناف حرام میباشد چون احتمال وقوع در زنا و وجود فتنه در نابیناها موجود میباشد.

۲ - مالکی ها: اصحاب امام مالکی رحمه الله نیز به این نظراند که خلوت نمودن بانابیناها حرام میباشد و هیچ تخصیص در مورد خلوت بانابیناها وجود ندارد بلکه خلوت نمودن با زنان مطلقاً حرام میباشد زیرا نفوس انسانی تمایل بسوی نابیناها و نیز احتمال وقوع در زنا و فتنه الزامی و حتمی میباشد.^۲ بناء خلوت نمودن با نابیناها نیز از نظر مالکی ها حرام میباشد.

۳ - شافعی ها: پیروان مذهب امام شافعی رح نیز خلوت را بانابیناها حرام میدانند^(۳)

چنانچه امام نووی میفرماید: فتنه مشترک است چنان که از بیناها بروقوع فتنه خوف برده میشود همان طور از نابیناها نیز در وقوع فتنه خوف برده میشود.^۴ - و بر این دلالت میکند حدیث که روایت میکند مولی ام سلمه از ام سلمه رضی الله عنها که میگوید: ام المؤمنین ام سلمه و ام المؤمنین میمونه رضی الله عنهما نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم بودن که ناگهان عبدالله ابن ام مکتوم داخل شد رسول الله صلی الله علیه وسلم برای امهات المؤمنین میگوید که از عبدالله حجاب کنید آنها گفتن که عبدالله نابینا است و نمی بیند پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: که آیا شما هم نابینا هستید؟ و آیا عبدالله را نمی بینید؟^(۵)

بناء شافعی ها نیز به حرمت خلوت با نابیناها قایل بوده و هیچ تخصیص را از جانب شریعت در مورد خلوت بانابیناها ثابت نمیدانند.

(۱) جامع الترمذی کتاب الادب باب ماجاء فی احتجاب النساء من الرجال ج ۱۵ ص ۱۰۲ شماره ۱۲۷۷

(۲) حاشیه دسوقی ج ۱۳ ص ۱۴۳۵

(۳) نهاية المحتاج ج ۱۷ ص ۱۶۲۱ فتح الوهاب تألیف زکریا انصاری بن محمد بن احمد بن زکریا ابویحیی شرح منهج الطلاب ج ۱ ص ۱۴۶۶

حاشیه (بحیرمی ج ۱۴ ص ۱۲۳ المجموع ج ۴ ص ۱۲۴۲

(۴) شرح نووی علی صحیح المسلم ج ۱۰ ص ۱۹۶

(۵) سنن ابی داود ج ۱۴ ص ۶۳ شماره ۴۱۱۲

فقهاء حنبلی: پیروان مذهب امام احمد رحمه الله نیز خلوت نمودن را با ناینها حرام میدانند و میگویند: که خلوت نمودن و نظر کردن بسوی ناینها حرام میباشد زیرا در آنها خوف فتنه وجود دارد اگرچند که ناینها نمی بیند اما دیگران آنرا میبیند. (۱)

و بعضی ها گفته اند که خلوت نمودن با ناینها جواز دارد که استدلال میکنند به قضیه فاطمه بنت قیس، و در آن چنین آمده است که فاطمه دختر قیس را شوهرش عمرو بن حفص بطلاق بائن طلاق کرد در حال که خودش غایب بود و کیل خویش را بسوی خانمش فرستاد که همراهی و کیل مقدار از جو بود وقتی فاطمه را آگاه ساخت فاطمه بروکیل قهر شد ولی وکیل گفت که قسم بخداست که از جانب شما بر ما هیچ ضرری نیست، اینجا بود که فاطمه بنت قیس بسوی رسول خدا صلی الله علیه وسلم آمد و قضیه را یاد آور شد رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت که برای تو نفقه نیست و امر کرد که در خانه ام شریک عدت بگذراند و باز گفت این خانم است که یارانم از او حجاب میکنند عدت بگذران نزد عبدالله ابن مکتوم که او ناینها است. (۲)

با استدلال بر این حدیث میگویند که خلوت نمودن باناینها جواز دارد اما امام نووی رحمه الله در ذیل این حدیث میگوید که معنی این حدیث این است که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بسیار زیارت میکردند ام شریک را و تردد بیشتر با او داشتن چون او شخص صالح بود رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی دید که برفاطمه در این جا حرج است او را دستور داد که عدت خود را نزد ابن مکتوم سپری کند زیرا برفاطمه لازم بود تا از نظر مردم خود را دور نگهدارد و نیز لازم بود که فاطمه مردم را نظر نکند و چون کثرت تردد مردم برفاطمه مشقت وارد میکرد از این رو او را به خانه ابن مکتوم فرستاد چون حد اقل او ناینها است و نمی بیند. و شکی نیست که بعضی از مردم احتجاج کردن به این حدیث بر جواز نظر کردن زن بسوی مردان اجنبی بخلاف نظر کردن مردان بسوی زنان و این قول

(1) مغنی ج ۱ ص ۸۰ | کشف القناع ج ۱ ص ۱۴ | الانصاف ج ۱ ص ۲۸۴ |
 (2) صحیح المسلم کتاب الطلاق باب مطلقه ثلاثه لانفقة لها ج ۲ ص ۱۱۵ | شماره ۱۱۴۸۰

ضعیف است بلکه قول صحیح همان است که جمهور علماء و اکثر صحابه کرام رض به آن قول کرده اند که نظر کردن مردان بسوی زنان و از زنان بسوی مردان حرام میباشد چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (۱)

ترجمه: بگو برای مردان مسلمان که چشمانشان را پایین اندازند و فرج های شان را نگهدارند که این برای شان پاکیزه تر است، بدون شک الله خبر دار است بهر کاری که شما انجام می دهید.

اما حدیث فاطمه بنت قیس همراهی ابن ام مکتوم، در آن اجازه نظر کردن زنان را برای او داده نشده است بلکه در آن تأمین بود برای فاطمه از نظر کردن دیگران و در خانه ابن ام مکتوم امکان نگهداری چشمان از دیدن مردان اجنبی بدون مشقت وجود داشت چون آنجا کثرت تردد وجود نداشت بخلاف اینکه در خانه ام شریک بوده باشد. (۲) - بناء این حدیث بر اباحت نظر کردن زنان بسوی مردان و بالعکس دلالت نمی کند بلکه آنجا یک مصلحت بزرگتر از آن وجود داشت تا دوری از گثرت مخالطت بامردان شود، این دستور صادر گردید. اما اتفاق فقهاء بر اینست که خلون بانابیناها حرام بوده موجب فتنه می گردد.

و همچنین علامه ابن عثیمین (۳) در تعقیب این حدیث میگوید: که بودن فاطمه در خانه ابن ام مکتوم رضی الله عنه بگونه نبوده که او با عبدالله تنها بوده بلکه با آنها بقیه فامیل نیز موجود بوده که خلوت با ایشان صورت نگرفته است. (۴)

(1) سوره نور آیت ۳۰

(2) شرح نووی علی صحیح المسلم اج ۱۰ ص ۱۹۷

(3) محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن عثیمین تمیمی معروف به بن عثیمین در ۱۹۲۵ میلادی در عنیزه قصیم در کشور شاهی عربستان سعودی متولد شده که از او آثاری زیادی به جامانده است.

(4) <http://www.ahlhalhadeeth.com/vb/showthread.php?t=153794>

خلاصه : از استعراض همه اقوال و انتقادات و دفع آن به وضاحت دانسته میشود که خلوت نمودن با نابیناهای اجنبی و نیز نظر کردن بسوی او حرام میباشد چون زمینه وقوع فتنه میسر بوده موجب گناه میگردد .

مبحث دوم: خلوت با اجنبی از جهت عذر

مطلب اول: خلوت با اجنبی از جهت نماز

چنانچه که خلوت نمودن با اجنبی ها در غیر نماز حرام میباشد همانطور هرگاه مردی امامت نماز را برای خانم کند نیز برای هردو حرام میباشد که در این جا ضرور میدانم تا دیدگاه فقهاء را در این مورد بطور تفصیل ذکر نمایم .

۱ - حنفی ها - پیروان مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله در مورد خلوت زنان اجنبی بامران بخاطر نماز میگویند که خلوت زنان بخاطر نماز نیز مکروه میباشد چنانچه امام محمد رحمه الله از شاگردان امام ابوحنیفه رحمه الله و علامه ابن عابدین وابن نجیم از پیشتازان این مکتب میگویند : که خلوت نمودن در صورت مباح میگردد که بامحرم و یا هم پرده و یا هم زنان ثقه موجود باشد و مقصود از ثقه همان زنان است که به کهن سالی رسیده باشد و امکان مجامعت باوی امکان نداشته باشد اما اگر مردی دیگری وجود داشته باشد خلوت نفی نمیگردد یعنی اینکه اگر زنی بادو مرد خلوت کند مباح نمیشد و اما خلوت زنان بامردان بخاطر نماز مکروه بوده جواز ندارد که مردی در خانه بازنان خلوت کند که همراهی او از محارم او مانند خانم ، خواهر و غیره کسی نباشد اما اگر کسی از محارم اش باشد مکروه نیست و هم چنان اگر مردی زنان را امامت کند در مسجد که همایش از محارمش نباشد مکروه میباشد و درینجا مکروه تحریمی میباشد. (۱)

بناء حنفی ها به این نظر اند که خلوت نمودن بازنان اجنبی در نماز نیز حرام میباشد و نیز باید گفت که حکم خلوت با زنان متعدد مانند خلوت بایک زن است یعنی چنانچه خلوت بایک زن در نماز حرام میباشد بازنان متعدد بدون محارم نیز حرام میباشد .

(1) مبسوط امام محمد تحقیق ابوالوفا الافغانی اج ۱۱ ص ۱۶۵ حاشیه ابن عابدین اج ۱۶ ص ۳۶۸ بحر الرایق اج ۲ ص ۳۷۳

۲ - مالکی ها : مالکی ها نیز خلوت نمودن را بازنان بخاطر نماز حرام میدانند چنانچه این مطلب از امام مالک رح روایت شده است که میگوید : جماعت زنان با یک مرد در عقب امام مانند جماعت یک زن و یک مرد در عقب امام مکروه میباشد.^(۱) - و نیز این مطلب در کتاب مالکی ها دیده میشود که میگویند : خلوت نمودن زنان متعدد با مردان در عقب امام مکروه میباشد و نیز میگویند که نماز مردان میان زنان و از زنان میان مردان مکروه میباشد اما نماز مردان و زنان فاسد نمیگردد.^(۲)

بناء از خلال اقوال مالکی ها بوضاحت دانسته میشود که خلوت نمودن زنان با مردان بدون محارم مکروه بوده و مقصود از مکروه در اینجا تحریمی میباشد که قبلا تذکر رفت .

۳ - شافعی ها : شافعی ها نیز به این عقیده هستن که مکروه است زنان اجنبی بامردان اجنبی نماز بخوانند چنانچه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است : (لا یخلون رجل بامرأة الا کان ثالثهما الشیطان)^(۳) - که هیچ گاهی خلوت نمیکند مردی باخانم مگر که سوم اش شیطان میباشد . اما از شافعی ها اختلاف نیز درین مورد نقل شده است مبنی بر اینکه خلوت با یک زن و یاهم زنان متعدد چکونه میباشد در این جا دو قول وجود دارد .

۱ - قول اول از شافعی ها اینست که امامت به یک زن اجنبی و خلوت نمودن با او حرام میباشد اما اگر زنان بیشتر باشد و مردی با آنها امامت و خلوت کند جایز میباشد و استدلال میکنند به اینکه در غالب اوقات توان فساد در مردان در حضور زنان متعدد نمیشد .

۲ - وقول دوم از شافعی ها اینست که در هر دو صورت خلوت نمودن بازنان و امامت برای زنان اجنبی حرام میباشد چون احتمال فساد و خوف فتنه ممکن میباشد . بناء خلوت بازنان بخاطر نماز نیز حرام میباشد .^(۱)

(1) فواکه الدواني اج ۱۱ ص ۱۲۱۱ الثمر الداني في تقريب معاني شرح رساله ابن ابي زيد القيرواني تاليف صالح عبدالسميع الابي الاظهري ابيروت ۱ اج ۱۱ ص ۱۵۵ كفايت الطالب اج ۱۱ ص ۱۳۸۶
(2) شرح مختصر الخليل اج ۱۲ ص ۲۲۹ حاشيه عدوى اج ۱۱ ص ۱۳۸۷
(3) صحيح المسلم كتاب الحج باب سفر المرأة مع محرم اج ۲ ص ۹۷۸ شماره ۱۳۴۱ مسند شهاب اج ۱۲ ص ۹۰ باب لا يخلون - شماره ۹۴۶) - البانی صحیح گفته است

۴ - حنبلی ها: علامه ابن قدامه حنبلی در المغنی وعده دیگری از فقهاء حنبلی میگویند که امامت مردان برای زنان اجنبی که همراه شان مردان نباشد مکروه میباشد زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از خلوت با زنان منع نموده است اما اگر همراه شان محارمش باشد و نیز مردان دیگر باشد امامت و خلوت جواز دارد زیرا در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم زنان با رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسجد نماز میخواندن و نیز این به یقین ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای انس و مادرش رضی الله عنهما در خانه شان امامت کرده است . پس از قول پیروان مکتب امام احمد بوضاحت دانسته میشود که خلوت نمودن زنان اجنبی با مردان اجنبی بخاطر نماز نیز حرام میباشد . (۲)

دلایل : بعد از اینکه دانسته شد همه فقهاء در مورد خلوت زنان اجنبی با مردان اجنبی دیدگاه واحد داشته است ایجاب میکند که دلایل ایشان را نیز نقل نمایم .

۱ - رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید : « عن عقبه بن عامر ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ایاکم والدخول علی النساء فقال الرجل من الانصار یارسول الله صلی الله علیه وسلم أفرأیت الحموی؟ قال الحموی الموت » (۳)

که از عقبه ابن عامر رضی الله عنه روایت که بدون شک رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود از داخل شدن بر زنان پرهیز نمایید پس مردی از انصار گفت : ای فرستاده خدا ج ! خبر دهید از حموی رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت : حموی مرگ است .

۲ - و نیز به حدیث دیگری که میفرماید : (عن ابن عباس رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وسلم قال لا یخلون رجل بامرأة الا ومع ذی محرم فقام رجل فقال یارسول الله امرأتی خرجت حاجه واکتبت فی غزوة کذا وکذا قال : ارجع فحج مع امرأتک) (۱)

(1) المجموع اج ۱۴ ص ۲۴۱ مغنی المحتاج اج ۱۳ ص ۴۰۷
 (2) مغنی ابن قدامه اج ۱۲ ص ۱۶ الشرح الكبير تالیف ابن قدامه اج ۱۲ ص ۵۷ الانصاف اج ۱۲ ص ۲۷۳
 (3) صحیح البخاری کتاب الحج باب لا یخلو الرجل بامرأة اج ۱۵ ص ۲۰۵ شماره ۴۹۳۴

ترجمه : از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت میکند رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود : هرگز خلوت نکند مردی باخانم مگر اینکه همراهی او محرم او بوده باشد پس مردی برخاست و گفت ای رسول خدا! خانم برای حج خارج شده است و من وظیفه کتابت را کردم در فلان و فلان غزوه ، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت : برگرد و حج کن همراهی خانمت .

فقهاء با استدلال از این احادیث خلوت نمودن زنان را بامردان که همراهیشان مردان و زنان دیگر و نیز محارم شان نبوده باشد حرام میدانند .

مطلب دوم: خلوت با زنان اجنبی از جهت تعلیم

در ابتداء باید گفت که زنان حق تعلیم را چنانچه که مردان دارند زنان نیز دارند چنانچه الله سبحانه و تعالی برای امهات المؤمنین زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میگوید: (وَأَنْذِرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا) (2)

ترجمه : و یاد بگیرید ای زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم ما آنچه که در خانه های شما از آیات الله سبحانه و تعالی و موعظه تلاوت کرده میشود بدون شک الله سبحانه و تعالی مهربان و باخبر است.

در این آیت مبارکه مستقیماً الله سبحانه و تعالی برای زنان دستور میدهد که از آیات الله تبارک و تعالی بیاموزند و پند بگیرند بنابراین حق تعلیم یکی از حقوق اساسی زنان امت اسلام میباشد.

علامه ابن مفلح^۳ در کتاب خود (الآداب الشرعیة) احادیث را پیاپی میآورد که ظاهر آن دلالت دارد به اینکه زنان را از کتابت «نوشتن» باز داشته شده است اما ابن مفلح این احادیث را ضعیف و معلول شمرده اند که در احکام قابل استدلال نمیباشد. (۴) - اما از این آیت مبارکه بوضاحت دانسته میشود

(1) بخاری کتاب الحج باب حج النساء ج ۱ ص ۱۵۱ | ۲۰۰۵ | شماره ۱۴۹۳۵

(2) سوره احزاب آیت ۳۴

(3) شمس الدین محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج معروف به ابن مفلح مقدسی و یکی از برجسته ترین فقهاء مذهب امام احمد بن حنبل بوده و در سال های ۷۰۸۱ هجری تا ۷۶۳ هجری زندگی کرده است .

(4) الآداب الشرعیة تألیف محمد ابن مفلح بن محمد ج ۱ ص ۱۳ | ۲۸۹ |

که شریعت اسلام زنان را برای تعلیم و آموختن تشویق نموده است که علامه ابن عابدین میگوید :
 فقهاء اسلام دانستن بعضی از مسایل را برای زنان واجب دانسته است که باید بیاموزند (۱)

اما باید گفت که آموختن بر زنان نیز واجب است که فراگیری تعلیم مسایل را با رعایه آداب ، ظوابط ، و اوامر شریعت اسلام به پیش ببرند که با التزام بر آن بر حفظ آبرو ، عزت ، عفت ، و شرافت خویش بیافزاید . که از جمله ظوابط که باید زنان در وقت تعلیم رعایه کند لازم گرفتن حجاب و عدم خلوت با مردان اجنبی بخاطر تعلیم میباشد که اصحاب فقهاء اربعه همه اتفاق دارند به عدم جواز خلوت زنان بامردان اجنبی بخاطر تعلیم که اقوال همه را ذیلا بیان میداریم .

۱ - حنفی ها: اصحاب فقهاء احناف میگویند: که جمع شدن مردان و زنان در مساجد بخاطر تعلیم مشکل ندارد چون مساجد محل خلوت نمیباشد اما خلوت زنان و مردان اجنبی در غیر مساجد مانند خانه ها و غیره بدون محارم مکروه میباشد چون احتمال فتنه و خوف فساد بیشتر میباشد اما اگر همراه شان محارم شان باشد مکروه نمیباشد و این کراهیت همیشه باقیست که محارم وجود نداشته باشد (۲)
 - بناء خلوت نمودن زنان بامردان اجنبی بخاطر تعلیم بدون محارم از نظر احناف حرام میباشد چون احتمال فتنه و خوف فساد در این صورت موجود میباشد .

۲ - مالکی ها : اصحاب مذهب امام مالک رحمه الله میگویند : که مسؤولیت حق تعلیم زنان بر پدران و بعد بر شوهران شان میباشد که آنها را تعلیم کند و این مسؤولیت حق تعلیم ، تعویض نمیشود که بعوض پدر و شوهر ، مردان اجنبی این مسؤولیت را عهده دار شود و بازنان اجنبی بخاطر تعلیم خلوت کند که این نوع تعویض جایز نمیباشد و از این لازم نمیشود که سوال کردن از علماء ممنوع بوده باشد چون سوال کردن از علماء از پشت پرده ها جایز میباشد چنانچه الله سبحانه و تعالی مردم را در سوال کردن از عقب پرده ها دستور داده است و نیز این مشکل پدید نیاید که خانم ها در نزد علماء در خانه هایشان برود

(۱) حاشیه ابن عابدین ج ۱ ص ۶۱ | ۲۷۱ |

(۲) مبسوط سرخسی ج ۱ ص ۱۶۶ |

و در حضور خانم و یا خانواده او از او سوال کند و بابتستن چشمان خود در پاسخ سوالات او از آموخته های خود جواب ارایه کند مشروط بر اینکه از زنان بقدر ضرورت بشنود. (۱) بناء از نظر فقهای مالکی خلوت نمودن زنان بامردان اجنبی بخاطر تعلیم حرام میباشد .

۳ - شافعی ها: اصحاب امام شافعی رحمه الله نیز با اذعان بر اینکه تعلیم زنان از جمله ضروریات زنان بوده ، مباح میباشد نظر کردن بسوی زنان بقدر ضرورت از جهت تعلیم . و بعضی از دیگری از پیروان امام شافعی رحمه الله جواز تعلیم را مقصور کرده اند بر آنچه که تعلیم و تعلم آن بر زنان واجب میباشد مانند تعلیم سوره فاتحه و آنچه از صنایع بسوی او محتاج میباشد و نیز مقصور کرده اند که تعلیم از پشت پرده ها صورت بگیرد.

زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است: (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) (۲)

ترجمه: هر گاه که شما چیزی را از زنان میخواستین آنها را از پشت پرده ها بخواهید که این کار پاکیزه تر بر قلبهای شما و قلب های آنها میباشد . وهم چنان میگویند که عدم وجود مجانس باشد «اتحاد جنس مانند مرد وزن همراهی زن» و خلوت نیز صورت نگیرد تعلیم جواز دارد ۳ - اما در صورت نبود این همه شرایط خلوت نمودن با زنان اجنبی از جهت تعلیم نیز به نزد امام شافعی رحمه الله و پیروانش حرام میباشد . و نیز باید گفت که اصحاب امام شافعی رحمه الله جواز داده اند که یک مرد با زنان زیادی اجتماع کند و نیز زنان را تعلیم دهد چنانچه میگویند : جایز نیست که دو مرد بایک زن خلوت کند اما جایز است که یک مرد بادو زن که ثقة باشد خلوت کند زیرا حیاء زن از زن بیشتر است نسبت به حیاء

(1) مواهب الجلیل ج ۱ ص ۱۶ | الفواکه الدوانی ج ۱ ص ۱۲۴ | المعیار المعرب تألیف ابوالعباس احمد بن یحیی ج ۱ ص ۱۱۱ | ۲۲۹

(2) سوره احزاب آیت ۵۳

(3) کفایة الاخبار ج ۱ ص ۱۲۴۸ | الاقناع ج ۱ ص ۱۲ | فتح الوهاب ج ۱ ص ۴ | حاشیه قلیوبی ج ۱ ص ۱۲۶۰ | ۱۲۱۳

مرد از مرد^(۱). بناء خلوت نمودن زنان بامردان اجنبی در نبود این همه شرایط در نزد شافعی ها نیز جایز نمیباشد .

حنبلی ها: فقهاء مذهب امام احمد رحمه الله خلوت نمودن زنان را به خاطر تعلیم بامردان اجنبی حرام میدانند که مبنای این تحریم شان از جهت انسداد باب فساد و وسایل فساد میباشد چنانچه علامه ابن قیم رحمه الله میگوید : که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خلوت نمودن مردان را بازنان اجنبی حرام قرار داده است ولو که به خاطر تعلیم قرآن کریم باشد^(۲) - و نیز میگویند: که خلوت نمودن مردان بازنان اجنبی مطلقاً حرام میباشد^(۳) - بناء حنابله نیز خلوت نمودن را بازنان از جهت تعلیم حرام میدانند .

خلاصه: هیچ اختلاف نظری میان فقهاء وجود ندارد مبنی بر اینکه خلوت نمودن زنان بامردان اجنبی بخاطر تعلیم حرام میباشد باتوجه بر اینکه تعلیم زنان یکی از اساسی ترین مورد نیاز بشری بوده اما خلوت نمودن با آنها حرام میباشد و باید تعلیم زنان و دختران در محلات و جاهای صورت بگیرد که امکان خلوت وجود نداشته باشد مانند مساجد و پوهنتون ها که دختران و زنان با حفظ مقررہ ها و ضوابط شرعی تعلیم را فرا بگیرند که امکان وقوع فتنه و احتمال فساد وجود نداشته باشد .

مطلب سوم : خلوت مردان بازنان اجنبی به خاطر علاج

یکی از اهداف که شریعت اسلام بخاطر او آمده است حفظ نفس میباشد چنانچه علماء میگویند که اعتبار حفظ نفس از امور ضروری میباشد که شریعت اسلام بخاطر او آمده است چنانچه حفظ دین

(1) حاشیه بحیرمی اج ۱۳ ص ۱۳۸۵ روضة الطالبین وعمدة المفتین اج ۱۸ ص ۴۱۸ المغنی المحتاج اج ۳ ص ۱۱۳۳

(2) المغنی اج ۱۷ ص ۱۰۷ کشاف القناع اج ۱۵ ص ۱۱۶

(3) الانصاف اج ۹ ص ۳۱۴

نسل، مال، عقل، از امور ضروری میباشد که همه ادیان و ملتها بر حفظ این اصول تأکید کرده و قابل الرعايه میدانند. (۱)

از این خاطر اسلام عزیز قصاص را وضع نموده است تا از نفوس حفاظت کند که الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (۲)

ترجمه: و برای شما در قصاص زندگی است ای صاحبان عقل شاید که شما بترسید. و هم چنین الله سبحانه و تعالی انتحار را حرام قرار داده است تا اینکه محافظت از نفس ها کند چنانچه میفرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) (۳) - ترجمه: و نکشید نفس هایتان را، بدون شک الله سبحانه و تعالی به شما مهربان میباشد. بناء حفظ نفس یکی از اهداف است که الله تبارک و تعالی اسلام را بخاطر حفظ او آورده است و هم چنان اسلام عزیز بخاطر اینکه نفس ها محافظت شود مردم را برای تداوی دعوت نموده است چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید (ان الله عزوجل حيث خلق الداء خلق الدواء فتداواوا) (۴) - که بدون شک الله تعالی همان قسم که مرض را خلق کرده است دوايش را نیز خلق نموده است پس تداوی کنید. بنابراین تداوی کردن برای صحت یابی دستور شریعت اسلام بوده که مردم نزد معالج رفته تداوی کند تا نفس ها محافظت گردد.

اما در مورد خلوت نمودن زنان اجنبی با طیب علماء چنین میگویند: علامه مرغینانی^۵، علامه ابن نجیم و غیره میگویند: خلوت زن مسلمان با طیب اجنبی به خاطر معالجه گرچند که در اصل حرام بوده بدلیل عموم دلایل که بر حرمت خلوت زنان دلالت میکند اما هرگاه این خلوت با اساس ضرورت باشد جایز میباشد و خلوت زنان بخاطر علاج با اطباء اجنبی از جهت ضرورت که جایز گردیده،

(1) الموافقات فی اصول الفقه تألیف ابراهیم بن اللحی الغرناطی المالکی الشاطبی ابیروتا تحقیق عبدالله دراز اج ۲/ص ۱۱۰ الاحکام فی اصول الاحکام تألیف علی بن محمد ابوالحسن الامدی ابیروتا تحقیق سید الجمیلی اج ۳/ص ۱۳۰ تقویم النظر فی مسایل الخلافیه ذائعه تحقیق د. صالح بن ناصر بن صالح الخزیم اج ۱/ص ۱۴ ص ۱۴۶
(2) سوره بقره آیت ۱۷۹
(3) سوره نساء آیت ۲۹
(4) مسند امام احمد اج ۳/ص ۱۵۶ شماره ۱۱۲۶۱۸
(5) برهان الدین بخاری مرغینانی، علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل از فقهاء قرن ششم مذهب حنفی بوده در مرغینان به دنیا آمده و در سال ۵۹۳ وفات نموده است.

کیفیت آن طوری باشد که تمام اعضای خانم پوشیده بوده باشد ، بجز محل که مرض به آنجا رسیده است و بعد طیب بقدر که توان بشری ایجاب میکند چشمان خویش را بپایین انداخته او را ببیند ، زیرا هر آنچه که به ضرورت ثابت گردد بقدر ضرورت ثابت اندازه می‌گردد^۱ - بناءً خلوت نمودن زنان اجنبی بامردان اجنبی بخاطر علاج جایز بوده و با رعایه شرایط ضرورت میتوان خلوت نمود . چنانچه الله تبارک و تعالی میفرماید: (إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۲)

ترجمه : بتحقیق حرام شده است بر شما خوردن خود مرده ها ، خون ، گوشت خنزیر و آنچه که برای غیر خدا ذبح شده است پس کسی که مجبور گردید بدون بغاوت و تجاوز هیچ گناهی بر او نیست که از اینها بخورد ، بدرستی که الله تبارک و تعالی بخشینده مهربان است .

علامه جصاص^۳ وعده دیگری از علماء در ذیل این آیت مبارکه مینوسند : که این آیت مبارکه دلالت میکند بر اینکه جواز دارد بر مسلمانان که در حالات ضروری از اشیایی حرام تناول کنند .^۴ - بناءً با تفریع بر این سخنان علماء تحت آیت مبارکه باید گفت که خلوت نمودن زنان با داکتران اجنبی بخاطر علاج یک ضرورت است گرچند که در اصل خلوت با اجانب حرام بوده اما در متابعت با این آیت مبارکه و وجود ضرورت خلوت زنان اجنبی با داکتران اجنبی برای علاج جایز میباشد .

در اینجا لازم میدانم تا اقوال فقهاء را در خصوص این مطلب نیز ذکر کنم .

فقهاء همه اتفاق دارند به اینکه خلوت زنان با داکتران اجنبی بخاطر تداوی با رعایه شرایط ذیل جایز میباشد .

(1) الهدایه شرح البدایه اج ۱ ص ۱۴ | ۱۸۴ بحر الرایق اج ۱ ص ۱۸ | ۲۱۹ فتح الوهاب اج ۱ ص ۲۱ | شرح المنهج اج ۱ ص ۱۱ | ۱۸۷
 (2) سوره بقره آیت ۱۷۳
 (3) احمد بن علی معروف به ابوبکر رازی جصاص حنفی متوفی ۳۷۰ هجری میباشد که از او آثار زیادی به جا مانده است از جمله احکام القرآن
 (4) احکام القرآن اج ۱ ص ۱۶۱ | مبسوط سرخسی اج ۱ ص ۱۲۴ | ۴۸ | المبدع ج ۱ ص ۱۲ | ۱۱۰۲

۱ - خانم مریض برای معالجه خویش طیب زن پیدا نتواند :

فقهاء میگویند که خلوت زنان اجنبی با داکتران اجنبی به این شرط جایز میباشد که خانم مریض برای تداوی خود داکتری از قشر زنان پیدا نتوانند که خوف از بین رفتن زن مریض نیز وجود داشته و یا هم تحمل درد را نداشته باشد ، میتواند بنزد داکتر مردینه برود که علاج و خلوتش جایز میباشد.^۱ - و نیز میگویند که معالجه مرد بنزد داکتر زن در وجود داکتر مرد جواز دارد اما معالجه زن در وجود داکتر زن به نزد مرد جواز ندارد (۲)

۲ - نظر طیب و کشف عورت بقدر ضرورت بوده باشد .

فقهاء میگویند که شرط میباشد در وقت خلوت نمودن زنان اجنبی بامردان اجنبی که محل عورت را به قدر ضرورت برهنه کند که بیشتر از ضرورت جایز نمیشود زیرا ضرورت را بقدر ضرورت اندازه کرده میشود.^۳ - که استدلال میکنند به این قول شان به احادیث ذیل:

۱ - (عن الربیع بنت المعوذ انها قالت کنامع النبی صلی الله علیه وسلم نسقی ونداوی الجرحی ونرد القتلی الی المدینة)^(۴) - از ربیع دختری معوذ روایت است که او گفت بودیم میان همراهی رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوه که آب میدادیم و تداوی میکردیم زخمی ها را و انتقال میدادیم بسوی مدینه منوره .

با استدلال براین حدیث میگویند که جواز دارد درحالات ضرورت خانم ها مردان را تداوی کند چنانچه علامه ابن حجر عسقلانی میگوید : که این حدیث دلالت میکند براینکه معالجه زنان اجنبی برای مردان اجنبی درحالات ضروری جایز بوده و نیز جایز میباشد که زنان اجنبی درحالات ضروری

(1) البدایع والصنایع ج۵/ص ۱۲۴ مغنی المحتاج ج۳/ص ۱۳۳ روضة الطالبین ج۱۷/ص ۲۹ کفایة الاخبار ج۱/ص ۱۳۵۵ (2) حاشیه بحیرمی علی الشرح منہج الطلاب ج۳/ص ۳۸۶ الفتاوی الکبری الفقیه تالیف ابن حجر هیثمی ج۴/ص ۹۷ الآداب الشرعیة ج۱/ص ۴۲۹ کفایة الاخبار ج۱/ص ۱۲۴۸ غایة البیان شرح زید بن ارسلان تالیف محمد بن احمد انصاری ج۱/ص ۱۲۴۸ (3) مغنی المحتاج ج۳/ص ۱۳۳ تحفة الحیب علی شرح الخطیب ج۴/ص ۱۱۰ بدایع الصنایع ج۵/ص ۱۲۴ مبسوط السرخسی ج۱۰/ص ۱۵۸ المہذب تالیف ابراهیم ابن علی بن یوسف ج۱۲/ص ۳۴ الفواکه الدوانی ج۱۲/ص ۳۱۳ (4) صحیح البخاری کتاب الجهاد وسیر باب رد النساء الجرحی ج۳/ص ۱۰۵۱ شماره ۳۷۲۶

بسوی عورت مردان اجنبی نظر کند و باز میگوید که به لمس کردن جراحت و زخم کسی لذت نمیبرد بلکه انسان به لمس کردن زخم ها میترسد و میلرزد^۱ بناء میگویند که تداوی زنان اجنبی مردان اجنبی را درحالات ضرورت ولو که مردان طیب نیز موجود باشد جایز میباشد .

۲ - (ان رسول الله صلى الله عليه وسلم لما حکم سعدا فی بنی قریضه کان یکشف مؤترهم)^(۲)

که زمانی رسول الله صلى الله عليه وسلم حضرت سعد رضی الله عنه را در بنی قریضه حاکم تعیین نمود حضرت سعد رضی الله عنه بود که بلند میکرد دامن مردم را تابداوند که در بلاغت رسیدن مردان و نظر میکرد بسوی عورت مردان . این کاری حضرت سعد بخاطر این بود که بداند مردان ببلاغت رسیده که آنها را برای جهاد آماده بسازد و از بلاغت رسیدن شان آگاه شود . با استدلال به این حدیث فقهاء میگویند که در حالات ضروری نظر نمودن بسوی عورت دیگران جایز میباشد چنانچه میگویند : این حدیث دلالت میکند به اینکه نظر کردن بسوی عورت مردان اجنبی درحالات ضروری مشروع میباشد پس هرگاه نظر کردن بسوی عورت مردان اجنبی از جهت حاجت و ضرورت مشروع بوده باشد هم چنان نظر کردن بسوی عورت زنان درحالات ضروری مانند علاج و غیره جایز میباشد .^(۳) - و نیز به این عبارت میگویند : که چنانچه درحالات ضروری جایز است بسوی عورت مردان دیده شود همان طور جایز است که درحالات ضروری بسوی عورت زنان نظر کرده شود بنا بر قاعده معروف که الضرورة تبیح المحظورات والحاجة تنزل منزلة الضرورة .^(۴) - بناء درحالات ضروری خلوت نمودن زنان اجنبی بامردان اجنبی بارعایه شرایط جایز میباشد .

۳ - متعذر بودن محارم و زنان ثقه :

(1) فتح الباری ج۱۶ ص ۸۰ حاشیه الجمل علی شرح المنهج ج۱۴ ص ۱۱۲۷
 (2) تلخیص الجبیر فی احادیث الرفعی الکبیر تألیف احمد بن علی ابن حجر عسقلانی تحقیق سید عبدالله هاشم یمانی مدنی کتاب احجر ج۳ ص ۱۴۲ شماره ۱۲۴۲
 (3) البدایع الصنائع ج۱۵ ص ۱۲۴ مبسوط سرخسی ج۱۰ ص ۱۵۶ الهدایه شرح بدایه المبتدی ج۴ ص ۱۸۴ تحفة الحیب ج۴ ص ۱۱۰ الاحکام الشرعیه الکبری ج۲ ص ۱۴۲۹
 (4) شرح القواعد الفقهیة تألیف مصطفی الزرقاء ج۱ ص ۱۶۳

فقهاء میگویند خلوت زنان بامردان اجنبی برای علاج بشرطی جایز میباشد که وجود محرم در وقت علاج امکان نداشته باشد مانند عمل جراحی وغیره اما در صورتی که وجود محرم ویا زنان ثقه امکان داشته باشد جواز ندارد برای زنان که بامردان اجنبی بخاطر تداوی خلوت نماید بدلیل عموم دلایل که به حرام بودن خلوت زنان بامردان اجنبی دلالت دارد.^(۱)

بناء هرگاه این شرایط متحقق گردد خلوت نمودن زنان اجنبی بامردان اجنبی بخاطر ضرورت تداوی جایز بوده در غیر آن حرام میباشد چنانچه الله سبحانه وتعالی میفرماید: (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ) ^(۲) ترجمه: الله سبحانه وتعالی در آوردن این دین مقدس برای شما اراده آسانی را دارد و اراده سختی را برای شما ندارد

و نیز میفرماید: (مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ) ^(۳) - ترجمه: الله تبارک وتعالی برای مردم در آوردن این دین مقدس اراده حرج را ندارد. بنابر این تداوی برای انسانها یک ضرورت مبرم بشری بوده و برداشتن مشکلات از قبیل تیسیر بوده که الله سبحانه وتعالی به آن دستور داده است و هیچ مشکل وجود ندارد که زنان بارعایه شرایط مذکوره بخاطر تداوی با داکتران مرد خلوت نمایند.

مطلب چهارم: خلوت با زنان اجنبی به خاطر سفر

فقهاء در مورد خلوت بامردان برای سفر اتفاق دارند که حرام میباشد و هیچ اختلاف نظری ندارد که سفر زنان بدون محارم شان جواز ندارد زیرا در اثنای سفر حتما خلوت تحقق میابد و این حکم عام میباشد برابر است که همراهی شان زنان و مردان دیگر وجود داشته باشد ویا نه وهم چنان کیفیت ونوعیت آن نیز در تحریم تفاوت نمیکند که در موتر باشد ویا هم ریل و طیاره، که اقوال فقهاء را در خصوص این موضوع ذیلا بیان میدارم.

(1) تحفة الحبيب ج ۴ ص ۱۱۰ | روضة الطالبین ج ۱ ص ۲۹ | الأدب الشرعی ج ۲ ص ۴۲۹ | کفایة الاخبار ج ۱ ص ۱۳۵۵ غداء الالباب شرح منظومة الأدب ج ۲ ص ۱۱۷
(2) سوره بقره آیت ۱۸۵
(3) سوره مائده آیت ۶

۱ - حنفی ها - احناف در مورد خلوت زنان اجنبی بامردان اجنبی بخاطر سفر که مدت سه شبانه روز و یازیدتر از آن را در بر داشته باشد حرام میدانند زیرا سفر زنان بدون محارم خلوت را بامردان اجنبی لازم دارد که خلوت زنان بامردان اجنبی حرام میباشد. (۱) - اما در مورد اینکه مدت سفر کمتر از یک شبانه روز باشد احناف اختلاف نظر دارند .

امام ابوحنیفه و امام ابویوسف میگویند که سفر زنان در مدت یک شبانه روز بکراهیت تحریمی مکروه میباشد. (۲) - و بعضی از حنفی ها گفتن که سفر زنان بدون محارم چی سفر نزدیک باشد و یا سفر دور حرام میباشد^۳ و استدلال میکنند به حدیث که رسول الله فرموده است زنان سفر نکنند مگر که همرايش محارمش باشد. (۴) - وعده دیگری از فقهاء احناف بامخالفت به این قول گفتن که وقتی سفر کم تر از یک روز باشد برای او اجازه است که بدون محارم سفر کند اما اگر سفر زیاد تر از یک روز باشد برای او اجازه سفر کردن نمیباشد مگر که همراهی او محارمش باشد (۵) - و به این قول شان استدلال میکنند به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که میگوید : حلال نیست برای زنان که مسافرت کند یک روز و یا زیاده از یک روز مگر اینکه همراهی او محرم او باشد. (۶)

باتوجه به همه آرای منقوله از احناف چنین برمیاید که سفر زنان بدون محارم و خلوت شان در سفر بامردان اجنبی بدون محارم حرام میباشد .

۲ - مالکی ها : فقهاء مذهب امام مالک رحمه الله بدون اختلاف میگویند : برای زنان که بدون محارم شان باشد مسافرت یک شبانه روز و یا بیشتر از آن جایز نمیباشد و نیز اینطور گفتن که سفر زنان بدون محارم شان با مردان اجنبی مطلقا حرام میباشد ولی از نظر مالکی ها این حکم برای زنان جوان

(1) فتاوی هندیه اج ۱۵ ص ۱۳۶۶ بدایع الصنائع اج ۲ ص ۱۲۴ تبیین الحقائق اج ۲ ص ۱۶ حاشیه ابن عابدین اج ۶ ص ۱۳۶۶ مبسوط سرخسی ۱ ج ۱۱ ص ۱۳۳۵
 (2) حاشیه ابن عابدین اج ۱ ص ۱۴۶۵ بدایع الصنائع اج ۲ ص ۱۲۴ شرح فتح القدر اج ۲ ص ۱۴۲۱ تبیین الحقائق اج ۲ ص ۱۶
 (3) شرح معانی الآثار تالیف طحاوی اج ۲ ص ۱۱۲۲ فتاوی هندیه اج ۱ ص ۱۳۶۶ شرح فتح القدر اج ۲ ص ۱۴۲۱
 (4) صحیح البخاری کتاب کسوف باب فی کم یقصر اج ۱ ص ۱۳۶۸ شماره ۱۰۳۶
 (5) شرح معانی الآثار اج ۲ ص ۱۱۲۲ بحرالرایق اج ۸ ص ۱۲۲۱ بدایع الصنائع اج ۲ ص ۱۱۲۴
 (6) مسند احمد اج ۲ ص ۴۲۳ شماره ۱۹۴۶۲

بوده اما در مورد زنان کهن سال میگویند که سفرشان بامردان اجنبی جایز بوده است و مراد شان از کهن سالی همان است که زنان بسن رسیده باشد که تمایل مردان از او و تمایل او از مردان قطع شده باشد. (۱) - واستدلال میکنند به این قول شان بحديث که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (لا یحل لأمرأة تؤمن بالله والیوم الآخر ان تسافر مسیره یوم وليلة الامع ذی محرم علیها) ۲ - که حلال نیست برای زنان که ایمان بخدا و روز آخرت دارد اینکه سفر کند مسیر یک شبانه روز را مگر اینکه همراهی او محارم او بوده باشد. با استدلال به این حدیث مالکی ها میگویند که خلوت نمودن زنان بامردان اجنبی بخاطر سفر حرام میباشد .

۳ - شافعی ها: پیروان مذهب امام شافعی رحمه الله نیز میگویند که خلوت زنان بامردان اجنبی بخاطر سفر حرام میباشد زیرا سفر زنان بامردان حتما خلوت را لازم دارد. ۳ - یعنی اینکه در هر سفر زنان که بامردان صورت گیرد خلوت حتما تحقق میابد که خلوت زنان بامردان اجنبی حرام میباشد . واستدلال میکنند به این قول شان به عموم دلایل که دلالت میکند به نهی از سفر و خلوت زنان بامردان اجنبی که حرام قرار میدهد .

۴ - حنبلی ها : فقهاء مذهب امام احمد رحمه الله نیز قول به تحریم سفر زنان بدون محارم بامردان اجنبی کرده اند که میگویند: سفر کردن برای زنان بدون محارم بامردان اجنبی به پی مودن هر قدر مسافه که اسم سفر بر آن اطلاق میگردد حرام میباشد. (۴) - یعنی اینکه حنبلی ها در تحریم سفر زنان بدون محارم بامردان اجنبی قید مسافه یک شبانه روز و زیاده از او را نمیکنند و استدلال میکنند به این قول شان به عموم احادیث که سفر زنان را بدون محارم حرام قرار میدهد . این بود خلاصه اقوال فقهاء که در مورد مطلق سفر زنان بامردان اجنبی خدمت خوانندگان گرامی بعرض رسانیدم که همه فقهاء

(۱) فواکه الدوانی اج ۲۱ ص ۱۳۳۷ حاشیه العدوی اج ۱۲ ص ۱۶۷۳ مواهب الجلیل اج ۲۱ ص ۱۵۲۶ منح الجلیل شرح مختصر سیدخلیل ابیروت اج ۱۲ ص ۱۱۹۷

(۲) صحیح المسلم کتاب الحج باب سفر المرأة مع محرم

(۳) المجموع اج ۱۴ ص ۱۲۷۷ اسنی المطالب اج ۱۱ ص ۱۴۴۷ الحاوی الکبیر اج ۱۲ ص ۱۳۶۱ الام ابیروت اج ۶ ص ۱۱۳۴

(۴) شرح الکبیر اج ۱۳ ص ۱۹۱ الفروع اج ۳ ص ۱۱۷۵ کشف القناع اج ۱۲ ص ۱۳۹۴ المغنی اج ۳ ص ۱۹۸۱

در مورد سفر زنان بامردان اجنبی به اتفاق نظر قول به تحریم کرده اند اما اقوال فقهاء در مورد سفر زنان بامردان اجنبی برای حج را ذیلاً بیان میداریم .

۱ - حنفی ها : بعضی از فقهاء احناف در ارتباط به سفر زنان بدون محارم برای اداء فریضه حج قول بجواز کرده اند مشروط بر اینکه همراه بامردان صالح بوده باشد اما قول راجح به نزد احناف کراهیت میباشد (۱) - واستدلال میکنند به این قول شان بعموم دلایل وارده که بر تحریم سفر زنان بدون محارم دلالت میکند که از جمله سفرها هم یکی سفر زنان برای حج میباشد که احناف سفر زنان را بدون محارم در حج نیز مکروه میدانند .

۲ - مالکی ها : پیروان مذهب امام مالک رحمه الله سفر زنان را بدون محارم شان جایز دانسته است چنانچه میگویند : ولاتسافر المرأة الا مع زوج ومحرم منها الا سفرها الى الحج خاصة فانها اذا لم یکن لها ذورحم من الرجال خرجت مع الجماعة النساء .^۲ - که سفر نکنند زنان مگر همراهی شوهرش و محرمش بجز سفر زنان بسوی حج بدون محارمشان جایز است زیرا هرگاه برای زنان محرم اش نبوده باشد خارج شوند همراه گروه زنان . و نیز میگویند که این جواز مخصوص حج فرضی میباشد و در حج نفلی سفر زنان جواز ندارد .^(۳) - و نیز میگویند که سفر زنان هنگام جواز دارد که همراه با گروه زنان و مردان بوده باشد تا امنیت شان تأمین باشد اما هرگاه زنان و مردان همراه شان نباشد میگویند که حج بالای شان واجب نمیگردد زیرا هر وقت که زنان در امن نبوده باشد نمیتوانند سفر نمایند .^(۴) - بنابراین دیدگاه مالکی ها در مورد سفر زنان برای حج بارعایه شرایط مذکوره مبنی بر جواز میباشد .

(۱) فتاوی هندیه اج ۱۵ ص ۱۳۶۶ حاشیه ابن عابدین اج ۶ ص ۱۳۶۰ هدایه شرح بدایه اج ۱۱ ص ۱۵۳ مبسوط سرخسی اج ۱۴ ص ۱۱۱
 (۲) الکافی فی فقه اهل المدینه تألیف ابو عمر یوسف ابن عبدالله القرطبی مشهور به ابن عبد البر ا بیروت ا ج ۱۱ ص ۱۶۱۱ حاشیه دسوقی اج ۱۴ ص () ص ۱۳۲۲ شرح مختصر الخلیل اج ۲ ص ۲۸۷
 (۳) الفواکه الدوانی اج ۱۱ ص ۱۳۵۲ حاشیه دسوقی اج ۲ ص ۹ مواهب الجلیل اج ۱۲ ص ۱۵۲۷
 (۴) الفواکه الدوانی اج ۱۱ ص ۱۳۵۲ حاشیه العدوی اج ۱۲ ص ۶۳۷ منح الجلیل اج ۱۹ ص ۲۶۳ مواهب الجلیل اج ۱۲ ص ۱۵۲۲ التمر الدانی شرح الرساله القیروانی ا ص ۱۱ ص ۲۰۹

۳ - شافعی ها: شافعی ها سفرزنان را برای اداء فریضه حج جایز دانسته اند که میگویند: سفرزنان برای اداء فریضه حج بدون محارم شان جواز دارد مشروط براینکه سفرشان با زنان ثقه ولو که یک زن باشد صورت بگیرد و نیز تقیید کرده میگویند: که سفرزنان برای اداء فریضه حج جواز دارد اما برای اداء حج نفلی بامردان اجنبی ولو که تعداد زنان بیشتر نیز باشد جایز نمیباشد.^۱ - بنابراین از نظر فقهاء مذهب امام شافعی رحمه الله سفرزنان برای اداء فریضه حج جواز دارد اما برای حج نفلی جواز ندارد.

حنبلی ها: فقهاء مذهب امام احمد رحمه الله سفرزنان را بدون محارم شان حرام میدانند برابر است که سفر حج فرضی باشد و یا هم سفر برای حج نفلی و یا هم سفر عادی باشد که هیچ فرقی میان این سفرها وجود ندارد و همه حرام میباشد چنانچه میگویند: حلال نیست برای زنان سفر کردن مگر که همراه بامحارم شان بوده باشد.^(۲) - و در ارتباط بقید محرم میگویند که این قید به خاطر تحصیل مقصود که عبارت از حفاظت و حراست از خانم ها است میباشد و نیز میگویند که محرم کسی باشد که خلوت نمودن خانم با او در سفر جواز داشته باشد.^(۳) - به هر حال خلوت نمودن زنان از نظر فقهاء حنبلی جایز نمیباشد.

آنچه که از نقل اقوال فقهاء مذاهب چهارگانه برمیاید دیده میشود که فقهاء بدو دسته تقسیم میشوند که یک گروه بر تحریم و دیگری به جواز قول میکنند که لازم است دلایل هر گروه را ذیلابیان نمایم

دلایل:

۱ - آنان که بجواز سفرزنان بدون محارم برای ادای فریضه حج قول کرده اند نظر مرجوح نزد احناف، مالکی ها، و شافعی ها، میباشد که استدلال به دلایل ذیل میکنند.

(1) اسنی المطالب ج ۱۱ ص ۴۴۷ فتح الوهاب ج ۱۱ ص ۱۲۳۵ حاشیه بحیرمی ج ۱۲ ص ۱۱۴۱ حواشی شروانی ج ۱ ص ۱۲۵ اعانة الطالبین ج ۱۲ ص ۱۲۸۴ المجموع ج ۱ ص ۱۸ ص ۱۲۴۲
 (2) شرح المنتهی الارادات ج ۱ ص ۱۵۲۳ الفروع ج ۱ ص ۱۷۸ المغنی ج ۱ ص ۱۹۸ شرح الکبیر ج ۱ ص ۱۹۲
 (3) کشاف القناع ج ۲ ص ۳۹۴ المغنی ج ۱ ص ۱۹۸ الشرح الکبیر ج ۱ ص ۱۹۲

۱ - آنچه روایت شده از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما که میفرماید: مردی به نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول کریم صلی الله علیه وسلم چی چیز حج را واجب میگرداند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: که شخص قدرت و توان رفتن را به حج داشته باشد. امام ترمذی رح میگوید که این حدیث حسن است و اما شیخ البانی میگوید جداً ضعیف است و میگوید راوی این حدیث ابوقتاده عبدالله بن ارقد الحمرانی است و ابو حاتم گفته است که او منکر الحدیث است و این حدیث را که ابراهیم بن یزید الخوزی روایت نموده احمد و نسائی در باره او گفته است که او متروک الحدیث میباشد و علامه عبدالحق گفته است که این حدیث از هر طریق روایت شده ضعیف میباشد و ابوبکر ابن منذر گفته است که برای این حدیث مسند ثابت نشده است. (۱) - بناء استلال کردن به این حدیث در احکام جایز نبوده و احکام نیز ثابت نمیگردد. چنانچه ابن قدامه در ذیل این حدیث میگوید که این حدیث در خصوص مردان میباشد نه زنان، زیرا فقهاء برای خروج زنان شرایط گذاشته است که همراه شان زنان دیگری نیز موجود باشد. (۲) - یعنی اینکه تنها واجب کننده حج برای زنان توان و قدرت رفتن به کعبه نیست و اگر چنین باشد پس چرا فقهاء برای رفتن زنان در حج، وجود محارم و زنان دیگر را نیز شرط گذاشته است؟ چنانچه ابن قدامه میگوید: احتمال دارد که مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از قدرت و توانایی برای حج با اکمال همه شرایط حج بوده باشد و از این لحاظ است که فقهاء شرط گذاشته بازبودن راه، امکان راه رفتن، اداء دین، نفقه عیال، و امام مالک رحمها الله شرط گذاشته امکان ثابت بودن توانای برای زنان، در حال که این شروط در حدیث ثابت نشده است و هم چنان هر واحد از فقهاء با اجتهاد خویش شروط را گذاشته است که در کتاب و سنت وجود ندارد و آنچه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شرط گذاشته است بهتر است که من حیث شرط قبول گردد

(1) تحفة الاحواذی اج ۱۳ ص ۱۴۵۸ التمهید لمافی المؤطا من المعانی والاسانید المغرب تحقیق مصطفی بن احمد العلوی محمد عبدالکبیر اج ۱۲ ص ۱۵۲ مرفقات المفاتیح تالیف ملا علی قاری اج ۱ ص ۱۵ ص ۱۴۳۵
(2) شرح الکبیر اج ۱۱ ص ۱۲۷۱

(۱) - بنابراین اگر صرف برای زنان زاد و راحله را در حج شرط قرار دهیم نمیتوانیم حکم کنیم که زنان بدون محارم میتوانند به حج بروند زیرا دلایل و نصوص دیگری نیز وجود دارد که سفر زنان را بدون محارم حرام قرار میدهد بناء این قول مرجوح میباشد .

ب - استدلال دوم شان این است که روایت شده از عدی ابن حاتم که میگوید : من نزد رسول خدا ج بودم که ناگهان مردی آمد و شکایت نمود از تنگ دستی و بعدا مردی دیگری آمد و شکایت نمود از راه گیران ، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم گفت : که ای عدی «هل رایت الحیره» آیا حیره را دیدی ؟ عدی گفت : ندیده ام اما شنیده ام پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم گفت : اگر زندگی به تو طول کشید تو مبینی زنان کجاوه سوار را که از حیره سفر میکنند تا اینکه طواف کعبه را میکنند و بجزاز الله از هیچ کس نمی ترسد . (۲) - عده از علماء مقصود از ضغینه که در لفظ حدیث آمده است گفتن که «المرأة فی الهودج» که زن کجاوه سوار مراد میباشد . (۳) - این فریق از فقهاء با استدلال از این حدیث بر جواز سفر زنان بدون محرم برای حج فرضی قول کرده اند و عده دیگری از فقهاء این استدلال شان را رد کرده است که میگویند : این حدیث بر جواز سفر زنان بدون محارم دلالت نمیکند بلکه بوجود سفر زنان دلالت میکند . (۴) . یعنی اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خیر از سفر زنان میدهد که تا حال تحقق نیافته است نه اینکه حکم کرده باشد بر جواز سفر زنان بدون محارم برای حج . بناء این استدلال شان نیز مرجوح بوده است .

ج - استدلال دیگری که این فریق علماء میکنند اینست که میگویند: حج سفرواجب است در هر سفرواجبه محرم شرط نمیشد این مانند آن است که خانم مسلمانی از دست کفار خلاص گردد که برای او در این سفر محرم شرط نمیشد همچنین برای خانم که برای حج بیرون میشود وجود محرم

(1) مغنی اج ۳ ص ۱۹۸

(2) صحیح البخاری کتاب المناقب باب علامات النبوة اج ۱۳ ص ۱۱۳۱۶ شماره ۳۴۰۰

(3) فتح الباری اج ۱ ص ۱۶۱۳ غریب الحدیث تحقیق محمد عبدالمعید خان اج ۱ ص ۱۴۳۷ العین اج ۲ ص ۱۸۸

(4) مغنی اج ۳ ص ۱۹۸ شرح الکبیر اج ۳ ص ۱۱۹۲ مختصر الانصاف و شرح الکبیر ۱ تألیف محمد بن عبدالوهاب اریاض تحقیق

عبدالعزیز بن زید رمی و د. محمد بلتاجی و د. سید حجاب اج ۱ ص ۱۲۷۱

شرط نمیباشد. (۱) - واز این استدلال شان نیز استدلال کرده میتوانیم که بگوییم: دلایل و نصوص وجود دارد که برتحریم سفرزنان بدون محارم دلالت میکند. پس به هر حال این قول فریق از فقهاء مرجوح میباشد.

۲ - دلایل فریق دوم که سفرزنان را بدون محارم برای حج و غیر حج حرام میدانند به احادیث ذیل استدلال میکنند.

۱ - از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که میفرماید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: زنان سفر نکنند سه روز مگر اینکه همراه او محرم او بوده باشد. (۲) - با استدلال به این حدیث شریف میگویند که سفرزنان به هر سفر که باشد مطلقاً حرام میباشد چون در حدیث تقیید نیامده است.

ب - از عبدالله ابن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکند که فرمود: هرگز سفر نکنند خانم دو روز مگر اینکه همراهی او شوهرش و یا هم محرم او بوده باشد. (۳) -

۳ - از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: حلال نیست برای خانم که ایمان بخدا جل جلاله و روز آخرت دارد که مسافرت کند یک شبانه روز مگر که همراهی او محرم اش باشد. (۴) -

۴ - از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت میکند رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگز خلوت نکند مردی با خانم مگر اینکه همراهی او محرم او بوده باشد پس مردی برخاست و گفت ای رسول خدا! خانم برای حج خارج شده است و من وظیفه

(۱) المغنی اج ۳ | ص ۱۹۸ | شرح الکبیر اج ۱۳ | ص ۱۱۹۲

(۲) صحیح البخاری کتاب الکسوف باب فی کم یُصر الصلوة اج ۱ | ص ۱۳۶۸ | شماره ۱۱۰۳۶

(۳) صحیح البخاری کتاب الصوم باب الصوم فی النحر اج ۱۲ | ص ۱۷۰۳ | شماره ۱۱۸۹۳

(۴) صحیح ابن خزیمه باب تحریم السفر المرأة وحدها اج ۴ | ص ۱۳۴ | شماره ۱۲۵۲۲

کتابت را کردم در فلان و فلان غزوه پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: برگرد و حج کن همراهی خانمت. (۱)

این فریق از فقهاء با استدلال از این حدیث میگویند که در این احادیث از سفرزنان بدون محارم نهی شده است که نهی تقاضای تحریم رامیکند پس این تحریم درهمه سفرثابت میگردد برابراست که در حج باشد و یا غیر حج، چون هر گاه برای زنان در حج محرم موجود نگردد حج از ایشان ساقط میگردد چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ الْإِسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) ^۲ علماء با استدلال به آیت کریمه میگویند: هر گاه که زنان محرم نداشته باشند استطاعت نیز برای او نمیشد بنابراین حج نیز براو واجب و لازم نمیگردد. (۳)

ترجیح: بعد از اینکه اقوال و نظریات فقهاء را با استدلالات شان نقل نمودم، لازم میدانم که قول راجح را نیز خدمت خوانندگان گرامی بعرض برسانم. من به اقوال و نظریات فقهاء به دقت توجه نمودم، ایرادات و دفع از استدلال شان را نیز به دقت مطالعه نمودم که از خلال اقوال شان به این نتیجه رسیدم که نظریه تحریم در مورد سفرزنان برای حج را راجح میدانم، چون دلایل شان قویتر و استدلال شان نیز قوی میباشد. و نیز این نظریه برای جامعه امت اسلامی جلب منفعت و دفع مفسده میکند، زیرا در هر سفر که زنان بدون محرم باشند احتمال وقوع فتنه و موجب فساد میگردد زیرا برای زنان در سفر از وجود اقامت گاه و محافظ ضرورت است چون محض گمان و وقوع در فتنه موجب آبرو ریزی و باعث جنجال های اجتماعی میگردد از این رو سفرزنان به هر کیفیت که باشد بدون محارم ولو که برای حج بوده باشد خلوت را با اجنبی ها لازم دارد به این اساس من دیدگاه آنان را ترجیح میدهم که قول به تحریم کرده اند. و نیز باید گفت که سفر زنان باشوهر و یا محارم شان باعث افزونی عزت، عفت

(1) صحیح البخاری کتاب الوصایا باب من اکتنب فی حبش اج ۱۳ ص ۱۰۹۴ شماره ۲۸۴۴

(2) سوره العمران آیت ۹۷

(3) التیسیر شرح جامع الصغیر تألیف زین الدین عبدالروف اریاض اج ۱۲ ص ۳۲۷ میسوط امام محمد اج ۱۲ ص ۱۵۱۴ مطالب اولی النهی اج ۲۱ ص ۱۲۹۱ شرح المنتهی الارادات اج ۱ ص ۱۵۲۳ مسایل امام احمد بن حنبل تألیف اسحاق بن منصور بن بهرام اریاض اج ۱۱ ص ۱۵۱۵

و شرافت شان می‌گردد بخلاف سفرزنان که بدون محارم و شوهرشان که به هر سفری چی عبادت باشد مانند حج فرضی، نفلی و یا هم سفرهای غیر عبادتی مانند سفر تحصیلی، تعلیمی و غیره بروند که در انجام باعث بی عزتی خود و فامیل خود می‌گردد زیرا زنان در هر سفر باشد از طمع نامشروع مردان شهوانی اجنبی در امن نبوده که در نهایت باعث ایجاد فتنه و خصومت های بین الانسانی گردیده جامعه رابه گند میکشد و نیز باید گفت وجود زنان زیاد که بعضی ها قول کرده اند موجب دفع فساد نمی‌گردد و نیز زنان را از تعرض مصئون نگاه نمیدارد. بناء بر این نظریه تحریم راجح میباشد. والله اعلم.

مسئله: خلوت با زنان که در سفر از قافله، موتر، در نیمه راه مانده است:

گرچند اقوال فقهاء و احکام ثابتة از اقوال فقهاء را با تبانی به اصل شریعت قبلا بیان نمودیم که فقهاء خلوت زنان اجنبی را بامردان اجنبی حرام قرار داده اند ولی این تحریم مطلق نبوده چنانچه علامه مصطفی زرقاء^۱ وعده دیگری از علماء به آن پرداخته است که میگویند: خلوت زنان اجنبی بامردان اجنبی در غیر ضرورت حرام میباشد اما خلوت زنان بامردان اجنبی در حالات ضروری بنا بر قاعده معروف الضرورت تبیح المحظورات جایز میباشد.^(۲)

و باید گفت که خلوت زنان بامردان در صورت که از قافله بازماند یک ضرورت محسوس است که زن بتنها نمیتواند تا رسیدن به مقصود سفر نماید پس اگر بامردان در این حالت هم سفر گردد جایز میباشد. چنانچه علامه خطاب میگوید که این مسئله مانند اینست که زنی در دار الحرب ایمن بیاورد و براو لازم است که از دار الحرب بیرون شود ولو که همایش محارمش نباشد.^(۳) - وهم چنان عده دیگری از علماء میگویند که هرگاه خانمی اسیر گردد و امکان فرار برای او پیدا شود برایش لازم است که

(1) شیخ مصطفی زرقاء یکی از فقهای معاصر که از اهل سوریه میباشد و در ۱۹۰۴ میلادی در شهرستان حلب به دنیا آمده است و در سال ۱۹۹۹ در عربستان سعودی وفات کرده است و آثار زیادی از او به جا مانده است.

(2) در الاحکام شرح مجلة الاحکام تالیف علی حیدر ابیروت ۱ تحقیق حسینی ج ۱ ص ۳۴۸ | شرح القواعد الفقہیہ تالیف احمد زرقاء تحقیق مصطفی احمد زرقاء ج ۱ ص ۱۱۶۳ | روضة النديه تالیف صدیق حسن خان اقاہرہ ۱ تحقیق علی حسین الحلبي ج ۱ ص ۱۶۶

(3) مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل ج ۲ ص ۱۵۲۲

فرار نماید ولو که همرايش مردان اجنبی و غیر محارم بوده باشد. (۱) - وهم چنان علامه ابن حجر عسقلانی وعده دیگری از علماء میگویند: چنانچه خلوت تازه مسلمان شده واسیر شده بامردان اجنبی در حالات ضروری جایز میباشد به همان قسم وقتی خانمی از همراهان خود در سفر جدا شود و تنها بماند که مردی امین او را دریابد برای آن مرد جایز میباشد که با او همراه گردد تا آن خانم با هم راهان خود وصل گردد. (۲)

چنانچه صفوان بن معطل باسیدنا عایشه صدیقه رضی الله عنها هنگام که در غزوه بنی مصطلق ام المؤمنین فراموش شده بود صفوان با او همراه شد و بعد قضیه افک رخ میدهد که قرآن کریم از آن خیر میدهد (وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ أُمْرٍ مِّنْهُمْ مَا كَتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (۳)

ترجمه: اگر نمی بود فضل الله جل جلاله بر شما رحمت خدا جل جلاله بر شما والله تعالی توبه پذیر با حکمت است بدون شک آنانیکه سخن گفتن در قضیه افک گروه از شما بود این افتراء اینها را بدی نشمارید بلکه خیر بشمارید برای هر کدام از آنها میرسد جزای آنچه را که کسب کرده اند از گناه و آنکس که از ایشان مرتکب گناه بزرگ شده است برایش عذاب بزرگ است.

این آیت مبارکه در قصه افک مشهوره نازل شده است که در صحاح و سنن و مسندها ثابت میباشد که خلاصه آن چنین میباشد: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در بعضی غزوات بعضی از همسران خود را با خود میبرد که در غزه بنی مصطلق ام المؤمنین عایشه صدیقه همرايش بود. در هنگام سفر گردن بند عایشه صدیقه رضی الله عنها از گردنش افتاده بود، او در طلب گردن بند خود افتاد که قافله حرکت

(1) المجموع اج ۱۷/ص ۱۵۵ مغنی اج ۳/ص ۱۹۸ شرح عمده فی الفقه تالیف ابن تیمیه احمد بن عبدالحلیم اریاض تحقیق د. سعود العطیشان اج ۱۲/ص ۱۷۷
 (2) فتح الباری شرح صحیح البخاری اج ۴/ص ۱۷۶ مواهب الجلیل اج ۱۲/ص ۱۵۲۶ شرح الزرقانی علی مؤطاء امام مالک تالیف محمد بن عبدالباقی ابیروت اج ۱۴/ص ۱۵۰۴
 (3) سوره نور آیت ۹ - ۱۱

نمود، شتری که مخصوص وی بود با کجاوه اش نیز حرکت داده شد بدون اینکه شتران متوجه او گردد. و او از قافله بازماند اما وقتی به محل قافله آمد که همه رفته اند عایشه صدیقه رضی الله عنها در اینجا نشست به گمان اینکه هرگاه مسلمانان متوجه گردن دوباره به محل قافله برمیگردن، قافله مسیر خود را طی نمود اما صفوان ابن معطل یکی از بزرگان و صاحب فضل صحابه کرام بود در اخیر قافله شب گذرانده بود وقتی آمد دید که عایشه صدیقه رضی الله عنها مانده است و شناخت، بدون وقفه شترش را خواباند بدون سخن گفتن عایشه رضی الله عنها سوار شتر شد صفوان رهنمایی میکرد تا اینکه در گرمای روز با قافله مسلمین یکجا شدند. درین وقت منافقین از این اتفاق استفاده سوء برای تبلیغ شان کردن چون عایشه رضی الله عنها را تنها با صفوان دیدن که حتی عده از صحابه کرام پریشان شده تحت تبلیغات منافقین رفتن، و اخبار به یک دیگر نقل میکردن، در این وقت بود که مدتی وحی قطع شد، و خبر داشت که به عایشه رضی الله عنها کما هو میرسید که باعث تحزن و اندوه عایشه رضی الله عنها میگردد که الله سبحانه و تعالی فضلش را نصیب پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسلمین گرداند و این آیات از سوره نور نازل گردید و تشویش وارده بر مسلمانان رفع گردید که خوشی چشم همه امت اسلام گردید^۱ - بناء این آیات مبارکه دلالت میکند بر اینکه خلوت زنان بدون محارم در حالات ضرورت جایز بوده چنانچه که از قضیه واقعه در افک این مطلب ثابت میگردد.

مطلب پنجم: خلوت با زنان اجنبی به خاطر کار

شکی نیست که اسلام عزیز برای زنان حق کار را داده است که این حق گاهی از جهت ضرورت میباشد و گاهی هم از جهت حاجت میباشد که زنان بخاطر کار بیرون شوند، مثل اینکه زنان برای تعلیم دختران از جنس خود شان و یا هم برای معالجه زنان کار کنند و یا هم به هر کار که مفید برای جامعه بوده باشد که با رعایت نمودن ضوابط شرعی برای کار بیرون شود.

(1) التیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان تألیف عبدالرحمن بن ناصر سعدی ابیروت | تحقیق ابن عثیمین ج ۱۱ | ص ۱۵۶۳ | تفسیر طبری ج ۱۱۸ | ص ۱ | تفسیر بغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی ابیروت | تحقیق خالد عبدالرحمن العک ج ۱۳ | ص ۳۳۰ |

اما در اصل شریعت اسلام مسئولیت نفقه زنان و خانواده آنها بر مردان گذاشته است تا نیازمندی های فامیل را مرفوع سازد، و مرد مسئول تنظیم امور خارجی خانه میباشد، و بر زنان مسوولیت همکاری با شوهر و اولاد، تربیه اولاد، ایجاد راحت، و غیره امور داخلی خانه میباشد. چنانچه علامه شیخ شعراوی میگوید: که مسئولیت کارهای سنگین برای مردان است اما کارهای مربوط به تنظیم امور خانه و ایجاد تسکین برای متحرک کارهای شاقه (مردان) بر زنان است، آنچه که خلاف معمول در اجتماع ما میباشد براینکه مردم حرص بیشتر بر کار کردن زنان در گوشه های زندگی دارند. (۱)

چنانچه علامه قرطبی میگوید: اصل آنست که کار زنان ترتیب خانه، رسیدن به شوهر، و اولاد میباشد از این جهت است که نفقه زنان بر شوهرها میباشد اگرچند که خانم غنی نیز بوده باشد و مردان بر خانم ها فرمان روا میباشد. ۲. چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ) (۳).

ترجمه: مردان فرمان روایان بر زنان اند بسبب آنچه الله سبحانه و تعالی فضیلت داده است بعضی از مردم را بر بعضی دیگرشان و به سبب آنچه نفقه کردن از اموال شان.

که در این آیت مبارکه الله سبحانه و تعالی از فرمان روایی و انفاق مردان خبر میدهد.

علامه رملی^۴ در نهایت المحتاج میگوید: هرگاه بر شوهری پیدا کردن نفقه مشکل گردد و این مشقت ثابت گردد ظاهرتر این است این که او را سه روز مهلت داده شود و برای زن صلاحیت فسخ در روز چهارم میباشد و نیز بر خانم لازم است ولو که غنی هم باشد در روزهای مهلت به خاطر پیدا کردن نفقه خویش بیرون شود، و شوهر را حق ممانعت نمی باشد زیرا ممانعت در مقابل نفقه میباشد. (۵)

(۱) تفسیر شعراوی ج ۱۱ ص ۱۹۴۲۸

(۲) تفسیر قرطبی ج ۱۵ ص ۱۱۶۹

(۳) سوره نساء آیت ۳۴

(۴) شمس الدین محمد بن ابی العباس احمد بن حمزه شهاب الدین رملی متوفی ۱۰۰۴ هجری قمری که یکی از فقهاء معروف شافعی میباشد که به شافعی ثانی نیز معروف میباشد و از وی آثار زیادی به جا مانده است.

(۵) نهایت المحتاج ج ۱ ص ۲۱۶

وهم چنان علامه بهوتی (۱) میگوید: هرگاه شوهر در پیدا کردن نفقه به مشقت روبرو گردد خانم به فسخ نکاح و بودن باشوهرش اختیار داده شده است به اینکه نفس خویش را از فایده بردن منع کند و اگر نفس خود از فایده بردن شوهرش منع نکند، شوهر نیز او را از پیدا کردن نفقه باز ندارد و او را حبس نیز نکند با وجود مشکل و مشقت و نیز با توجه به اینکه خانم نکاح را فسخ نکرده، چون در منع نمودن خانم ضررهای متوجه زن میگردد برابر است که خانم فقیر بوده باشد و یاهم غنی، زیرا حبس کردن زنان موقوف به کفایت شوهران میباشد از آنچه که برای یک خانم ضروری میباشد. (۲) بنا برین زنان در موارد میتواند برای کار بیرون شوند مشروط به رعایت ضوابط و مقررها در فقه اسلامی.

مسئله: خلوت که به خاطر کار حرام میباشد:

از آنچه که قبلاً ذکر نمودیم دیده میشود که شریعت اسلام - مانند یک قاعده عموم - مردم را از کار کردن و کسب منع نمی کند اما حدود را وضع و قواعد را گذاشته است که منع میکند واقع شدن اجتماع انسانی از در رذایل و فساد، که از جمله ضوابط مطروحه همین است که زنان نباید در مکان کار کنند که در آن جا خلوت با اجانب اتفاق افتد. چنانچه در بدایع الصنایع آمده است که میگوید: مکروه دانسته است امام ابوحنیفه رحمه الله استخدام نمودن زنان را و نیز خلوت نمودن با آنها را، از جهت اینکه او کشنده بسوی فساد میگردد. (۳)

وهم چنین علامه ابن عابدین میگوید: که درست نیست برای پدری که دخترانش را در بدل اجرت برای کار و یا هم خدمت کسی بفرسته، چون کسی که به اجرت میگرد حتماً با دختران خلوت میکند و این در نزد شریعت اسلام عمل زشت میباشد. (۴)

(1) منصور بن یونس بن صلاح الدین بن حسن به احمد بن علی بن ادريس بهوتی حنبلی از فقهاء مذهب امام احمد بوده و در سال ۱۰۵۱

هجری قمری در مصر وفات نموده است.

(2) شرح منتهی الارادات ج ۱۳ ص ۱۲۳۶

(3) بدایع الصنایع ج ۱۴ ص ۱۸۹

(4) حاشیه ابن عابدین ج ۱۳ ص ۵۶۹

چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید: (لایخلون رجل بامرأة الا كان الشيطان ثالثهما) (۱)
یعنی که هرگز مردی با خانم خلوت نمیکند مگر که سومی آنها شیطان مییابد.

که علامه ابن قدامه میگوید: مردان در صورت خلوت نمودن با زنان از واقع شدن در گناه در امن نمی ماند. (۲)

بناء از همه این اقوال به وضاحت دانسته میشود که خلوت نمودن مردان با زنان به خاطر کار حرام مییابد.

مسئله: تاثیر شیرخوردن مردان کلان سال در تحلیل خلوت:

بدیهی است که خلوت مردان با زنان اجنبی حرام مییابد اما دکتور عزت عطیه رئیس دیپارتمنت حدیث پوهنچی اصول الدین پوهنتون الازهر خلوت را برای زنان کارگر مباح میداند که خانم کارگر همکارش راهنگام کار شیردهد تا از خلوت حرام شده جلوگیری شود، هنگام که هر دو در اتاق قفل شده باشد و باز شدن آن بدون این دو ممکن نباشد.

که میگوید: شیرخوردن مردان کلان سال که خلوت را مباح میگرداند پنج چشیدن است اما ازدواج را حرام نمی گرداند. واینکه خانم در کار بتواند حجابش را بگیرد و مویش را در پیش شیرداده اش برهنه کند و این شیرخوارگی را به وثیقه رسمی بنویسد که فلان، فلان را شیرداده است. و اگر در شیرخوارگی کلان سال ها اندک شک وجود میداشت، الله سبحانه و تعالی ملامت میکرد پیامبر صلی الله علیه وسلم را در تشریح او و تقریر او در این مورد و نیز اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر ام المؤمنین عایشه صدیقه اعتراض میکرد و او مخالفت شریعت را کرده بود و مباح دانسته بود خلوت را به شیرخوارگی کلان سالها و شیرخوارگی بچشیدن پستان برهنه مییابد، و این شیرخوارگی برای

(1) سنن ترمذی ج ۴/ص ۱۴۶۵ شماره حدیث ۲۱۶۵

(2) مغنی ج ۷/ص ۱۷۴

مردان کلان سال که ریش دارد میباشد (۱) و استدلال میکند به این قولش (که شیرخوارگی مردان کلان سال خلوت را مباح میگرداند) و مهم ترین دلیلش حدیث است که امام مسلم از ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت میکند که عایشه صدیقه رضی الله عنها میگوید: سهله بنت سهیل بسوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم من در چهره ابی حذیفه برداخل شدنش برسالم که حلیف او است چیزی مینم پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم گفت: او را شیربده سهله گفت: چگونه شیردهم او را در حال که او مرد بزرگ سال است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تبسم نموده گفت: میدانم که او بزرگ مرد است. و در حدیث دیگری آمده است از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت است که سالم مولی ابی حذیفه بود همراهی ابی حذیفه و فامیلش همرايش در خانه بود در این وقت آمد دختری سهیل بسوی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و گفت: که سالم بالغ شده به مثل مردان و عاقل شده مانند مردان و او داخل میشود بر ما و من گمان میکنم که در نفس ابی حذیفه چیزی است پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برایش گفت: شیربده او را حرام میگردی براو و آنچه که در نفس اوست دور میگردد دختر برگشت و گفت: من بدون شک او را شیردادم و آنچه که در نفس ابی حذیفه بود دور شد. (۲)

لازم میدانم در این مورد اقوال علماء را نیز ذکر نمایم:

۱ - ابن حزم: علامه ابن حزم (۳) در مورد این حدیث که از طریق مختلف روایت شده میگوید که این اثر بگونه تواتر ثابت است و زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که سهله بنت

(1) [www. Ouregypt.us\bnehro\nehro27.html](http://www.Ouregypt.us/bnehro/nehro27.html)

(2) صحیح المسلم کتاب الرضاع باب الرضاع الکبیر ۱/۲۱ص ۱۱۰۷۶ شماره ۱۴۵۳

(3) ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم بن غلب اندلسی قرطبی متولد ۳۸۴ هجری قمری و متوفی ۴۵۶ هجری قمری میبانشد ویکی از دانشمندان اهل حدیث میباشد.

سهیل از جمله زنان مهاجر است وزینب بنت ام سلمه بن زبیر میباشد و در صحت او هیچ مخالفت وجود ندارد.^(۱)

۲ - شوکانی : علامه شوکانی^(۲) در مورد این حدیث میگوید که این حدیث را امهات المؤمنین از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نموده است ، و سهله بنت سهیل از زنان مهاجر است و نیز زینب بنت ام سلمه از تربیت یافته های پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میباشد و بعضی از اهل علم میگویند که طروق این حدیث به مرحله تواتر رسیده است.^(۳)

اما جمهور علماء رد کرده میگویند که این حدیث مخصوص به سالم و خانم ابی حذیفه میباشد. چنانچه ابن عراقی میگوید: جمهور علماء از این حدیث جواب کرده میگویند که این حدیث مخصوص سالم و خانم ابی حذیفه میباشد چنانچه این کلام را سخن امهات المؤمنین بغیر از عایشه صدیقه رضی الله عنها تقاضا میکند و هم چنان روایت شده از امام شافعی رحمه الله که از ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها روایت میکند و میگوید: این حدیث رخصت مخصوص برای سالم رضی الله عنه بود. هم چنان ابن منذر رحمه الله میگوید : که این قصه از دو حالت خالی نیست ، یا منسوخ میباشد و یا هم مخصوص سالم رضی الله عنه میباشد. و هم چنان علامه خطابی از عموم اهل علم حکایت میکند که علماء این امر را بریکی از دو حالت حمل میکنند یا اینکه مخصوص است و یا هم منسوخ.^(۴)

و از جمله علمایی معاصر علامه قرضاوی ، این حدیث را مخصوص سالم رض میداند و میگوید که شیرخوردگی مؤثر همان است که در وقت ضغیری و وقت جور شدن گوشت و استخوان بوده باشد اما بعد از آن اعتبار ندارد.^(۵)

(1) المحلی تالیف علی بن احمد بن سعید الظاهری تحقیق لجنة احیاء التراث العربی | دارالآفاق جدیدہ بیروت | ج ۱۰ | ص ۱۲۳
(2) محمد بن علی بن محمد بن عبدالله شوکانی یمنی متولد ۱۱۷۳ هجری متوفی ۱۲۵۰ هجری میباشد که از او آثار زیادی باقی مانده است از جمله فتح القدر و نیل الاوطار و غیره میباشد .

(3) نیل الاوطار | ج ۱ | ص ۱۹۹ |

(4) طرح التثریب فی شرح التقریب تالیف زین الدین ابوالفضل عبدالرحیم الحسینی تحقیق عبدالقادر محمد علی | بیروت | طبع اول | ج ۱ | ص ۱۲۹ |

http://www.qaradawi.net/site/topics/...0&parent_id=17(5)

۳ - عینی : او میگوید که نزد جمهور علماء از عصر صحابه کرام رضی الله عنهم و تابعین تا حال رضاع ثابت نشده مگر بر کسی که او پایین تر از دو سال عمر داشته باشد و از حدیث سهله جواب کردن که آن حدیث مخصوص به سهله و سالم بوده و بعضی گفته است که آن حدیث منسوخ میباشد والله اعلم. (۱)

۴ - ابن حجر : او میگوید که از جمله مواقع تخصیص دعوی خصوصیت برای سالم و ابی حذیفه میباشد که حجت در این فرموده خانم های پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم است که این را جز رخصت که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم برای سالم رضی الله عنه داده است چیزی دیگری نمینم که در آن از مشقت که بر سهله عارض بود دفع نمود. (۲)

اما اتفاق فقهاء بر این است که شیرخوردگی که حرمت را ثابت میگرداند همان است که در حال صغریه باشد اما اگر در حالت کبیری صورت بگیرد در نزد عامه علماء، حرمت را ثابت نمیگرداند، و شرط میگذارند بر اینکه رضاع حرمت را ثابت میگرداند در صورتی که در پوره شدن دو سال و یاهم کم تر از دو سال باشد اما در بالاتر از دو سال اعتبار ندارد. (۳)

فصل سوم آثار مرتبه بر خلوت

(1) عمدة القاری ج ۱۲۰ ص ۱۸۵
 (2) فتح الباری ج ۱۹ ص ۱۴۹
 (3) بدایع الصنائع ج ۱۴ ص ۵-۶ تحفة الفقهاء ج ۱۲ ص ۱۲۳۷ الذخیره ج ۱ ص ۱۲۱ الفواکه الدوانی ج ۱۲ ص ۱۵۵ مغنی المحتاج ج ۱۵ ص ۱۱۲۷ کشاف القناع ج ۱ ص ۱۴۴۴

در این فصل نه مبحث مورد بحث قرار می‌گردد

مبحث اول اثری خلوت صحیحه بر مهر

مبحث دوم اثری خلوت صحیحه بر عدت

مبحث سوم اثری خلوت صحیحه بر نسب

مبحث چهارم اثری خلوت صحیحه بر طلاق رجعی

مبحث پنجم اثری خلوت صحیحه بر نفقه

مبحث ششم اثری خلوت صحیحه بر تحریم مصاهرت و ربیبه

مبحث هفتم اثری خلوت صحیحه بر احسان

مبحث هشتم اثری خلوت صحیحه باخانم چهارم پنجم را حرام می‌سازد

مبحث نهم اثری خلوت صحیحه بر تحلیل

آثار مرتبه برخلوت

در این فصل نه مبحث مورد بحث قرار می‌گیرد که ذیلاً به آن می‌پردازیم

مبحث اول: اثر خلوت صحیح بر مهر

مطلب اول: تعریف مهر در لغت و اصطلاح

۱ - تعریف مهر در لغت: مهر لغتاً ، عبارت است هر آنچه که شوهر برای خانم اش بعد از عقد ازدواج

می‌پردازد میباشد که جمع آن مهور، و مهوره می‌آید. (۱)

۲ - تعریف مهر در اصطلاح : آنچه را علامه ابن عابدین در مورد مهر عنوان میکند که مهر عبارت از

اسم است برای آنچه که خانم از شوهرش بعد از عقد نکاح و یا هم بعد از مجامعت مستحق می‌گردد. ۲

که این عیناً همان معنی لغوی است که قبلاً به آن پرداخته ایم .

اما تعریف دیگری نیز از فقهاء ثابت است که علامه دسوقی به آن پرداخته می‌گوید : المهر هو ما يعطى

للزوجة فى مقابلة الاستمتاع بها . (۳) - یعنی که مهر عبارت از آن چیز است که شوهر برای خانمش

در بدل استفاده که از او میکند می‌پردازد .

۳ - اسمای که به مهر اطلاق می‌گردد : برای مهر اسم های زیادی اطلاق می‌گردد که بعضی آنها قرار

ذیل میباشد . مهر، صداق ، صدقه ، نحلۃ ، عطیه ، فریضه ، الاجر ، علائق ، عقر ، حباء ، طول ، نکاح .

(۴)

مطلب دوم : اثر خلوت صحیح بر مهر

فقهاء امت همه اتفاق نظر دارند بر اینکه مهر بعد از عقد نکاح صحیح و دخول حقیقی که به آن وطی

می‌گویند ، بالای شوهر پوره لازم می‌گردد ، و نیز اتفاق دارند بر اینکه نصف مهر بعد از عقد و قبل از دخول

(1) لسان العرب اج ۱۵ | ص ۱۱۸۴ معجم الوسيط اج ۲ | ص ۱۸۸۹ العین اج ۱۱ | ص ۱۱۷۵

(2) حاشیه ابن عابدین اج ۱۳ | ص ۱۱۰۱

(3) حاشیه دسوقی اج ۱ | ص ۱۳۰۸

(4) الاحوال الشخصیه تالیف علامه داود محمد | ص ۱۲۵۳ اسنى المطالب فى شرح روض الطالب اج ۱۳ | ص ۱۳۰۰

لازم می‌گردد. (۱) - اما در مورد اینکه ثبوت مهر برای زوجه بعد از عقد بسبب خلوت صحیحه که مرد باخانم اش در مکان امن از نظر مردم، وهم چنان نبود همه موانع حسی، طبعی، و شرعی چگونه می‌باشد اختلاف نظر دارند. که به سه قول منحصر می‌گردد، اما سبب اختلاف همه در مورد ثبوت مهر برای خانم که با او خلوت صحیحه شده، بسوی معنی افضاء است، که در قول الله سبحانه و تعالی آمده است، چون در معنی افضاء فقهاء اختلاف نظر دارند که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: (وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (۲)

ترجمه: و چگونه او پس می‌گیرید مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما باهم خلوت نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است.

پس در این آیت مبارکه، در کلمه افضی اختلاف نظر وجود دارد، کسی که آنرا به خلوت تعبیر کرده است، تمام مهر را برای خانم واجب میدانند و هر که آنرا بمعنی مقاربت جنسی تعبیر کرده است به وجوب نصف مهر برای خانم قول کرده اند، و اما عده از علماء که افضی را به هر دو معنی (خلوت و جماع) گرفته اند می‌گویند: که اگر خلوت طویل بوده باشد تمام مهر لازم می‌گردد و اگر خلوت کوتاه و قصیر بوده باشد، که امکان لذت بردن و مقاربت وجود نداشته باشد نصف مهر لازم می‌گردد. (۳)

در این مورد لازم است که اقوال فقهاء و دلایل شان را تفصیلاً به بحث بگیریم.

اول - جمهور فقهاء از حنفی ها، حنبلی ها و شافعی ها در قول سابق شان به این نظر اند که خلوت صحیحه مهر را برای خانم کامل ثابت می‌گرداند، زیرا خلوت صحیحه که خانم شوهرش را در مقاربت

(1) شرح الکبیر اج ۱۸ ص ۱۹۰ کشف القناع ۱ ج ۱۵ ص ۱۹۰ حاشیه ابن عابدین اج ۱۴ ص ۱۷ مبسوط سرخسی اج ۱۵ ص ۱۶۵ مدونة الکبری اج ۱۵ ص ۱۳۲۱ بدایة المجتهد اج ۲ ص ۱۱۷ الام اج ۱۵ ص ۱۵۹ روضة الطالبین اج ۱۷ ص ۱۳۳۰

(2) سوره نساء آیت ۲۱

(3) تفسیر سمرقندی اج ۱۱ ص ۳۱۷ تفسیر کبیر اج ۱۱ ص ۱۱۰ ص ۱۲ افتح القدر اج ۱۱ ص ۱۴۴۱ تفسیر طبری اج ۲ ص ۱۳۱۴

جنسی تمکین نماید در حکم دخول برای ثبوت جمیع مهر میباشد.^۱ و به این قول شان از قرآن کریم، سنت، آثار، استدلال میکنند که به آن میپردازیم.

۱ - قرآن کریم: **اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى مِيفْرْمَايِدُ : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُم مِّيثَاقًا عَلِيًّا) (۲)**

ترجمه: و چگونه و پس میگیرید مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما باهم خلوت نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است.

که میگویند: قول الله سبحانه و تعالی (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ) دلالت بر این میکند که اعطای مهر برای زنان واجب میباشد، زیرا افضاء بمعنی آنست که مرد باخانمش خلوت نموده باشد برابر است که جماع کرده باشد و یا خیر، و هر گاه خلوت ثابت گردید مهر نیز واجب میگردد.^(۳)

۲ - سنت:

امام بیهقی رحمه الله در کتاب خویش حدیث را میاورد و این فریق از فقهاء به آن استدلال نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (من كشف امرأة فنظرالى عورتها فقد وجب الصداق) یعنی هر کسی برهنه کند خانم را و بسویی عورت او نظر کند بدون شک مهر واجب میگردد، و در روایت دیگر میفرماید: (من كشف خمار امرأة و نظر اليها وجب الصداق، دخل بها او لم يدخل)^۴ یعنی هر کسی چادر خانم را دور کند و بسوی او نظر کند برابر است که بر آن دخول کرده باشد و یا خیر، مهر بر آن واجب میگردد.

(1) المذهب اج ۲/ص ۱۲۵۷ اوسط تالیف علامه غزالی اج ۱۵/ص ۱۲۲۶ روضة الطالبین اج ۱۷/ص ۱۲۶۳ مبسوط سرخسی اج ۱۵/ص ۱۱۴۸ مغنی اج ۱۷/ص ۱۹ تحفة الفقهاء اج ۱۲/ص ۱۲۴۴ بدایع الصنائع اج ۱۲/ص ۱۲۹۲ الحاوی الکبیر اج ۱۱۷/ص ۱۱۰۶ شرح الکبیر اج ۱۱/ص ۱۲۰۳ شرح (منتهی الارادات اج ۱۲/ص ۱۲۱۵ الام اج ۱۷/ص ۱۲۱

(2) سورة نساء آیت ۲۱

(3) تفسیر سمرقندی بحر العلوم تحقیق د. محمود مطرجی اج ۱۱/ص ۱۳۱۶ فتح القدير ۱۱/ص ۱۴۴۱

(4) سنن بیهقی الکبری اج ۱۷/ص ۱۲۵۶ شماره ۱۱۴۲۶۴ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال تالیف علاء الدین علی المتقی بن حسام هندی ابیروت تحقیق محمود عمر دمیاظی اج ۱۶/ص ۱۱۳۷ شماره ۱۴۴۷۲۹ و امام بیهقی گفته است که این حدیث مرسل است.

با استدلال از این حدیث مبارکه میگویند که این حدیث به وضاحت دلالت دارد بر اینکه هر که عورت خانم را برهنه کند بعد از عقد نکاح صحیح برای زن مهر کامل واجب میگردد برابر است که دخول کرده باشد و یاخیر، و از این حدیث نیز دانسته میشود که مهر بسبب خلوت صحیحه نیز کامل واجب میگردد.

۳ - اثر :

از آثار صحابه کرام نیز وجوب مهر کامل را بسبب خلوت صحیحه دانسته میشود چنانچه روایت است : « عن زرارة بن ابي اوفى انه يقول : قضى الخلفاء الراشدون المهديون انه من اغلق بابا وارخی سترافقد وجب علیه المهر »^(۱) - یعنی از زراره ابن ابی اوفی روایت است که میگفت : خلفای راشدین رضی الله عنهم براین فیصله نموده است که هر کس دروازه را قفل کند و پرده ها را پایین کند بدون شک مهر واجب میگردد. وهم چنان روایت دیگری نیز همسو با این روایت وجود دارد که میفرماید : « عن زید بن ثابت رضی الله عنه قال : اذا دخل الرجل بامرأته فارخیت علیهما الستور فقد وجب الصداق »^(۲) - یعنی وقتی که مردی باخانم خود در یک خانه داخل گردید و پرده ها بر آنها پایین کرده شد بدون شک که مهر واجب میگردد. این دو اثر به وضاحت بر این دلالت دارد که به سبب خلوت صحیحه مهر پوره واجب میگردد.

دوم - این قول جدید از شافعی ها است که میگویند : بسبب خلوت صحیحه که در آن هم بستری صورت نگرفته باشد نصف مهر واجب میگردد و هرگاه باخلوت صحیحه، همبستری نیز صورت بگیرد مهر کامل واجب میگردد.^(۳)

و به این قول شان به دلایل از قرآن، آثار، و عقل استدلال نموده اند.

(۱) مصنف عبدالرزاق ج ۱۶ ص ۱۲۸۸

(۲) موطاء تالیف امام مالک ج ۱۲ ص ۱۵۲۸

(۳) الام ج ۱۵ ص ۱۶۸، المجموع ج ۱۱۷ ص ۱۲۵۴، الحاوی الکبیر ج ۱۹ ص ۵۴۰، ۱۳۷۶، المذهب ج ۲ ص ۱۵۷، روضة الطالبین ج ۱ ص ۱۲۶۳

۱ - قرآن کریم : الله سبحانه وتعالى میفرماید : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُم إِلَىٰ بَعْضٍ وَآخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (۱)

ترجمه: و چگونه واپس میگیرید مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما باهم جماع نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است .

در این آیت مبارکه واژه افضاء به معنی جماع میباشد که این آیت به آن دلالت میکند . (۲) .
وهم چنان الله سبحانه وتعالى میفرماید : (وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصْفُ مَا فَرَضْتُمْ) (۳)

ترجمه: و اگر شما طلاق دادین زنان را قبل از مقاربت با آنها در حالیکه برای شان مهر تعیین شده باشد پس نصف مهر واجب میباشد .

با استدلال از این آیت مبارکه شافعی ها میگویند : که این آیت مبارکه نیز دلالت میکند که مقصود از مساس در اینجا جماع میباشد و برای خانم که قبل از جماع طلاق دریافت نموده است نصف مهر واجب میباشد . (۴)

بنابراین برای زنان که باشوهرشان خلوت نموده اما مقاربت یا همبستری صورت نگرفته است از دیدی شافعی ها نصف مهر واجب میگردد .

۲ - اثر :

ماروی عن ابن عباس رضی الله عنهما انه قال فی رجل یتزوج المرأة یخلوبها فلا یمسها ثم ینزلها لیس لها الا نصف الصداق لان الله تعالی یقول (وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصْفُ مَا فَرَضْتُمْ)

(1) سوره نساء آیت ۲۱
(2) تفسیر سمرقندی ج ۱ ص ۱۱۷ | تفسیر کبیر ج ۱ ص ۱۰۱ | فتح القدر ج ۱ ص ۱۴۱ | تفسیر طبری ج ۲ ص ۱۳۱۴
(3) سوره بقره آیت ۲۳۷
(4) تفسیر سمرقندی ج ۱ ص ۱۸۲ | تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۱۲۸۹ | فتح القدر ج ۱ ص ۱۲۵۸

یعنی آنچه روایت شده از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما که گفت در باره مردی که با خانمی ازدواج کرده و با او خلوت نموده است و جماع نکرده طلاق میدهد، برای او نصف مهر واجب میباشد، زیرا الله سبحانه و تعالی میگوید: و اگر شما طلاق دادین زنان را قبل از مقاربت با آنها در حالیکه برای شان مهر تعیین شده باشد پس نصف مهر واجب میباشد.

و هم چنان از امام شعبی روایت است که میگوید: مردی از مسلمانان با خانم ازدواج نمود و او را قبل از جماع طلاق داد، و برادر آن زن مهر آن را بخشش نمود، این جنجال بسوی حضرت شریح (که متولی قضاء در عصر حضرت عمر رضی الله عنه و حضرت عثمان رضی الله عنه بود) کشانده شد، حضرت شریح بخشش را پذیرفت و اجازه داد و بعد گفت: که من یک بار مهریه دخترم را بخشیدم و بعد گفت: کسی که به دست او صلاحیت عقد نکاح میباشد - یعنی شوهرش - اگر چه خانم از تمام مهر و یاهم نصف مهر بگذرد و یا ببخشد باید مهریه را بپردازد و اگر هر دو از مهر گذشتن برای زن نصف مهر لازم میباشد. (۱) -

که این آثار همه دلالت به این دارد که خلوت صحیحه که در آن جماع صورت نگرفته باشد نصف مهر را واجب میگرداند نه تمام مهر را.

۳ - عقلی: شافعی ها با ابتناء بر عقل استدلال کرده میگویند: که خلوت صحیحه موجب غسل و هم چنان واجب کننده حد نمیشد و خلوت صحیحه را ملحق به وطی (هم بستری) در تمام احکام کرده نمیشود پس واضح است که واجب کننده تمام مهر نیز نمیگردد. (۲)

خلاصه اینکه پیروان امام شافعی رحمه الله در قول جدید شان به این نظر هستن که خلوت صحیحه که در آن هم بستری به معنی اصطلاحی بین مردمی صورت نگرفته باشد، مهر را کامل ثابت نمی گرداند بل خلوت صحیحه که بدون مجامعت صورت گرفته باشد سبب وجوب نصف مهر میگردد.

(1) سنن البیهقی الکبریٰ ج ۱۲ ص ۱۲۵۱

(2) اسنی المطالب فی شرح روض الطالب ج ۱۳ ص ۱۲۰۴ | المذهب ج ۲ ص ۶۰ - ۶۱

سوم مالکی ها : پیروان مذهب امام مالک رحمه الله میگویند : که خلوت صحیحه هر گاه کوتاه باشد و در آن هم بستری ولذت بردن از یک دیگر صورت نگرفته باشد بجز نصف مهر چیزی دیگری واجب نمی گردد ، و اما وقتی که خلوت طویل بوده باشد که به یک سال اندازه شده است ، اگر چند که در آن جماع صورت نگرفته باشد ، در این هنگام مهر پوره واجب میگردد .^(۱)

ادله این فریق : دلایل را که پیروان امام مالک رحمه الله به آن استناد میکنند ، عینا همان دلایل است که جمهور فقهاء و شافعی ها در قول جدید شان به آن استدلال نموده است ، مبنی بر اینکه هر گاه خلوت صحیحه کوتاه و کم بوده باشد و در آن هم بستری ولذت بردن از یک دیگر صورت نگرفته باشد جز نصف مهر در آن چیزی دیگری واجب نمی گردد و این چیز است که شافعی ها بقول جدید شان به آن پرداخته است .

اما دلایل شان در مورد اینکه وقتی خلوت طویل باشد که در آن هم بستری صورت گرفته باشد یاخیر مهر را کامل واجب میگرداند چنانچه جمهور فقهاء به آن پرداخته اند ، زیرا مردان هر گاه با خانم شان خلوت طویل نمایند در غالب گمان احتمال لذت بردن و حصول مجامعت حتمی میباشد و بدیهیست که لذت بردن و مجامعت مهر را کامل واجب میگرداند .

ترجیح :

بعد از تقدیم گفته های فقهاء هر سه فریق ، لازم میدانم تا قول راجح را نیز خدمت خوانندگان به عرض برسانم ، من که در اقوال فقهاء دقیق غور نمودم ، قول را که در نظر من راجح و قابل ترجیح میباشد قول جمهور فقهاء میباشد و اسباب ترجیح را ذیلا بیان میدارم .

۱ - دلایل را که آنها بر آن استدلال نمودن قوی و سالم از اعتراض میباشد .

(۱) المدونة الكبرى ج ۱۵ ص ۱۳۲۰ منح الجلیل شرح مختصر خلیل ج ۳ ص ۱۴۳۲ التاج والاکلیل لمختصر خلیل ج ۳ ص ۱۵۰۷ الاستذکار ج ۱۵ ص ۱۴۳۵ الذخیره ج ۴ ص ۱۳۷۵ شرح الکبیر ج ۲ ص ۱۳۰۱۱

۲ - دلایل شان واضح و صریح میباشد که نیازی به تاویل و توجیه ندارد .

۳ - اکمال مهر در خلوت صحیحه چیز است که همه خلفای راشیده به آن فیصله نموده اند .

۴ - این نظریه و عمل کردن به این دیدگاه خیلی محتاطانه میباشد خصوصا در این عصر که فتنه و فساد دامن گیر عالم شده است، و اکمال مهر بسیار اوقات جلوگیری میکند از خلوت مرد باخانمش و گاهی هم مانع از خلوت صحیحه میگردد و هم چنان که خانم نفس خویش را برای شوهرش تسلیم میکند که به این تسلیمی اش مستحق کمال مهر میباشد .

این بود نکات پیرامون تاثیری خلوت صحیحه بر مهر که با ذکر دیدگاه فقهاء کرام خدمت خوانندگان گرامی به عرض رسانیدم و خلاصه آن چنین تبارز میکند که خلوت صحیحه از دیدی همه فقهاء تاثیری بر مهر و وجوب مهر داشته است یا بطور کامل و یا هم بطور تنصیف که در ضمن اقوال فقهاء به آن توضیح داده شد .

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز در مورد اثر خلوت صحیحه بر مهر پرداخته است، که در مواد آن چنین آمده است :

ماده ۹۱ : در مورد لزوم کل مهر ، خلوت صحیحه حکم دخول را در نکاح صحیح دارد ، گرچند که زوج عین باشد، هم چنان در مورد اثبات نسب ، نفقه ، حرمت نکاح خواهر زوجه حکم خلوت صحیحه عینا حکم دخول در نکاح صحیح را دارا می باشد .

ماده ۹۸ : کل مهر با وطی ، خلوت صحیحه یا وفات یکی از زوجین گرچه قبل از دخول یا خلوت صحیحه صورت گرفته باشد لازم میگردد .

در این مورد قانون مدنی افغانستان ، موازی با آراء فقهاء خلوت صحیحه را مؤثر در اثبات مهر و اکمال مهر میداند ، که از صراحت مواد قانون به وضاحت دانسته میشود .

مبحث دوم: اثر خلوت بر عدت

قبل از اینکه اثر خلوت را بر عدت بدانیم، ضرور میدانم تا بر شناختن امور که تعلق به عدت میگرد آشنا گردیم که از جمله امور ذیل ضروری میباشد.

مطلب اول: تعریف عدت

۱ - تعریف عدت لغتا واصطلاحا :

أ - تعریف عدت لغتا : عدت لغتا از این قول عربها مأخوذ میباشد که میگویند : عدد ای احصاه ونیز الایام المعدودات ای ایام التشریق ونیز عدت المرأة ای ایام اقرائها میباشد که همه به معنی شماریدن وحساب کردن میباشد. (۱)

ب - تعریف عدت اصطلاحا : فقهاء در مورد تعریف عدت در اصطلاح ققهی چنین میگویند: که عدت عبارت از انتظاری است که شرعا محدود شده یعنی که عبارت از مدت معلومه میباشد که خانم بخاطری پاکی رحم خویش وتا اینکه دستور الله تعالی را رعایه نموده باشد بعد از وفات شوهرش ویاهم بعد اینکه از جانب شوهرش طلاق دریافت نموده انتظاری میکشد. (۲)

وهم چنان میگویند : که عدت عبارت است از ضرب الأجل برای پوره شدن آنچه که از آثار نکاح باقی مانده است. (۳)

واز خلال تعریف های لغوی واصطلاحی دیده میشود که هر دو تعریف باهم توافق دارد به اینکه عدت همان انتظاری است که خانم به خاطر خلاص شدن از علاقه زوجیت ، که به سبب طلاق ویاهم وفات شوهرش به وجود آمده است ونیز بخاطر پاک شدن رحمش از حمل ، انتظاری میکشد، تا نسل ها حفظ واز خلط شدن نسب وضایع شدن نسل ها جلوگیری گردد.

(1) القاموس المحيط ج ۱۳ ص ۲۸۴ مختار الصحاح ج ۱ ص ۱۱۷۵ العین ج ۱ ص ۱۱۷۵ مصباح المنیر ج ۲ ص ۱۳۹۶

(2) کشف القناع ج ۱ ص ۱۴۱۱ الاختیار تعلیل المختار تألیف علامه موصلی ج ۳ ص ۱۱۸۷

(3) بدایع الصنایع ج ۱۳ ص ۱۱۹۰

قانون مدنی افغانستان :

ماده ۱۹۸ : عدت عبارت از مدت معین است که با انقضاء آن تمام آثار مرتبه ازدواج از بین می‌رود .
در این ماده از قانون مدنی افغانستان به نحوی به تعریف عدت پرداخته شده است ، که با تعریف فقهاء هم خوانی دارد که قبلا از آن یاد آور شده ایم .

مطلب دوم: انواع عدت

عدت سه نوع می‌باشد که ذیلا بیان می‌داریم :

أ - عدت در ماه: این نوع از عدت برای کسانی می‌باشد که از حیض ناامید می‌باشند یا به اثر کهولت سن شان و یا هم حیض نمی‌بینند بخاطر خوردی سن شان .^(۱) - چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید :
(وَاللَّيْ يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَاءِكُمْ إِنْ أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّي لَمْ يَحِضْنَ)^۲
ترجمه : و آن زنان که نا امید شدن از حیض از زنان شما ، اگر شک کردین دز عدت آنها پس عدت آنها سه ماه می‌باشد و نیز آن زنان که حیض نمی‌بینند نیز عدت شان سه ماه می‌باشد .

و هم چنان زنان را که شوهران شان وفات نموده است عدت شان چهار ماه و ده روز می‌باشد همانطوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید : (وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا)^(۳)

ترجمه: و مردان از شما هرگاه وفات نماید و باقی بگذارد از خود خانم های را ، این زنان باید انتظاری بکشند چهار ماه و ده روز را .

که در این آیت مبارکه الله سبحانه و تعالی عدت زنان را که شوهرشان وفات شده بیان میدارد که در آن تصریح کرده به چهار ماه و ده روز ، و نیز عدت این زنان را بیشتر از عدت زنان طلاق شده گردانیده

(۱) تفسیر ابن کثیر اج ۴ ص ۱۳۸۲ فتح القدر اج ۵ ص ۱۲۴۲ تفسیر قرطبی اج ۱۱ ص ۱۱۶۲

(۲) سوره طلاق آیت ۴

(۳) سوره بقره آیت ۲۳۴

است که از کلان سالی و یا هم از خورد سالی حیض نمی بیند (که عدت شان سه ماه می باشد)، زیرا در این احتمال وجود دارد که شاید خانم که شوهرش وفات نموده، بار دار و یا حامله بوده باشد و هرگاه این انتظاری پوره گردد روشن میگردد که رحم مشغول به حمل بوده یا خیر، چنانچه در حدیث آمده است که عده زیادی از کتاب های حدیث از آن نقل میکنند، که عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه میفرماید: (ان خلق احدکم یجمع فی بطن امه اربعین یوما نطفه ثم یكون علقه مثل ذالک ثم یكون مضغه مثل ذالک ثم یبعث الیه الملك فینفخ فیہ الروح) (۱)

یعنی که آفرینش شما در شکم مادران تان چهل روز به شکل نطفه جمع میشود و بعد خون میشود مثل آن چهل روز و بعد گوشت میشود در چهل روز دیگر و بعد از آن بسوی او ملک از جانب الله سبحانه و تعالی فرستاده میشود و بر او روح را میدمد.

از این حدیث مبارکه به وضاحت میابیم که مرحله وجود طفل در بطن مادر در چهارماه تکمیل میگردد که پاکی و عدم آن در چهار ماه برجسته میگردد.

و در مورد ده روز باقی عده از علماء میگویند که این سه چهل روزگی به چهارماه میانجامد و ده روز دیگر بعد از چهارماه از جهت احتیاط می باشد که گاهی ماه کم میاید و به دمیدن روح در طفل حرکت بوجود میاید که باعث دانستن مشغولیت رحم می باشد. (۲)

قانون مدنی افغانستان:

ماده ۲۰۲: عدت در طلاق یا فسخ برای منکوحه آیه سه یا منکوحه که به سن بلوغ رسیده و حیض نگردیده، سه ماه کامل می باشد.

(۱) صحیح البخاری کتاب البدء الخلق باب ذکر الملائكة اج ۱۳ ص ۱۱۷۴۰ شماره ۳۰۳۶
(۲) تفسیر ابن کثیر اج ۱۱ ص ۱۲۸۶ فتح القدیر اج ۱۱ ص ۱۲۴۹ الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز تالیف ابن عطیه ابومحمد عبدالحق بن غالب تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد البنان ۱ طبع اول اج ۱۱ ص ۱۳۱۵

ماده ۲۰۷ : عدت وفات چهار ماه وده روز است ، مگر اینکه این زوجه حامله باشد در این صورت حکم مندرج ماده ۲۰۶ این قانون تطبیق می‌گردد .

این مواد قانون مدنی افغانستان نیز موافق با آراء فقهاء یک نوع عدت را به ماه تعیین نموده است .
ب - عدت به قروء :

این عدت برای زنان میباشد که در حیات شوهرشان طلاق دریافت نموده است که عدت شان سه قرء میباشد ، چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ)^(۱)
ترجمه : وزنان طلاق شده انتظاری بکشند به نفسهای خویش سه قرء را .

امام شافعی رحمه الله در این مورد میگوید که قرء اسم وقت است ، وهرگاه حیض در وقتی بیاید و طهر در وقتی ، جواز دارد که قرء بمعنی حیض و طهر هر دو باشد .^(۲)
در کل این نوع از عدت به سپری کردن قرء میباشد با توجه به اینکه فقهاء تعبیرهای مختلف از این کلمه دارند .

قانون مدنی افغانستان :

ماده ۲۰۱ (۱) عدت در طلاق و تمام انواع فسخ بعد از نکاح صحیح برای زن مدخول بهای حقیقی یا حکمی که حامله نبوده و حیض گردد ، سه حیض کامل می باشد .

ماده ۲۰۳ : هرگاه مراهقه و آیسه عدت شان را به حساب ماه آغاز کرده ، و قبل از تکمیل سه ماه حیض شوند ، عدت شان سه حیض کامل می باشد .

در این جا قانون مدنی افغانستان نیز هم سو با نظریات فقهاء ابراز نظر نموده است .

ج - عدت به وضع حمل :

(۱) سوره بقره آیت ۲۲۸
(۲) لسان العرب ج۱۱/ص۱۳۱ | تفسیر ابن کثیر ج۱۱/ص۱۲۷۲

واین نوع از عدت برای هر خانم باردار بوده که شوهرش از او جدای گزیده باشد بسبب طلاق و یا هم بسبب وفات ، که عدت شان به وضع حمل می باشد ولو که به اندک مدت نیز تحقق یابد ، چنانچه که فقهاء در این مورد مفصل بحث دارند .^۱ - به دلیل این آیت از قرآن کریم که الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ) (۲)

ترجمه : وزنان باردار عدت شان این است که وضع حمل کنند .

بنا بر این آیت مبارکه زنان حامله ولو که بعد از طلاق و یا وفات شوهرشان به کوتاه ترین وقت هم تولد کنند عدت شان تکمیل شود میتوانند بادیگر مردان ازدواج نمایند .

قانون مدنی افغانستان :

ماده ۲۰۶ : عدت زوجه حامله با وضع کامل حمل تکمیل میگردد ، مشروط بر اینکه تشکیل اعضای حمل تماما و یا قسما ظاهر باشد .

این جا نیز قانون مدنی افغانستان موافق نظریات فقهاء ابراز نظر نموده است .

پس به وضاحت معلوم میگردد که عدت از نظر قانون مدنی افغانستان نیز به سه نوع فوق تقسیم میگردد که به آن پرداخته ایم .

مطلب سوم: اثر خلوت بر عدت

فقهاء در مورد اثر خلوت صحیحیه بر عدت اختلاف نموده اند ، که سبب این اختلاف شان بر میگردد به ثبوت عدت بر خانم که با او خلوت صحیحیه صورت گرفته ، و برای آن خانم بسبب خلوت صحیحیه مهر واجب میگردد یا خیر ، که فقهاء در این مورد اختلاف دیدگاه دارند ، و سبب اختلاف شان در اینجا بر میگردد به اختلاف شان در مورد معنی «الافضاء» که در آیت قرآن کریم به آن پرداخته شده

(۱) الام اج ۵۱ ص ۱۲۲۱ الوسيط اج ۱۶ ص ۱۱۳۷ تفسیر قرطبی اج ۳ ص ۱۱۷۴ روضة الطالبین اج ۸ ص ۱۲۱۸ تبیین الحقائق اج ۱۳ ص ۱۲۸

(۲) سوره طلاق آیت ۴

است که الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (۱)

ترجمه: و چگونه او را پس میگیرید مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما باهم جماع نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است .

پس آنان که گفتن افشاء بمعنی خلوت است نیز میگویند که عدت واجب است ، زیرا هرگاه که مهر واجب گردد عدت نیز واجب میگردد چون که خلوت صحیحه حکم مجامعت را به خود میگرد .

و آنان که میگویند : مراد از افشاء هم بستری است نیز میگویند : به واجب نبودن عدت ، زیرا هرگاه که عدت واجب گردد مهر نیز واجب میگردد .

در این مورد لازم میدانم تا اقوال فقهاء را در زمینه به بحث بگیریم تا وضاحت بیشتری در موضوع رونما گردد .

اول : این فریق از فقهاء که شامل فقهاء احناف ، مالکی ها ، و حنابله میشود چنین میگویند : خلوت صحیحه با خانم عدت را واجب میگرداند .^۲ - و به این نظرشان از قرآن کریم ، آثار ، و عقلی استدلال نموده اند .

۱ - قرآن کریم :

الله سبحانه و تعالی میفرماید : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (۳)

ترجمه : و چگونه او را پس میگیرید مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما باهم خلوت نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است .

(۱) سوره نساء آیت ۲۱
 (۲) تبیین الحقائق ج ۱۳ ص ۱۲۳ المذهب ج ۱۲ ص ۱۱۴۲ بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع ج ۲ ص ۱۲۹۲ المدونة الكبرى ج ۱ ص ۱۳۲۱ المغنی ج ۱ ص ۱۹۱ الفروع ج ۱ ص ۱۲۲۳ تهذیب المدونة ج ۱ ص ۱۴۳۲
 (۳) سوره نساء آیت ۲۱

وجه دلالت چنین است که این آیت دلالت دارد به اینکه کلمه افضاء بمعنی خلوت میباشد و هرگاه مردی باخانم خود خلوت نمود به خلوت صحیحه واجب میگردد به وی اکمال مهر و عدت، برابر است که با او مجامعت کرده باشد یاخیر.^(۱)

۲ - اثر :

أ - حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله عنه میفرماید : که گناه زنان چیست ؟ وقتی ناتوانی از جانب شما بوده باشد، برای زنان مهریه پوره و عدت کامله میباشد . که این اثر به وضاحت دلالت دارد به اینکه خلوت صحیحه عدت را واجب میگرداند.^(۲)

ب - « عن زرارة بن ابي اوفى انه يقول : قضى الخلفاء الراشدون المهديون انه من اغلق بابا وارخى سترا فقد وجب عليه المهر والعدة »^(۳)

یعنی از زراره ابن ابی اوفی روایت که میگفت : خلفای راشدین رضی الله عنهم براین فیصله نموده اند که هرکس دروازه را قفل کند و پرده ها را پایین کند بدون شک مهر و عدت واجب میگردد . از این آثار به صراحت دانسته میشود که خلوت صحیحه تاثیری بر عدت داشته است ، و هر کی باخانم خویش خلوت کند مهر و عدت هر دو واجب میگردد .

۳ - عقل :

فقهاء با استدلال عقلی نیز میگویند: که به سبب خلوت صحیحه مهر واجب میگردد و هر گاه خلوت موجب کمال مهر بوده باشد اولی است که عدت نیز واجب گردد چون از باب احتیاط عدت سزاوار است که بر آن احتیاط شود.^(۴)

(1) تفسیر قرطبی ج ۱۵ ص ۱۱۰۲ المغنی ج ۱۷ ص ۱۱۹۱ تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۱۴۴

(2) مصنف عبدالرزاق ج ۱۶ ص ۲۸۸

(3) مصنف عبدالرزاق ج ۱۶ ص ۲۸۸

(4) البدایع والسنایع ج ۱۲ ص ۱۳۳۵

دوم : این فریق از فقهاء که شافعی ها هستن میگویند : خلوت صحیحه باخانم عدت را واجب نمیگرداند .^(۱)

و بر این قول از قرآن کریم ، آثار ، و عقلی استدلال کرده اند که ذیلا به آن می پردازیم .

۱ - قرآن کریم :

أ- الله سبحانه وتعالى میفرماید : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُم إِلَىٰ بَعْضٍ وَآخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا)^(۲)

ترجمه : و چگونه او پس میگیرید مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما با ایشان جماع نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است .

وجه دلالت : این فریق از فقهاء میگویند که مراد از کلمه افضاء در این آیت مبارکه هم بستری میباشد از همین لحاظ است که خلوت صحیحه مهر را پوره وعدت را کامل واجب نمی گرداند ، زیرا عدت بخاطر مجامعت مشروع گردیده است که در خلوت صحیحه وجود ندارد .^(۳) -

ب - الله سبحانه وتعالى میفرماید : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَالِكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا)^(۴)

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه که نکاح کردید با زنان مسلمان و بعد آنها را طلاق دادید پیش از جماع کردن آنها ، پس در این صورت از جانب شما برایشان عدتی نیست که آنها عدت بگذرانند .

که این آیت کریمه نیز به وضاحت دلالت دارد به اینکه تا جماع صورت نگیرد ، به خلوت صحیحه عدت واجب نمیگردد ، چنانچه فقهاء میگویند : که مساس در این آیت کریمه بمعنی جماع میباشد .^(۱)

(1) المذهب اجاج ۱۲ ص ۱۱۴۲ الوسيط اج ۱۵ ص ۱۲۲۶ كفاية الاخير اج ۱۱ ص ۱۴۲۶ اسنى المطالب اج ۱۳ ص ۱۱۵۰ الحاوى الكبير

اج ۹ ص ۱۴۶۱

(2) سورة نساء آیت ۲۱

(3) احكام القرآن اج ۱۵ ص ۱۲۳۶

(4) سورة احزاب آیت ۴۹

پس چنین دانسته میشود زنان را که تاحال دخول صورت نگرفته و هم چنین خلوت صحیحه و خلوت فاسده عدت راثبت نمیگرداند، تا زمانیکه هم بستری صورت نگیرد .

۲ - آثار :

أ - و نیز ار آثار به وضاحت دانسته میشود که خلوت صحیحه عدت راثبت نمی گرداند چنانچه از امام شعبی رحمه الله روایت است که میگوید : عمرو ابن نافع خانم اش را طلاق داده بود که بر او دخول کرده بود اما عمرو به این اذعان داشت که باخانم مقاربت نکرده است و خانم اصرار داشت که با او مقاربت نموده است ، تا اینکه سخن به جنجال کشید و رفتن بسوی قاضی شریح ، و عمرو قسم خورد و قاضی فیصله نمود با این قسم به نصف مهر .^(۲)

ب - « عن ابن عباس رضی الله عنهما انه كان يقول فی رجل ادخلت علیه امرأته ثم طلقها فزعم انه لم یمسها قال علیه نصف الصداق . »^(۳)

یعنی از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که او در قضیه بود که مردی خانم اش را بعد از دخول کردن طلاق داده بود ، و آن مرد اذعان داشت که باخانمش مقاربت نکرده است ، ابن عباس رض گفت : برگردن مرد نصف مهر واجب میباشد .

وجه دلالت : این دو اثر به وضاحت دلالت دارند به اینکه خلوت صحیحه که در آن مجامعت صورت نگرفته باشد مهر را کامل واجب نمیگرداند بلکه نصف مهر را واجب میگرداند و هر گاه از نصف مهر بیشتر واجب نگرداند موجب عدت نیز نمی گردد .

۳ - معقول :

(1) الام اج ۱۷ ص ۱۲۳۳ الحاوی الکبیر اج ۱۱ ص ۱۲۱۷ بدایة المجتهد اج ۲۱ ص ۱۶۶
 (2) سنن بیهقی الکبیری اج ۱۷ ص ۱۲۵۵ شماره ۱۱۴۲۵۴
 (3) سنن البیهقی الکبری اج ۱۷ ص ۱۴۵ شماره ۱۴۲۵۱

فقهاء مذهب امام شافعی رحمه الله با ابتنا بر عقل نیز استدلال میکنند که خلوت صحیحه موجب عدت نمی باشد و میگویند: خلوت صحیحه موجب غسل و حد نمی گردد و خلوت را ملحق به هم بستری در تمام احکام کرده نمیتوانیم، پس موجب اکمال مهر نیز نمیشود و هر گاه موجب اکمال مهر نگردد موجب عدت نیز نمی گردد. (۱)

بنا بر همه دلایل که متذکر شدیم پیروان مذهب امام شافعی رحمه الله خلوت صحیحه را موثر در عدت نمیدانند و به اثر خلوت صحیحه عدت را واجب نمیدانند.

ترجیح: بعد از اینکه کلیه مذاهب را با اقوال و دلایل شان مرتبط به موضوع بیان نمودیم، لازم میدانم تا قول راجح را نیز با دلایل ترجیح خدمت خوانندگان گرامی به عرض برسانم.

من که به اقوال و دلایل ایشان به دقت دیدم، تمایل من از باب ترجیح بسوی جمهوری فقهاء و آراء شان میباشد که خلوت صحیحه موجب عدت میگردد و این ترجیح تبنی به نکات ذیل میباشد.

۱ - هر گاه خلوت کمال مهر را واجب گرداند اولی است که عدت را نیز واجب گرداند زیرا عدت حق الله است و احتیاط در آن مناسبتر است.

۲ - عدت در خلوت صحیحه چیز است که خلفای راشدین به آن فیصله نموده است پس بهتر است متابعت خلفاء راشدین گردد.

۳ - عمل به این نظریه خیلی محتاطانه است خصوصاً در زمان ما که فساد گسترش یافته و فتنه عالم گیر شده، اختلاط ها عام و خلوت بین عاقدین و غیر عاقدین بیشتر گردیده است مناسب میبندم که عمل به قول جمهوری فقهاء گردد.

قانون مدنی افغانستان:

(۱) اسنی المطالب فی شرح روض الطالب ج۳|ص۱۲۰۴|المهذب ج۲|ص۱۶۰

قانون مدنی افغانستان در مورد تأثیر خلوت صحیح بر عدت نیز تصریح کرده است ، که از آن به وضاحت تمام اثر خلوت صحیح را بر عدت دانسته میشود، که در آن آمده است

ماده ۱۹۹ : فقره ۲ : در موارد ذیل عدت برزوجه لازم میگردد :

۱ - در صورت که تفریق بین زوجین در نکاح صحیح یا فاسد بعد از دخول و یا بعد از خلوت صحیح یا خلوت فاسد در نکاح صحیح صورت گرفته باشد خواه این تفریق به اساس طلاق رجعی ، باین صغری یا طلاق باین کبری صورت گرفته باشد ، عدت برزوجه لازم میگردد .

این ماده از قانون مدنی افغانستان موافق با نظریات فقهاء خلوت صحیح را موثر بر عدت میداند ، بناء گفته میتوانیم که قانون مدنی افغانستان برخواسته از اندیشه های فقهی فقهایی اسلام بوده است.

مبحث سوم : اثر خلوت صحیحه بر نسب

پیش از اینکه در شناخت اثر خلوت صحیحه بر نسب بپردازیم لازم میدانم تا حقیقت نسب را بشناسیم و در روشنی آن احکام را بر آن مرتب نمایم .

مطلب اول : تعریف نسب

۱- مفهوم نسب لغتا : نسب در لغت عبارت از قرابت میباشد و او در قرابت پدر خاص میباشد. (۱)

۲- مفهوم نسب اصطلاحاً : نسب در اصطلاح فقهاء به عبارات ذیل تعبیر شده است .

- «هو عمن ینسب الی الاب دون الام» یعنی نسب عبارت از کسی است که نسبت اش به پدر میشود نه مادر. ۲.

- «النسب من لا یحل نکاحه» یعنی نسب عبارت از کسی است که نکاح آن حلال نباشد. (۳)

- «النسب ای القرابة» یعنی نسب عبارت از قرابت میباشد. (۴)

مطلب دوم: اثر خلوت بر نسب

فقهاء در مورد ثبوت نسب برای جنین بعد از خلوت صحیحه اختلاف نظر دارند ، که به دو فریق تقسیم میشوند .

اول: این فریق از فقهاء که شامل حنفی ها ، مالکی ها ، شافعی ها و یک روایت از امام احمد رحمه الله

نیز میباشدند که میگویند : نسب برای جنین بعد از خلوت صحیحه و قبل از دخول ثابت میباشد. °

و استدلال میکنند به دلایل ذیل :

(1) لسان العرب ج ۱۱ ص ۱۷۵۵ المعجم الوسیط ج ۱۲ ص ۱۹۱۶ المصباح المنیر ج ۲ ص ۱۶۰۲

(2) بدایع الصنائع ج ۱۷ ص ۱۳۵۰

(3) تبیین الحقایق ج ۱۶ ص ۲۰۰ بحر الرایق ج ۱ ص ۱۵۰۶

(4) حواشی شروانی ج ۱ ص ۱۴۰۰ مغنی المحتاج ج ۱ ص ۱۲۵۹

(5) مبسوط سرخسی ج ۱ ص ۱۴۷۱ عنایة شرح هدایه ج ۱ ص ۱۲۶ تاج واکلیل ج ۱ ص ۱۱۴۱ حاشیه دسوقی ج ۱ ص ۱۲۶۸ مدونة الكبرى ج ۱ ص ۱۴۷۱ روضة الطالبین ج ۱ ص ۱۱۱۳ حاشیه بحیرمی علی شرح منهج الطلاب ج ۱ ص ۱۲۹ اسنی المطالب فی شرح روض الطالب ج ۱ ص ۱۱۵۰ شرح کبیر ج ۱ ص ۱۹۵ شرح منتهی الارادات ج ۱ ص ۱۲۲

أ - سنت نبوی : عن محمد ابن زیاد رضی الله عنه قال : سمعت ابا هريره رضی الله عنه قال النبی

صلی الله علیه وسلم : الولد للفراش وللعاهر الحجر»^(۱)

ترجمه : از محمد ابن زیاد رضی الله عنه روایت است که گفت شنیده ام ابوهریره رضی الله عنه را که میگفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود ولد برای فرش است و برای متجاوز سنگ میباشد.

این فریق از فقهاء با استدلال از این حدیث میگویند که این حدیث دلالت میکند بر اینکه وقتی برای کسی خانم ویاکنیز بوده باشد خانم برای او فرش میگردد ودر مدت امکان خانم از او مرد فرزند میاورد که در بین زن وشوهر احکام توریث وسایر احکام دیگر قابل تطبیق میباشد چنان چه به این مطلب امام نووی رحمه الله در شرح مسلم پرداخته است.^(۲)

بنا بر این قول چنین دانسته میشود که هر گاه خانم برای شوهرش فرزندی بیاورد صاحب فراش میگردد اما علامه ابن حجر عسقلانی میفرماید : در صاحب شدن فرش کفایت میکند مجرد عقد که به مجرد عقد نکاح خانم فرش برای شوهر میگردد وبه این قول اش استدلال کرده اند به عموم حدیث مذکوره که (الولد للفراش) واحتیاجی بسوی تقدیر که بگویم الولد لصاحب الفراش وجود ندارد زیرا مقصود ومراد از فرش خانم جماع شده میباشد.^(۳)

۲ - عقل :

این گروه از فقهاء با ابتناء بر عقل استدلال کرده میگویند : هر گاه فرزندی بعد از خلوت صحیحه که در آن امکان مجامعت موجود باشد موجود شود ، نسب ولد را برای صاحب خلوت داده میشود و هیچ مانع دیگری وجود ندارد که از نفی الحاق نسب مانع گردد.^(۴)

(1) صحیح البخاری کتاب الحدود باب للعاهر الحجر اج ۱۶ ص ۱۲۴۹۹ شماره ۱۶۴۳۲

(2) شرح نووی علی صحیح المسلم اج ۱۰ ص ۱۳۷

(3) فتح الباری اج ۱۱ ص ۱۳۵

(4) مبسوط سرخسی اج ۶ ص ۱۵۰

وهم چنان میگویند: دانستن اینکه شوهر به خانم دخول کرده است خیلی سخت است و اگر دانستن دخول را شرط بدانیم و اعتبار دهیم بسیاری از نسب ها باطل میگردد.^(۱)

بنابراین این گروه از فقهاء به این نظر اند که خلوت صحیحه باعث تثبیت نسب میگردد .

دوم : این فریق از فقهاء به این باورند که خلوت با معقود علیها نسب را برای فرزند ثابت نمی سازد و نسب وقتی ثابت میگردد که عقد و دخول هر دو صورت گرفته باشد . و با این نظر امام احمد رحمه الله نیز در قول دوم موافق میباشند .^(۲)

واستدلال میکنند به این قول شان بدلایلی عقلی که میفرمایند : خلوت صحیحه دخول حقیقی نمیباشد و حقیقت دخول در خلوت مشکوک میباشد اما اثبات نسب به دخول حقیقی ثابت میگردد و چگونه نسب را به دخول احتمالی ثابت گردانیم ؟ در حالکه خانم فراش نمیگردد مگر بعد از عقد و دخول حقیقی و حالا که اینجا ثابت نگردیده ، پس اثبات نسب را به دخول احتمالی نمی توان ثابت نمود .^(۳) بناء اصحاب این قول نسب را به واسطه خلوب صحیحه ثابت نمی دانند .

اما هر دو فریق از فقهاء در مورد تثبیت نسب بعد از خلوت صحیحه شرایط ذیل را الزامی میدانند .

۱ - شوهر باید بالغ باشد . یعنی اگر شوهر طفل باشد نسب ثابت نمیگردد .

۲ - موانع برای هم بستر شدن در خلوت موجود نباشد . یعنی اگر در وقت خلوت نمودن موانع موجود شد که از همبستری جلوگیری نماید ، نسب ثابت نمی گردد .

۳ - حمل باید بعد از عقد ازدواج صحیح بوده باشد . یعنی هر گاه حمل قبل از عقد ازدواج صحیح بوده باشد و یا هم بعد از عقد باشد اما اگر عقد صحیح نباشد نسب ثابت نمیگردد .

(۱) سیل الجرار المتدفق علی حدائق الازهار ابروت تحقیق محمود ابراهیم زاید ج ۱۲ ص ۱۳۳۱

(۲) کشاف القناع ج ۱۳ ص ۱۱۸۶

(۳) شرح منتهی الارادات ج ۱۳ ص ۱۱۸۶

۴ - ولادت حد اقل باید بعد از شش ماه از وقت ازدواج بوقوع افتد. یعنی هر گاه خانم کمتر از شش ماه ولادت نمود نسب ثابت نمیگردد.

۵ - امکان یکجاشدن مکانی موجود باشد، اگر یکجا شدن میان شان از حیث مکان بخاطر نزدیک بودن مکان شان موجود شد نسب ثابت میگردد. یعنی اگر فاصله مکانی به حدی بوده باشد که امکان وصلت ایشان را نداشته باشد نسب ثابت نمیگردد.^(۱)

بنا برین باتحقق این همه شرایط نسب نیز در خلوت صحیحه ثابت میگردد.

ترجیح: بعد از ذکر اقوال و دلایل فقهاء لازم میدانم تا نظریه راجح را نیز خدمت خوانندگان گرامی به عرض برسانم.

از خلال اقوال و استدلالات فقهاء به این نتیجه میرسیم که نظریه جمهور یا قول اول راجح میباشد که اسباب آنرا ذیلا بیان میدارم.

۱ - ثبوت نسب ولد را برای صاحب خلوت صحیحه بارعایه شرایط فوق از حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دانسته میشود، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در تثبیت نسب برای فراش تقییدی نیاورده است که آنرا مقید به قید دخول کرده باشد.

۲ - عمل کردن به این نظریه محتاطانه میباشد خصوصا در این زمان که فتنه ها، خلوت ها بیشتر شده، و اختلاط عالم گیر شده برای اینکه انساب حفظ شده باشد این نظریه ارجحیت دارد.

۳ - هر گاه خلوت صحیحه تحقق یابد کفایت میکند برای اثبات نسب، چون گمان غالب در خلوت صحیحه مجامعت تحقق میابد.

بناء خلوت صحیحه با در نظر داشت دلایل اقوال و استدلالات جمهوری فقهاء تأثیری بر ثبوت نسب دارد که باعث اثبات نسب میگردد.

(۱) کشاف القناع ج ۱۵ ص ۱۴۰۶ | حاشیه دسوقی ج ۲ ص ۴۶۰ | حاشیه ابن عابدین ج ۱۳ ص ۱۱۸

قانون مدنی افغانستان :

قانون مدنی افغانستان نیز خلوت صحیحه را موثر در ثبوت نسب میداند که در مواد آن چنین آمده است :

ماده ۲۱۸ : طفل هر زوجه در ازدواج منسوب به زوج میگردد ، مشروط براینکه کمترین مدت حمل در عقد ازدواج سپری شده مقاربت و خلوت صحیحه بین زوجین ثابت باشد .

از این ماده قانون مدنی افغانستان نیز به وضوح دانسته میشود که خلوت صحیحه موثر در ثبوت نسب بوده و قانون مدنی افغانستان در مقارنه با اقوال فقهاء همسویی با اندیشه فقهی اسلامی دارد .

مبحث چهارم : اثر خلوت صحیح بر طلاق رجعی

قبل از اینکه در مورد تأثیری خلوت صحیح بر طلاق رجعی تذکر دهم لازم میدانم تا ابتدا در مورد حقیقت طلاق رجعی فشرده بحث داشته باشیم، تا طلب مجهول مطلق لازم نشود .

مطلب اول: تعریف رجعت

۱ - تعریف رجعت لغتا : رجعت مأخوذ از این قول عربهاست که میگویند : «ارجع الرجل یدیه» این وقتی گفته میشود که مردی دستان خود را بخاطر گرفتن چیزی بر عقب خود برد.

و رجعت طلاق عبارت از بازگشت خانم طلاق شده غیرباین است بسوی نکاح، بدون از سرگیری عقدنکاح میباشد (۱)

۲ تعریف رجعت در اصطلاح شرع : در اینجا در مورد تعریف رجعت فقهاء تعبیرهای مختلف ارائه نموده است که ذیلا به آن میپردازیم .

۳ - تعریف طلاق از نظر شیخ الاسلام ابن تیمیه : طلاق رجعی عبارت از آن طلاق است که امکان مراجعه شوهر به خانم بدون اختیار خانم وجود داشته باشد و هر گاه یکی از آنها وفات کند دیگری از وی میراث برد. (۲)

حنفی ها میگویند : رجعت عبارت از پشیمانی ملک و یانکاح که میان دو زوج است میباشد که بدون مهر و عقد جدید صورت میگرد . به این معنی که شوهر پشیمان شده به خانم رجوع کرده به زندگی خویش من حیث زن و شوهر ادامه میدهد. (۳)

مالکی ها میگویند : رجعت عبارت از برگشتن از طلاق رجعی بوده که بدون مهر و ولی صورت میگرد و هم چنان توقف بر اجازة خانم و غیر آن تا وقت که خانم در عدت باشد ندارد (۱)

(1) لسان العرب اج ۱۸ ص ۱۹۹ | مختار الصحاح اج ۱۱ ص ۹۹ | تاج العروس اج ۱۲۱ ص ۱۶۷ | العین اج ۱۱ ص ۱۲۲۶ | معجم المقاییس اللغة اج ۱۲ ص ۱۴۹۰
 (2) مجموع الفتاوی اج ۳۳ ص ۱۹
 (3) البدایع الصنایع اج ۳ ص ۱۸۱ | مبسوط سرخسی اج ۱۶ ص ۱۴۳ | بحر الرایق اج ۱۴ ص ۱۵۵ | ملتقى الابحر اج ۱۱ ص ۱۷۹ | تبیین الحقائق ۱۵۱ ص ۱۱۸۸

شافعی ها میگویند : که رجعت عبارت از بازگشتاندن خانم طلاق شده است بسوی نکاح از غیر طلاق باین که در عدت باشد بر طریقه مخصوص .^(۲)

حنابله میگویند : رجعت عبارت از برگشتاندن خانم طلاق شده است ، بسوی آنچه که قبل از طلاق بود بدون عقد نکاح ، که به طلاق غیر باین طلاق شده باشد ، و رجعت به مهر و ولی و نیز به رضایت خانم و دانستن او ضرورت ندارد .^(۳)

وبعد از ذکر تعریف رجعت از نظر فقهاء لازم به ذکر میدانم تا تعریف بهتر را نیز از میان تعریف های فوق خدمت خوانندگان گرامی به عرض برسانم .

از خلال تعریف های فوق چنین برمیآید که تعریف فقهاء احناف و مالکی ها تعریف راجح میباشد ، چون در این دو تعریف از وجود علاقه زوجیت که شرط اساسی برای طلاق بوده بکار رفته است و این علاقه تا وقت که عدت نگذشته باقیست و برای شوهر این امتیاز میباشد که بدون موافقه خانم رجوع کند و تصاحب ملکیت نماید که به گفتن و یا عمل کردن رجوعش تحقق میابد و ضرورت به مهر و عقد جدید ندارد .

مطلب دوم : انواع رجعت

در ارتباط به انواع خلوت فقهاء میگویند که به دو نوع میباشد

۱ - رجعت قولی مثل اینکه شوهر بگوید به تو رجوع کردم و سخن های مانند این^(۴)

۲ - رجعت فعلی که او عبارت از همبستری میباشد^(۵)

(1) شرح مختصر الخلیل اج ۴۱ ص ۱۸۵ شرح الکبیر اج ۲ ص ۱۴۱۹ حاشیه دسوقی اج ۳ ص ۱۳۰۸
 (2) شرح منهج اج ۴ ص ۱۳۸۵ اسنی المطالب فی شرح روض الطالب اج ۳ ص ۱۳۴۱ فتح الوهاب اج ۲ ص ۱۱۵۱ فتح المعین اج ۴ ص ۱۲۹ الاقناع اج ۲ ص ۱۴۴۸ نهاية المحتاج اج ۱ ص ۱۵۷ حاشیه بحیرمی اج ۴ ص ۱۵۴
 (3) شرح منتهی الارادات اج ۳ ص ۱۱۴۷ منار السبیل اج ۱ ص ۱۲۳۰ دلیل الطالب علی مذهب امام احمد ابن حنبل تألیف ابن یوسف حنبلی اج ۱ ص ۱۲۶۵ مطالب اولی النهی اج ۵ ص ۱۴۷۶ شرح العمده اج ۳ ص ۱۲۱۳
 (4) تهذیب المدونه اج ۱ ص ۱۳۸۵ کشاف القناع اج ۱ ص ۱۵ ص ۱۳۴۲ ملتقی الابحر تألیف شیخی زاده اج ۱ ص ۱۱ ص ۱۸۱ بحر الرایق اج ۴ ص ۱۵۵
 (5) بدایع الصنائع اج ۳ ص ۱۱۸۱ بحر الرایق اج ۴ ص ۱۵۵ حاشیه ابن عابدین اج ۳ ص ۱۴۰۱

مطلب سوم اثر خلوت صحیحه بر رجعت :

فقهاء بر این اجماع دارند هرگاه مردی خانم خود را که با او هم بستری کرده طلاق دهد برای او حق رجوع میباشد، تاوقت که عدت او نگذشته باشد و هرگاه عدت خانم تمام شود و شوهر بخواهد که رجوع کند او یکی از خواستگارها میباشد (۱) و نیز بر این اجماع کرده اند که رجوع بدون مهر و عوض میباشد (۲)

اما اختلاف نموده اند بر اینکه هرگاه مردی خانم خود را بعد از همبستری با او بطلاق رجعی طلاق دهد و بعد با او خلوت کند به خلوت صحیحه آیا این خلوت به رجعت طلاق شده تاثیری دارد یاخیر؟ که این اختلاف شان در قیاس خلوت صحیحه بر همبستری به دو قول برمیگردد که ذیلا به آن میپردازیم.

قول اول : جمهوری فقهاء که شامل حنفی ها ، مالکی ها ، شافعی ها و در قول صحیح از حنبلی ها نیز به این نظر اند که خلوت باخانم قایم در مقام رجعت نمیشود . (۳)
دلایل قول اول : این فریق از فقهاء به دلایل ذیل استدلال میکنند .

أ - از ارکان اساسی رجعت قول ویا هم فعل است ، اما خلوت صحیحه باخانم از قبیل قول و فعل نمی باشد . (۴)

ب - برای اثبات صحت رجعت اقرار زن و شوهر به هم بستری ضروری میباشد و هرگاه اقرار منتفی گردید رجعت تحقق نیابد . (۵)

ج - خلوت صحیحه را در رجعت اعتبار استمتاع داده نمیشود زیرا خلوت به معنی هم بستری نمیباشد .^۱

(۱) الاجماع تألیف المنذری ج ۱۱ ص ۱۸۰

(۲) الاجماع ج ۱۱ ص ۱۸۹

(۳) شرح فتح القدیر ج ۳ ص ۱۳۳ تبیین الحایق ج ۱۲ ص ۱۴۴ بحر الرایق ج ۱۳ ص ۱۱۶۶ العنایه شرح هدایه ج ۱۵ ص ۱۴۱۷ مجمع الانهر ج ۱۱ ص ۱۵۱۶ الذخیره ج ۴ ص ۱۳۷۶ المدونة الكبرى ج ۱۴ ص ۱۳۲۰ حاشیه دسوقی ج ۱۲ ص ۱۳۰۱ شرح مختصر الخلیل ج ۱۳ ص ۱۲۱۶ مواهب الجلیل ج ۱۴ ص ۱۰۰ - ۱۰۱ الحاوی الكبير ج ۱۹ ص ۱۵۴۴ فتح المعین شرح قره العین تألیف زین الدین بن عبدالعزیز الملباری ابیروت ۱ ج ۱۴ ص ۱۵۲ روضة الطالبین ج ۱۷ ص ۱۲۶۳ نهاية المحتاج ج ۱۷ ص ۱۱۴۳ المغنی ج ۱۷ ص ۱۱۹۱ الشرح الكبير ج ۸ ص ۱۷۸ کشف القناع ج ۱۵ ص ۱۱۵۲ شرح زرکشی ج ۲ ص ۱۴۳۵

(۴) الاختیار بتعلیل المختار ج ۱۳ ص ۱۱۶۳ میسوط سرخسی ج ۱۶ ص ۱۲۶ بحر الرایق ج ۱۴ ص ۱۵۴ کشف القناع ۱ ص ۱۳۴۲ حاشیه ابن عابدین ج ۱۳ ص ۱۱۲۰

(۵) مغنی ج ۱۷ ص ۱۱۹۱ بحر الرایق ج ۱۳ ص ۱۱۶۵ تاج والاکیلی ج ۱۳ ص ۱۱۴۱ فتاوی ابن صلاح ج ۲ ص ۱۶۹۰ الوسیط فی المذهب ج ۱۵ ص ۱۲۲۶ مغنی المحتاج ج ۱۳ ص ۱۳۲۷

د - رجعت بجزء لفظ به چیزی دیگری ثابت نمی گردد و فعل که به همراهی نیت باشد رجعت را ثابت نمیگرداند. (۲)

این فریق از فقهاء با استدلال از این پیش فرض ها خلوت صحیحه را در رجعت مؤثر نمیدانند .
قول دوم : این فریق از فقهاء که حنبلی ها میباشد در آخرین قول شان میگویند که خلوت صحیحه باخانم رجعت بحساب میاید در صورت که خانم به طلاق رجعی طلاق شده باشد که در این قول شان استدلال میکنند به قیاس شان که خلوت صحیحه باخانم ، هم بستری شمرده میشود. (۳)

قول راجح : بعد از اینکه هر دو قول از فقهاء را پیرامون موضوع مطالعه و ذکر نمودم در اینجا این ضرورت پیدامیگردد تا مذهب راجح رانیز خدمت خوانندگان گرامی به عرض برسانم ، من که کوشیدم در مورد دقت نظر کنم دریافتم که سخن جمهوری فقهاء راجح میباشد که نکات اش را ذیلا بیان میدارم .

۱ - دلایل شان قوی میباشد

۲ - بدون شک چیزی که به رجعت دلالت میکند قول و فعل میباشد که او چیز است با عقل و شریعت موافق است که در نزد فریق دوم اعتبار داده نشده .

۳ - مجرد خلوت در رجعت نفع بردن اعتبار داده نمیشود زیرا خلوت به معنی هم بستری نبوده و چیزی که دلالت بر رجعت میکند او هم بستری است و خلوت هم بستری نبوده

۴ - قیاس خلوت بر هم بستری درست نیست زیرا خلوت قایم مقام هم بستری نمی شود چون خلوت به وضاحت به رجعت دلالت میکند در حال که خلوت دلالت به رجعت نمی کند.

(1) شرح فتح القدیر اج ۱۳ ص ۱۳۳۳ تبیین الحقایق اج ۱۱۴۴۱۲ منج الجلیل اج ۱۴ ص ۱۸۲ و ۱۱۹۶ حاشیه رملی اج ۱۳ ص ۱۳۹۸ فتح المعین اج ۱۴ ص ۱۵۲ مبسوط سرخسی اج ۶ ص ۱۲۰ حاشیه ابن عابدین اج ۱۳ ص ۱۱۱۹
المجوع اج ۱۹ ص ۱۱۹۲ مغنی المحتاج اج ۱۳ ص ۱۳۳۷ الاختیار لتعلیل المختار تحقیق عبداللطیف محمد عبدالرحمن اج ۱۳ ص ۱۱۶۳
(2) (الکافی اج ۱) ۱۱ ص ۱۲۹۱ المهذب اج ۱۲ ص ۱۰۳ مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابرار اج ۱۲ ص ۱۸۱
(3) المغنی اج ۱۷ ص ۱۱۹۱ شرح الکبیر اج ۱۸ ص ۱۷۸ شرح زرکشی اج ۱۲ ص ۱۴۳۵ کشاف القناع اج ۵ ص ۱۱۵۲

بنا بر این وجه رجحان به وضاحت دانسته میشود، پس گفته میتوانیم که نظریه جمهوری فقهاء راجح میباشد «اتبیعوا سواد الاعظم» .

قانون مدنی افغانستان :

در قانون مدنی افغانستان در مورد اثر خلوت صحیحه بر رجعت واژه را پیدا نکردم که از آن صراحتاً و یا هم اشارتاً اثر خلوت صحیحه بر رجعت را دانسته شود که خود یک نقیصه بزرگ در مدونه تقنین کشور بشمار میرود .

مبحث پنجم: اثر خلوت صحیح بر نفقه

قبل از اینکه به بحث تاثیر خلوت بر نفقه پردازیم لازم میدانم تا در رابطه به تعریف نفقه کوتاه اشاره داشته باشیم .

مطلب اول: تعریف نفقه

أ - تعریف نفقه لغتا : نفقه در لغت به معنی تمام شدن و محو شدن آمده است و هم چنان به معنی خرچ کردن نیز میباشد و نیز به معنی چیزی که تعیین شده است برای خانم بر شوهر از قبیل مال ، نان ، کالا ، خانه ، محافظت ، و غیره میباشد که جمع آن نفقات و نفاق میاید ، و یاهم به معنی آنچه که بر اهل و اولاد خویش مصرف میشود میاید .^(۱)

ب - تعریف نفقه شرعا : فقهاء در مورد نفقه تعریف های ذیل را ذکر نموده است .

نفقه عبارت از پوره نمودن کسی که مسئولیت پوره نمودن نان ، کالا ، خانه ، و ضرورت های انسانی را دارد میباشد .^(۲) - و یاهم عبارت از آن چه که بر شوهر واجب میباشد از قبیل نفقه خانم ، کالاهای خانم که به طریقه معروف باشد و این در حالیکه که خانم خود را به شوهر تسلیم نموده باشد و امکان نفع بردن شوهر از خانم موجود بوده باشد .^(۳) -

ج - اسباب نفقه : فقهاء اسباب موجهه برای نفقه را به سه نوع میدانند ۱ - نکاح ۲ قرابه ۳ و ملک یمین میباشد .

مطلب دوم: اثر خلوت صحیح بر نفقه

اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم اتفاق دارند به اینکه هر گاه مردی با خانم ازدواج کند که با او هم بستری نکرده باشد ، در این وقت اگر حبس از جانب خانم بوده باشد برای خانم نفقه بر شوهر

(۱) قاموس المحيط اج ۱۱ ص ۱۱۹۵ مصباح المنیر اج ۲ ص ۱۶۱۸ معجم الوسیط اج ۱۲ ص ۱۹۴۲ الافعال تالیف ابوالقاسم علی بن جعفر سعیدی اج ۳ ص ۱۲۳۲ العین اج ۵ ص ۱۷۷۹ اتاج العروس اج ۲۶ ص ۴۳۳ اللسان العرب اج ۱۰ ص ۱۳۵۸
(۲) مطالب اولی النهی اج ۱۳۳ ص ۹۱ مجموع الفتاوی اج ۳۳ ص ۱۹
(۳) منار السبیل اج ۲ ص ۱۲۶۶ الکافی فی فقه ابن حنبل اج ۱۳ ص ۱۳۵۴

نیست و اگر از جانب شوهر بوده باشد برای خانم بر شوهر نفقه واجب می‌باشد اما تنها حضرت امام حسن رضی الله عنه می‌گوید که بر شوهر هیچ نفقه نیست تا وقتی که با خانم هم بستری نکرده باشد (۱).

اما فقهاء در مورد استحقاق خانم نفقه را بردو گروه تقسیم می‌شوند که ذیلاً به آن می‌پردازیم .

۱ - جمهوری فقهاء که شامل حنفی ها ، حنبلی ها، قول صحیح به نزد مالکی ها ، و شافعی ها در قول قدیم شان به این باور اند که خلوت صحیحه قایم در مقام هم بستری در بعضی احکام می‌باشد که از جمله آن ثبوت نفقه برای خانم در مدت عدت می‌باشد . (۲)

پس از این به وضاحت دانسته میشود که خلوت مؤثر در ثبوت نفقه می‌باشد .

۲ - بعضی از مالکی ها و بعضی از شافعی ها می‌گویند : که هرگاه خانم انکار کند هم بستری را در خلوت، نفقه واجب نمی‌گردد و هم چنین هر گاه هر دو جانب عدم هم بستری را تصدیق نماید نیز نفقه واجب نمی‌گردد و نیز گفتن نفقه واجب می‌گردد هرگاه هر دو تصدیق کند هم بستری را و یا اینکه شوهر هم بستری را در خلوت تصدیق کند نفقه واجب می‌گردد. (۳)

دلایل قول اول :

۱ - جمهوری فقهاء می‌گویند : که در خلوت صحیحه عدت واجب می‌گردد و هرگاه عدت ثابت گردد نفقه و سکنی نیز در مدت عدت ثابت می‌گردد ، در اینجا ثبوت نفقه را به عدت قیاس کرده اند . (۴)

۲ - خانم تا هنگام که در عدت باشد حبس شده می‌باشد به خاطر حق شوهر، پس نفقه برای زن بر شوهر واجب می‌باشد . (۱)

(1) الإجماع ج ۱ ص ۱۷۸
 (2) شرح فتح القدیر ج ۳ ص ۱۳۳۳ تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۱۴۴ بحر الرایق ج ۳ ص ۱۱۶۵ المغنی ج ۲ ص ۱۱۹۱ شرح الکبیر ج ۱ ص ۱۷۸۱ کشف القناع ج ۱ ص ۱۱۵۲ الانصاف ج ۸ ص ۱۲۸۵ حاشیه دسوقی ج ۲ ص ۱۴۶۹ شرح الکبیر تالیف علامه در دیر ج ۲ ص ۱۴۱۸ حاشیه عدوی ج ۱ ص ۱۲ ص ۱۱۵۳ شرح مختصر خلیل ج ۴ ص ۸۲ الحاوی الکبیر ج ۱ ص ۱۱۱ ص ۱۲۱۹ حاشیه رملی ج ۱ ص ۳۹۸
 (3) حاشیه دسوقی ج ۱ ص ۱۲ ص ۱۴۶۹ حاشیه عدوی ج ۱ ص ۱۲۳ ص ۱۱۵۳ شرح مختصر خلیل ج ۴ ص ۱۸۳ حاشیه رملی ج ۱ ص ۱۳ ص ۱۳۹۸
 (4) کشف القناع ج ۱ ص ۱۱۵۲ شرح مختصر خلیل ج ۴ ص ۱۸۲

۳ - خانم در خلوت نفس خویش را برای شوهرش تسلیم میکند و به تسلیم نفقه نیز واجب میگردد.^(۲)

دلایل قول دوم :

۱ - خلوت باخانم قایم در مقام هم بستری شده نمیتواند ، پس نفقه نیز واجب نمی گردد .^(۳)

۲ - میگویند که عدت در خلوت صحیحه واجب نمیگردد تا هنگام که هر دو اقرار به هم بستری نکنند و یا این که شوهر به هم بستری اقرار کند در این هنگام نفقه واجب میگردد و اگر خانم انکار کند بر او عدت واجب میباشد ولی نفقه واجب نیست .^(۴)

بنا بر این دلایل ، این فریق از علماء به این باورند که خلوت صحیحه در نفقه مؤثر نبوده .

قول راجح : بعد از ذکر دلایل هر دو فریق از فقهاء به وضاحت ظاهر میگردد که قول جمهوری فقهاء راجح بوده که در خلوت صحیحه نفقه واجب میگردد از جهت اینکه نفقه با عدت ارتباط وثیق و محکم دارد .

قانون مدنی افغانستان :

در قانون مدنی افغانستان صراحتی نیافتم که مواد آن از تاثیر خلوت صحیحه بر نفقه بحث کرده باشد ، اما همواره وجوب نفقه از کلمه زوج و زوجه حرف زده است و این اصطلاحات اشعار بر آنست که زوجیت بعد از عقد ، دخول ، و یا هم خلوت صحیحه اطلاق میگردد که در قانون مدنی افغانستان بکار رفته ، و قانون مدنی افغانستان نفقه بر زوجه واجب دانسته است ، با استنباط از مفهوم مواد قانون گفته میتوانیم که قانون مدنی افغانستان نیز خلوت صحیحه را مؤثر در وجوب نفقه میداند .

(1) الانصاف اج ۸ ص ۱۲۸۵ شرح الکبیر اج ۲ ص ۱۴۱۹
 (2) الحاوی الکبیر اج ۱۱ ص ۱۲۱۹ مغنی اج ۷ ص ۱۱۹۱
 (3) حاشیه دسوقی اج ۲ ص ۱۴۶۹ حاشیه رملی اج ۳ ص ۱۳۹۸
 (4) حاوی الکبیر اج ۱۱ ص ۱۲۱۹ شرح مختصر خلیل اج ۴ ص ۱۸۳

مبحث ششم: اثر خلوت صحیح بر تحریم مصاهرت و ربیبه

در نخست باید گفت که هیچ اختلاف میان فقهاء در مورد اینکه نکاح درست و صحیح حرمت ازدواج را با یک طائفه از زنان بسبب مصاهرت ثابت میسازد چنانچه از آن در مبحث قبلی بحث صورت گرفت و تعریف آن نیز شرح شد، اما در این جا اول لازم میبندیم تا ربیبه را تعریف و شرح نماییم و بعد میپردازیم در مورد اثر خلوت بر تحریم ربیبه.

مطلب اول: تعریف ربیبه

أ - تعریف ربیبه در لغت: ربیبه از این قول عربها مأخوذ میباشد که میگویند: ربیبه الرجل برای دختری خانم که از دیگر شوهرش باشد، وهم چنین «راب» گفته میشود برای مردی که او اولادی از غیر این خانم داشته باشد و کافل گفته میشود برای شوهر مادری یتیم و نیز ربیب و راب برای شوهری مادر گفته شده وهم چنان رابه برای خانم پدر نیز گفته شده است.^(۱)

تعریف ربیبه در شرع: فقهاء حنفی، مالکی، شافعی، وحنابله رحمهم الله ربیبه را چنین تعریف نموده اند که ربیبه عبارت از دختری خانم است که از شوهر دیگرش باشد و نکاح آن دختر بر این مردی که با مادر این دختر ازدواج نموده و دخول نیز نموده حرام میباشد و اگر قبل از دخول طلاق داده باشد جایز است که با دختر او ازدواج نماید.^(۲)

چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَرَبَائِبُكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَاءِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ) ^(۳)

(۱) لسان العرب اج ۱۱ ص ۱۴۰۵ مختار الصحاح اج ۱۱ ص ۱۹۶ معجم الوسیط اج ۱۱ ص ۱۳۲۱ مصباح المنیر اج ۱۱ ص ۱۲۱۴
(۲) مبسوط سرخسی اج ۱۴ ص ۱۱۹۹ حاشیه ابن عابدین اج ۳ ص ۱۳۱ الاستذکار اج ۵ ص ۱۴۵۷ حاشیه عدوی اج ۲ ص ۱۷۳ حاوی الکبیر اج ۱۹ ص ۱۱۹۹ الاقناع اج ۲ ص ۱۴۱۸ حاشیه قیلوبی اج ۳ ص ۱۲۴۳ کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه فی الفقه اج ۳۲ ص ۱۶۵ کشاف القناع اج ۱ ص ۱۵ ص ۱۷۱
(۳) سوره نساء آیت ۲۳

ترجمه: و حرام قرار داده شده بر شما دختران زنان شما که در خانه های شماست از زنان شما که با آن ها هم بستری کرده اید و اگر با آنها هم بستری نکرده اید هیچ گناه بر شما نیست که با ایشان نکاح کنید.

و هم چنین اجماع فقهاء بر این است که مردی هر گاه با خانم ازدواج کند و بعد بمیرد و یا هم طلاق دهد بدون اینکه با او خانم هم بستری کند حلال است برای آن مرد ازدواج کردنش با دختر آن خانم.^(۱)

مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر تحریم ربیبه

مسئله اینکه هر گاه مردی با خانم خود خلوت صحیحه نماید آیا ازدواج او با دختر آن خانم که از این شوهرش نیست حرام میباشد یا خیر؟ به این مطلب که آیا خلوت صحیحه قایم در مقام هم بستری میشود که بسبب او نکاح ربیبه را حرام بشماریم؟

فقهاء در این مورد اختلاف نموده اند، که در اینجا نیز به دو فریق ذیل تقسیم میشود.

۱ - جمهوری فقهاء به این باورند که مجرد خلوت با مادر ازدواج را با دختر حرام نمیسازد که به این قول حنفی ها، مالکی ها، شافعی ها، و قول راجح به نزد حنبلی ها ذهاب نموده اند زیرا که آنها خلوت صحیحه را قایم در مقام هم بستری در بعضی احکام میدانند که از جمله آن ثبوت نفقه در مدت عدت میباشد.

که این فریق از فقهاء به قرآن کریم، اجماع، و آثار استدلال میکنند:

أ - قرآن کریم:

الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَرَبَّائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ) (۲)

(۱) الاجماع ج ۱ | ص ۱۷۶
(۲) سوره نساء آیت ۲۳

ترجمه : و حرام قرار داده شده بر شما دختران زنان شما که در خانه های شماست از زنان شما که با آن ها هم بستری کرده اید و اگر با آنها هم بستری نکرده اید هیچ گناه بر شما نیست که با ایشان نکاح کنید .

وجه دلالت : علامه ابن کثیر و بعضی دیگری از علماء میگویند : این آیت مبارکه به این دلالت دارد که ازدواج با دختر خانم «ربیبه» حرام میباشد مشروط بر اینکه با مادر آن دختر هم بستری صورت گرفته باشد و اگر هم بستری صورت نگرفته باشد ازدواجش جایز میباشد .^(۱)

ب - اجماع :

فقهاء بر این اجماع نموده اند که ازدواج با دختر خانم «ربیبه» حرام میباشد که شوهر مادرش بامادرش هم بستری نموده باشد اگرچند که خانم در خانه این شوهرش نبوده باشد.^(۲)

و هم چنان بر این اجماع نموده اند که هرگاه مردی با خانم ازدواج نماید و بعد طلاق دهد و یا هم بمیرد بدون اینکه با آن هم بستری نموده باشد برای آن مرد دختری آن خانم حلال میباشد ، و با وجود اینکه روایات از حضرت علی کرم الله وجهه وجود دارد مبنی بر اینکه حضرت علی رضی الله عنه رخصت داده است وقتی که دختر «ربیبه» در خانه شوهر مادر نبوده باشد و غایب باشد ولو که با مادرش هم بستری هم کرده باشد ، نکاح او با شوهر مادر حلال میباشد . اما این روایت همه مخالف اجماع امت و همه روایات میباشد .^(۳)

ج - آثار :

آنچه روایت از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما شده است که او در قول الله سبحانه و تعالی (مِنْ نِسَاءِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ) فرموده اند : که دخول عبارت از نکاح میباشد و از نکاح جماع را اراده

(1) تفسیر ابن کثیر اج ۱۱ ص ۱۴۷۱ فتح القدیر اج ۱۱ ص ۱۴۴۵

(2) شرح صحیح البخاری تألیف ابن بطال اج ۱۷ ص ۱۲۱۲

(3) الاستیعاب فی معرفة الاصحاب تألیف ابن حجر اص ۵۲۷ - ۵۴۴ الاصابة فی تمیز الصحابة اج ۴ ص ۱۵۶۴ الاجماع اج ۱۱ ص

شده است و هم چنین در قول مس، لمس، وافضاء، نیز همان قول را گفته اند و از حضرت طاوس روایت میکنند که او گفته است که دخول عبارت از جماع میباشد. (۱)

خلاصه سخن : خلوت با مادر نکاح را با دختر (ربیبه) حرام نمی گرداند تا وقت که با مادرش هم بستری صورت نگرفته باشد و هرگاه با مادرش هم بستری صورت بگیرد نکاح با دخترش «ربیبه» حرام میباشد چون در این باره دلایل قوی وجود دارد خصوصا آنچه که در قرآن کریم آمده است و آثار که در این باره روایت شده و هم چنان اجماع علماء امت نیز منعقد گردیده است که مخالف بر آن دیده نمیشود .

قانون مدنی افغانستان :

در قانون مدنی افغانستان در رابطه خلوت صحیحه با مادر ربیبه و تحریم نکاح ربیبه هیچ مورد را نیافتم که از آن تاثیر خلوت صحیحه را بر تحریم ربیبه دانسته شود .

(1) سنن بیهقی الکبری ج ۱ ص ۱۷۱ ص ۱۱۶۲

مبحث هفتم: اثر خلوت صحیحه بر احسان

مطلب اول: تعریف احسان

أ - تعریف احسان لغتا : احسان از حیث لغت از حصن المكان مأخوذ میباشد که به معنی منع و جان نگهداشتن آمده است و قول عربها که میگویند امرأة حصان به خانم که پاک دامن و نگاه شده و متزوج باشد آمده است و هم چنان محصنه به خانم که شوهرش او را نگاه بدارد گفته شده است و هم چنین محصنات به زنان پاک دامن نیز گفته میشود چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید: (فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفٌ مَّا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ) (۱)

ترجمه: پس هرگاه کنیزها ازدواج نمودن و بعد به فحشا رو آوردن پس برایشان نصف عذاب است که بر زنان آزاده ازدواج کرده تطبیق میگردد .

و زنان بسبب اسلام ، پاک دامنی ، آزادی ، و ازدواج محصنه میگردن و هر خانم ازدواج کرده محصنه میباشد و مردان به ازدواج محصن میگردن چنانچه در آیه مبارکه آمده است (مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ) (۲)

که معنی آن مردان ازدواج کننده و غیرزناکننده میباشد و اینکه عربها گفته اند احسان الفرج عبارت از پاکی آن میباشد . (۳)

ب - تعریف احسان شرعا: از احسان محصن و محصنه مشتق میباشد فقهاء محصن را چنین تعریف نموده اند .

(1) سوره نساء آیت ۲۵

(2) سوره نساء آیت ۲۴

(3) لسان العرب اج ۱۱۳ ص ۱۲۰ | تاج العروس اج ۱۳۴ ص ۴۳۵-۴۳۶ | مختار الصحاح اج ۱۱ ص ۱۵۹ | معجم الوسيط اج ۱ ص ۱۱۸۰

۱ - حنفی ها محصن را چنین تعریف نموده اند : محصن عبارت از کسی است که در امن و منع از زنا میباید و او به این باور است که محصن منع شده و پاک دامن میباید از زنا و بر او ترس عذاب را در دینش داده شده است. (۱)

مالکی ها میگویند : محصن عبارت از مردی است که ازدواج کرده است و تمام شرایط مردی متزوج بر او میباید. (۲)

شافعی ها میگویند : محصن عبارت از مرد آزاد، مسلمان، عاقل، بالغ، عقیف، از زنا وهم بستری که موجب حد میگردد میباید. (۳)

حنبللی ها میگویند : محصن عبارت از مردی میباید که خانم خود را در محل جماع اش به نکاح صحیح جماع کرده باشد در حال که هر دو بالغ، عاقل، آزاد باشد و اگر این شروط مختل گردید هر دو در احصان نمیباشد. (۴)

پس از خلال هر دو تعریف هم اصطلاحی وهم لغوی دانسته میشود که میان هر دو تعریف اتفاق از حیث مفهوم وجود دارد و این را نیز باید دانست که کلمه محصن بر مردان و محصنه بر زنان تعریف کرده میشود.

مطلب دوم: اثر خلوت صحیحه بر احصان

اجماع بر این منعقد میباید که مردان اگرچند که عقد نکاح هم کند محصن نمیگردد، تا اینکه همبستری نکند و نیز بر این اجماع نموده است که هرگاه دو شاهدشاهی دهد بعد از اقرار دو شاهد محصن میگردد وهم چنان اجماع نموده اند بر اینکه اگر مردی باخانم هم بستری کند و یک مدت

(1) مبسوط سرخسی ج ۱۹ ص ۳۹ در الاحکام شرح غرر الاحکام تالیف علامه حیدر ج ۵ ص ۱۳۲۹
 (2) التلقین فی الفقه المالکی تالیف عبدالوهاب بن علی بن نصیر ثعلبی امکه مکرمه تحقیق محمد ثالث سعید غانی ج ۲ ص ۱۴۹۷ ذخیره ج ۱۲ ص ۱۱۰۲۱
 (3) مغنی المحتاج ج ۴ ص ۱۱۴۶ تحفة الحیب ج ۱ ص ۱۵۳۶
 (4) شرح الکبیر ج ۱ ص ۱۵۸ دلیل الطالب تالیف ابن یوسف حنبلی ج ۱ ص ۱۲۰۶ شرح منتهی الارادات ج ۳ ص ۳۴۳

زیادی را بگذرانند و بعد از ایشان وفات کند در این زنا رجم کرده نمیشوند تا اینکه به همبستری اقرار کنند.^(۱)

باید تصریح نمود که میان فقهاء هیچ اختلاف وجود ندارد که خلوت صحیحه باخانم عقد شده احصان را ثابت نمی سازد تا زمان که با وی هم بستری صورت نگیرد که اقوال فقهاء را ذیلاً بیان میداریم.

۱ - حنفی ها میگویند: مردان بسبب خلوت صحیحه محصن نمیگردد زیرا حنفی ها خلوت صحیحه را در بعضی احکام قایم در مقام هم بستری نمیگردانند که از آن جمله احصان میباشد پس زنان به مجرد خلوت صحیحه محصن نمیگردد.^(۲)

۲ - مالکی ها میگویند: احصان ده شرط میداشته باشد و از جمله آن همبستری و مجامعت مباح میباشد در نکاح و خلوت صحیحه در شروط احصان ذکر نگردیده است.^(۳)

۳ - شافعی ها میگویند: خلوت صحیحه برای اینکه قائم در مقام مجامعت نبوده، زیرا در مجامعت احکام است که مختص به مجامعت میباشد مانند وجوب حد، غسل، ثبوت احصان و غیره و این همه احکام در خلوت صحیحه منتفی میباشد بجزء از اکمال مهر و عدت، و هرگاه چنین بود اعتبار سایر احکام نیز از آن منتفی میگردد پس خلوت صحیحه احصان را ثابت نمی سازد.^(۴)

۴ - حنبلی ها میگویند: احصان به مجرد خلوت ثابت نمیگردد و هم چنین به عقد و جماع در دُبر نیز ثابت نمیگردد زیرا احصان بجزء از همبستری به چیزی دیگری ثابت نمیگردد پس زنان و مردان به بسبب خلوت صحیحه محصن و محصنه نمیگردد.^(۵)

دلایل فقهاء :

(1) الاجماع ج ۱۱ ص ۱۷۵
 (2) مبسوط سرخسی ج ۹ ص ۱۴۳ تبیین الحقائق ج ۲ ص ۱۱۴۴ بحر الرایق ج ۳ ص ۱۱۶۵ حاشیه ابن عابدین ج ۳ ص ۱۱۱۹
 (3) شرح الکبیر ج ۴ ص ۱۳۲۰ حاشیه عدوی ج ۲ ص ۱۴۱۸ بلغة السالک ج ۴ ص ۱۲۳۸
 (4) حاوی الکبیر ج ۹ ص ۱۵۴۲ اسنی المطالب ج ۳ ص ۱۱۵۰
 (5) شرح الکبیر ج ۸ ص ۱۷۸ المغنی ج ۱۷ ص ۱۱۹۲ کشاف القناع ج ۵ ص ۱۱۵۲ شرح منتهی الارادات ج ۳ ص ۱۳۴۴

ا - برای هم بستری احکام مخصوص میباشد از قبیل وجوب حد ، غسل ، افساد عبادات ، وجوب کفاره ، و از خلوت صحیحه جمیع این احکام منتفی میباشد پس خلوت صحیحه را در تمام احکام هم بستری شمرده نمیشود .^(۱)

ب - هر چیزی را که در آن در یک جانب عقد حق تسلیم ثابت نگردد در جانب دیگر نیز حق تسلیم ثابت نمیگردد از روی قیاس بر تسلیم مبیعه و اشیایی اجاره شده که قبل از قبض به آن مانع وجود داشته باشد .^(۲)

ج - مقصود در احصان شکست شهوت به اصابت حلال میباشد تا از حرام بی پروای جسته شود و این در خلوت صحیحه حاصل نمیگردد و اینکه خلوت صحیحه تسلیم شمرده میشود برای ذی حق به اثر عقد میباشد نه به خلوت .^(۳)

د - خلوت صحیحه را مانند اکمال در چیزی که از حکم عقد است گردانیده میشود ، و احصان از احکام عقد نیست زیرا در ثبوت حکم احصان اقرار به جماع از شوهر و خانم الزامی میباشد^(۴)

ه - احصان برای اکمال نعمت اعتبار شده است و هر که نعمت را اتمام کند جنایت اش نیز سزاوار به زیادت عذاب است و نعمت در حق مردی آزاده مکلف کامل تر است .^(۵)

بناء فقهاء کرام با استدلال از این دلایل خلوت صحیحه را در احصان مؤثر نمی دانند .

(1) الحاوی الکبیر اج ۹ ص ۱۵۴۲ المغنی اج ۷ ص ۱۹۱ شرح الکبیر اج ۸ ص ۱۷۸ کشف القناع اج ۱۵ ص ۱۱۵۲

(2) الحاوی الکبیر تحقیق شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود ابیروت اج ۹ ص ۱۵۴۲

(3) مبسوط سرخسی اج ۹ ص ۱۴۳

(4) مبسوط سرخسی اج ۵ ص ۱۱۵۰

(5) مطالب اولی النهی اج ۶ ص ۱۱۷۶ المغنی اج ۹ ص ۱۴۲ شرح منتهی الارادات اج ۳ ص ۳۴۴

مبحث هشتم: خلوت صحیحه باخانم چهارم پنجم را حرام میسازد

اسلام عزیر تعدد زوجات را برای مردان مباح گردانیده است اما این رویش را مطلق رها نکرده است بلکه انحصار نموده است براینکه تا چهار زن برای یک مرد اجازه است و از چهار زن بیشتر حرام میباشد، پس برای مردان جایز نیست که بیشتر از چهار زن را در آن واحد داشته باشد. که در این مورد دلایل واضح از قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع امت وجود دارد که ذیلا به آن میپردازیم:

۱ - قرآن کریم: الله سبحانه و تعالی میفرماید: (فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلِي وَتِلْكَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً) (1)

ترجمه: نکاح کنید شما مردان مسلمان آنچه که برای شما خوش آیند است از زنان دودو و سه سه و چهار چهار و اگر خوف داشتید اینکه عدالت نمیتوانید پس یک زن بگیرید.

۲ - سنت: در این مورد احادیث زیادی روایت شده است که مفاد همه یکی میباشد چنانچه در قضیه غیلان بن اسلم رض ثابت است که او ایمان آورد در حال که ده تن زن داشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برایش گفت: از میان زنان چهار تن انتخاب کن. (2)

۳ - اجماع: علماء بر این اجماع نموده اند که هرگاه مردی خانم خویش را طلاق دهد به طلاق رجعی، برای او اجازه نکاح کردن با خواهر خانم طلاق شده و یا هم خانم چهارم از غیر این نیست تا وقتی که از عدت خلاص نشود. (3)

بنابراین از همه دلایل دانسته میشود که مردان بیشتر از چهار زن اجازه ندارد چنانچه این را از قرآن کریم به وضاحت دانسته میشود که جواز ازدواج را تا چهار زن نموده است و هم چنین از قضیه نهفته در اسلام آوردن حضرت غیلان و طلاق او زنانش را که بیشتر از چهارتن بود نیز دانسته میشود و هم چنین از

(1) سوره نساء آیت ۳

(2) سنن ابن ماجه باب الرجل یسلم و عنده تاكثر من اربع نسوة اج ۱۱ ص ۶۲۸ | شماره حدیث ۱۹۵۳

(3) الاجماع اج ۱۱ ص ۱۷۷

اجماع امت نیز این تبارز میکند که فقهاء برای مردان بیشتر از چهار زن اجازه نداده است، پس در اسلام تعدد زواج به چهار مقید میباشد.

مسئله : در اینجا سوال پیدا میگردد که اگر مردی باخانم چهارم خلوت کند آیا این خلوت را مانند خلوت باسه زن دیگرش اعتبار داده میشود و آیا این مرد میتواند با خانم دیگری «پنجم» ازدواج نماید یاخیر؟

فقهاء در این مورد اتفاق نظر دارند به اینکه هرگاه مردی باخانم چهارم خویش خلوت کند، ازدواج او با خانم پنجم حرام میباشد تا اینکه عدت طلاق شده یکی از چهار خانم بگذرد که ذیلا اقوال فقهاء را مفصلا در زمینه بیان میداریم :

۱ حنفی ها : فقهاء احناف خلوت صحیحه را قایم در مقام هم بستری در بعضی احکام نموده است که از جمله خلوت صحیحه را قایم در مقام هم بستری در اکمال مهر، ثبوت نسب، عدت، نفقه، خانه، گردانیده اند و هم چنین خلوت صحیحه در این عدت قایم در مقام هم بستری در نکاح خواهر زن و نیز خانم پنجم گردانیده است. (۱)

به این معنی که فقهاء احناف نکاح کردن را باخواهر خانم که طلاق شده است ولی در حال عدت گذراندن است تا تمام عدت آن خانم جواز نداده است و هم چنین جواز نمیدهند نکاح کردن را باخانم پنجم که خانم طلاق شده چهارم در عدت بوده باشد.

۲ - مالکی ها : فقهاء مذهب امام مالک رحمه الله میگویند که حرام بودن خانم پنجم مربوط به وجوب عدت است و عدت آنگاه واجب میگردد که خانم وشوهر همبستری را در خلوت تصدیق کند و یاهم اختلاف داشته باشد زیرا عدت حق الله جل جلاله است پس به اتفاق زن وشوهر ساقط میگردد و با آنها به اقرار شان معامله صورت میگردد به این معنی که هرگاه هر دو اقرار کند به عدم مجامعت با

(1) تبیین الحقایق ج ۲/ص ۱۱۴۴ بحر الرایق ج ۱۳/ص ۱۱۶۵ حاشیه ابن عابدین ج ۳/ص ۱۱۲۰

ایشان در حیطه حق شان معامله صورت میگرد، بطوری که برای خانم نفقه، کالا، نقص مهر، بوده و برای شوهر نداشتن صلاحیت رجعت وهم چنان بازداشتن است از ازدواج کسی که جمع کردنش با این خانم حرام میباشد و نیز بازداشته میشود از ازدواج با خانم زیاده از چهار. (۱)

بنابراین فقهاء مذهب امام مالک رحمه الله نیز نکاح کردن را با خانم پنجم که با چهارم خلوت نموده باشد حرام میدانند.

۳ - شافعی ها : میگویند که عدت به سبب خلوت برخانم واجب میگردد و خانم را از ازدواج بادیگران تا گذشت عدت باز میدارد و بر شوهر نیز عدت واجب است تا مدت که خانم در عدت است ، و اینکه بر شوهر واجب است به این معنی است که او انتظاری میکشد و با خانم دیگری ازدواج نمیتواند تا اینکه خانم از عدت خلاص گردد. (۲)

۴ - حنبلی ها : فقهاء مذهب امام احمد رح خلوت را قایم مقام هم بستری در تمام امور میدانند یعنی در حکم اینکه با خانم هم بستری نموده باشد و نیز در تکمیل مهر، وجوب عدت، تحریم خواهر خانم، و تحریم ازدواج چهار زن هر گاه این خلوت کرده را طلاق دهد تا اینکه عدتش تکمیل نگردیده باشد (۳).

بنابراین همه فقهاء مذاهب چهارگانه به این باورند که خلوت با خانم چهارم ازدواج با پنجم را حرام میسازد.

دلایل : فقهاء در این مورد به دلایل ذیل استدلال میکنند :

أ - اجماع صحابه کرام به این منعقد است که عدت بسبب خلوت صحیحه و غیر صحیحه واجب میگردد و ازدواج با خانم پنجم در این حالت جایز نیست مگر اینکه عدت خانم چهارم بگذرد (۴)

(1) منح الجلیل اج ۱۴ ص ۱۲۹۶ حاشیه دسوقی اج ۲ ص ۱۲۵۲
 (2) اعانة الطالبین اج ۱۴ ص ۱۳۷ اسنی المطالب اج ۱۳ ص ۱۱۵۲ تحفة الحیب علی شرح الخطیب اج ۴ ص ۱۳۸۴
 (3) المغنی اج ۱۷ ص ۱۱۹۱ شرح الکبیر اج ۱۸ ص ۱۷۷ شرح زرکشی اج ۲ ص ۱۴۳۵ کشاف القناع اج ۵ ص ۱۷۱
 (4) المغنی اج ۱۷ ص ۱۱۹۱

ب - قرآن کریم : الله سبحانه وتعالى میفرماید : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَآخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (۱)

ترجمه: و چگونه او پس میگیرد مهریه را که برای خانم هایتان داده اید در حال که شما باهم خلوت نموده اید و آنها از شما تعهد محکم در عقد نکاح گرفته است . فقهاء میگویند که مقصود از افشاء در این آیت مبارکه خلوت میباشد و حکم آن در جمیع امور مانند حکم هم بستری میباشد که از جمله آن حرام بودن خانم است که چهارم را طلاق داده و هنوز در عدت است یعنی حرام بودن خانم پنجم است که چهارم را طلاق داده اما در حال سپری نمودن عدت میباشد . (۲)

ج - در خلوت حق الله سبحانه وتعالى تعلق میگرد مانند عدت و غیره و جایز نیست ازدواج خانم پنجم مگر بعد از سپری نمودن خانم چهارم طلاق شده عدت را . (۳)

د - علماء اعتبار داده اند که بر مرد نیز عدت واجب میباشد و آن به این معنی است که ازدواج او با خانم پنجم حرام میباشد تا اینکه عدت خانم طلاق شده چهارم بگذرد زیرا این احتمال وجود دارد که رجوع صورت بگیرد در حالکه او صاحب پنج خانم باشد که در شریعت اسلام حرام قلم داد شده است و یا هم سبب شود که شوهر مجبورا یکی از زنان خویش را طلاق دهد در حالیکه اشتیاق به طلاق زنان خویش ندارد . (۴)

بنابراین در یک جمله باید گفت که خلوت با خانم چهارم ازدواج پنجم را حرام میسازد .

(۱) سوره نساء آیت ۲۱

(۲) مغنی اج ۱۷ ص ۱۱۹۱ شرح الکبیر اج ۸ ص ۱۷۷ تبیین الحقایق اج ۲ ص ۱۱۴۴

(۳) منح الجلیل اج ۴ ص ۱۲۹۶ شرح زرکشی اج ۲ ص ۱۴۳۵

(۴) اعانة الطالبین اج ۴ ص ۱۳۷ تحفة الحبيب علی شرح خطیب اج ۱۴ ص ۳۸۴

مبحث نهم : اثر خلوت صحیحه بر تحلیل

مطلب اول: مفهوم تحلیل

أ - مفهوم تحلیل در لغت : تحلیل از حیث لغت مصدر حَلَّ است که اسم فاعل آن محلل میاید که معنی آن حلال کننده و بازکننده میباشد و اینکه عربها میگویند حلیلة الرجل بمعنی خانم آن مرد است و حلّیل و حلّیله که در استعمالات شان آمده بمعنی زن و شوهر «زوجان» میباشد.

مثلا که عربها میگویند : احللت المرأة لزوجها یعنی که خانم را برای شوهرش حلال گردانیدم و هم چنان که در حدیث آمده است : لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم المحلل والمحلل له یعنی که پیامبر صلی الله علیه وسلم حلاله کننده و کسی که حلاله شده برای اوست مورد لعنت قرار داده است . و او چنان است که مردی خانم خود را طلاق دهد به سه طلاق و او را مردی دیگری به نکاح بگیرد اما مشروط به اینکه بعد از هم بستری آن خانم را طلاق دهد که تا ازدواجش با شوهر اول حلال شود .^(۱)

ب - تعریف محلل شرعا : محلل در اصطلاح شرع شریف به مردی گفته میشود که با خانم ازدواج میکند تا برای شوهر اولش حلال گردد .^(۲)

مطلب دوم: حکم تحلیل

فقهاء براین اجماع نموده اند که هرگاه مردی خانم خود را طلاق دهد به سه طلاق، دیگربرای او حلال نیست تا اینکه با کسی دیگری ازدواج کند و نیز براین اجماع نموده اند که اگر خانم برای شوهر اولی اش بگوید که من با کسی ازدواج نموده ام و با من هم بستری نموده است و شوهر دومی نیز تصدیق کند و بعد طلاق دهد برای شوهر اول حلال میگردد ، و نیز اجماع نموده اند براینکه هرگاه مردی آزادی خانم آزادی را به سه طلاق طلاق دهد و بعد عدت مفروضه را سپری کرده بامردی دیگری ازدواج کند که با او هم بستری کند و بعد طلاق دریافت کند و باز عدت را بگذراند و با شوهر

(1) لسان العرب ج ۱۱ ص ۱۶۸ | مختار الصحاح ج ۱۱ ص ۱۶۳ | مصباح المنیر ج ۱ ص ۱۱۴۷
 (2) العنایه شرح هدایه ج ۱۵ ص ۱۴۳۶ | حاشیه عدوی ج ۱۲ ص ۹۷ | المذهب ج ۱۲ ص ۱۴۶ | الانصاف ج ۱ ص ۱۱۶۱

اول ازدواج کند اینبار نیز شوهر اول صلاحیت سه طلاق را دارا میباشد. (۱) و دلیل فقهاء بر این اجماع این آیت قرآن کریم میباشد که الله سبحانه و تعالی میفرماید: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) (2)

ترجمه: پس اگر طلاق داد خانم اش را بعد از آن برایش حلال نیست تا اینکه آن خانم با شوهری دیگری ازدواج نماید .

و در مورد محلل شرایط نیز وجود دارد که از جمله آن اینست که او با این خانم طلاق شده بدون قید و شرط و نیز بدون هیچ اتفاق قبلی همراهی خانم و یا شوهری اولی ازدواج نماید و واجب است بر محلل که با خانم هم بستری کند چنانچه در حدیث شریف آمده است: که خانمی به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم! شوهرم مرا طلاق داده است و من با شوهری دیگری ازدواج نموده ام و بامن هم بستری نموده است و آلت تناسلی آن مثل جامه کهنه و فرسوده است «کنایه از اینکه آلت تناسلی او شکسته، کار برد ندارد» و گفت که بامن مقاربت نکرده مگر یکبار اندک که او در استفاده از من به چیزی نرسیده است یعنی کنایه از اینکه او به حد لذت نرسیده و انزال نشده است و گفت که آیا من به شوهر اولم حلال میباشم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: تو به شوهری اولت حلال نمیگرددی تا اینکه از شیرینی یک دیگر بچشید. ۳ اما امام مسلم رحمه الله در صحیح خویش در مورد آن خانم میگوید که آن خانم رفاعه قرظی بوده و شوهری دومی آن عبدالرحمن ابن زبیر میباشد (۴)

مطلب سوم: اثر خلوت صحیح بر تحلیل

(1) الاجماع ج ۱ ص ۸۱-۸۲

(2) سوره بقره آیت ۲۲۰

(3) صحیح البخاری کتاب طلاق باب من قال لأمراته انت علی حرام ج ۵ ص ۱۲۰۱۶ شماره ۱۴۹۶۴

(4) صحیح المسلم کتاب النکاح باب لا تحل المطلقة الثلاث حتی تنکح زوجا غیره ج ۲ ص ۱۱۰۵۶ شماره ۱۱۴۳۳

شکی نیست که ما در شرایط تحلیل همبستری را شرط عنوان نموده ایم که از شرایط اساسی تحلیل همین که محلل با خانم هم بستری نماید، اما بحث در این است که آیا اگر محلل باخانم خلوت صحیحه نماید و بعد طلاق دهد این خلوت هم بستری شمرده میشود یاخیر؟

در پاسخ به این سوال باید گفت: که هیچ اختلاف میان جمهوری فقهاء از حنفی ها، مالکی ها، شافعی ها، و حنبلی ها وجود ندارد مبنی بر اینکه دخول و یا همبستری در تحلیل شرط میباشد چنانچه میگویند: خانم طلاق شده به سه طلاق برای شوهر اولی حلال نیست تا اینکه باشوهر دومی همبستری کند و بعد طلاق دهد و عدت بگذراند و بعد حلال میگردد برای شوهر اول. (۱)

دلایل: جمهوری فقهاء در این قول شان به دلایل ذیل استدلال میکنند.

۱ - قرآن کریم: الله سبحانه و تعالی میفرماید: (وَحَلَائِلُ أَبْنَاءِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا) (۲)

ترجمه: حرام میباشد برای شما حلاله شده های پسران شما که از نسل شما است و نیز حرام میباشد برای شما نکاح دو خواهر که هر دو را یکجا به نکاح شما باشد.

وجه دلالت: علماء در ذیل این آیت میگویند که مقصود از تحریم در این آیت نکاح میباشد و مقصود از نکاح هم بستری میباشد. (۳)

۲ - سنت:

آنچه از مادرمان عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که میفرماید: خانم رفاعه قرظی به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: من خانم رفاعه بودم او مرا طلاق داد و طلاق هم باین بود

(1) شرح فتح القدیر اج ۳/ص ۱۳۳۳ تبیین الحقائق اج ۲/ص ۱۱۴۴ بحر الرائق اج ۳/ص ۱۱۶۵ حاشیه ابن عابدین اج ۳/ص ۱۱۱۹ شرح مختصرخلیل اج ۳/ص ۱۲۱۶ حاشیه عدوی اج ۲/ص ۱۱۰۱ منح الجلیل اج ۴/ص ۱۱۸۳ حاوی الکبیر اج ۹/ص ۱۵۴۲ الفتاوی الفقهیه تالیف علامه هینمی اج ۴/ص ۱۲۰۰ اسنی المطالب اج ۳/ص ۱۱۵۰ شرح الکبیر اج ۱۸/ص ۱۷۸ کشاف القناع اج ۵/ص ۱۱۵۲ الانصاف اج ۸/ص ۱۲۸۵۱ شرح زرکشی اج ۲/ص ۱۴۳۵

(2) سوره نساء آیت ۲۳

(3) تفسیر قرظی اج ۳/ص ۱۱۴۸ فتح القدیر اج ۱۱/ص ۱۲۳۹ ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم تالیف ابی سعود محمد بن محمد العمادی ابیروت اج ۱۱/ص ۱۲۷۷

وبعد من ازدواج نمودم با عبدالرحمن بن زبیر رضی الله عنه و حالا آلت تناسلی او مثل گوشه جامه است (یعنی که توان مقاربت جنسی را ندارد) پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم گفت: آیا اراده داری تا به شوهری اولی ات «رفاعه» برگردی؟ نه این چنین نمیشود تا اینکه شما از شیرینی یکدیگرتان بچشید. وجه دلالت: علامه ابن حجر عسقلانی در ذیل این حدیث میگوید: که این حدیث دلالت میکند بر اینکه همبستری در تحلیل ضروری میباشد تا اینکه برای شوهر اول حلال گردد. (۱)

۳- اجماع:

اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم اجماع نموده اند بر اینکه هرگاه مردی آزادی خانم خویش را طلاق سه گانه دهد و عدت آن بگذرد و بعد با مردی دیگری ازدواج کرده هم بستری کند و نیز طلاق دریافت کند و عدت بگذراند و باز باشوهری اولی نکاح کند شوهر اول صلاحیت سه طلاق را دارا میباشد. (۲)

خلاصه: بعد از اینکه اقوال فقهاء را با دلایل شان ذکر نمودم، روشن میگردد که شوهر اول قدرت رجوع را برای خانم اش که به طلاق باین طلاق نموده ندارد مگر اینکه این خانم با مردی دیگری نکاح کرده و طلاق دریافت نماید، اما باید دانست که در این کار هیچ اتفاق مبنی بر طلاق میان خانم و شوهر دوم صورت نگرفته باشد، و نیز این خانم عدت بگذراند و بعد از عدت میتواند باشوهر اول ازدواج نماید و عقد جدید و مهر جدید نیز بر ایشان لازم میباشد و این بخاطر این خواهد بود که برای هر دو پندی باشد که طلاق را بازی چه نداند.

ومن الله التوفیق.

(۱) فتح القدیر ج ۱۹ ص ۱۴۶۶
(۲) الاجماع ج ۱ ص ۱۸۲

نتیجه گیری :

از خلال بحث ها در مورد خلوت و آثار آن به نتایج ذیل دست یافته ام :

- دین اسلام مانند بقیه ادیان سماوی به خاطر حفظ اهداف پنج گانه (حفظ دین ، نسل ، نفس ، مال ، عقل) آمده است

- شریعت اسلام شامل تمام امور انسانی در هر مکان و زمان میباشد

- خلوت صحیح همان است که دور از دیدی مردم باشد و این خلوت فاسده میگردد هر گاه که موانع

شرعی مثل حج و غیره و موانع طبیعی مانند شخص سوم و موانع حسی مانند عیوب جنسی موجود باشد

- خلوت در حالات ذیل حرام میگردد:

۱ - خلوت با زنان اجنبی جوان ، سفر با آن حرام میباشد و منظور از اجنبی همان است که ازدواج مرد با او جایز باشد .

۲ - خلوت با دختر صغیره که به سن اشتها یعنی که توان مقاربت جنسی را داشته باشد حرام میباشد .

۳ - خلوت با خانم پیر کی بیگانه حرام میباشد

۴ - خلوت مردان با زنان زیاد نیز حرام میباشد

۵ - خلوت زن با مردان زیاد نیز حرام میباشد

۶ - خلوت با اقارب شوهر مثل برادر کاکا ماما و اقارب زن مانند خواهر عمه و خاله حرام میباشد.

۷ - خلوت با خنثی (دوجنسیته) حرام میباشد که او عبارت از کسی که آلت تناسلی مردان و زنان را داشته باشد .

۸ - خلوت با امرد (بچه برهنه رو) حرام میباشد که او عبارت از پسری جوان است که تاحال ریش و بروت نکشیده باشد.

۹ - خلوت با نابینا حرام میباشد زیرا در آن احتمال فتنه وجود دارد

۱۰ - خلوت با زنان به خاطر نماز که همرايش محارمش ويا شوهرش نباشد حرام ميباشد

۱۱ - خلوت با زنان به خاطر تعليم حرام ميباشد مگر اينكه شرايط آن رعايه گردد

۱۲ - خلوت با زنان به خاطر سفر حرام ميباشد برابر است كه سفر عادي باشد ويا هم براي اداء فريضه

حج

۱۳ - خلوت با زنان به خاطر كار حرام ميباشد ونيز حرام ميباشد شيردادن همكار به خاطر حلال شدن

كار كه به اين عده از علمايي معاصر فتواي داده است .

۱۴ - خلوت خواستگار با خواستگاري شده نيز حرام ميباشد و هر گاه اينها مرتكب فاحشه شوند

برايشان حد جاري ميگردد

۱۵ - خلوت از طريق وسايل الكترونيكي واسباب جديده مانند تليفون ،انترنت وغيره حرام ميباشد

زيرا اگرچندكه خلوت حقيقي شمرده نميشود اما وسيله بسوي تحقق خلوت حقيقي ميگردد چون كه

در آن هتك آبرو و اشاعه فحشي ميان مردم ميباشد .

۱۶ - خلوت با محرمات مؤقتي مانند خواهر زن ، عمه زن وغيره حرام ميباشد زيرا زدواج آنها بعد

زوال مانع حلال ميباشد

خلوت با زنان اجنبي در حالات ذيل جايز ميباشد:

۱ - خلوت با محرمات دائمي در وقت اتمنان از فتنه جايز ميباشد و حرمت دائمي گاهي به اثرى قرابت

و گاهي هم به اثرى مصاهرت و شيرخوارگي ميباشد .

۲ - خلوت با دختر صغييره كه به حد شهوت نرسيده باشد در وقت كه از فتنه درامن بوده باشد جايز

ميباشد مانند اينكه نظر كردن بسوي او لمس كردن ، بوسه كردن ، و نماز خواندن در عقيب او جواز دارد

۳ - بعضی از فقهاء خلوت را با زنان پیر و نیز خلوت مردان را با بیشتر از چند زن و خلوت زنان را با مردان بیشتر از چند مرد و خلوت با دوجنسیته را مشروط به امن فتنخه و نیز سفر را با زنان در سفر برای حج نفلی مشروط بر اینکه زنان ثقه همراه بوده باشد اجازه داده است.

۴ - خلوت با زنان از جهت ضرورت مانند تداوی در حضور محارم یا شوهر و نبود داکتر خانم جواز دارد مشروط بر اینکه نظر داکتر به قدر ضرورت بر بدن خانم باشد .

۵ - خلوت با خانم که از سفر در نیمه راه مانده است به خاطر دادرسی جواز دارد مانند اینکه خانمی در اسارت باشد و بعد موفق به فرار گردد و بارعایه حجاب میتواند با مردی هم سفر شود .

با وجود اینکه خلوت میان خاطبین جواز ندارد اما موارد ذیل جواز دارد .

۱ - دیدن هر واحد از دختر و پسر بسوی یکدیگر بدون تحریک شهوت بدون خلوت با تکرار نظر کردن بعد از خطبه اما این نظر انداختن بسوی دستان و صورت باید بوده باشد

۲ هم سخن شدن هر دو مشروط بر اینکه یکی از محارم خانم همراهش بوده باشد و نیز اینکه سخن هایشان مؤدب و عزت مندانه باشد و نیز باید گفت که رفتن شان بسوی شهرها و جاهای عامه جواز ندارد .

۳ - تزیین دختر و پسر در خطبه مشروع بوده که برهنه و مخالف عزت نباشد جواز دارد اما هدف بخاطر اصلاح بدن و اندام بوده باشد

خلوت با مخطوبه ضررهای را متوجه دختر میسازد:

۱ - خوف وقوع در زنا وجود دارد

۲ - باعث ریختن آبروی خانم میگردد و نیز بدگمانی میان مردم در مورد ایشان پیدامیشود

۳ - خلوت بامخطوبه باعث تحقق اهدافی که عبارت از شناخت هردو از یک دیگر است نمیشود پس بر فامیل هاست که برای دختر و پسر اجازه ندهد که باهم خلوت داشته باشد و یا هم دست به اعمال بزنند به دلیل اینکه در روز های آینده ازدواج میکنند .

- بر خلوت صحیحه در نزد بعضی از فقهاء آثاری مرتب میگردد و خلوت صحیحه با همبستری حقیقی در موارد ذیل توافق دارد:

- ۱ - واجب شدن تمام مهر به سبب خلوت صحیحه
- ۲ - واجب شدن عدت به سبب خلوت صحیحه
- ۳ - ثبوت نسب بر جنین وقتی که شوهر بالغ باشد و موانع برای همبستری وجود نداشته باشد و نیز تولد بعد از شش ماه و امکان به هم رسیدن زن و شوهر از حیث مکان وجود داشته باشد .
- ۴ - ثبوت رجعت برای شوهر به طلاق رجعی
- ۵ - ثبوت نقشه برای خانم
- ۶ - کسی که باخانم چهارم خلوت کرده برای او خانم پنجم حلال نیست تا اینکه عدت طلاق شده از چهار زن نگذرد

خلوت صحیحه با هم بستری حقیقی در موارد ذیل فرق میکند:

- ۱ - احصان برای زن و مرد به خلوت صحیحه ثابت نمیشود اما به همبستری حقیقی ثابت میگردد و هر گاه صاحب خلوت زنا کند دره زده واجب میگردد و اگر صاحب هم بستری زنا کند رجم میشود
- ۲ - ثبوت حرمت ربیبه بسبب خلوت مادرش نمیشود اما بسبب همبستری بامادرش حرمت ثابت میگردد
- ۳ - خلوت صحیحه باشوهر دوم همبستری شمرده نمیشود بخاطر اینکه تا به شوهر اول حلال گردد
- ۴ - خلوت صحیحه با شوهر واجب کننده غسل نمیگردد اما همبستری واجب کننده غسل میگردد

۵ - خلوت صحیحه در رمضان روزه را فاسد نساخته و کفاره را واجب نمیگرداند اما همبستری روزه را فاسد و کفاره را واجب میگرداند .

پیشنهادات :

من من حیث یک مسلمان و یک طلبه علوم اسلامی به کافه امت اسلام، بخصوص امارت اسلامی افغانستان، وزارت محترم تحصیلات عالی کشور، و مردم با عزت افغانستان چنین پیشنهاد مینمایم :

۱ - در نخست میگویم که هیچ حکمی از احکام الهی در زمین، خالی از حکمت نبوده، و همه وهم برای منفعت انسانی میباشد، باید از آن اطاعت نمود

۲ - اختلاط مردان و زنان باعث بر افروختن نزاع و مشکلات اجتماعی میگردد، به حکومت امارت اسلامی افغانستان خواهشمندانه پیشنهاد میکنم که در همه امور، از خلوت مردان با زنان جلوگیری نماید

۳ - از وزارت جلیله تحصیلات عالی کشور خواهشمندیم که سیستم تحصیلی کشور را، به گونه عیار نماید که از اختلاط مردان و زنان جلوگیری نماید

۴ - از جامعه روحانی افغانستان، علماء، اساتید علوم شرعی، و طلبه علوم اسلامی تقاضا میکنم که مطالب برخواسته از فقه اسلامی در قبال خلوت مردان با زنان را و نیز عواقب ناگوار ناشی از خلوت زنان با مردان را، در جامعه افغانستان برای مردم بفهمانند تا از ضررهای برخواسته از خلوت جلوگیری به عمل آید

۵ - از رهبری محترم پوهنتون سلام که من حیث یکی از عالی ترین مکان تحصیلی مخصوصا در علوم شرعی که در کشور فعالیت میکند احترامانه خواهشمندیم (چنان که در سال گذشته در این پوهنتون از خلوت های بی جا و بی مورد جلوگیری نمودند) یک بار دیگر نیز توجه شان را خواهشمندیم

۶ - از همه استادان که در پوهنتون سلام مصروف وظیفه مقدس تدریس هستن احترامان تقاضا میکنم که در لکچر های درسی شان برای محصلین و محصلات اضرار و بدی های خلوت با مردان اجنبی را باز گو کنند، تا باشد وظیفه شرعی و میهنی مان اداء شده باشد

۷ - و در اخیر از برادران و خواهران که این رساله به دست شان میرسد تقاضا میکنم که در مورد خلوت با اجنبی خیلی حساس بوده باشند ، تا باشد از این مهلکه خود را نجات بدهند .

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین .

فهرست آیات قرآن کریم:

| شماره | جزء آیت | سوره | شماره آیت | شماره صفحه |
|-------|--|--------|-----------|-------------------------|
| ۱ | وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ | نحل | ۸۹ | ۱ |
| ۲ | وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ | البقره | ۱۴ | ۸ |
| ۳ | وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا | نور | ۳۱ | ۱۶ |
| ۴ | الزَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ | نور | ۲ | ۲۰ |
| ۵ | وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ | البقره | ۱۸۷ | ۲۶ |
| ۶ | وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ | احزاب | ۵۴ | ۳۰- ۶۶- ۹۲ |
| ۷ | فَلَاتَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا | احزاب | ۳۲ | ۳۳ |
| ۸ | حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ | النساء | ۲۳ | ۴۴- ۴۵- ۴۶- ۴۷ |
| ۹ | وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُم الَّتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ | النساء | ۲۳ | ۴۱ |
| ۱۰ | الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّن الرِّضَاعَةِ | النساء | ۲۳ | ۴۲ |
| ۱۱ | وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا | النساء | ۲۳ | ۴۳ |
| ۱۲ | وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ | النساء | ۲۴ | ۴۴ |
| ۱۳ | وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ | البقره | ۲۳۵ | ۴۸ |
| ۱۴ | وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ | البقره | ۲۲۱ | ۴۹ |
| ۱۵ | فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ | البقره | ۲۳۰ | ۴۰ |
| ۱۶ | وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ | النور | ۳۰ | ۵۳ |
| ۱۷ | وَاللَّائِي يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِّسَائِكُمْ إِنْ أُرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ | الطلاق | ۴ | ۶۰- ۱۳۲ |

| | | | | |
|----|------|----------|---|--------------------------------------|
| | | | يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا | |
| ۱۸ | ۶۰ | النور | وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ | ۶۳- ۶۵ |
| ۱۹ | ۹۷ | آل عمران | وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ النَّبِيِّ مِنَ الْإِسْطِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ | ۶۷ |
| ۲۰ | ۳۰ | نور | قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ | ۷۰- ۷۵- ۸۶ |
| ۲۱ | ۳۴ | احزاب | وَأذْكُرَنَّ مَا بُدِئْتُ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا | ۹۱ |
| ۲۲ | ۱۷۹ | البقره | وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ | ۹۴ |
| ۲۳ | ۲۹ | النساء | وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا | ۹۴ |
| ۲۴ | ۱۷۳ | البقره | إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ | ۹۵ |
| ۲۵ | ۱۸۵ | البقره | يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ | ۹۸ |
| ۲۶ | ۶ | مائده | مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ | ۹۸ |
| ۲۷ | ۹۷ | آل عمران | وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ النَّبِيِّ مِنَ الْإِسْطِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ | ۱۰۵ |
| ۲۸ | ۹-۱۱ | نور | وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ | ۱۰۷ |
| ۲۹ | ۳۴ | النساء | الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ | ۱۰۹ |
| ۳۰ | ۲۱ | النساء | وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا | ۱۱۶- ۱۱۷- ۱۱۸- ۱۲۶- ۱۲۷- |

| | | | | |
|------|-----|--------|---|----|
| ۱۲۸- | | | | |
| ۱۵۲ | | | | |
| ۱۱۸- | ۲۳۷ | البقره | وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ | ۳۱ |
| ۱۱۹ | | | | |
| ۱۲۳ | ۲۳۴ | البقره | (وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا | ۳۲ |
| ۱۲۴ | ۲۲۸ | البقره | وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ | ۳۳ |
| ۱۲۵ | ۴ | طلاق | وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ | ۳۴ |
| ۱۲۸ | ۴۹ | احزاب | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَالِكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا | ۳۵ |
| ۱۴۲- | ۲۳ | النساء | وَرَبَائِبِكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ | ۳۶ |
| ۱۴۳ | | | | |
| ۱۴۵ | ۲۵ | النساء | فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ | ۳۷ |
| ۱۴۵ | ۲۴ | النساء | مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ | ۳۸ |
| ۱۴۹ | ۳ | النساء | فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتًى وَثَلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ الِاتِّعَادَ فَوَاحِدَةً | ۳۹ |
| ۱۵۴ | ۲۳۰ | البقره | فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَجِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ | ۴۰ |
| ۱۵۵ | ۲۳ | النساء | وَحَلَائِلُ أَبْنَاءِ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا | ۴۱ |

فهرست احاديث نبوي صلى الله عليه وسلم:

| شماره صفحه | جزء حديث | شماره |
|---------------|---|-------|
| ۱۷ | أنظرت اليها؟ قال : لا ! قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : انظرا اليها فانه اجدر ان يؤدم بينكما | 1. |
| ۱۷ | خطبت امرأة فكنت أتخبأ لها حتى رأيت منها مادعاني الى نكاحها فتزوجتها | 2. |
| ۱۸ | لا تزوجوا بناتكم من الرجل الدميم فانه يعجبهن منهم ما يعجبهم منهن | 3. |
| ۲۰ | الولد للفراش وللعاهر الحجر | 4. |
| ۲۱ | خذوا عني خذوا عني قد جعل الله لهن سبيلا ، البكر بالبكر جلد مائة ونفي السنة والثيب بالثيب جلد مائة والرجم | 5. |
| ۲۵ | عن هشام بن يزيد قال سمعت انس ابن مالك رضى الله عنه يقول جاءت امرأة من الانصار الى النبي صلى الله عليه وسلم فخلا بها فقال والله انكن لاحب الناس الىّ | 6. |
| ۴۶ | ان النبي صلى الله عليه وسلم قال ان الله يحرم من الرضاعة ما يحرم من الولادة | 7. |
| ۴۹ | سنوا بهم سنة اهل الكتاب غيرنا كحى نسائهم ولا آكلى ذبائهم | 8. |
| ۵۳- ۹۰-۷۰ | عن ابن عباس رضى الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يخلون رجل بامرأة الا ومع ذى محرم فقام رجل فقال : يا رسول الله امرأتى خرجت حاجة واكتتبت فى غزوة كذا وكذا قال :ارجع فحج مع امرأتك | 9. |
| ۷۰-۵۴ | لا يخلون رجل بامرأة ولا تسافرا الا ومعها ذو محرم | 10 |
| ۵۴- ۷۷-۶۷ | عن ابن عباس رضى الله عنهما قال سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول : لا يخلون رجل بامرأة ولا تسافر امرأة الا ومعها ذو محرم | 11 |

| | | |
|--------------------------|----|---|
| ٥٥ | ١٢ | عن ميمون بن مهران قال : اوصانى عمر بن عبدالعزيز فقال : ياميمون ! لاتخلو بأمرأة ، لا تحل لك وان اقرأتها القرآن ولا تتبع السلطان وان رأيت انك تأمره بمعروف او تنهاه عن منكر ولا تجالس ذاهوى فيلقى فى نفسك شىء يسخط الله |
| ٥٦ | ١٣ | خطب عمر بن الخطاب فى الناس بالجايبة فقال: ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قام فى مقامى فقال : لا يخلون رجل بأمرأة فان ثالثها الشيطان |
| ٦١ | ١٤ | عن عايشة رضى الله عنها ان النبى صلى الله عليه وسلم تزوجها وهى بنت ست سنين وبنى بها وهى بنت تسع سنين |
| ٦١ | ١٥ | ذا بلغت الجارية تسع سنين فهى امرأة |
| ٦٢ | ١٦ | قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا جاء على الجارية تسع السنين فهى امرأة |
| -٧٩ -٨٢ -٨٩ ١١٠ | ١٧ | لا يخلون رجل بأمرأة الا كان ثالثهما الشيطان |
| ٦٦ | ١٨ | لاتسافر المرأة ثلاثة ايام الا ومعها محرم او زوج |
| ٧١ | ١٩ | قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لترین الظغينة ترتحل من الحيرة حتى تطوف بالكعبة لا تخاف الا الله |
| ٧٣ | ٢٠ | لا يدخلن رجل بعد يومى هذا على مغيبة الا ومعها رجل او اثنان |
| ٧٦ | ٢١ | عن عقبه بن عامر رضى الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اياكم والدخول على النساء فقال الرجل من الانصار يا رسول الله صلى الله عليه وسلم |

| | أفرايت الحموم؟ | |
|-----|--|----|
| ٧٥ | لايخلون رجل بامرأة الا كان ثالثهما الشيطان | 22 |
| ٧٥ | لاتسافر المرأة الا مع ذى محرم | 23 |
| ٧٨ | لايخلون رجل بامرأة الا كان ثالثهما الشيطان | 24 |
| ٩٦ | عن الربيع بنت المعوذ رضى الله عنها انها قالت كنا مع النبی صلى الله عليه وسلم نسقى ونداوى الجرحى ونرد القتلى الى المدينة | 25 |
| ٩٧ | ان رسول الله صلى الله عليه وسلم لما حكم سعدا فى بنى قريضة كان يكشف مؤتزرهم | 26 |
| ٩٥ | لايحل لأمرأة تؤمن بالله واليوم الآخر ان تسافر مسيرة يوم وليلة الا مع ذى محرم عليها | 27 |
| ١١٢ | من كشف امرأة فنظر الى عورتها فقد وجب الصداق | 28 |
| ١١٩ | ان خلق احدكم يجمع فى بطن امه اربعين يوما نطفة ثم يكون علقة مثل ذلك ثم يكون مضغة مثل ذلك ثم يبعث اليه الملك فينفخ فيه الروح | 29 |
| ١٢٧ | عن محمد ابن زياد رضى الله عنه قال : سمعت ابا هريرة رضى الله عنه قال النبى صلى الله عليه وسلم : الولد للفراش وللعاهر الحجر | 30 |

فهرست اعلام:

| شماره صفحه | اسماء اعلام | شماره |
|---------------|---------------------------|-------|
| ۱۵ | مغیره بن شعبه | ۱ |
| ۱۶ | امیر المؤمنین عمر بن خطاب | ۲ |
| ۲۰ | ابن تیمیه | ۳ |
| ۲۵ | علامه ابن حجر عسقلانی | ۴ |
| ۲۵ | علامه ماوردی | ۵ |
| ۲۷ | علامه قرطبی | ۶ |
| ۲۷ | علامه شعرای | ۷ |
| ۲۸ | علامه ابن قیم جوزی | ۸ |
| ۲۸ | ابن حزم | ۹ |
| ۲۸ | علامه قرضاوی | ۱۰ |
| ۳۰ | شیخ ابن جبرین | ۱۱ |
| ۳۴ | ابن عابدین شامی | ۱۲ |
| ۳۵ | ابن نجیم | ۱۳ |
| ۳۸ | دکتور عبدالکریم زیدان | ۱۴ |
| ۳۹ | امام نووی | ۱۵ |
| ۴۳ | امام مسلم | ۱۶ |
| ۴۷ | علامه کاسانی | ۱۷ |

| | | |
|----|-------------------------|----|
| ۴۹ | صفوان بن معطل | ۱۸ |
| ۵۰ | عبد الله بن عباس | ۱۹ |
| ۵۰ | علامه ابن حبان | ۲۰ |
| ۵۱ | ابن حجر عسقلانی | ۲۱ |
| ۵۱ | میمون بن مهران | ۲۲ |
| ۵۱ | ابن منذر | ۲۳ |
| ۵۲ | جابر بن سمره | ۲۴ |
| ۵۷ | ام المؤمنین عایشه صدیقه | ۲۵ |
| ۵۸ | عبدالله بن عمر | ۲۶ |
| ۵۸ | مبارک فوری | ۲۷ |
| ۶۲ | عبدالله بن عباس | ۲۸ |
| ۶۶ | عبدالله بن عباس | ۲۹ |
| ۶۷ | عدی بن حاتم | ۳۰ |
| ۶۷ | علامه زیلعی | ۳۱ |
| ۶۷ | شیخ نظام | ۳۲ |
| ۶۷ | علامه کاسانی | ۳۳ |
| ۶۹ | امام نووی | ۳۴ |
| ۷۱ | عقبه بن عامر | ۳۵ |
| ۷۲ | امام بغوی | ۳۶ |
| ۷۲ | امام نووی | ۳۷ |

| | | |
|-----|--------------------|----|
| ۷۲ | ابن حجر عسقلانی | ۳۸ |
| ۷۴ | ابن حجر عسقلانی | ۳۹ |
| ۷۸ | سفیان ثوری | ۴۰ |
| ۷۸ | حسن بن زکوان | ۴۱ |
| ۷۹ | امام غزالی | ۴۲ |
| ۸۱ | ابن عثیمین | ۴۳ |
| ۸۵ | عقبه بن عامر | ۴۴ |
| ۸۵ | بن مفلح | ۴۵ |
| ۸۸ | برهان‌دین مرغینانی | ۴۶ |
| ۸۹ | علامه حصاص | ۴۷ |
| ۹۰ | ربیع بن معوض | ۴۸ |
| ۹۹ | عبدالله بن عمرو | ۴۹ |
| ۱۰۰ | مصطفی زرقاء | ۵۰ |
| ۱۰۲ | امام قرطبی | ۵۱ |
| ۱۰۴ | ابن قدامه | ۵۲ |
| ۱۰۵ | علامه شوکانی | ۵۳ |
| ۱۰۵ | ابن عراقی | ۵۴ |
| ۱۰۶ | بدرالدین عینی | ۵۵ |
| ۱۱۱ | امام شعبی | ۵۶ |
| | | ۵۷ |

فهرست مصادر و مراجع:

1. قرآن کریم
2. تفسیر روح المعانی : تالیف علامه ابوالفضل شهاب الدین سیدمحمد البغدادی الآلوسی چاپ دارالتراث عربی بیروت
3. تفسیر بحرالمحیط : تالیف ابوحنان محمد بن یوسف مشهور به اندلسی دار الکتب علمیه لبنان بیروت سال طبع ۱۴۲۲ هجری طبع اول تحقیق شیخ عادل احمد عبدالوجود و شیخ علی محمد معوض .
4. تفسیر کبیر : تالیف فخرالدین محمد بن عمر التمیمی الشافعی چاپ دار الکتب العلمیه بیروت ۱۴۲۱ هجری طبع اول
5. تفسیر خازن مسمی به لباب التاویل فی معنی التنزیل : تالیف علاء الدین خازن علی بن محمد چاپ دارالفکر لبنان سال طبع ۱۳۹۹ هجری .
6. بحرالعلوم : تالیف نصر بن محمد بن احمد ابولیت سمرقندی تحقیق دکتور محمود مطرحی چاپ دارالفکر بیروت
7. جامع البیان عن تاویل آی القرآن : تالیف محمد بن جریر بن یزید بن خالد ابوجعفر طبری چاپ دارالفکر بیروت سال طبع ۱۴۰۵ هجری
8. احکام القرآن : تالیف ابوبکر بن عبدالله معروف به ابن عربی چاپ لبنان تحقیق محمد عبدالقادر عطا .
9. احکام القرآن : تالیف احمد بن علی رازی ابو بکر جصاص چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت سال طبع ۱۴۰۵ تحقیق محمد صادق قمحاوی .
10. کتاب غریب القرآن : تالیف ابوبکر محمد بن عزیز سجستانی چاپ دار القتیبه سال ۱۴۱۶ هجری .

11. طبقات المفسرين : تالیف عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی چاپ مکتبه وهبه قاهره طبع اول تحقیق علی محمد عمر سال ۱۳۹۶ هجری
12. اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن : تالیف محمد امین بن محمد بن مختار جنکی شنقیطی چاپ دار الفکر بیروت سال ۱۴۱۵ هجری تحقیق مکتب البحوث والدراسات .
13. صحیح البخاری : تالیف ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره البخاری متوفی سال (256 هجری) چاپ دار ابن کثیر بیروت طبع سوم سال ۱۴۰۷ هجری
14. صحیح المسلم : تالیف ابوالحسن مسلم بن الحجاج النیساپوری متوفی سال (261 هجری) تحقیق محمد فواد عبدالباقی چاپ دار احیاء بیروت .
15. سنن ابوداود : تالیف سلیمان بن اشعث السجستانی متوفی ۲۷۵ هجری چاپ دار الفکر بیروت تحقیق محی الدین عبدالحمید
16. سنن ابن ماجه : تالیف ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی تحقیق محمد فواد عبدالباقی چاپ دار الفکر بیروت .
17. سنن ترمذی : تالیف ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی تحقیق احمد محمد شاکر چاپ دار احیاء تراث بیروت
18. سنن نسائی: تالیف احمد بن شعیب نسائی چاپ مکتبه المطبوعات حلب طبع دوم سال ۱۴۰۶ هجری
19. سنن دارقطنی : تالیف ابوالحسن علی بن عمر بغدادی دارقطنی تحقیق سید عبدالله هاشم یمانی مدنی چاپ دار المعرفت بیروت سال ۱۳۸۶ هجری
20. تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی : تالیف محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم مبارکفوری چاپ دار الکتب علمیه بیروت .

21. شرح فتح القدير : تاليف ابن الهمام كمال الدين محمد بن عبدالواحد دار الفكر بيروت طبع دوم .
22. نيل الاوطار : تاليف محمد بن على بن محمد شوكانى چاپ دار الجبل بيروت سال ۱۹۷۳ ميلادى
23. عمده القارى : تاليف بدرالدين محمود عيني چاپ داراحياء بيروت
24. تلخيص الحبير فى احاديث الراعى الكبير : تاليف احمد بن على حجر عسقلانى چاپ مدينه منوره سال چاپ ۱۳۸۴ تحقيق سيد عبدالله هاشم اليمانى المدنى .
25. مبسوط : تاليف شمس الدين السرخسى چاپ دار المعرفت بيروت
26. مبسوط : تاليف محمد بن حسن الشيبانى چاپ اداره القرآن والعلوم اسلامى كراتشى تحقيق ابوالوفاء افغانى .
27. المغنى: تاليف محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامة المقدسى الجماعىلى الدمشقى الصالحى متوفى (620 هجرى)
28. فتاوى هندية : تاليف شيخ نظام وجماعه از علماء هند چاپ دار الفكر سال ۱۴۱۱ هجرى
29. بداية المجتهدونهايت المقتصد : تاليف ابوالوليد محمد بن محمد بن رشد معروف به ابن رشد متوفى سال (595 هجرى) چاپ دار الفكر بيروت
30. البداية والنهاية : تاليف اسماعيل بن عمر معروف به ابن كثير چاپ دار النشر مكتبه معارف بيروت .
31. الام : تاليف ابو عبدالله محمد بن ادريس شافعى متوفى (204 هجرى) دارالمعرفت بيروت طبع دوم سال طبع ۱۳۹۳ هجرى .
32. بدايع الصنایع : تاليف علاءالدين كاسانى چاپ دار الكتاب عربى بيروت سال طبع ۱۹۸۲ هجرى طبع دوم .

33. شرح الكبير : تاليف سيدى احمد ابو البركات دردير تحقيق محمد عايش چاپ دار الكتب علميه بيروت
34. فتح المعين : تاليف زين الدين بن عبدالعزيز چاپ دار الفكر بيروت
35. الحاوى الكبير: تاليف على بن محمد بن حبيب ماوردى چاپ دار الكتب علميه بيروت \ لبنان سال ١٤١٩ هجرى طبع اول تحقيق شيخ على محمد معوض
36. سير الاعلام النبلا : تالف محمد بن احمد بن عثمان ذهبي چاپ موسسه الرساله بيروت طبع نهم سال ١٤١٣ هجرى تحقيق شعيب ارناووط .
37. احكام الشرعيه الكبرى : تاليف ابو محمد عبدالحق اشبيلي چاپ مكتبه الرشده سعودى \ رياض \ طبع اول سال ١٤٢٢ هجرى تحقيق ابو عبدالله حسن بن عكاشه .
38. اسنى المطالب فى شرح روض الطالب تاليف زكريا بن محمد دارالكتب علميه بيروت سال طبع ١٤٢٢ هجرى طبع اول تحقيق دكتور محمد محمد تامر .
39. تبين الحقايق شرح كنزالدقايق : تاليف فخرالدين عثمان بن على زيلعى چاپ قاهره دارالكتب اسلامى سال طبع ١٣١٣ هجرى
40. تقريب التهذيب : تاليف احمد بن على ابو الفضل حجر چاپ دار الرشيد سوريه سال طبع ١٤٠٦ طبع اول تحقيق محمد عوامه
41. روضه الطالبين وعمده المفتيين : تاليف يحيى بن شرف نووى چاپ مكبت الاسلامى بيروت سال ١٤٠٥ هجرى طبع اول
42. تحفة الحبيب على شرح الخطيب : تاليف سليمان بن محمد بحيرمى شافعى چاپ دار الكتب علميه بيروت \ لبنان سال ١٤١٧ هجرى طبع اول .
43. حاشيه دسوقى : تاليف محمد عرفه دسوقى چاپ دار الفكر بيروت تحقيق محمد عايش .

44. تهذیب التهذیب : تالیف احمد بن علی ابوالفضل حجر دار الفکر بیروت سال ۱۴۰۴ طبع اول
45. حاشیه بحیرمی علی شرح منهج الطلاب : تالیف سلیمان بن محمد بحیرمی شافعی چاپ
مکتبه اسلامی دیار بکر ترکیه
46. شرح قواعد فقهیه : تالیف شیخ احمد زرقا چاپ دار ارقم دمشق طبع دوم تحقیق مصطفی احمد زرقا.
47. شرح معانی الآثار : تالیف احمد بن احمد الطحاوی چاپ دار العلمیه بیروت طبع اول سال
۱۳۹۹ هجری تحقیق محمد زهری نجار ..
48. حاشیه عدوی علی شرح کفایة الطالب الربانی : تالیف علی صعیدی عدوی مالکی دار الفکر
بیروت سال چاپ ۱۴۱۲ هجری تحقیق شیخ محمد یوسف بقاعی .
49. فقه الاسلامی وادلتہ: تالیف علامه وھبۃ الزحیلی چاپ دار الفکر دمشق طبع اول
50. الفواکھ الدوانی : تالیف احمد بن غنیم بن سالم نفرأوی چاپ دار الفکر بیروت سال ۱۴۱۵ هجری
51. المہذب فی فقه امام شافعی : تالیف ابراھیم بن علی بن یوسف ابواسحاق شیرازی چاپ دار
الفکر بیروت ..
52. مجمع الانھر فی شرح ملتقی الابحر : تالیف عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان کلیبونی چاپ
دار الکتب علمیه بیروت طبع اول سال ۱۴۱۹ هجری تحقیق خلیل عمران منصور .
53. منح الجلیل شرح علی مختصر سید خلیل : تالیف محمد علیش چاپ دار الفکر بیروت سال
چاپ ۱۴۰۹ هجری .
54. مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل : تالیف محمد عبدالرحمن خطاب چاپ اداره دارالفکر
بیروت طبع دوم سال ۱۳۹۸ هجری
55. کفایة الاخیار فی حل غایة الاختصار : تالیف تقی الدین ابو بکر بن محمد الحسینی تحقیق
علی عبدالحمید بلطجی و محمد وھبی سلیمان طبع اول چاپ دارالخیر دمشق سال ۱۹۹۴ میلادی

56. المفصل فى احكام المرأة والبيت : تاليف عبدالكريم زيدان چاپ مؤسسه الرساله بيروت طبع دوم سال ۱۹۹۴ ميلادى
57. غايه البيان شرح زيد بن ارسلان : تاليف محمد بن احمد رملی انصارى چاپ دار المعرفه بيروت .
58. الذخيره : تاليف شهاب الدين محمد بن ادريس قرافى دارالغرب بيروت سال ۱۹۹۴ ميلادى تحقيق محمد حجى
59. تاج واکليل لمختصر الخليل : تاليف محمد بن يوسف بن ابى القاسم ابو عبدالله عبدرى چاپ دار الفكر بيروت سال ۱۳۹۸ هجرى طبع دوم .
60. تاريخ بغداد : تاليف احمد بن على ابوبكر الخطيب البغدادي چاپ دار الكتب علميه بيروت
61. تعريفات : تاليف على بن محمد جرجانى چاپ دار الكتب عربى طبع اول سال ۱۴۰۵ هجرى
62. قاموس المحيط: تاليف محمد بن يعقوب فيروز آبادى متوفى (817 هجرى) چاپ مؤسسه الرساله بيروت .
63. لسان العرب : تاليف محمد بن مكرم بن منظور طبع دوم چاپ دار صادر بيروت .
64. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد : تاليف على بن ابى ابكر هيثمى چاپ دار ريان قاهره بيروت .
65. مختار الصحاح : تاليف محمد بن ابى ابكر الرازى چاپ مکتبه ناشرون بيروت طبع اول سال ۱۴۱۵ هجرى .
66. معجم البلدان : تاليف ياقوت بن عبدالله ابو عبدالله حموى چاپ دار الفكر بيروت .
67. معجم المقاييس: تاليف ابن فارس چاپ دار الجليل بيروت لبنان سال ۱۹۹۹ ميلادى طبع دوم تحقيق عبدالسلام محمد هارون .
68. معجم الوسيط : تاليف احمد حسن چاپ دار الدعوت
69. مغنى المحتاج: تاليف محمد خطيب شربيني چاپ دار الفكر بيروت

Summary of Research :

This dissertation, which contains an introduction, three Seasons and a Result, discusses as following:

1- Introduction which includes the importance of the subject, main and sub-questions, previous references, and discussion methods, and the authority of the subject, has been mentioned.

The first Seasons in which the topics, the concept of privacy, types and obstacles of discussion have been discussed.

The first topic includes the concept of privacy in terms of words and idioms of jurists, terms related to privacy have been discussed.

The second issue is the issue of privacy with the sermon, which includes the definition of the sermon, in terms of words and idioms of the jurists, as well as the controversy of definitions and arbitrary definitions of it. The ruling of solitude has been discussed with the verses of the Holy Qur'an and the hadiths, as well as the harm that befalls the verses with the approach of the theories of the scholars.

The third topic includes the types of privacy, which include the contents of True privacy, corrupt privacy, how to prove privacy, and the privacy by electronic devices, Research has been done for compelling reasons.

The fourth topic discusses those barriers to privacy, which include the contents of barriers belonging to men and women and the meaning of various barriers in terms of words and idioms by presenting the sayings of jurists have been discussed.

The second Season contains privacy with foreigners, which includes the following topics.

The first topic, which includes the meaning of a stranger, such as the definition of a stranger in terms of words and terms, the definition of incest and its types, the rule of solitude with strangers with its subdivisions, which has been discussed with argument and documented reasons have been discussed.

The second topic includes solitude with a stranger in terms of excuses, which includes solitude with a stranger in terms of excuse, education, treatment, travel, work, which is based on the verses of the Holy Quran, the hadiths of the Holy Prophet (peace be upon him), and the views of jurists have been discussed.

The third Season includes regular works on privacy, which is the first topic of discusses the definition of love in terms of words and idioms of jurists, and the effects of the degree of privacy on Mehr by colluding with the theories of jurists have been discussed.

The second topic includes the effect of solitude on legal Period, which discusses the definition of legal Period in terms of words and idioms of jurists, types of legal Period, and the effect of solitude on legal Period Has argued with strong discuss and arguments.

The third topic includes the effect of correct privacy on lineage, which discusses the definition of lineage in terms of words and the effect of correct privacy on lineage with reasons have been discussed.

The fourth topic discusses the effect of correct privacy on reciprocal divorce, have been discussed which includes the definition of reciprocal divorce in terms of words and terms, types of reciprocity, and the effect of correct privacy on reciprocal divorce, with all the reasons have been discussed.

The fifth topic is that it includes the effect of correct privacy on alimony and has discussed issues such as the definition of alimony in terms of words and terms, and the effect of privacy on alimony by presenting the view of jurists have been discussed.

The sixth issue considers the effect of correct privacy on expropriation, have been Examined which includes the definition of Rabibeh (Female daughter from another husband) in terms of words and terms, as well as the effect of correct privacy on the prohibition of Rabibeh (Female daughter from another husband).

The seventh topic has included the effect of correct privacy on Ehsan (Marrying a woman), which has discussed the contents of the definition of Ehsan (Marrying a woman), in terms of words and terms, and the effect of correct privacy Discussed with convincing reasons.

The eighth topic has discussed the correct privacy with the fourth, which makes the fifth forbidden, has been discussed for strong reasons.

The ninth topic discusses the effect of solitude on analysis has been discuss, which includes the content words and terms of the concept of analysis ,the sentence of analysis, and the effect of correct solitude on analysis based on the verses of the Holy Quran, hadiths, and the sayings of jurists has been discussed.

At the end, the Results that contain important points on the content of the subject is mentioned in this dissertation.

And also mentions the sources that were used in compiling this treatise which is used has been Reminded.

Also, the list of Contents of the Holy Quran, the precious hadiths of the Messenger of God. (M, peace be upon him), and the list of revelations are mentioned in this treatise.



Salam Privet University

Faculty of Law and Sharia

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic emarat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Dm of academic affairs

Rulings on Privacy and it's effects in Islamic jurisprudence

Master's Program

Student: Habib ullah “Bahej”

Instructor: Musarraaf Wazer Mohammad “Sayede”

Year : 2022



Salam Privet University
Faculty of Law and Sharia
Master Program in Jurisprudence
& Law



Islamic emarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Dm of academic affairs

Rulings on Privacy and it's effects in
Islamic jurisprudence
Master's Program

Student: Habib ullah "Bahej"

Instructor: Musarraaf Wazer Mohammad "Sayede"

Year : 2022